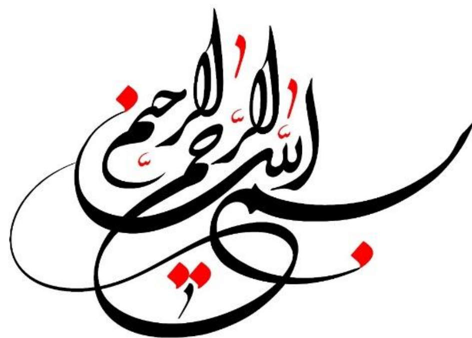
جفرنس

تالیف و گردآوری
امید مریدی
سید حمید درخشان



آموزش جفر نس

مولف:

امید مریدی

سید حمید درخشان

سرشناسه:	درخشان، سیدحمید، ۱۳۵۵-
عنوان و نام پدیدآور:	آموزش جفر نس/ مولف سیدحمید درخشان، امید مریدی.
مشخصات نشر:	تهران: آذرین مهر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری:	۳۰۶ ص.: مصور، جدول.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۸۵۵-۳۸-۹
وضعیت فهرست نویسی:	فیپا
موضوع:	جفر
موضوع:	Jafr*
موضوع:	علم‌الحروف
موضوع:	Onomatomancy*
موضوع:	علوم غریبه اسلامی
موضوع:	Islamic occultism
شناسه افزوده:	مریدی، امید، ۱۳۵۷-
رده بندی کنگره:	BF ۱۷۷۹
رده بندی دیویی:	۱۳۳/۳۳۵
شماره کتابشناسی ملی:	۵۹۰۴۱۴۹



آموزش جفر نس

مولف: امید مریدی، سید حمید درخشان

ناشر : آذرین مهر

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۵۵-۳۸-۹

نوبت چاپ : اول، ۱۳۹۸

قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ تومان

تیراژ : ۲۰۰ جلد

تهران :خیابان انقلاب – خیابان اردیبهشت پلاک ۱۹ – انتشارات آذرین مهر

۰۲۱-۶۶۹۷۸۰۲۹-۳۰

بنای علم ازل امام جودکرم که بخشش دریاست   به جفر جامع و علمش نگر ولی ببسم الله ست

به با بسم الله به سین زبر دان که جلوه از قران   به نقطه با اش نظر ببین رخ علی پیداست

به جزو صفحه و سطر و بیوت عیان کنم بر کسر   بساط حرف تجلا کند ببین که هم گویاست

به جزو و صفحه و سطر بیوت نماد بر جسد است   ز روح دمیده که شد اکسیر جان فزا زیباست

گهی به زیر و به بالا گهی به چپ گه راست   گهی به کل حروف و موربا اخفاست

به اسم اعظمی که بگویم بدان اگر کنم تشریح   به هر منازلی که رسد مکان همان ماواست

بیا به عشق محمد بیا به نام پیمبر سطور را داخل   ز هر طرف شده ناطق تجلیش برپاست

مزج کنم به لفظ و وتد گهی به ماضی و حال   شهنشه مراد علی که همسرش زهراست

به باب علم علی بین ره صراط را داخل   مراد علیست، کلید ملک لافتی اینجاست

شکوه عشق علی بین قلم نگر با عجز   وصی نفس پیمبر ببین شفیع ما مولاست

به نور آل محمد به نور خاص محمد جمال را مهدی   صفات نور چو بینی تشعشش غوغاست

مقام امن و محفل اولیاء در این وادی   به عشق محمد است و علی که آن علیاست

به ذره بین جداول به بسط بر جامع   به نور علم نظر کن که قطره از دریاست

به روح به جان و جسد همی درخشان شد   به اسم اعظم عیسی بگو که این عظماست

سید حمید درخشان - تابستان ۱۳۹۷

فهرست مطالب

مقدمه

علم جفر یا علم حروف، از طریق قواعد خاصی که در این کتاب به بخشی از آن‌ها اشاره شده است برای به دست آوردن مجهولات است. تاریخچه این علم به‌طور دقیق مشخص نیست، ولیکن در اغلب مذاهب، نسل‌ها و زبان‌های مختلف از زمان‌های بسیار قدیم وجود داشته که با مکتوب شدن روش‌های آن در چند صد سال پیش، امروز در اختیار ما قرار گرفته است. در جفر اسلامی، روش‌ها از ائمه (ع) به ارث رسیده که برخی از دانشمندان به ثبت آن مشغول شده‌اند.

به دلیل قدمت این علم و مکتوب شدن روش‌ها در قالب نسخ دست‌نویس، اشتباهات زیادی به‌صورت سهوی یا عمدی هنگام نسخه‌برداری در کتب خطی وارد شده است. این مسئله ما را بر آن داشت تا پس از سال‌ها تحقیق و مطالعه تطبیقی در این خصوص و مقایسه روش‌های گوناگون موجود در نسخ مختلف، معتبرترین روش‌ها را استخراج و در قالب کتاب حاضر تدوین کنیم.

ازآنجایی‌که محاسبات جفری کاری بسیار پیچیده بوده و دقت بالایی را برای جلوگیری از هرگونه اشتباه در تبدیلات و محاسبات می‌طلبد، تمامی روش‌های تشریح شده در کتاب حاضر، در قالب نرم‌افزاری جامع در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است تا شخص جفار بتواند محاسبات خود را به شیوه‌ای دقیق و سریع انجام دهد و به‌جای صرف وقت گران‌بهایش در محاسبات روی نطق خروجی‌ها متمرکز شود.

در این کتاب انواع بسط‌ها، مزج‌ها، مداخل، اعراب‌ها و ابزارهای رایج جفری به‌صورت کاربردی و به زبانی ساده ارائه شده تا افراد مبتدی تا پیشرفته بتوانند از این علم بهره ببرند.

طبیعی است، این کتاب نیز عاری از خطا نباشد، لذا در صورت مشاهده هرگونه اشتباه تایپی یا محاسبه‌ای، خواهشمند است از طریق نامه الکترونیکی با نویسنده تماس حاصل کرده و این موارد را به اطلاع برسانید تا در نسخه بعدی این کتاب، موارد طرح‌شده، پس از بررسی‌های کارشناسان این علم تصحیح و در اختیار عموم قرار گیرد.

توجه داشته باشید، علم جفری که هم اکنون در اختیار ماست، به صورت کامل نیست و این کتاب نیز جهت توسعه و تحقیق در این علم تدوین شده است، لذا در نظر داشته باشید، هر آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد، نزد خداوند علیم محفوظ است و اوست که اگر بخواهد، گوشه‌ای از آینده را برای بنده‌اش هویدا کند.

ماحصل سال‌ها تحقیق شبانه‌روزی منجر به تهیه این کتاب ارزشمند شده است که در حال حاضر در اختیار شما قرار گرفته است، اگر این کتاب را از غیر ناشر دریافت کرده‌اید، حتماً برای حفظ حقوق نشر، به ناشر اطلاع دهید تا برای حفظ حق نشر اقدامات لازم انجام پذیرد. از اینکه شما خواننده عزیز و گرامی، این کتاب را به‌صورت رسمی تهیه نموده‌اید، تشکر وافر می‌کنیم.

امید مریدی

آبان ۱۳۹۸

مقدمه ای بر جفر

جَفر یا علم‌الحروف، از علوم خفیه اسلامی است و به ادعای باورمندان، به تفسیر حروف و اسما، از طریق قواعدی که در آن تعریف شده می‌پردازد. به عبارت دیگر، جفر به دست آوردن مجهولات (پاسخ) است، از روی کلمات جمله‌ی سؤال به‌علاوه‌ی اطلاعاتی در مورد زمان سؤال و اسمائی از خداوند که با سؤال ارتباط دارند.

جفر در لغت به معنای بزغاله یا پوست بزغاله است و چون اوراق اولیه جفر بر روی پوست بزغاله نوشته و عرضه شده بود بدین نام خوانده شده‌است. علم‌الحروف عربی را جفر، و علم‌الحروف عبری را جماتریا (گماتریا) می‌نامند.[۱]

منشأ علم حروف دقیقاً مشخص نیست. ابن ندیم در الفهرست [ص ۴۲۹] می‌نویسد: تاریخ اعتقاد به خاصیت داشتن حروف در اسلام بسیار کهن است. در مورد سابقه توجه به این مباحث در اسلام اظهار نظرهای بسیاری شده است که در ادامه به برخی اشاره خواهیم کرد.

برخی شیعیان باورمند به جفر، آن را منتسب به علی ابن ابی طالب[۲] می‌دانند. کتابی به نام جفر جامع که مشتمل بر ۲۸ جزوه ۲۸ صفحه‌ای (۷۸۴ صفحه) با جدول‌هائی که ۲۸ در ۲۸ خانه هستند و با چهار حرف در خانه که با چهار الف شروع و با چهار حرف غ به پایان می‌رسد، منسوب

---

[۱] کلینی، ۱۳۶۵، ۲: ۲۳۸؛ صفار، ۱۴۰۴،۱۵۰ – ۱۶۱؛ مفید، ۱۴۱۳، ۲: ۲۴۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۴۳

[۲] قمی، ۱۴۱۵، ۲: ۷۱۰

به علی ابن ابی طالب است که در بعضی روش‌ها برای مستحصله از آن استفاده می‌شود و اعتقاد بر آن است که علوم اولین و آخرین در آن کتاب ملحوظ در ملفوظ است. [۳]

بر مبنای برخی روایات، "جَفر" و "جامعه" عنوان دو کتاب حدیثی به املای پیامبر اکرم و نگارش حضرت علی علیه‌السلام، که بعدها سبب به وجود آمدن علم جفر شد. محتوای کتاب جفر که ذکر حوادث آینده تا روز قیامت گزارش شده است. در برخی گزارشها نام این کتاب در کنار کتاب جامعه یاد شده است و بنا بر روایتی از امام کاظم علیه‌السلام، جز نبی و وصی نبی، کسی نمی‌تواند در آن بنگرد و نگریستن در آن از امتیازات اوصیای پیامبر است. [۴]

افزون بر کتاب جفر، در برخی روایات شیعه بر وجود دو جفر دیگر به نامهای «جفر ابیض» (سفید) و «جفر احمر» (سرخ) نزد امامان تأکید شده است امام صادق علیه‌السلام در روایتی این پندار را که این دو جفر، پوستهایی‌اند که بر روی آنها مطالبی نوشته شده، نفی و تأکید کرده که جفر ابیض و احمر تنها دو انبان چرمین‌اند که در اولی شماری کتاب و در دومی شمشیر رسول خدا قرار داشته است.[۵] بنا بر احتمالی، که بعید به نظر می‌رسد، احمر و ابیض صفت احکامی است که در این دو جفر آمده که برخی برای جنگ و قتال و خونریزی و برخی دیگر برای مسالمت و سازش است. مفاد برخی از روایات اهل بیت علیهم‌السلام حاکی از آن است که این کتابها و شمشیر رسول خدا میان امامان شیعه دست به دست می‌گشته و اکنون نیز نزد امام حجت‌بن الحسن علیه‌السلام و بر اساس برخی روایات شیعه، شمشیر رسول خدا و این کتابها نزد هر کس باشد، نشانه امامت اوست، مانند تابوت بنی‌اسرائیل که نزد هر کس بود، نشانه نبوت و رسالت او بود. [۶]

در روایتی منسوب به امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در رابطه با آغاز جفر این‌گونه آورده شده است که در روزهای پایانی عمر پیامبر صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم، همه اخبار گذشته و آینده تا روز

---

[۳] فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ۲۰۰؛ مولی صالح، ۱۳۸۸، ۵: ۳۸۶؛ امین، ۱۴۰۶، ۱: ۹۵؛

[۴] صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ۳۷؛ همو، ۱۹۸۱، ۷: ۳۵؛ صفار، ۱۴۰۴، ۱: ۴۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ب، ۳: ۵۹؛ کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ الف، ۲۶: ۱۸-۴۶؛ کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۳۸؛ عسکری، ۱۴۱۲، ۲: ۳۴۵-۳۴۹؛ لینی، ۱۳۶۵، ۱: ۴۱؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۳: ۳۲۹؛ طوسی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۲۷؛ طوسی، ۱۳۹۰، ۱: ۲۵۱؛ غزالی، ۱۴۱۶، ۴۶۸

[۵] عسکری، ۱۴۱۲، ۲: ۳۲۶؛ مولی صالح مازندرانی، ۱۳۸۸، ۵: ۳۸۹

[۶] کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۳۲؛ کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ الف، ۲۶: ۱۸؛ صفار، ۱۴۰۴، ۱: ۱۵۳؛ همان، ۱۵۱

قیامت و تأویل همه آیات و نام اوصیا از خاندان آن حضرت و آنچه بر ایشان می‌گذرد.[۷] همچنین توصیه یکایک ایشان و شیعیانشان به صبر، بر آن حضرت وحی شد و پیامبر به امر خدا آنها را بر علی علیه‌السلام املا فرمود و آن حضرت نیز با مرکّب سبز رنگی که جبرائیل از بهشت آورده بود، این مطالب را بر روی پوست یک جَفْرة (برّه یا بزغاله ماده)، که آماده شده بود، نوشت.[۸] در پایان این روایت تصریح شده است که اوصیای پیامبر همه اخبار مَلاحِم را از این نوشته برگرفته‌اند بنا بر روایتی که کلینی نقل کرده است، خداوند مشی کلی امامان شیعه را در نوشته‌ای بر رسول خدا نازل کرده است؛ احتمالاً این نوشته همان جفر و جامعه است که امام رضا علیه‌السلام به هنگام پذیرش ولایتعهدی مأمون از آن یاد کرده و در پایان عهدنامه چنین نوشته است: «ولایتعهدی را می‌پذیرم، ولی مضمون جفر و جامعه بر خلاف آن دلالت دارند» و گواهانی نیز بر مضمون آن گواهی دادند . در روایتی دیگر آمده است که امام رضا در پایان عهدنامه نوشت: «مضمون جفر و جامعه چنین بیان می‌دارد که امر ولایتعهدی بتمامه منعقد نخواهد شد».

همانطور که اشاره شد، جامعه نیز عنوانی‌است مشهور برای کتابی از علی علیه‌السلام به املای رسول خدا. طبق نوشته‌های برخی عالمان شیعی، این اثر نخستین کتاب حدیثی است. در روایات و گزارشهای رسیده، این کتاب با عنوانهای «کتاب علی» و «صحیفه» نیز آمده است[۹]. تعدد عنوان‌ها حاکی از تفاوت این کتابها نیست، بلکه از ویژگیهای یکسانی که در روایات برای آنها ذکر شده، نتیجه گرفته می‌شود که این عنوانها حاکی از یک حقیقت‌اند. بنا بر روایاتی که در وصف این کتاب با عنوانهای پیش گفته وارد شده، این کتاب دو ویژگی بارز دارد: یکی این که املای آن را پیامبر اکرم و نگارش آن را علی علیه‌السلام برعهده داشته است و دوم این که محتوای آن همه احکام و حلال و حرامهایی است که مردم در طول اعصار بدان نیاز دارند، حتی در پاره‌ای روایات برای تأکید این امر که مطالب کتاب را پیامبر اکرم املا فرموده است، عبارت «مِنْ فَلَقِ فیهِ» (از میان دو لب مبارکش) نیز آمده است[۱۰]. همچنین برای تأکید بر جامعیت آن، در برخی روایات آمده است که «حتی جریمه خراش رساندن»[۱۱]، که از کوچک‌ترین و کم اهمیت‌ترین موضوعات است، در این کتاب وجود دارد. بنا بر مجموع روایات، جامعه کتابی جامع و در بردارنده موضوعات

[۷] کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۶۴

[۸] مجلسی، ۱۴۰۴ الف، ۲۶: ۱۸-۲۶

[۹] صفار، ۱۴۰۴، ۱: ۴۳۱؛ کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ الف، ۲۶: ۱۸-۴۶

[۱۰] کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۳۹

[۱۱] کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۳۸

گوناگون فقهی، مانند نماز، ادعیه، معاملات، قضا، شهادت (گواهی دادن به هنگام داوری)، حدود و دیات، مسائل ارث و نیز برخی موضوعات اخلاقی و اعتقادی بوده است. امتیاز مهم جامعه بر دیگر کتابهای منسوب به امام علی علیه‌السلام این است که به رؤیت افراد متعددی رسیده، هر چند که درباره کتاب جفر در روایت آمده است: «جز نبی و وصی نبی کسی نمی‌تواند در آن بنگرد»[۱۲]

گفتنی است تفکیک محتوایی که میان دو کتاب جفر و جامعه در گزارشهای شیعی دیده می‌شود، در غالب منقولات عامه وجود ندارد، حتی در پاره‌ای از گزارشهای اهل سنّت، که از این دو کتاب به طور جداگانه یاد شده، محتوای آن دو، یک چیز معرفی شده است. طاشکوپری‌زاده و به تبع او حاجی خلیفه با استحسانی فلسفی ـ عرفانی، جفر و جامعه را عبارت از علم اجمالی دانسته‌اند به هر آنچه به نحو کلی یا جزئی در گذشته انجام گرفته است یا در آینده به وقوع خواهد پیوست، و در نتیجه، جفر را همان لوح قضا (یا عقل کلی) و جامعه را همان لوح قَدَر (یا نفس کلی) معرفی کرده‌اند.

در نوشته‌های اهل سنّت، کتاب جفر بیشتر به امام صادق علیه‌السلام نسبت داده شده است. ابن‌خلدون اصل کتاب جفر را از امام جعفر صادق دانسته[۱۳] که هارون‌بن سعید (سعد) عجلی، پیشوای زیدیان، از وی روایت کرده و در آن حوادثی ذکر شده است که در آینده برای اهل‌بیت پیامبر اکرم اتفاق خواهد افتاد و کتاب را به اعتبار پوستی که مطالب روی آن نوشته شده بوده، جفر نامیده‌اند. به نظر ابن‌خلدون اگر چه امام جعفر صادق علیه‌السلام برخی نزدیکانش را از رخدادهای ناگوار آینده بر حذر می‌داشت و رخدادها درست همانگونه که او پیش بینی کرده بود، به وقوع می‌پیوست، اما در وجود چنین کتابی ــ که تنها برخی اشارات عاری از هرگونه دلیل در اعتبار آن رسیده باید تردید کرد. ابن‌قتیبه نیز به رافضیان در باره ادعای علم باطنی و وجود کتاب جفر نزد آنان خرده گرفته[۱۴]؛ چه، همان هارون‌بن سعید که این کتاب را روایت کرده، در یکی از سروده‌های خود از جفر و هر که به جفر می‌پردازد، بیزاری جُسته است. همچنین بشربن معتمر هلالی (متوفی ۲۲۶)، رئیس معتزلیان بغداد، در شعری به رافضیان طعنه زده که جفر آنان را غَرّه ساخته است. به‌نظر می‌رسد ادعای اطلاع از کتاب جفر و روایت آن از سوی هارون‌بن سعید (سعد)

---

[۱۲] کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۳۱۱؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۴: ۴۱۸

[۱۳] ج ۱: مقدمه ، ص ۴۱۵ـ۴۱۶

[۱۴] ص ۴۸ـ۴۹

عجلی ــ که در کتب رجالی شیعه توثیق نشده است با این مطلب که اهل بیت علیهم‌السلام کتاب جفر را از بیگانگان کتمان می‌کردند، سازگار نیست. به عقیده ابوزهره، فرقه خطابیه اندیشه‌های راجع به جفر را در میان شیعیان دوازده امامی رواج داد؛ ولی، با توجه به گرایش‌های غلوآمیز ابوالخطاب اسدی، داعیه‌دار این فرقه، و برائت جستن امام صادق علیه‌السلام از وی در حضور اصحاب، قطعاً قرائت خطابیه از جفر را امامان شیعه تأیید نکرده‌اند.[۱۵]

اصطلاح جفر به‌تدریج برای کتابهایی بکار رفت که با حروف و اعداد و رعایت جدولهای مخصوص، روش پیشگویی و انجام برخی امور خارق عادت را به خواننده تعلیم می‌داد. بسیاری از اهل جفر، جفر منسوب به ائمه علیهم‌السلام را همین‌گونه می‌دانند و حتی آن را جفر جامع نامیده‌اند؛ ولی، برای این مدعا در روایات اهل بیت علیهم‌السلام هیچ دلیلی نیست. جفر به تدریج به دانش پیش‌بینی حوادث آینده نیز اطلاق گردید. به کسی که جفر می‌دانست، جفری می گفتند. بر این اساس، علم جفر با علم حروف و اعداد پیوندی تنگاتنگ پیدا کرد، به گونه‌ای که برخی این علم را همان علم حروف دانسته‌اند.

در علم حروف، علاوه بر ارزش عددی هر حرف و کلمه، برای هر حرف خواص و اسراری نیز برشمرده‌اند. مثلاً حرف الف از جمله حروف نورانی و قطبِ حروف و اصلِ اسامی دانسته شده است. در ادامه، معنای کلمه در حروفی که آن را تشکیل داده‌اند تجلی می‌یابد. مثلاً واژه تصوف از «ت» حاوی سرّ توبه، «ص» حاوی سرّ صدق، «و» حاوی سرّ ورع، و «ف» حاوی سرّ فنای فی‌اللّه تشکیل شده است در مواردی نیز در علم حروف استنباطهایی معنایی از شکل یا تعداد حروف کلمات پدید می‌آمده است. مثلاً کلمه محمد از چهار حرف تشکیل شده تا از نظر تعداد حروف با کلمه اللّه برابر باشد و نوع انسان نیز به شکل کلمه محمد آفریده شده است. به این ترتیب که «م» آن سر انسان، «ح» دو دست، درونِ «ح» شکم، خمیدگیِ «ح» پشت، «م» دوم کمر، و «د» دو پای انسان است. نمونه دیگر اینکه در چهره هرکس دو بار نام علی نقش بسته: «ع» چشم، «ل» بینی و «ی» شکل معکوس دهان است. همچنین حروف مقطعه «الر»، مثلاً در ابتدای سوره یوسف، حاکی از شکل انسان است که «ا» آن قامت راست انسان در جوانی، «ل» قامت خمیده او در پیری و «ر» قامت خفته او در بستر مرگ است. در مواردی نیز حروف را به معارف پیچیده فلسفی

---

[۱۵] قاضی نعمان، ج ۱، ص ۴۹ـ ۵۰

و عرفانی منسوب می‌دانستند. همچنین از علم حروف برای تهیه جدولهای وفقی برای انواع طلسمها نیز استفاده می‌کردند.

پایه و اساس علم جفر، حروف الفبای عربی است و در آن از حساب جُمَل نیز بهره می‌گیرند. حروف الفبا در این علم اساس آفرینش و مبین تجسد کلام الاهی است و اهل جفر برای هر یک از حروف الفبا، ارزشی نمادین قائل‌اند.

در این علم (به تعبیر صحیح‌تر: فن)، هر یک از ترتیبات مختلف حروف را به اصطلاح «دایره حروف» می‌خوانند. و از ترتیب یا دایره ابجدی بیشتر استفاده می‌کنند. اهل جفر بهره‌گیری از الفبای ابتثی را جفر کبیر می‌نامند که یک هزار ریشه را در بردارد و استفاده از الفبای ابجدی را جفر صغیر می‌نامند که تنها هفتصد ریشه را در برمی‌گیرد. برخی از آنان گونه‌ای از جفر را، که جفر متوسط می‌خوانند، بر دیگر روشها ترجیح می‌دهند و آن را در علم اوفاق، برای ساختن طلسمات، به کار می‌برند. همچنین گاه، جفری که در آن از ۲۲ حرف اصلی حروف الفبا استفاده می‌شود، جفر صغیر و جفری که در آن از جملگی ۲۸ حرف الفبا بهره گرفته می‌شود، جفر کبیر می‌نامند.

برابر نهادن عددی هر حرف عموماً با استفاده از نظام ابجدی (شامل ابجد صغیر، ابجد کبیر و ابجد وسیط) صورت می‌گیرد که هر کدام واجد برابر عددی متفاوتی است. ترتیبهای خاصی نیز برای کنار هم قرار دادن زنجیره حروف، به‌جز نظام ابجدی، در علم حروف وجود دارد از جمله دوایر اهطمی، ایقغی و اجهزی و .... در گام بعدی، سه فرایند اصلی علم حروف (تفصیل، تکسیر و بسط) در مورد حروف سازنده کلمه صورت می‌پذیرد.

در جفر برای رسیدن به جواب سؤال، از روش‌های گوناگونی استفاده می‌شود. این روش‌ها بسته به اهمیّت سؤال متفاوت و در سطوری چند منتج به جواب می‌شود. از انواع روش‌ها، می‌توان به جفر آدم، جفر منبری و ... اشاره کرد. در جفر برای رسیدن به جواب از ریاضی و ستاره‌بینی نیز بهره می‌گیرند. نام سؤال‌کننده و نام پدرِ او و زمان سؤال به علاوه جمله سؤال، با روش ذکر شده در جفر، مبنای رسیدن به جواب است. یکی از مراحل مهم، که از آن به «سطر» نام برده

می‌شود «سطر مستحصله» است که اصحاب جفر معتقدند با طهارت روح و... می‌توان به آن آگاهی یافت.[16]

16 http://www.kalamislami.ir/article_60981.html
https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%81%D8%B1
http://fa.wikishia.net/view/جفر_و_جامعه

۱. حروف

توالی

هرگاه یکسری حروف با ترتیب خاصی پشت سر هم قرار گیرند، یک توالی حروفی را می‌سازند. معمولاً نام این توالی بر اساس ۴ حرف اول آن و ترتیب قرارگیری مشخص می‌گردد. برای مثال توالی ابجد، ابتث، اهطم و ایقغ که مهم‌ترین توالی‌های حروفی هستند. توالی‌ها معمولاً شامل ۲۸ حرف می‌باشند و در برخی از آن‌ها ۲۹ حرف وجود دارد (لا به صورت یک حرف در نظر گرفته شده است). اغلب توالی‌های حروفی در قالب جدول ۱-۱ ارائه شده است.

ابتث	ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	ل	م	ن	و	ه	ی
ابجد	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
ابهش	ا	ب	ه	ش	ح	ذ	ل	ج	ق	و	ط	ص	س	ن	ث	ف	غ	ظ	ز	ت	ک	ع	ر	خ	ی	د	ض	م
اتجخ	ا	ت	ج	خ	ذ	ز	ش	ض	ظ	غ	ق	ل	ن	ه	ب	ث	ح	د	ر	س	ص	ط	ع	ف	ک	م	و	ی
اتجخ	ا	ت	ج	خ	ذ	ز	ش	ض	ظ	غ	ق	ل	ن	ه	ی	و	م	ک	ف	ع	ط	ص	س	ر	د	ح	ث	ب
اتنط	ا	ت	ن	ط	ظ	و	ف	ق	د	ذ	ک	ل	خ	ج	ر	ع	ز	غ	ح	س	ش	ب	ث	م	ی	ض	ه	ص
اثخر	ا	ث	خ	ر	ش	ط	غ	ک	ن	ی	ت	ح	ز	س	ض	ع	ق	م	ه	ب	ج	و	د	ذ	ص	ظ	ف	ل
اثخر	ا	ث	خ	ر	ش	ط	غ	ک	ن	ی	و	ل	ف	ظ	ص	ز	د	ج	ب	ت	ح	ذ	س	ض	ع	ق	م	ه
اجذش	ا	ج	ذ	ش	ظ	ق	ن	ب	ح	ر	ص	ع	ک	و	ت	خ	ز	ض	غ	ل	ه	ث	د	س	ط	ف	م	ی
اجذش	ا	ج	ذ	ش	ظ	ق	ن	ی	م	ف	ط	س	د	ث	ب	ح	ر	ص	ع	ک	و	ه	ل	غ	ض	ز	خ	ت
اجهب	ا	ج	ه	ب	و	ز	ر	د	ی	ک	ش	خ	ل	س	ث	ظ	م	ف	ذ	غ	ن	ت	ص	ض	ع	ح	ط	ق

اجهز	ا	ج	ه	ز	ط	ک	م	ب	د	و	ح	ی	ل	ن	ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ	س	ف	ق	ش	ث	ذ	ظ
اجهز	ا	ج	ه	ز	ط	ک	م	س	ف	ق	ش	ث	ذ	ظ	غ	ض	خ	ت	ر	ص	ع	ن	ل	ی	ح	و	د	ب
احجش	ا	ح	ج	ش	ب	د	ل	ه	ط	س	ع	ق	ف	ص	ث	و	ن	ت	ی	ک	م	خ	ذ	ظ	غ	ر	ض	ز
احزط	ا	ح	ز	ط	ق	و	ث	د	ش	ع	ل	ی	ج	ر	ص	ف	ن	ب	خ	س	ظ	ک	ه	ت	ذ	ض	غ	م
احست	ا	ح	س	ت	ب	ط	ع	ث	ج	ی	ف	خ	د	ک	ص	ذ	ه	ل	ق	ض	و	م	ر	ظ	ز	ن	ش	غ
احست	ا	ح	س	ت	غ	ش	ن	ز	ب	ط	ع	ث	ظ	ر	م	و	ج	ی	ف	خ	ض	ق	ل	ه	د	ک	ص	ذ
اخشغ	ا	خ	ش	غ	ن	و	ف	ص	د	ب	ح	س	ع	م	ه	ق	ض	ذ	ت	ج	ز	ظ	ل	ی	ک	ط	ر	ث
اخیس	ا	خ	ی	س	ق	و	غ	ه	ر	ن	ک	ث	ب	ذ	ط	ع	ص	ز	ظ	د	ش	م	ل	ت	ج	ض	ح	ف
ادزی	ا	د	ز	ی	م	ع	ق	ت	ذ	غ	ج	و	ط	ل	س	ص	ش	خ	ظ	ب	ه	ح	ک	ن	ف	ر	ث	ض
ادزی	ا	د	ز	ی	م	ع	ق	ت	ذ	غ	ض	ث	ر	ف	ن	ک	ح	ه	ب	ج	و	ط	ل	س	ص	ش	خ	ظ
ادضک	ا	د	ض	ک	ی	ق	ص	خ	ب	ذ	ط	ل	ه	ف	ش	ح	ت	ر	ظ	م	و	غ	س	ج	ث	ز	ع	ن
اذحص	ا	ذ	ح	ص	س	ک	ت	د	غ	ه	ش	ل	ن	ق	ز	ض	ب	خ	ط	ف	ع	ی	ث	ج	ظ	و	ر	م
اذظن	ا	ذ	ظ	ن	م	ط	د	ب	ر	ع	و	ل	ض	خ	ت	ز	غ	ه	ک	ص	ح	ث	س	ف	ی	ق	ش	ج
ارصج	ا	ر	ص	ج	ت	ع	ه	خ	ن	ز	ض	ل	ط	غ	ی	ک	ظ	ح	م	ذ	و	س	ث	د	ف	ش	ب	ق
ارغی	ا	ر	غ	ی	ب	ز	ف	ت	س	ق	ث	ش	ک	ج	ص	ل	ح	ض	م	خ	ط	ن	د	ظ	و	ذ	ع	ه
ارغی	ا	ر	غ	ی	ف	ز	ب	ذ	ع	ه	ق	س	ت	د	ظ	و	ک	ش	ث	خ	ط	ن	ل	ص	ج	ح	ض	م
ازمق	ا	ز	م	ق	ذ	ض	ر	ن	ح	ب	و	ل	ص	خ	ظ	ش	س	ط	ج	ه	ک	ف	ث	غ	ت	ع	ی	د
اسغن	ا	س	غ	ن	ب	ع	ظ	م	ج	ف	ض	ل	د	ص	ذ	ک	ه	ق	خ	ی	و	ر	ث	ط	ز	ش	ت	ح
اشنف	ا	ش	ن	ف	د	ح	ع	ه	ض	ت	ز	ل	ک	ر	ث	ط	ی	ظ	ج	ذ	ق	م	س	ب	ص	و	غ	خ
اصته	ا	ص	ت	ه	ن	ض	ط	ی	ظ	م	و	ث	ف	ب	ق	ش	د	س	ذ	ح	ک	غ	ل	ز	خ	ع	ج	ر
اصهظ	ا	ص	ه	ظ	ث	ز	م	ف	خ	د	ق	ل	ر	ج	ع	و	ش	ب	ض	ی	ط	ت	س	ن	غ	ح	ذ	ک
اضیص	ا	ض	ی	ص	ب	ط	ه	ش	ت	ظ	و	س	ث	ع	ن	ز	ج	غ	م	ر	ح	ف	ل	ذ	خ	ق	ک	د
اطفذ	ا	ط	ف	ذ	خ	ع	ح	ب	ی	ص	ض	ث	س	ز	ج	ک	ق	ظ	ت	ن	و	د	ل	ر	غ	ش	م	ه
اطفذ	ا	ط	ف	ذ	و	ن	ت	ج	ک	ق	ظ	ح	ع	خ	ه	م	ش	ب	ی	ص	ض	ز	س	ث	د	ل	ر	غ
اظدخ	ا	ظ	د	خ	ز	ش	ی	ص	م	س	ع	ل	ق	ط	ت	و	ذ	ج	غ	ب	ض	ه	ث	ح	ر	ک	ف	ن

اظمد	ا	ظ	م	د	ر	و	ض	ت	غ	ک	ح	س	ی	ش	ج	ق	ف	ث	ص	ه	ز	خ	ل	ع	ب	ط	ن	ذ
اعکج	ا	ع	ک	ج	ص	و	ذ	ر	ه	ش	ح	ل	ظ	ب	غ	ق	ث	ض	ن	د	ز	ی	س	خ	م	ط	ت	ف
اغبظ	ا	غ	ب	ظ	ج	ض	د	ذ	ه	خ	و	ث	ز	ت	ح	ش	ط	ر	ی	ق	ک	ص	ل	ف	م	ع	ن	س
اغفب	ا	غ	ف	ب	ع	ق	ت	ظ	ک	ث	ط	ل	ج	ض	م	ح	ص	ن	خ	ش	و	د	س	ه	ذ	ز	ی	ر
افخح	ا	ف	خ	ح	ی	ض	س	ج	ق	ت	و	ل	غ	م	ه	ش	ر	د	ن	ظ	ک	ز	ث	ص	ب	ع	ذ	ط
افسج	ا	ف	س	ج	ی	ل	ع	م	ه	ض	ر	ز	ط	غ	ث	ب	ح	ظ	ن	خ	ق	ک	و	ت	ش	ص	د	ذ
افسج	ا	ف	س	ج	ع	ی	ل	م	ه	ص	ر	ز	ط	غ	ث	ب	ح	ظ	ن	خ	ق	ک	و	ت	ش	ض	د	ذ
افعت	ا	ف	ع	ت	ک	ط	ج	م	ص	خ	و	س	ذ	ی	ر	ز	ه	د	ش	ن	ح	ض	ل	ث	ظ	ق	ب	غ
اقبر	ا	ق	ب	ر	ل	د	ت	ن	و	خ	ع	ح	ض	ص	ی	غ	ک	ج	ش	م	ه	ث	س	ز	ذ	ف	ط	ظ
اقرب	ا	ق	ر	ب	ص	ش	ج	ف	ت	د	ع	ث	ه	س	خ	و	ن	ذ	ز	م	ض	ح	ل	ظ	ط	ک	غ	ی
اکصذ	ا	ک	ص	ذ	ه	ح	ظ	غ	ث	ن	ز	س	م	ت	ف	ط	خ	ی	د	ض	ق	ب	ل	ش	ر	و	ج	ع
امذر	ا	م	ذ	ر	ح	و	ص	ظ	س	ج	ک	ث	ت	ی	د	ع	غ	ف	ه	ط	ش	خ	ل	ب	ن	ض	ق	ز
امرض	ا	م	ر	ض	غ	ح	ی	ج	ف	ص	ز	ل	ب	ن	ذ	ط	ع	خ	ه	ث	ق	ش	س	ک	ت	و	د	ظ
اندع	ا	ن	د	ع	ض	ز	ک	ث	ی	ج	ق	س	ص	غ	خ	و	ب	م	ذ	ظ	ط	ر	ل	ت	ه	ح	ف	ش
انظف	ا	ن	ظ	ف	د	ک	خ	ر	ز	ح	ش	ث	ی	ه	ص	ض	م	ب	س	غ	ع	ج	ل	ذ	ق	و	ط	ت
اوکع	ا	و	ک	ع	ش	ض	ج	ح	م	ص	ث	غ	ه	ی	س	ر	ذ	ب	ز	ل	ف	ت	ظ	د	ط	ن	ق	خ
اویلمنع	ا	و	ی	ل	م	ن	ع	ج	ز	ک	س	ف	ت	ح	ه	ر	ش	ث	ذ	ص	ط	ب	د	خ	ظ	غ	ض	ق
اهثم	ا	ه	ث	م	خ	ق	ر	ع	ش	ض	ط	س	غ	ذ	ک	ح	ن	ت	ی	ب	و	ج	ل	د	ف	ز	ظ	ص
اهطم	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ
اهطم	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	غ	خ	ر	ع	ل	ح	د	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض	ظ	ث	ق	س	ک	ز	ج
ایبه	ا	ی	ب	ه	ت	و	ث	ن	ج	م	ح	ل	خ	ک	د	ق	ذ	ف	ر	غ	ز	ع	س	ظ	ش	ط	ص	ض
ایقغ	ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه	ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ
ایقغ	ا	ی	ق	غ	ر	ک	ب	ط	ص	ظ	ش	ل	ج	ح	ف	ض	ت	م	د	ز	ع	ذ	ث	ن	ه	و	س	خ
بثحد	ب	ث	ح	د	ر	س	ص	ط	ع	ف	ک	م	و	ی	ه	ن	ل	ق	غ	ظ	ض	ش	ز	ذ	خ	ج	ت	ا
بدوح	ب	د	و	ح	ی	ل	ن	ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ	ظ	ذ	ث	ش	ق	ف	س	م	ک	ط	ز	ه	ج	ا

ثدسط	ث	د	س	ط	ف	م	ی	ن	ق	ظ	ش	ذ	ج	ا	ت	خ	ز	ض	غ	ل	ه	و	ک	ع	ص	ر	ح	ب
حعخذ	ح	ع	خ	ذ	ف	ط	ا	ز	س	ث	ض	ص	ی	ب	و	ن	ت	ظ	ق	ک	ج	ه	م	ش	غ	ر	ل	د
خصقی	خ	ص	ق	ی	ک	ض	د	ا	ح	ش	ف	ه	ل	ط	ذ	ب	ج	س	غ	و	م	ظ	ر	ت	ث	ز	ع	ن
دحلع	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ	ذ	ش	ف	م	ط	ه	ا	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	ض	ت	ص	ن	ی	و	ب
دطمن	د	ط	م	ن	ظ	ذ	ا	خ	ض	ل	و	ع	ر	ب	ح	ص	ک	ه	غ	ز	ت	ج	ش	ق	ی	ف	س	ث
ذزصن	ذ	ز	ص	ن	ک	ش	د	غ	ج	ت	ی	س	ف	ح	خ	ا	ض	و	ق	م	ل	ر	ه	ظ	ب	ث	ط	ع
زنشغ	ز	ن	ش	غ	ت	س	ح	ا	و	م	ر	ظ	ث	ع	ط	ب	ه	ل	ق	ض	خ	ف	ی	ج	د	ک	ص	ذ
صیضا	ص	ی	ض	ا	ش	ه	ط	ب	س	و	ظ	ت	ز	ن	ع	ث	ر	م	غ	ج	ذ	ل	ف	ح	د	ک	ق	خ
طنذخ	ط	ن	ذ	خ	ل	ع	ب	ص	ه	ز	ج	ق	ف	ث	س	ی	ش	ت	غ	ک	ح	ر	و	ض	ا	ظ	م	د
عذطز	ع	ذ	ط	ز	ث	ص	ب	ن	ظ	ک	ه	ش	ر	د	ل	غ	م	ج	ق	ت	و	ی	ض	س	ا	ف	خ	ح
غاطب	غ	ا	ظ	ب	ض	ج	ذ	د	خ	ه	ث	و	ت	ز	ش	ح	ر	ط	ق	ی	ص	ک	ف	ل	ع	م	س	ن
نخعص	ن	خ	ع	ص	ز	ق	ث	ی	ت	ک	ر	ض	ظ	د	م	ا	و	ح	غ	ش	س	ف	ج	ه	ب	ل	ذ	ط
نغسا	ن	غ	س	ا	م	ظ	ع	ب	ل	ض	ف	ج	ک	ذ	ص	د	ی	خ	ق	ه	ط	ث	ر	و	ح	ت	ش	ز
یاهب	ی	ا	ه	ب	و	ت	ن	ث	م	ج	ل	ح	ک	خ	ق	د	ف	ذ	غ	ر	ع	ز	ظ	س	ط	ش	ض	ص

جدول ۱–۱

مقدار توالی

چنانچه به هر یک از حروف موجود در توالی مقدار عددی تعریف‌شده‌ای اختصاص داده شود، بر اساس روش مقداردهی، نام ویژه‌ای به آن اطلاق می‌گردد. برای مثال ابجد کبیر، یعنی از توالی ابجد استفاده می‌کند و مقداردهی برحسب نوع کبیر می‌باشد. در جداول زیر پرکاربردترین روش‌های محاسبات، ابجد کبیر و ابجد وضعی، نشان داده‌شده‌اند. در کتاب حاضر، به غیر از مواردی که به‌طور مشخص به محاسبه مقدار با استفاده از توالی دیگری اشاره شده است منظور از محاسبه مقدار، محاسبه بر اساس ابجد کبیر است.

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
مقدار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
مقدار	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

جدول ۱–۲ ابجد کبیر

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
مقدار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
مقدار	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸

جدول ۱–۳ ابجد وضعی

در الفبای فارسی که چیدمان آن بر مبنای توالی ابتث می‌باشد، علاوه بر ۲۸ حرف موجود، چهار حرف «گ چ پ ژ» نیز وجود دارد که به‌منظور محاسبه مقدار عددی متناظر آن‌ها، این حروف به حروف معادل تبدیل‌شده و سپس مقدار متناظر حروف معادل برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. در بخش تنظیمات نرم‌افزار جفر نس، حروف معادل جهت جایگزینی و تبدیل ارائه‌شده است (تصویر ۱–۱).

تنظیمات ×

پوسته | تبدیل حروف | تنظیمات نجومی

☐ حروف زیر تشدید را تکرار کن ☑ کلمه الله را تغییر نده ☐ تبدیل ء دوم به ا (ماء انشاء - ما انشا)

=' =, =\`
=- =. =}
=/ =|
=! =: ={
=" =; =~
=? =،
=# =@ =؛
=$ =] =؟
=% =\ =ـ
=& =[=+
=) =^ =>
=(=_
== =< =× =÷
=ء إ=ا أ=ا آ=ا ٮ=ب ة=ت چ=ج ژ=ز
ك=ک گ=ک ؤ=و ى=ی ي=ی ئ=ی ۀ=ه

تصویر ۱–۱

علاوه بر روش‌های پرکاربرد مذکور، ابجد کبیر و وضعی، روش‌های دیگری از جمله ابتث، ابتث وضعی، ایقغ، ایقغ وضعی، ایقع آحاد، اهطم، اهطم وضعی و ... نیز در محاسبات وجود دارد که در ذیل چند مورد از آن‌ها آورده شده و در صورت نیاز در بخش‌های بعدی به سایر آن‌ها نیز اشاره خواهد شد.

حرف	ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
مقدار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
حرف	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	ل	م	ن	و	ه	ی
مقدار	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

جدول ۱–۴ ابتث

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
مقدار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
مقدار	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸

جدول ۱–۵ ابتث وضعی

حرف	ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه
مقدار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
حرف	ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ
مقدار	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

جدول ۱–۶ ایقع

حرف	ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه
مقدار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
حرف	ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ
مقدار	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸

جدول ۱–۷ ایقع وضعی

حرف	ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه
مقدار	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۳	۳	۳	۴	۴	۴	۵
حرف	ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ
مقدار	۵	۵	۶	۶	۶	۷	۷	۷	۸	۸	۸	۹	۹	۹

جدول ۱-۸ ایقع آحاد بر اساس ابجد کبیر

محاسبه مقادیر عددی کلمات در توالی‌ها یا مدخل گیری

در علم حروف، شما نیاز خواهید داشت که مقدار متناظر عددی هر کلمه را داشته باشید. همان‌طور که از کنار هم قرار گرفتن حروف، یک کلمه تشکیل می‌گردد، از کنار هم قرار گرفتن آن حروف به عددی خواهیم رسید که به آن عدد مقدار کلمه آن در توالی می‌گویند. برای این منظور کافی است مقدار عددی هر حرف را در توالی موردنظر پیداکرده و کلیه مقادیر را باهم جمع کنیم. برای روشن شدن مسئله مثالی می‌زنیم. می‌خواهیم کلمه «علی» را به ابجد کبیر حساب کنیم. پس حروف ما می‌شود «ع ل ی» مقادیر می‌شود ۷۰، ۳۰، ۱۰ یعنی ع=۷۰، ل=۳۰ و ی=۱۰ و مجموع همه این اعداد می‌شود ۷۰+۳۰+۱۰=۱۱۰، از این مثال متوجه می‌شویم که مقدار ابجد کبیر کلمه «علی» می‌شود ۱۱۰. حال اگر از همان کلمه «علی» بخواهیم مقدار ابجد وضعی را حساب کنیم، می‌شود ع=۱۶، ل=۱۲، ی=۱۰ که درنتیجه مقدار برابر ۳۸ خواهد بود. پس مقدار کلمه علی در ابجد وضعی ۳۸ خواهد بود.

طبقه‌بندی حروف

حروف بیست‌وهشتگانه در ابجد با رویکردهای گوناگونی طبقه‌بندی می‌شوند. ازآنجایی‌که این طبقه‌بندی‌ها در بخش‌های مختلف عملیات و محاسبات جفر مورد مراجعه و استفاده قرار می‌گیرند، آشنایی با آن‌ها ضرورت داشته و در ادامه به معرفی آن‌ها پرداخته می‌شود.

حروف تاج، حربه، کرسی و عمود

- تاج: ا ج ذ ش ظ ق ن
- حربه: ب ح ر ص ع ک و
- عمود: ت خ ز ض غ ل ه
- کرسی: ث د س ط ف م ی

حروف سعد نحس ممتزج

- سعد: ا ن ک ش غ ت ه ظ ز ذ ر ث
- نحس: ل ع ن ب ص ج ح خ
- ممتزج: م ض ی

حروف مذکر و مؤنث

- مذکر: ا ج د ذ ص ض ق ک ل م
- مؤنث: ب ه و ز ح ط ی ن س ع ف ر ش ت ث خ ظ غ

حروف صوامت و نواطق (مهمله و معجمه)

گروه صوامت یا مهمله شامل کلیه حروفی است که نقطه ندارند (ا د ه و ح ط ک ل م س ع ص ر). در مقابل، گروه نواطق یا معجمه به کلیه حروف نقطه‌دار اطلاق می‌شود (ب ج ز ی ن ف ق ش ت ث خ ذ ض ظ غ).

حروف متصله و منفصله

حروف متصله حروفی هستند که در داخل کلمه به حروف بعد از خود متصل می‌شوند (ب ج ه ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ش ت ث خ ض ظ غ) و حروف منفصله که شامل ۶ حرف (ا و ر ز د ذ) می‌باشد به حروفی گفته می‌شود که به حروف بعد از خود متصل نمی‌شوند.

حروف متواخیه و غیرمتواخیه

حروفی که رسم‌الخط مشابه داشته و وجه تمایز آن‌ها وجود نقطه یا تعداد نقاط آن‌هاست در این دسته جای می‌گیرند و عبارت‌اند از: ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ. سایر حروف – ا ف ق ک ل م ن و ه ی- غیر متواخیه نامیده می‌شوند.

حروف ملفوظی، ملبوبی، مسروری

حروف بر اساس اینکه نام آن‌ها از چند حرف تشکیل‌شده است به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ملفوظی: حروفی است که نام آن‌ها از ترکیب سه حرف تشکیل‌شده به‌شرط آنکه حرف اول و آخر آن از دو جنس باشد مانند الف (ا ل ف) و جیم (ج ی م) و این گروه شامل سیزده حرف است (ا ج دک ل س ع ص ق ش ذ ض غ)

- ملبوبی: حروفی است که نام آن‌ها از ترکیب سه حرف تشکیل‌شده به‌شرط آنکه حرف اول و آخر آن از یک جنس باشد مانند میم (م ی م) و این گروه شامل سه حرف است (و م ن)
- مسروری: حروفی است که نام آن‌ها از دو حرف تشکیل‌شده مانند با (ب ا) و این گروه شامل دوازده حرف است (ب ه ز ح ط ی ف ر ت ث خ ظ)

حروف نورانی و ظلمانی

در این دسته‌بندی حروف به دو گروه نورانی و ظلمانی تقسیم می‌شوند. حروف نورانی شامل ۱۴ حرف است که سوره‌های قرآن با آن‌ها آغاز می‌شود. دسته دوم شامل حروفی است که در ابتدای سوره‌های قرآن مورداستفاده قرار نگرفته است.

- نورانی: ا ه ح ط ی ک ل م ن س ع ص ق ر
- ظلمانی: ب ج د و ز ف ش ت ث خ ذ ض ظ غ

طبقه‌بندی حروف بر اساس طبایع چهارگانه

کلیه حروف بر اساس چهار طبع آتشی، بادی، آبی و خاکی تقسیم می‌شوند. به این معنی که حروف بر اساس طبعی که دارند در یکی از این دسته‌ها جای می‌گیرند.

- آتشی: ا ه ط م ف ش ذ
- بادی: ب و ی ن ص ت ض
- آبی: ج ز ک س ق ث ظ
- خاکی: د ح ل ع ر خ غ

طبقه‌بندی حروف بر اساس مزاج‌ها

- گرم و خشک: ا و ی ل م ن ع
- گرم و تر: ج ز ک س ف ت ح
- سرد و تر: ه ر ش ت ذ ص ط
- سرد و خشک: ب د خ ظ غ ض ق

طبقه‌بندی حروف بر اساس کواکب هفت‌گانه

در این طبقه‌بندی از ابتدای توالی ابجد ۴ حرف ۴ حرف به هر یک از کواکب هفت‌گانه اختصاص داده می‌شود.

- زحل: ا ب ج د
- مشتری: ه و ز ح
- مریخ: ط ی ک ل
- شمس: م ن س ع
- زهره: ف ص ق ر
- عطارد: ش ت ث خ
- قمر: ذ ض ظ غ

طبقه‌بندی حروف بر اساس افلاک نه‌گانه

حروف توالی ابجد به این ترتیب بر افلاک ۹ گانه تقسیم می‌شود که ابتدا ۹ حرف اول بین افلاک ۹ گانه تقسیم می‌شود (با شروع از فلک نهم یا فلک الافلاک) یعنی حرف اول «ا» به فلک نهم، حرف دوم «ب» به فلک هشتم یا ثوابت و الی‌آخر. به همین ترتیب ۹ حرف دوم و ۹ حرف سوم توالی نیز تقسیم می‌شود. یک حرف باقیمانده «غ» به فلک نهم اختصاص داده می‌شود.

- فلک الافلاک (۹): ا ی ق غ
- فلک ثوابت (۸): ب ک ر
- فلک زحل (۷): ج ل ش
- فلک مشتری (۶): د م ت
- فلک مریخ (۵): ه ن ث
- فلک شمش (۴): و س خ
- فلک زهره (۳): ز ع ض
- فلک عطارد (۲): ح ف ض
- فلک قمر (۱): ط ص ظ

۲. ابزارهای پایه

تکسیر

تکسیر به معنای تقطیع کلمات به حروف تشکیل‌دهنده آن و جابه‌جایی آن حروف بر اساس یک روش خاص می‌باشد. روش‌های متفاوتی برای تکسیر وجود دارد که در ادامه با ارائه مثال به توضیح دو روش متداول، «صدر و مؤخر» و «مؤخر و صدر» می‌پردازیم.

تکسیر صدر و مؤخر: در این روش پس از شکستن کلمات به حروف تشکیل‌دهنده در سطر اول، حروف در سطر دوم به‌این‌ترتیب چیده می‌شوند که حرف اول از ابتدا، سپس حرف اول از آخر، حرف دوم از ابتدا، سپس حرف دوم از آخر و به همین ترتیب الی‌آخر (تصویر ۲-۱). هر سطر با استفاده از سطر حاصل در مرحله قبل و بر مبنای روشی که گفته شد (یک حرف از اول و سپس یک حرف از آخر) چیده می‌شود. این عمل تا جایی تکرار می‌شود که به سطر زمام (همان سطر تکرار) برسیم. در تصویر ۲-۲، تکسیر اسم «محمد امیر» به روش صدر و مؤخر برای مثال نشان داده شده است.

سطر اول	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
سطر دوم	م	ر	ح	ی	م	م	د	ا

تصویر ۲-۱



تصویر ۲-۲

همان‌طور که در تصویر ۲-۲ مشاهده می‌کنید، چنانچه پاسخ سطر ۴ را به روش یادشده جانمایی کنیم، به همان کلمه ورودی «محمد امیر» خواهیم رسید که در اینجا عملیات متوقف می‌شود.

تکسیر مؤخر و صدر: در این روش پس از تقطیع کلمه در سطر اول، حروف سطر دوم درست برعکس روش قبل به‌این‌ترتیب چیده می‌شوند که حرف اول از آخر، سپس حرف اول از ابتدا، حرف دوم از آخر، سپس حرف دوم از ابتدا و به همین ترتیب الی‌آخر (تصویر ۲-۳). درواقع به‌جای انتخاب حروف از ابتدا و آخر، حروف از آخر و ابتدا انتخاب می‌شوند. در تصویر ۲-۴، تکسیر اسم «محمد امیر» به روش مؤخر و صدر نشان داده‌شده است.

سطر اول	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
سطر دوم	ر	م	ی	ح	م	م	ا	د

تصویر ۲-۳



تصویر ۲-۴

لفظ حروف

با استفاده از این ابزار حروف دقیقاً به همان صورتی که تلفظ می‌شوند، تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال «ا» که تلفظ می‌شود «الف»، یا «م» که تلفظ می‌شود «میم» (جدول ۲-۱). این را به خاطر داشته باشید که ازاین‌پس در هر بخشی وقتی می‌گوییم یک حرف لفظ می‌شود، یعنی دقیقاً به همان صورتی که تلفظ می‌شود، تبدیل می‌شود. برای مثال، در تصویر ۲-۵، کلمه «محمد» لفظ شده است.

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
لفظ	الف	با	جیم	دال	ها	واو	زا	حا	طا	یا	کاف	لام	میم	نون
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
لفظ	سین	عین	فا	صاد	قاف	را	شین	تا	ثا	خا	ذال	ضاد	ظا	غین

جدول ۲-۱



تصویر۲-۵

معکوس کردن

این ابزار حروف عبارت ورودی را به حالت برعکس، یعنی از انتها به ابتدا مرتب می‌کند. برای مثال کلمه «محمد» می‌شود، «د م ح م».

نقطه شمار

این ابزار تعداد نقاطی را که در عبارت ورودی وجود دارد شمارش می‌کند. برای مثال «محمد» صفر و «محمد امیر» دو نقطه. توجه داشته باشید همان‌طور که در فصل پیش اشاره شد، برای حروف فارسی معادل آن‌ها در نظر گرفته می‌شود، به‌این‌ترتیب چنانچه عبارت ورودی به‌عنوان مثال کلمه «پری» باشد، معادل حرف «پ» که حرف «ب» می‌باشد در نظر گرفته‌شده و تعداد نقطه، یک خواهد بود.

حذف از ورودی

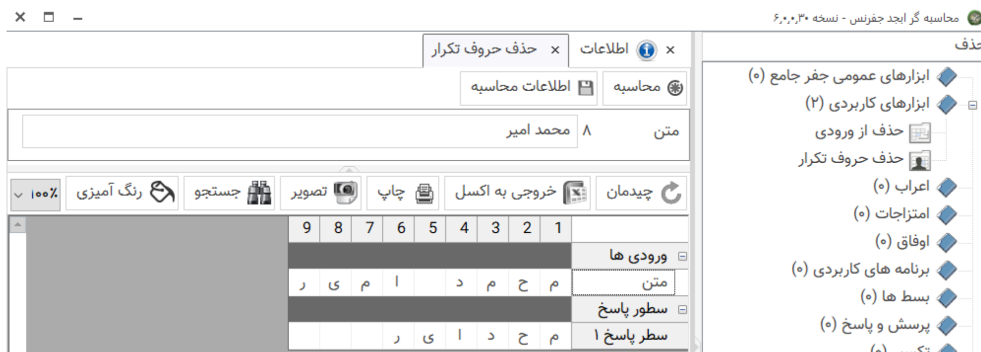
با استفاده از این ابزار حرف یا حروفی که مشخص شوند، از عبارت ورودی حذف خواهند شد. به‌عنوان مثال در تصویر ۲-۶، حرف «م» در قسمت «رشته حروف» برای حذف از عبارت ورودی تعریف‌شده است.



تصویر۲-۶

حذف حروف تکرار

این ابزار حروف تکراری موجود در عبارت ورودی را حذف کرده و فقط یکی از آن‌ها را نگه می‌دارد. به‌عنوان مثال عبارت «محمد امیر» دارای سه حرف «م» است که دوتای آن حذف شده و فقط یکی از آن‌ها نگه داشته می‌شود یعنی تبدیل می‌شود به «م ح د ا ی ر» (تصویر ۲-۷).



تصویر۲–۷

حروف خارجه

این ابزار حروف عبارت ورودی را از حروف بیست‌وهشت گانه حذف کرده و مابقی حروف را به‌عنوان پاسخ ارائه می‌کند. به‌عنوان مثال چنانچه عبارت ورودی «محمد امیر» را در نظر بگیرم، شش حرف «م ح د ا ی ر» از حروف بیست‌وهشت گانه حذف می‌شوند (تصویر ۲–۸).



تصویر۲–۸

حروف غیر مکرر

این ابزار فقط حروفی را که یک‌بار در عبارت ورودی آمده، انتخاب می‌کند. به‌عنوان مثال در عبارت «محمد امیر» فقط حروف «ح د ا ی ر» که یک‌بار آمده انتخاب می‌شوند و حرف «م» که بیش از یک‌بار تکرار شده حذف می‌شود (تصویر ۲–۹).



تصویر ۲-۹

حروف مجاز ورودی

این ابزار فقط حروفی از عبارت ورودی اول را حفظ می‌کند که در عبارت ورودی دوم آمده است. همان‌طور که در تصویر ۲-۱۰ نشان داده‌شده است، دو حرف «ا» و «م» (ورودی دوم) از ورودی اول انتخاب‌شده است.



تصویر ۲-۱۰

حروف مکرر

این ابزار حروفی که بیش از یک‌بار در عبارت ورودی تکرار شده باشد انتخاب می‌کند. برای مثال با استفاده از این ابزار عبارت «محمد امیر» به «م» تبدیل می‌شود چون تنها حرف «م» بیش از یک‌بار تکرار شده است (تصویر ۲-۱۱).



تصویر۲-۱۱

جداسازی حروف بر اساس طول

این ابزار حروف عبارت ورودی را در دو سطر تنظیم می‌کند به‌طوری‌که با شروع از ابتدای عبارت در بازه‌های ۲ برابر طول مورد نظر، طول حرف اول در سطر اول و طول حرف آخر در سطر دوم قرار گیرند. به‌عنوان‌مثال در عبارت «محمد امیر» که شامل ۸ حرف می‌باشد اگر طول بر اساس ۲ حرف باشد پاسخ به‌صورت زیر خواهد بود

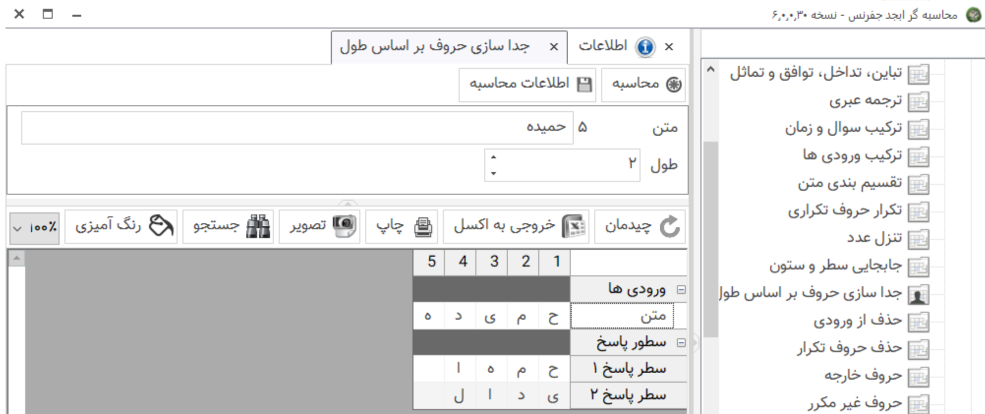
سوال سطر 1	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
پاسخ سطر 1	م	ح	ا	م				
پاسخ سطر 2	م	د	ی	ر				

در عباراتی که تعداد حروف آن مضربی از عدد طول نباشد، حرف آخر عبارت، لفظ شده و حروف در دو سطر تنظیم می‌شوند. به‌عنوان مثال ترکیب ورودی کلمه «رضا» به این صورت خواهد بود که حرف آخر «ا» لفظ شده، «ر ض الف» و ۴ حرف آن در دو سطر تنظیم می‌شود.

سوال سطر 1	ر	ض	ا
پاسخ سطر 1	ر	ض	
پاسخ سطر 2	ا	ل	

چنانچه با لفظ شدن حرف آخر به مضربی از ۲ برابر طول نرسیم، حرف آخر لفظ، خودش تبدیل به لفظ می‌شود و این تبدیل تا جایی که به طول مورد نظر برسیم انجام می‌شود. به‌عنوان مثال در کلمه ۵ حرفی «حمیده»، برای اینکه به طول مورد نظر یعنی عدد ۸ برسیم، ابتدا حرف آخر «ه» لفظ می‌شود «ها» و به این ترتیب طول عبارت به ۶ حرف می‌رسد و سپس حرف «ا» خودش دوباره لفظ می‌شود «الف» و عبارت ورودی به‌صورت «ح م ی د ه ا ل ف» تبدیل شده و

طبق قاعده نسبت به طول ۲ حرفی در دو سطر تنظیم می‌شود (تصویر ۲-۱۲). طول میتواند هر عدد مثبتی باشد.



تصویر۲-۱۲

ترکیب ورودی‌ها

این ابزار حروف عبارات ورودی را بر مبنای جایگاه آن‌ها در عبارت و بر اساس یک روش انتخابی، در کنار هم قرار می‌دهد. به‌این‌ترتیب که با شروع از عبارت اول، ابتدا حرف اول اولین عبارت، سپس حرف اول دومین عبارت، بعد حرف اول سومین عبارت و الی‌آخر. پس از اتمام حروف اول، حروف دوم در کنار هم قرار می‌گیرد، یعنی حرف دوم از عبارت اول، بعد حرف دوم از عبارت دوم، سپس حرف دوم از عبارت سوم و الی‌آخر. برای انجام این کار سه روش متفاوت- کمترین طول، طول هر ورودی، تکرار تا بیشترین طول- وجود دارد که با ارائه مثال به توضیح هرکدام پرداخته می‌شود.

کمترین طول: در این روش، ترکیب حروف عبارات ورودی به طول کوتاه‌ترین عبارت ورودی انجام می‌شود، یعنی اگر طول کوتاه‌ترین ورودی ۲ حرف باشد، فقط دو حرف از هر ورودی به ترتیبی که در بالا گفته شد در کنار هم قرار می‌گیرند.



تصویر ۲-۱۳

همان‌طور که در تصویر ۲-۱۳ نشان داده شده است، سه عبارت با طول متفاوت داریم (۳، ۴ و ۵ حرف). در روش کمترین طول، ترکیب ورودی به تعداد حروف کوتاه‌ترین عبارت (در اینجا ۳ حرف، کلمه علی) انجام می‌شود. به این صورت که حرف اول از اولین عبارت «ع»، حرف اول از دومین عبارت «ا»، حرف اول از سومین عبارت «ح»، سپس حروف دوم از عبارات، «ل م م» و درنهایت حروف سوم از عبارات «ی ی ی»؛ می‌شود «ع ا ح ل م م ی ی ی» و ترکیب در همین‌جا متوقف می‌شود.

حداکثر طول: در این روش، ترکیب حروف عبارات ورودی به طول هر عبارت ورودی انجام می‌شود، یعنی در مثال که شامل سه ورودی به ترتیب با طول ۳ (علی)۴ (امیر) و ۵ (حمیده) حرف است، بعد از ترکیب سه حرف اول از هر ورودی، حروف بعدی در کنار هم قرار می‌گیرند؛ حرف چهارم از عبارت دوم «م» و بعد حروف چهارم و پنجم «د ه» از عبارت سوم (تصویر ۲-۱۴).



تصویر۲-۱۴

تکرار تا بیشترین طول: در این روش ترکیب برای مبنای طولانی‌ترین ورودی انجام می‌شود به‌این‌ترتیب که وقتی تعداد حروف عبارت‌ها کمتر از بیشترین طول موجود است، پس از ترکیب تعداد حروف مشترک، برای حروف بعدی دوباره از ابتدای عبارت آغاز می‌کنیم. در مثال ما که شامل سه ورودی به ترتیب با طول ۳ (علی)،۴ (امیر) و ۵ (حمیده) حرف است، ترکیب به تعداد ۵ حرف از هر ورودی انجام خواهد شد اما ازآنجایی‌که تعداد حروف ورودی اول و دوم کمتر از این تعداد است، حروف آن‌ها به‌صورت تکرار و با شروع از ابتدای عبارت استفاده می‌شود؛ به‌این‌ترتیب که پس از پایان ترکیب سه حرف از هر ورودی برای حرف چهارم که عبارت اول (علی) فاقد آن است، مجدد از ابتدای کلمه آغاز می‌کنیم یعنی حرف «ع» حرف چهارم محسوب می‌شود و حروف چهارم در کنار هم قرار می‌گیرند. برای حرف پنجم که دو عبارت اول (علی) و دوم (امیر) فاقد آن هستند به همین ترتیب عمل می‌شود و این بار حرف دوم از عبارت اول یعنی حرف «ل» و حرف اول از عبارت دوم «ا» به‌عنوان حرف پنجم محسوب می‌شوند (تصویر ۲-۱۵).



تصویر۲–۱۵

بینات

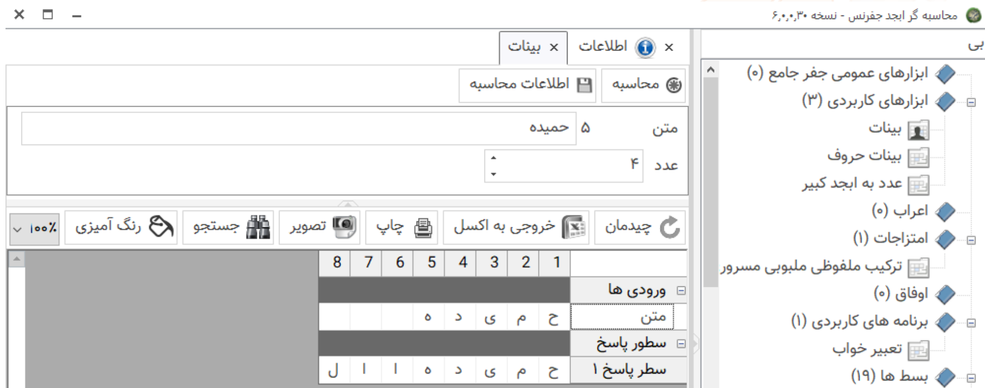
یکی دیگر از ابزارهای پرکاربرد در جفر، بینات است. این ابزار طول عبارت را با یک روش خاص به مضربی از عدد چهار تبدیل می‌کند. به‌عنوان مثال یک کلمه سه‌حرفی را به کلمه چهارحرفی و یک کلمه پنج‌حرفی را به یک کلمه هشت‌حرفی تبدیل می‌کند. برای این منظور آخرین حرف موجود در عبارت ورودی به همان صورت ملفوظ خود تبدیل می‌شود تا تعداد کل حروف به مضربی از عدد چهار برسد. اگر با تبدیل این حرف تعداد حروف به مضرب ۴ نرسد، حرف دوم لفظ شده، خود به لفظ تبدیل می‌شود و همین‌طور حروف بعدی تا به طول موردنظر برسد. با ارائه چند مثال این روش را روشن می‌کنیم.

بینات حرف «ا»: این حرف به‌صورت «الف» تلفظ می‌شود که ۳ حرف است، برای رساندن آن به ۴ کافی است حرف دوم لفظ «ل» به همان صورت ملفوظ خود «لام» تبدیل شود، می‌شود «الف لام» که ۴ حرف اول آن می‌شود «الفل».

بینات حرف «ج»: این حرف به‌صورت جیم تلفظ می‌شود که ۳ حرف است، برای رساندن آن به ۴، حرف دوم لفظ «ی» به همان صورت ملفوظ خود «یا» تبدیل شود، می‌شود «جیم یا» که ۴ حرف اول آن می‌شود «جیمی».

بینات کلمه «علی»: کلمه ۳ حرفی است و برای رساندن آن به ۴ حرف، حرف آخر «ی» به‌صورت ملفوظ خود «یا» تبدیل شود، می‌شود «علیا».

در تصویر ۲-۱۶، بینات کلمه «حمیده» محاسبه شده است. این کلمه ۵ حرفی است که برای رساندن آن به ۸ حرف، حرف آخر یعنی «ه» لفظ می‌شود، «ها» و تعداد حروف به ۷ می‌رسد، برای رساندن آن به طول موردنظر حرف دوم لفظ یعنی «ا»، خودش لفظ می‌شود؛ یعنی «حمیدهاالف» که ۸ حرف اول آن می‌شود «حمیدها ال».



تصویر۲-۱۶

بطن حروف

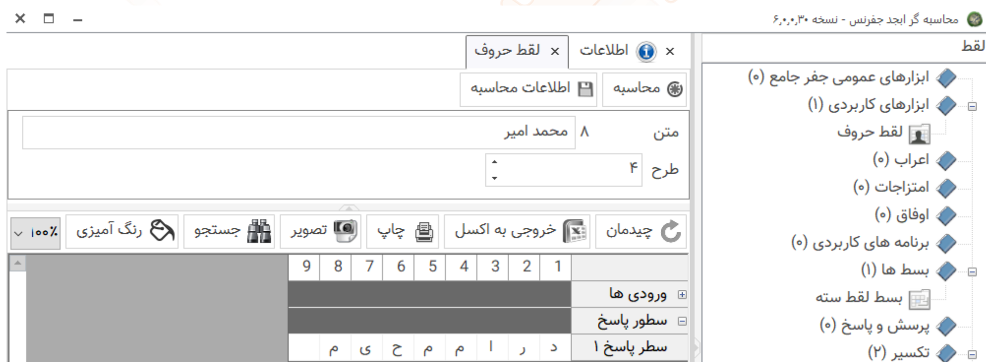
در بخش ابزارهای کاربردی جفر، علاوه بر ابجد کبیر و وضعی که در فصل قبل در مورد آن‌ها صحبت شد، یکی از ابزارهای پرکاربرد که در فرمول‌های جفری و گسترش حروف از آن استفاده می‌شود، بطن حروف است. برای محاسبه بطن حروف، هر یک از حروف کلمه یا عبارت ورودی، لفظ می‌شوند (مثلاً «ا» همان‌طور که تلفظ می‌شود الف) و سپس حروف تشکیل‌دهنده لفظ، خود دوباره لفظ می‌شود. به‌عنوان مثال کلمه «محمد»، حرف اول آن «م» همان‌طور که تلفظ می‌شود «میم» در نظر گرفته می‌شود و سپس هر یک از حروف «میم» هم همان‌طور که تلفظ می‌شوند؛ حرف دومش «ی» به‌صورت «یا» و حرف سوم «م» به‌صورت «میم»؛ بنابراین بطن حرف «م» به‌صورت «میم یا میم» خواهد بود. حرف دوم کلمه «محمد»، «ح» همان‌طور که تلفظ می‌شود «حا» در نظر گرفته می‌شود و هر یک از حروف آن‌هم به‌صورت ملفوظ که به این صورت خواهد بود «حا الف». حرف سوم، «م» که به‌صورت «میم یا میم» و حرف چهارم «د» به‌صورت «دال الف لام» (تصویر ۲-۱۷).



تصویر۲–۱۷

لقط

این ابزار با حرکت در طول حروف عبارت ورودی و با پرش بر مبنای تعداد مشخص‌شده، مثلاً دو حرف پرش، حروف را انتخاب و در کنار هم قرار می‌دهد تا جایی که کلیه حروف عبارت ورودی در عبارت حاصل قرار گیرند. به‌این‌ترتیب که از ابتدای عبارت آغاز کرده، به تعداد مشخص شده حرکت می‌کند، وقتی به آخر رسید، دوباره شمارش از ابتدای عبارت آغاز می‌شود و به‌شرط آنکه حروف را قبلاً اضافه نکرده باشد، آن‌ها را به عبارت حاصل اضافه می‌کند. برای مثال در تصویر ۲-۱۸، لقط ۴ حرفی عبارت «محمد امیر» که یک عبارت ۸ حرفی است نشان داده‌شده است. با شروع از ابتدای عبارت، پاسخ به این صورت خواهد بود که ابتدا حرف چهارم «د»، بعد حرف هشتم «ر»، سپس شمارش دوباره از ابتدای عبارت آغاز می‌شود و این بار حرف چهارم (با در نظر گرفتن اینکه حرف «د»، پیش از این انتخاب شده) حرف «ا» خواهد بود و به همین شیوه کار ادامه پیدا می‌کند تا کلیه حروف در عبارت پاسخ آورده شوند.



تصویر۲–۱۸

وتد

با استفاده از این ابزار، حروف عبارت ورودی بر مبنای یک قاعده خاص در سه سطر جای می‌گیرند، به‌این‌ترتیب که جایگاه عددی هر حرف تقسیم بر ۳ شده و سپس با توجه به باقیمانده تقسیم، آن حرف در یکی از سطرها قرار می‌گیرد.

- سطر اول → (باقیمانده) ۰ = ۳ / جایگاه عددی حرف
- سطر دوم → (باقیمانده) ۱ = ۳ / جایگاه عددی حرف
- سطر سوم → (باقیمانده) ۲ = ۳ / جایگاه عددی حرف

در تصویر ۲-۱۹، محاسبه وتد عبارت «محمد امیر» با طول ۸ حرف نشان داده‌شده است. از ابتدای عبارت حروف بر مبنای قاعده در سه سطر جای می‌گیرند، حرف «م» با جایگاه عددی ۰(۰= ۳ /۰) در سطر ۱، حرف «ح» با جایگاه عددی ۱(۱= ۳ /۱) در سطر ۲، حرف «م» با جایگاه عددی ۲(۲= ۳ /۲) در سطر ۳ و به همین ترتیب سایر حروف.

تصویر۲-۱۹

تنزل

در برخی از محاسبات جفری به تنزل اعداد اشاره می‌شود که با استفاده از این ابزار می‌توانید این کار انجام دهید. تنزل یا کم کردن اعداد به این صورت انجام می‌شود:

۱. تقسیم عدد ورودی (به‌عنوان مثال ۳۲۱) بر ۱۰۰ و به دست آوردن باقیمانده

۲. تقسیم عدد ورودی بر ۱۰۰ و به دست آوردن خارج‌قسمت

۳. ضرب خارج‌قسمت تقسیم مرحله ۲ در عدد ۱۰

٤. تقسیم باقیمانده مرحله اول بر عدد ۱۰

٥. جمع باقیمانده و خارج‌قسمت مرحله ۴ با عدد حاصل از مرحله ۲

۳۲۱/۱۰۰= ۲۱ (باقیمانده)

۳۲۱/۱۰۰= ۳ (خارج‌قسمت)

۳*۱۰=۳۰

۲۱/۱۰=۲ (خارج‌قسمت)

۲۱/۱۰= ۱ (باقیمانده)

۱+۲+۳۰=۳۳

چنانچه خارج‌قسمت تقسیم در مرحله ۲، صفر یا عددی کوچک‌تر از ۱۰ باشد با انجام مراحل بعدی عملیات به اتمام می‌رسد. این مراحل بر روی عدد نهایی حاصل در مرحله ۵ تکرار می‌شود تا به یک عدد تک‌رقمی برسیم (تصویر ۲-۲۰).

تصویر ۲-۲۰

طرح

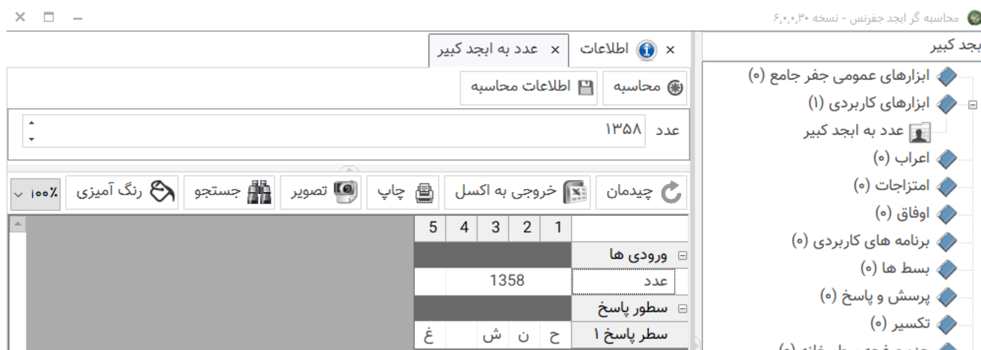
در محاسبات جفری گاه نیاز است که اعداد را طوری تبدیل کنیم تا در دامنه کوچک‌تری قرار گیرند. برای این منظور از ابزار طرح استفاده می‌شود. این ابزار برای تبدیل عدد، مقدار ورودی (بر اساس توالی ابجد کبیر) را بر عدد مشخص شده برای طرح تقسیم کرده و باقیمانده را به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر (پاسخ سطر ۲) و ابجد وضعی (پاسخ سطر ۳) تبدیل می‌کند. به‌عنوان مثال، برای تبدیل اعداد به ابجد وضعی که دامنه مقادیر آن ۲۸-۱ است، اعداد بر عدد ۲۸ تقسیم می‌شوند و باقیمانده به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. در تصویر ۲-۲۱ عبارت ورودی «محمد امیر» طرح ۲۸ شده است؛ م ح م د ا م ی ر= ۳۴۳، (باقیمانده)۷=۳۴۳/۲۸ و ۷ به ابجد کبیر و وضعی «ز».



تصویر۲-۲۱

عدد به ابجد کبیر

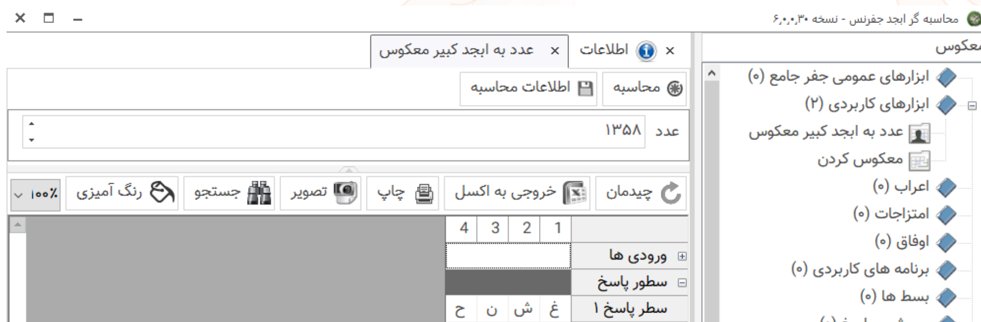
برای تبدیل عدد به ابجد کبیر، اعداد سه رقم سه رقم جدا می‌شوند و سپس بر مبنای توالی ابجد کبیر به متناظر حروفی خود تبدیل می‌شوند. برای اعداد در مرتبه بالاتر از ۱۰۰۰ یک «غ» و اعداد در مرتبه میلیون دو حرف «غ» اضافه می‌شود. برای مثال همان‌طور که در تصویر ۲-۲۲ نشان داده شده است برای تبدیل عدد ۱۳۵۸، تبدیل به این صورت خواهد بود؛ معادل یکان (عدد ۸) حرف «ح»، دهگان (عدد ۵۰) حرف «ن»، صدگان (عدد ۳۰۰) حرف «ش» و مرتبه ۱۰۰۰ حرف «غ».



تصویر۲–۲۲

عدد به ابجد معکوس

این ابزار درست مانند ابزار عدد به ابجد کبیر عمل می‌کند با این تفاوت که به‌جای اینکه تبدیل از جایگاه یکان شروع شود، از بالاترین مرتبه عدد آغاز می‌شود (تصویر ۲–۲۳).



تصویر۲–۲۳

تباین، تداخل، توافق و تماثل کبیر

این ابزار از ابتدای عبارت ورودی شروع کرده و هر حرف را همراه حرف بعد از آن انتخاب می‌کند. هنگامی‌که به آخرین حرف عبارت رسید، حرف بعدی اولین حرف عبارت خواهد بود. برای مثال حروف کلمه «علی» به این صورت انتخاب خواهد شد، عل / لی/ یع. سپس حروف انتخاب شده به مقادیر متناظر عددی‌شان در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. در مثال ما، عل= ع (۷۰) و ل (۳۰)، لی= ل (۳۰) و ی (۱۰)، یع= ی (۱۰) و ع (۷۰). در این مرحله مقدار عددی به ازای مقادیر متناظر دو حرف ورودی محاسبه شده و پاسخ در سطر اول قرار می‌گیرد. به این صورت که:

- اگر یکی از مقادیر ورودی عدد ۱ باشد، دو عدد در هم ضرب می‌شوند.
- اگر مقادیر برابر باشند، یکی از اعداد انتخاب می‌شود.
- اگر یکی از مقادیر بر دیگری بخش‌پذیر باشد، عدد کوچک‌تر انتخاب می‌شود.
- اگر مقادیر مخرج مشترک داشته باشند، عدد اول تقسیم بر مخرج مشترک (درصورتی‌که چند مخرج مشترک وجود داشته باشد، بزرگ‌ترین مخرج مشترک انتخاب می‌شود) شده و در عدد دوم ضرب می‌شود.
- و چنانچه هیچ‌یک از شروط بالا برقرار نباشد، اعداد در هم ضرب می‌شوند.

در مثال ما مقدار عددی حاصل برای مقادیر عددی حروف انتخاب شده به‌این‌ترتیب محاسبه می‌شود. عل= ع (۷۰) و ل (۳۰)، مطابق شروط فوق، ازآنجایی‌که اعداد مخرج مشترک دارند عدد اول (۷۰) تقسیم بر بزرگ‌ترین مخرج مشترک (۱۰) ضرب در عدد دوم (۳۰) و عدد حاصل ۲۱۰ خواهد بود. لی= ل (۳۰) و ی (۱۰)، اعداد بر هم بخش‌پذیر بوده و عدد کوچک‌تر (۱۰) انتخاب خواهد شد و برای یع= ی (۱۰) و ع (۷۰) نیز همین‌طور عدد کوچک‌تر (۱۰) انتخاب می‌شود.

همان‌طور که در تصویر ۲-۲۴ نشان داده شده است، مقادیر حاصل شده در سطر اول به معادل حروفی‌شان در توالی ابجد کبیر تبدیل شده و سطر دوم را تشکیل می‌دهند؛ ۲۱۰ (ی ر)، ۱۰ (ی) و ۱۰ (ی). برای تشکیل سطر سوم از اعداد حاصل در سطر اول طرح ۲۸ می‌شود تا در بازه ۲۸-۱ قرار گیرد. به این صورت که اعداد تقسیم بر عدد ۲۸ می‌شوند و سپس چنانچه عدد باقیمانده دورقمی بود تبدیل به حروف متناظر آن در توالی ابجد کبیر شده و در غیر این صورت خود حرف انتخاب می‌گردد. در مثال فوق، عدد ۲۱۰ در سطر اول طرح ۲۸ شده و باقیمانده آن عدد ۱۴ به معادل حروفی آن (دی) تبدیل شده است. سایر اعداد سطر اول (۱۰) در بازه موردنظر قرار دارد و کافی است حرف معادل آن در توالی ابجد کبیر (ی) انتخاب شود.

تصویر۲–۲۴

تباین، تداخل، توافق و تماثل وضعی

این ابزار درست مانند ابزار تباین، تداخل، توافق و تماثل کبیر عمل می‌کند با این تفاوت که برای محاسبه مقادیر حروف انتخاب‌شده، همان‌طور که از نامش پیداست از توالی ابجد وضعی استفاده کرده و همچنین برای تشکیل سطر سوم، پس از گرفتن مدخل ۲۸ از اعداد سطر اول، بدون در نظر گرفتن اینکه عدد حاصل تک‌رقمی یا دورقمی است آن را به معادل حرفی آن در ابجد وضعی تبدیل می‌کند (تصویر ۲–۲۵).

تصویر۲–۲۵

۳. بسط

بسط در جفر شیوه‌ای است که از جمع حروف برای تبدیل یک حرف‌به‌حرف یا حروف دیگر استفاده می‌کند. در ادامه بسط‌های موجود در نرم‌افزار جفر نس، مطابق روش محاسباتی آن یا در قالب جداول تبدیل حروف ارائه شده است.

بسط بطون (۲۸ بطنی)

در این بسط، به تعداد بطن مورد نظر از متن ورودی مداخل ثلاثه[۱۷] گرفته می‌شود به این ترتیب که هر سطر مداخل ثلاثه سطر قبل خواهد بود.

تصویر۳-۱

[۱۷]. برای آشنایی با مداخل ثلاثه به فصل ۶: مداخل مراجعه کنید.

بسط بطون (۲۸ بطنی) تخلیص شده

همانند بسط بطون است با این تفاوت که در هر سطر حروف تکراری حذف می‌شوند.

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16
ورودی ها																
متن	م	ح	م	د												
سطور پاسخ																
سطر پاسخ ۱	ب	ا	ص	د	ل	ف	ی									
سطر پاسخ ۲	ز	ا	ی	ر	ح	ک	ف	ل	د							
سطر پاسخ ۳	س	ی	ن	ش	و	ا	ل	م	ط	د						
سطر پاسخ ۴	ی	ا	ث	ل	ف	ن	و									
سطر پاسخ ۵	ز	ا	ع	ی	ن	خ	د	ل	ف	ب						
سطر پاسخ ۶	د	ا	ل	ن	و	ض	ط	ف	ز	ی	ح					
سطر پاسخ ۷	ه	ا	غ	ی	ن	ق	ف	و	ل							
سطر پاسخ ۸	ب	ا	ف	ر	غ	ی	ن	ل	م	ق	ج	د	ط	ز		

تصویر۳-۲

بسط ۲۸ درجه صفحه جفر جامع

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد برای رساندن آن به طول ۴، بینات گرفته می‌شود. سپس مقدار عددی حروف را در توالی ابجد وضعی مشخص می‌کند. مقدار عددی حرف موردنظر (می‌تواند حرف اول، دوم، سوم یا چهارم باشد) با اعداد بازه ۲۷-۰ (۲۸ بار) جمع می‌شود یعنی به‌عنوان مثال چنانچه حرف موردنظر ا=۱ باشد به این ترتیب جمع می‌شود ۱= ۰+۱، ۲=۱+۱، ۴=۳+۱ تا ۲۸=۲۷+۱. حاصل جمع به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. اگر حاصل جمع بزرگ‌تر از ۲۸ باشد، مقدار ۲۸ از حاصل جمع کم شده، باقیمانده به ابجد وضعی نوشته می‌شود و به مقدار وضعی حرف قبل عدد ۱ اضافه‌شده و حاصل به ابجد وضعی نوشته می‌شود؛ یعنی اگر حرف موردنظر م=۱۳ باشد و حرف قبل از آن «ب»، به‌عنوان مثال هنگام جمع با عدد ۲۰ (از بازه ۲۷-۰) حاصل جمع می‌شود ۳۳ (۱۳+۲۰) که بزرگ‌تر از ۲۸ است. ۲۸ از ۳۳ کم می‌شود (۵=۳۳-۲۸)، باقیمانده ۵ به ابجد وضعی «ه» و مقدار وضعی حرف قبل ب=۲ با عدد ۱ جمع می‌شود (۳=۲+۱) و ۳ به ابجد وضعی «ج». به‌عنوان مثال کلمه ورودی «علی» را فرض می‌کنیم. ازآنجایی‌که ۳ حرف است بینات شده و می‌شود «علیا». حرف دوم را انتخاب می‌کنیم، ل= ۱۲ که به ترتیب با اعداد ۲۷-۰ جمع شده و حاصل جمع به ابجد وضعی تبدیل می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۳ نشان داده شده است،

در جایی که حاصل جمع مقدار ۱۲ و عدد بازه بزرگ‌تر از ۲۸ شده است (۲۹=۱۲+۱۷)، مقدار ۲۸ از حاصل جمع کم شده ۱=۲۸-۲۹، باقیمانده به ابجد وضعی «ا» و ۱ به مقدار حرف قبل یعنی «ع» اضافه می‌شود ۱۷=۱۶+۱ و ۱۷ به ابجد وضعی «ف».

سطر پاسخ ۱	علیا	الفیاقافبایاجیمدالبا	الفیاقافبایاجیمدالبا
سطر پاسخ ۲	عمیا	الفکافقافجیمیادالدالبا	بالامراهاکافزاحادال
سطر پاسخ ۳	عنیا	الفلامقافدالیاهادالجیم	جیمسینشینطالامبایاجیمبایازا
سطر پاسخ ۴	عسیا	الفمیمقافهایاواودالبا	دالثادالنونطاواویاطا
سطر پاسخ ۵	ععیا	الفنونقافواویازادالبا	هانونخاعینزاکافالفیا
سطر پاسخ ۶	عفیا	الفسینقافزایاحادالجیم	واویاضادزافاهایاواودالکافدالیا
سطر پاسخ ۷	عصیا	الفعینقافحایاطادالبا	زافاظاهاقافهایاواوحاکافواویا
سطر پاسخ ۸	عقیا	الففاقافطایایاالفدالدال	حاسینقافغیندالکافقافواویازابالامکاف
سطر پاسخ ۹	عریا	الففاراطاکافالفیابادالبا	طامیمتاغینجیمنونقافحایاطاواولامباکاف
سطر پاسخ ۱۰	عشیا	الففاشینطالامبایاجیمدالها	لامضادغینجیمفاقافالفکافجیممیمزاکاف
سطر پاسخ ۱۱	عتیا	الففاتاطامیمجیمیادالدالدال	الفیاشینباغینبالامراهاکافزادالمیمالفلام
سطر پاسخ ۱۲	عثیا	الففاثاطانوندالیاهادالها	باصادضادباغینالفصادرالامجیمحامیمواولام
سطر پاسخ ۱۳	عخیا	الففاخاطاسینهایاواودالجیم	جیمعینثاجیمغینسینشینواولامطابانونطالام
سطر پاسخ ۱۴	عذیا	الففاذالطاعینواویازادالجیم	دالنونشیندالغینطالامتابانونزاواونونبامیم
سطر پاسخ ۱۵	عضیا	الففاضادطافازایاحادالجیم	هالامراهاغینحاکافثاسینواوسینهامیم
سطر پاسخ ۱۶	عظیا	الففاظاطاصادحایاطادالجیم	واویاراواوغینزاکافخاطاسینهایاواودالسینحامیم
سطر پاسخ ۱۷	عغیا	الففاغینطاقافطایاالفدالجیم	زاصادرازاغینواولامذالطاعینواویازاحاسینالفنون
سطر پاسخ ۱۸	فایا	باصادالفیابادالجیم	طافاشینزاغینزامیمذالالففاطاباعیندالنون
سطر پاسخ ۱۹	فبیا	جیمصادبایاجیمدالدال	بافاتازاغیننونذالهاعینبایاجیمواوعینحانون
سطر پاسخ ۲۰	فجیا	دالصادجیمیادالدالدال	واوعینثازاغینجیمسینذالطاعینواویازافاباسین
سطر پاسخ ۲۱	فدیا	هاصاددالیاهادالجیم	الفعینخازاغینحاسینذالدالفابایاجیمدالفاهاسین
سطر پاسخ ۲۲	فهیا	واوصادهایاواودالجیم	زاسینذالزاغینجیمفاذالالففاطاحافاحاسین
سطر پاسخ ۲۳	فویا	زاصادواویازادالجیم	دالسینضادزاغینصادذالطاعینواویازاباصادالفعین
سطر پاسخ ۲۴	فزیا	حاصادزایاحادالدال	باسینظازاغینحاصادذالزافاهایاواوواوصادهاعین
سطر پاسخ ۲۵	فحیا	طاصادحایاطادالجیم	الفسینحاغینزاضادزافاهایاواوقافحاعین
سطر پاسخ ۲۶	فطیا	قافیاالفدالجیم	الفسینقافحاغینزایاضادحافاواویازادالقافالففا
سطر پاسخ ۲۷	فیا	الفقافالفیابادالها	باسینراحاغینحاکافضادصادطاحاقافواوفا
سطر پاسخ ۲۸	فکیا	الفیاقافبایاجیمدالجیم	جیمعینشینحاغینمیمضاددالفابایاجیمبایاقافطافا

تصویر۳-۳

بسط ۳۶۰ درجه

این بسط یکی از بسطهای زیر مجموعه بطون است که عمل تکرار ۳۶۰ مرتبه انجام میگیرد..

بسط ۳۶۰ درجه تخلیص شده

همانند بسط ۳۶۰ درجه عمل می‌کند با این تفاوت که پس از گرفته شدن مداخل ثلاثه حروف تکراری پاسخ (منظور سطر سوم مداخل ثلاثه است) حذف می‌شوند.

بسط ۴ بطنی

حروف عبارت ورودی یک‌به‌یک انتخاب شده، هر حرف ۴ بار لفظ می‌شود. سپس حروف تکراری حذف می‌شوند و باقی حروف پاسخ سطر ۱ را تشکیل می‌دهند. به‌عنوان مثال بسط ۴

بطنی برای کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: حرف اول «ع» لفظ می‌شود «ع ی ن»، این حروف لفظ می‌شوند «ع ی ن ی ا ن و ن»، حروف حاصل لفظ می‌شوند «ع ی ن ی ا ن و ن ی ا ا ل ف ن و ن و ا و ن»، برای بار چهارم حروف لفظ می‌شوند «ع ی ن ی ا ن و ن ی ا ا ل ف ن و ن و ا و ن و ن ی ا ا ل ف ا ل ف ل ا م ف ا ن و ن و ا و ن و ن و ا و ا ل ف و ا و ن و ن و ا و ن و ن». حروف تکراری حذف می‌شوند «ع ی ن ا و ل ف م». به همین ترتیب برای حروف دوم و سوم ورودی نیز انجام می‌شود (تصویر ۳-۴).

تصویر۳–۴

بسط اتصال ابتث

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	یاب	ابت	ثجح	خدذ	وهی	نوه	رزس	جحخ	ضطظ	هیا	قکل	کلم	لمن	منو
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	زسش	ظعغ	غفق	شصض	فقک	ذرز	سشص	بتث	تثج	حخد	دذر	صضط	طظع	عغف

جدول ۳–۱

بسط اتصال ابجد

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	غاب	ابج	بجد	جده	دهو	هوز	وزح	زحط	حطی	طیک	یکل	کلم	لمن	منس
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	نسع	سعف	عفص	فصق	صقر	قرش	رشت	شتث	تثخ	ثخذ	خذض	ذضظ	ضظغ	ظغا

جدول ۳–۲

بسط اتصال اهطمی

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	غاه	ذبو	ضجز	ظدح	اهط	بوی	جزک	دحل	هطم	وین	زکس	حلع	طمف	ینص
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	کسق	لعر	مفش	نصت	سقث	عرخ	فشذ	صتض	قثظ	رخغ	شذب	تضج	تظا	خغا

جدول ۳–۳

بسط اتصال ایقغی

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	طاه	غبک	رجل	شلدم	تهن	توس	خزغ	ذحف	ضطص	ایق	بکر	جلش	دمت	هنث
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	وسخ	زعذ	حفض	طصظ	یقغ	کرن	لشد	مته	نثو	سخز	عذح	فضط	صظا	قغب

جدول ۳–۴

بسط تملیک کلی

این بسط شامل مجموعه‌ای از بسط هاست که روش مشابهی دارند و هر کدام به صورت مجزا در ادامه توضیح داده خواهد شد: بسط احباب، بسط عبید، بسط تزویج، بسط توارث، بسط تسافر، بسط تشاغل، بسط امال، بسط تضاد.

در این بسط، مطابق با عدد مورد نظر، از انتهای عبارت ورودی شروع به شمارش کرده و یک حرف به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود، سپس باقی حروف نیز از ادامه آن به همان ترتیب آورده می‌شوند یعنی از آخرین حرف به تعداد عدد مورد نظر می‌شماریم و آنجا نقطه شروع ما برای گرفتن عبارت می‌شود، سپس از آن حرف تا انتهای عبارت و سپس از ابتدای عبارت تا آن حرف را اضافه می‌کنیم. تا به سطر زمام برسد.

توجه داشته باشید هر یک از بسط های زیر مجموعه این بسط که نامبرده شد، منطبق با یکی از اعداد برای انتخاب حرف است. به عنوان مثال عدد مورد نظر در بسط احباب ۵ می باشد، به این معنی که با شروع از انتهای عبارت، شمارش کرده و ۵ امین حرف را انتخاب می‌کنیم.

بسط تملیک تکسیری

این بسط نیز مانند بسط تملیک کلی شامل مجموعه‌ای از بسط هاست که روش مشابهی دارند و هر کدام به صورت مجزا در ادامه توضیح داده خواهد شد: بسط عبید تکسیری، بسط

توارث تکسیری، بسط تشاغل تکسیری، بسط تضاد تکسیری، بسط ادواری، بسط احباب تکسیری، بسط تزویج تکسیری، بسط تسافر تکسیری، بسط امال تکسیری.

در این بسط، مطابق با عدد مورد نظر، حرف از انتها و ابتدای عبارت برمی‌داریم و سپس مابقی حروف در ادامه می‌آید. مانند تکسیر موخر صدر است که از انتهای تکسیر تعداد مورد نظر را برداشته و مابقی حروف به ترتیب عبارت اضافه میگردد.

توجه داشته باشید اگر بخواهید به صورت معکوس نیز بردارید مانند صدر موخر عمل کنید یعنی ابتدا از اول عبارت و سپس از آخر عبارت بردارید.

هر یک از بسط های زیر مجموعه این بسط که نامبرده شد، منطبق با یکی از اعداد برای انتخاب حرف است. به عنوان مثال عدد مورد نظر در بسط احباب تکسیری ۵ می باشد، به این معنی که تا ۵ حرف از انتها و ابتدا حروف انتخاب شده و سپس باقی حروف در ادامه آورده می‌شود.

بسط احباب

حرف پنجم از انتهای عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و سپس باقی حروف نیز از ادامه آن به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد. برای مثال در عبارت «محمد امیر» حرف پنجم از انتهای عبارت حرف «د» است که به‌عنوان حرف اول انتخاب شده و باقی حروف از ادامه آن (ا م ی ر م ح م) آورده شده است (تصویر ۳-۵).

متن ۸ محمدامیر
مقدار ۵

	1	2	3	4	5	6	7	8
سطر پاسخ ۱	د	ا	م	ی	ر	م	ح	م
سطر پاسخ ۲	ی	ر	م	ح	م	د	ا	م
سطر پاسخ ۳	ح	م	د	ا	م	ی	ر	م
سطر پاسخ ۴	ا	م	ی	ر	م	ح	م	د
سطر پاسخ ۵	ر	م	ح	م	د	ا	م	ی
سطر پاسخ ۶	م	د	ا	م	ی	ر	م	ح
سطر پاسخ ۷	م	ی	ر	م	ح	م	د	ا

تصویر۳-۵

بسط احباب تکسیری

در این بسط تا ۵ حرف از انتها و ابتدای عبارت ورودی انتخاب شده و باقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند. به این ترتیب که یک حرف از آخر، یک حرف از اول، حرف دوم از آخر، حرف دوم از اول، بعد حرف سوم از آخر و مابقی حروف از ادامه به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد.

بسط تسلسل بدون میزان
بسط تشابه
بسط تصاعد حرفی
بسط تصاعد عددی
بسط تضریب ترتیبی
بسط تضریب ترتیبی جفر جامع
بسط تضریبی جزو صفحه سطر
بسط تظلیم
بسط تعدیل
بسط تفکیک عربی
بسط تفکیک فارسی
بسط تقوی ۱
بسط تقوی ۲
بسط تکسیر
بسط تملیک
بسط تملیک تکسیری

متن ۸ محمد امیر
طول ۵ معکوس
چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

	1	2	3	4	5	6	7	8
ورودی ها								
متن	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
سطور پاسخ								
سطر پاسخ ۱	م	ر	ح	ی	م	د	ا	م
سطر پاسخ ۲	م	م	ر	ا	ح	ی	م	د
سطر پاسخ ۳	م	د	م	م	ر	ا	ح	ی
سطر پاسخ ۴	م	ی	د	ح	م	م	ر	ا
سطر پاسخ ۵	م	ا	ی	ر	د	ح	م	م
سطر پاسخ ۶	م	م	ا	م	ی	ر	د	ح
سطر پاسخ ۷	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر

تصویر۳–۶

بسط ادواری

این بسط حرف آخر عبارت ورودی، بعد حرف اول عبارت، سپس حرف دوم از آخر و بعد حرف دوم از ابتدا را انتخاب کرده و باقی حروف را از حرف دوم به بعد به همان ترتیب انتخاب می‌کند تا به سطر زمام برسد.

بسط تضریب ترتیبی جفر جامع
بسط تضریبی جزو صفحه سطر
بسط تظلیم
بسط تعدیل
بسط تفکیک عربی
بسط تفکیک فارسی
بسط تقوی ۱
بسط تقوی ۲
بسط تکسیر
بسط تملیک
بسط تملیک تکسیری

	1	2	3	4	5	6	7	8
ورودی ها								
متن	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
سطور پاسخ								
سطر پاسخ ۱	ر	م	ی	ح	م	د	ا	م
سطر پاسخ ۲	م	ر	ا	م	ی	ح	م	د
سطر پاسخ ۳	د	م	م	ر	ا	م	ی	ح
سطر پاسخ ۴	ح	د	ی	م	م	ر	ا	م
سطر پاسخ ۵	م	ح	ا	د	ی	م	م	ر
سطر پاسخ ۶	ر	م	م	ح	ا	د	ی	م
سطر پاسخ ۷	م	ر	ی	م	م	ح	ا	د
سطر پاسخ ۸	د	م	ا	ر	ی	م	م	ح

تصویر۳–۷

بسط ارتفاع حروف

این بسط دو ورودی به طول یکسان را می‌گیرد، فاصله بین هر حرف از ورودی اول و حرف متناظر آن از ورودی دوم را بر مبنای توالی ابجد می‌سنجد و سپس به اندازه فاصله به دست آمده، از حرف دوم (حرف موردنظر در ورودی دوم) در توالی ابجد به سمت جلو حرکت می‌کند و به حرفی که رسید آن را انتخاب می‌کند. این عملیات ۲۸ مرتبه تکرار می‌شود به‌طوری‌که سطر ۱ می‌شود ورودی ۱، سطر ۲ می‌شود ورودی ۲، سطر ۳ می‌شود حاصل، سطر ۴ می‌شود ورودی ۲ و حاصل ۱، سطر ۵ می‌شود حاصل ۱ و حاصل ۲ و...

برای مثال دو ورودی با طول ۳ حرف در نظر بگیرید، ورودی اول (رضا) و ورودی دوم (علی). فاصله حروف متناظر یعنی ر ع/ ض ل/ا ی/ در توالی ابجد کبیر مشخص می‌شود.

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

برای به دست آوردن فاصله حرف «ر» تا حرف «ع» از حرف «ر» شروع می‌کنیم و به جلو حرکت می‌کنیم. فاصله ۲۴ حرف می‌باشد. به همین مقدار از دومین حرف یعنی حرف «ع» به جلو حرکت می‌کنیم و به حرف «ل» **می**رسیم.

بسط اصلی

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	جسر	دیق	عق	زیر	زیق	زلق	طیق	کق	اکق	بکق	جصر	بعر	اصق	هکر
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	زلر	زمر	بصق	امر	جعش	بیش	زعت	بیث	بیخ	بیذ	جیظ	انظ	بیغ	زعقغ

جدول ۳–۵

بسط اصول اربعه تجمیع

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد برای رساندن آن به طول ۴، بینات گرفته می‌شود. مقدار عددی حرف اول در توالی ابجد کبیر به ترتیب با مقدار حروف دوم، سوم و چهارم جمع شده، سپس مقدار عددی حرف دوم به ترتیب با مقدار حروف سوم و چهارم، مقدار عددی حرف سوم با حرف چهارم و در آخر مقدار هر ۴ حرف باهم جمع شده و حاصل جمع به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود (پاسخ سطر ۱). برای پاسخ سطر ۲، حاصل جمع‌ها طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرف است و بینات گرفته می‌شود (علیا)؛۱۰۰(ق)=ل (۳۰)+ع (۷۰)،۸۰(ف)=ی (۱۰)+ع (۷۰)، ۷۱(ا ع) =ا (۱)+ع (۷۰)؛۴۰(م) =ی (۱۰)+ل (۳۰)، ۳۱(ا ل) =ا (۱)+ل (۳۰)، ۱۱(ا ی) =ا (۱)+ی (۱۰)؛ ۱۱۱(ا ی ق) =ا (۱)+ی (۱۰)+ل (۳۰)+ع (۷۰). برای پاسخ سطر ۲: (ع)۱۶=۱۰۰/۲۸، (خ) ۲۴=۸۰/۲۸، (س) ۱۵=۷۱/۲۸، (ل) ۱۲=۴۰/۲۸، (ج) ۳=۳۱/۲۸، ۱۱ به ابجد وضعی «ک»، (ظ) ۲۷=۱۱۱/۲۸.

تصویر۳-۸

بسط اصول اربعه تضریب

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد برای رساندن آن به طول ۴، بینات گرفته می‌شود. مقدار عددی حرف اول در توالی ابجد کبیر به ترتیب در مقدار حروف دوم، سوم و چهارم ضرب شده، سپس مقدار عددی حرف دوم به

ترتیب در مقدار حروف سوم و چهارم، مقدار عددی حرف سوم در حرف چهارم و در آخر مقدار هر ۴ حرف در هم ضرب شده و حاصل‌ضرب به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود (پاسخ سطر ۱). برای پاسخ سطر ۲، حاصل‌ضرب‌ها طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرف است و بینات گرفته می‌شود (علیا)؛ (ق ب غ)۲۱۰۰=ل (۳۰)*ع (۷۰)،۷۰۰(ذ)=ی (۱۰)*ع (۷۰)،۷۰(ع)=ا (۱)*ع (۷۰)؛۳۰۰(ش) =ی (۱۰)*ل (۳۰)، ۳۰(ل) =ا (۱)+ل (۳۰)، ۱۰(ی) = ا (۱)*ی (۱۰)؛۲۱۰۰۰(ا ک غ) =ا (۱)*ی (۱۰)*ل (۳۰)*ع (۷۰). برای پاسخ سطر ۲: (غ) ۲۸=۲۱۰۰/۲۸، (غ) ۲۸=۷۰۰/۲۸، (ن)۱۴=۷۰/۲۸، (ر)۲۰=۳۰۰/۲۸، (ب)۲=۳۰/۲۸، ۱۰ به ابجد وضعی «ی»، (غ) ۲۸=۲۱۰۰۰/۲۸.

تصویر۳-۹

بسط اعوان

حرف دوم از انتهای عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و باقی حروف نیز از ادامه آن، به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۰ نشان داده شده است، به‌عنوان مثال در پاسخ سطر ۱، حرف دوم از انتهای عبارت ورودی (ی) به‌عنوان حرف اول، سپس مابقی حروف (ر م ح م د ا م) از ادامه آن به همان ترتیب آورده شده‌اند.

	1	2	3	4	5	6	7	8
ورودی ها								
متن	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
سطور پاسخ								
سطر پاسخ ۱	ی	ر	م	ح	م	د	ا	م
سطر پاسخ ۲	ا	م	ی	ر	م	ح	م	د
سطر پاسخ ۳	م	د	ا	م	ی	ر	م	ح
سطر پاسخ ۴	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر

تصویر۳–۱۰

بسط اقران

حرف سوم از انتهای عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و سپس باقی حروف نیز از ادامه آن به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد. برای مثال در عبارت «محمد امیر» حرف سوم از انتهای عبارت حرف «م» است که به‌عنوان حرف اول انتخاب شده و باقی حروف از ادامه آن (ی ر م ح م د ا) آورده شده است (تصویر ۱۱-۳).

	1	2	3	4	5	6	7	8
ورودی ها								
متن	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
سطور پاسخ								
سطر پاسخ ۱	م	ی	ر	م	ح	م	د	ا
سطر پاسخ ۲	م	د	ا	م	ی	ر	م	ح
سطر پاسخ ۳	ر	م	ح	م	د	ا	م	ی
سطر پاسخ ۴	ا	م	ی	ر	م	ح	م	د
سطر پاسخ ۵	ح	م	د	ا	م	ی	ر	م
سطر پاسخ ۶	ی	ر	م	ح	م	د	ا	م
سطر پاسخ ۷	د	ا	م	ی	ر	م	ح	م
سطر پاسخ ۸	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر

تصویر۳–۱۱

بسط اقران ۲

حرف آخر عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود، حرف اول عبارت ورودی به‌عنوان حرف دوم، سپس حرف یکی مانده به آخر و باقی حروف از حرف دوم به بعد به همان ترتیب آورده می‌شوند و این کار تا رسیدن به سطر زمام ادامه می‌یابد. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۲ نشان داده شده است، برای پاسخ سطر ۱، ابتدا حرف آخر عبارت ورودی (ر) به‌عنوان حرف اول، بعد حرف اول عبارت ورودی (م)، حرف یکی مانده به آخر (ی) و سپس باقی حروف از حرف دوم (ح) به بعد به همان ترتیب انتخاب شده است.

تصویر۳–۱۲

بسط امال

حرف یازدهم از انتهای عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و سپس باقی حروف نیز از ادامه آن به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد. برای مثال در عبارت «علیرضا محمدی فر» حرف یازدهم از انتهای عبارت حرف «ی» است که به‌عنوان حرف اول انتخاب شده و باقی حروف از ادامه آن (ر ض ا م ح م د ی ف ر ع ل) آورده شده است (تصویر ۳-۱۳).

تصویر۳–۱۳

بسط امال تکسیری

در این بسط تا ۱۱ حرف از انتها و ابتدای عبارت ورودی انتخاب شده و باقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند. به این ترتیب که یک حرف از آخر، یک حرف از اول، حرف دوم از آخر، حرف دوم از اول و به همین ترتیب تا حرف یازدهم، سپس مابقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد.

تصویر۳–۱۴

بسط ایقغ

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	خ	ذ	ض	ظ	غ	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ا

جدول ۳–۶

بسط باطن در ظاهر

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	د	ط	یو	هک	ول	طم	دس	اف	ق	کر	سش	کث	ذ
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	ظ	کقغ	سشغ	کخغ	ظغ	غد	شغو	ضغخ	ثغای	تغدی	ثغزی	ضغک	شغدک	غحک

جدول ۳–۷

بسط تجمیع الحروف و انواع آن

این بسط که شامل ۴ ورودی می‌تواند باشد، حروف عبارات ورودی را ترکیب[۱۸] کرده و پاسخ در ۴ سطر ارائه می‌شود به این ترتیب که:

پاسخ سطر ۱: ترکیب حروف عبارات ورودی به طول کوتاه‌ترین عبارت ورودی

پاسخ سطر ۲: ترکیب حروف عبارات ورودی به طول بلندترین عبارت ورودی

پاسخ سطر ۳: ترکیب حروف عبارات ورودی به طول کوتاه‌ترین عبارت ورودی به‌طور برعکس

پاسخ سطر ۴: ترکیب حروف عبارات ورودی به طول بلندترین عبارت ورودی به‌طور برعکس

۱۸. نحوه ترکیب حروف عبارات ورودی در فصل ۲. ابزارهای پایه توضیح داده شده است.

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16
سطر پاسخ ۱	ع	م	ح	ا	ل	ح	م	م	ی	م	ی	ی				
سطر پاسخ ۲	ع	م	ح	ا	ل	ح	م	م	ی	م	ی	ی	د	د	ر	ه
سطر پاسخ ۳	ی	د	ه	ر	ل	م	د	ی	ع	ح	ی	م				
سطر پاسخ ۴	ی	د	ه	ر	ل	م	د	ی	ع	ح	ی	م	م	م	ا	ح

تصویر۳-۱۵

بسط تجمیع ترتیبی

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد وضعی باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «محمد» به این ترتیب خواهد بود: م (۱۳) + ح (۸) و عدد ۲۱ به ابجد کبیر «ا ک»، ح (۸)+ م (۱۳) و عدد ۲۱ به ابجد کبیر «ا ک»، م (۱۳) + د (۴) و عدد ۱۷ به ابجد کبیر «ز ی»، د (۴) + م (۱۳) و عدد ۱۷ به ابجد کبیر «ز ی» (تصویر ۳-۱۶).

	1	2	3	4	5	6	7	8
متن	م	ح	م	د				
سطر پاسخ ۱	ا	ک	ا	ک	ز	ی	ز	ی

تصویر۳-۱۶

بسط تجمیع ترتیبی جفر جامع

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد وضعی باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۱[۱۹]، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «محمد» به این ترتیب خواهد بود: م (۱۳) + ح (۸) و عدد ۲۱ به ابجد کبیر «ا ک»، ۴ حرفی از «ا ک» می‌شود «ا ش ا و» و دو حرف اول آن «ا ش» و به همین ترتیب برای سایر حروف عبارت. ح (۸)+ م (۱۳) و عدد ۲۱ به ابجد کبیر «ا ک»، ۴ حرفی از «ا ک» می‌شود «ا ش ا و» و دو حرف اول آن «ا ش»، م (۱۳) + د (۴) و عدد ۱۷ به ابجد کبیر «ز ی»، ۴ حرفی از «ز ی» می‌شود «ا ف ا ه» و دو حرف اول آن «ا ف»، د (۴) + م (۱۳) و عدد ۱۷ به ابجد کبیر «ز ی»،۴ حرفی از «ز ی» می‌شود «ا ف ا ه» و دو حرف اول آن «ا ف» (تصویر ۳-۱۷).

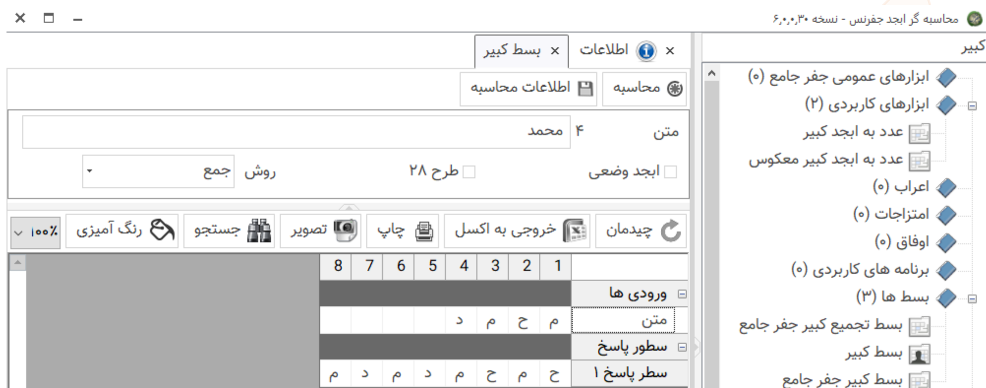
تصویر۳-۱۷

بسط کبیر تجمیع

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد کبیر باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «محمد» به این ترتیب خواهد بود: م (۴۰) + ح (۸) و عدد

[۱۹]. برای آشنایی با جزو صفحه سطر خانه ۱ به فصل ۸: جفر جامع مراجعه کنید.

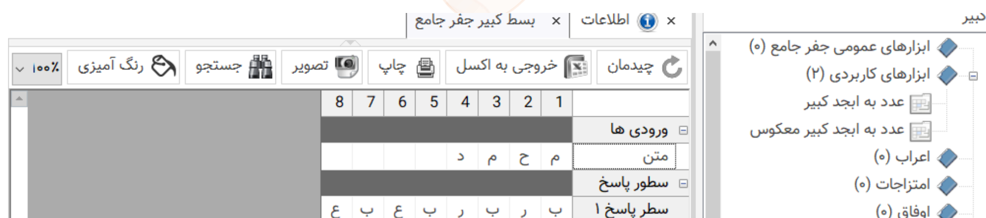
۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، ح (۸)+ م (۴۰) و عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، م (۴۰) + د (۴) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م»، د (۴) + م (۴۰) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م» (تصویر ۳-۱۸).



تصویر۳–۱۸

بسط کبیر جفر جامع تجمیع

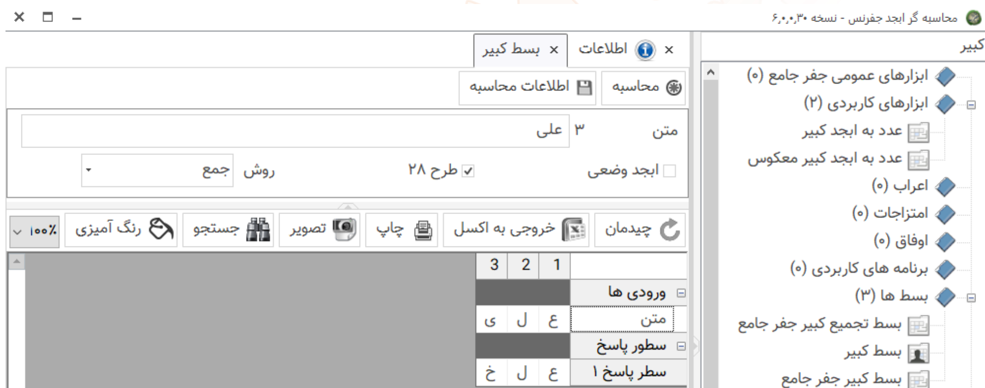
در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد کبیر باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۱، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «محمد» به این ترتیب خواهد بود: م (۴۰) + ح (۸) و عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، ۴ حرفی از «حم» می‌شود «ب ر ا ل» و دو حرف اول آن «ب ر»، ح (۸)+ م (۴۰) و عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، ۴ حرفی از «حم» می‌شود «ب ر ا ل» و دو حرف اول آن «ب ر»، م (۴۰) + د (۴) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م»، ۴ حرفی از «د م» می‌شود «ب ع ا ک» و دو حرف اول آن «ب ع»، د (۴) + م (۴۰) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م»، ۴ حرفی از «دم» می‌شود «ب ع ا ک» و دو حرف اول آن «ب ع»(تصویر ۳-۱۹).



تصویر۳–۱۹

بسط کبیر تجمیع طرح ۲۸

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد کبیر باهم جمع شده و اعداد حاصل طرح ۲۸ می‌شوند. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. به این صورت که اعداد تقسیم بر عدد ۲۸ می‌شوند و عدد باقیمانده به متناظر حروفی آن در ابجد وضعی تبدیل می‌شود. برای مثال بسط کلمه «علی» به این صورت خواهد بود: ۱۰۰=ع (۷۰) + ل (۳۰)، ۱۶=۱۰۰/۲۸ و عدد ۱۶ به ابجد وضعی حرف «ع» و به همین ترتیب برای سایر حروف عبارت (تصویر ۳-۲۰).



تصویر۳–۲۰

بسط کبیر جفر جامع تجمیعی طرح ۲۸

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد کبیر باهم جمع شده و اعداد حاصل طرح ۲۸ می‌شوند. به این صورت که اعداد تقسیم بر عدد ۲۸ می‌شوند و عدد باقیمانده به متناظر حروفی آن در ابجد وضعی تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۱، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود.

برای مثال بسط کلمه «علی» به این صورت خواهد بود: ۱۰۰=ع (۷۰) + ل (۳۰)، ۱۶=۱۰۰/۲۸ و عدد ۱۶ به ابجد وضعی حرف «ع»، ۴ حرفی از «ع» می‌شود «ج ن ا ص» و دو حرف اول آن «ج ن»،۴۰=ل (۳۰) + ی (۱۰)، ۱۲=۴۰/۲۸ و عدد ۱۲ به ابجد وضعی حرف «ل»، ۴ حرفی از

«ل» می‌شود «ب ب ا ح» و دو حرف اول آن «ب ب»، ۸۰= ی (۱۰) + غ (۷۰)، ۸۰/۲۸=۲۴ و عدد ۲۴ به ابجد وضعی حرف «خ»، ۴ حرفی از «خ» می‌شود «ت ل و ی» و دو حرف اول آن «ت ل» (تصویر ۳-۲۱).

تصویر۳-۲۱

بسط کبیر تجمیع وضعی

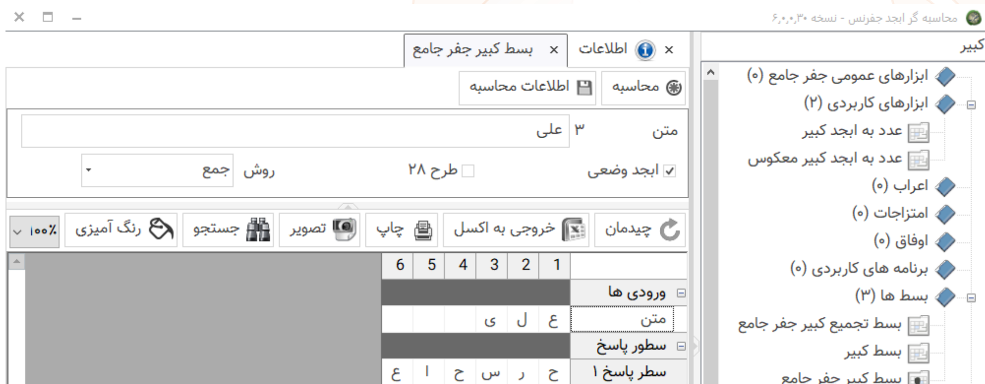
در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد وضعی باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (چنانچه عدد حاصل بزرگ‌تر از ۲۸ باشد، طرح ۲۸ می‌شود و باقیمانده آن تبدیل می‌شود). توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۱۶) + ل (۱۲) و عدد ۲۸ به ابجد وضعی «غ»، ل (۱۲)+ ی (۱۰) و عدد ۲۲ به ابجد وضعی «ت»، ی (۱۰) + ع (۱۶) و عدد ۲۶ به ابجد وضعی «ض» (تصویر ۳-۲۲).



تصویر۳-۲۲

بسط کبیر جفر جامع تجمیع وضعی

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد وضعی باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (چنانچه عدد حاصل بزرگ‌تر از ۲۸ باشد، طرح ۲۸ می‌شود و باقیمانده آن تبدیل می‌شود). توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۱، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۱۶) + ل (۱۲) و عدد ۲۸ به ابجد وضعی «غ»، ۴ حرفی از «غ» می‌شود «حرطض» و دو حرف اول آن «ح ر»، ل (۱۲)+ ی (۱۰) و عدد ۲۲ به ابجد وضعی «ت»،۴ حرفی از «ت» می‌شود «سحدع» و دو حرف اول آن «س ح»، ی (۱۰) + ع (۱۶) و عدد ۲۶ به ابجد وضعی «ض»، ۴ حرفی از «ض» می‌شود «اعحد» و دو حرف اول آن «ا ع» (تصویر ۳-۲۳).



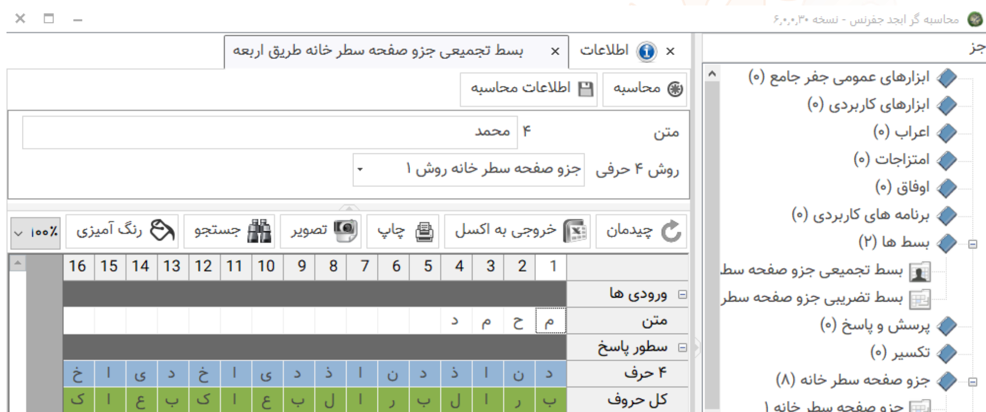
تصویر۳-۲۳

بسط تجمیعی جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۱

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد کبیر باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۱[۲۰]، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «محمد» به این ترتیب خواهد بود: م (۴۰) + ح (۸) و

[۲۰]. برای آشنایی با جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۱ به فصل ۸: جفر جامع مراجعه کنید.

عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، ۴ حرفی از «حم» می‌شود «د ن ا ذ» /«ب ر ا ل»، ح (۸)+ م (۴۰) و عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، ۴ حرفی از «حم» می‌شود «د ن ا ذ» /«ب ر ا ل»، م (۴۰) + د (۴) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م»، ۴ حرفی از «دم» می‌شود «د ی ا خ»/«ب ع ا ک»، د (۴) + م (۴۰) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م»، ۴ حرفی از «دم» می‌شود «د ی ا خ»/«ب ع ا ک» (تصویر ۳-۲۴).



تصویر۳-۲۴

بسط تجمیعی جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۲

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد کبیر باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۲، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «محمد» به این ترتیب خواهد بود: م (۴۰) + ح (۸) و عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، ۴ حرفی از «حم» می‌شود «ن ه ق ی» /«ر ب ت ع»، ح (۸)+ م (۴۰) و عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، ۴ حرفی از «حم» می‌شود «ن ه ق ی» / «ر ب ت ع»، م (۴۰) + د (۴) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م»، ۴ حرفی از «دم» می‌شود «ی ا ک ت»/«ع ز ث ص»، د (۴) + م (۴۰) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م»، ۴ حرفی از «دم» می‌شود «ی ا ک ت»/«ع ز ث ص» (تصویر ۳-۲۵).

تصویر۳-۲۵

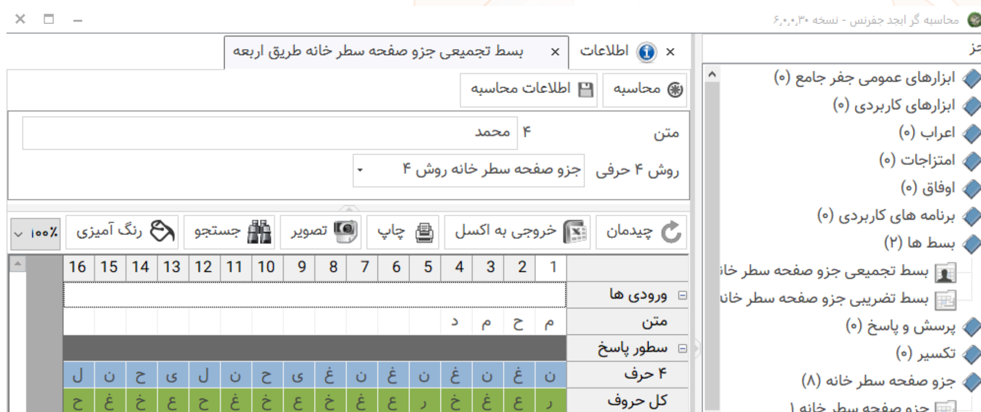
بسط تجمیعی جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۳

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد کبیر باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۳، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «محمد» به این ترتیب خواهد بود: م (۴۰) + ح (۸) و عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، ۴ حرفی از «حم» می‌شود «ن ه خ ض» /«ر ب خ ض»، ح (۸)+ م (۴۰) و عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، ۴ حرفی از «حم» می‌شود «ن ه خ ض» / «ر ب خ ض»، م (۴۰) + د (۴) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م»، ۴ حرفی از «دم» می‌شود «ی ا ل ظ»/«ع ز ب د»، د (۴) + م (۴۰) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م»، ۴ حرفی از «دم» می‌شود «ی ا ل ظ»/«ع ز ب د» (تصویر ۳-۲۶).

تصویر۳-۲۶

بسط تجمیعی جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۴

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد کبیر باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۴، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «محمد» به این ترتیب خواهد بود: م (۴۰) + ح (۸) و عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، ۴ حرفی از «حم» می‌شود «ن غ ن غ» /«ر ع غ خ»، ح (۸)+ م (۴۰) و عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، ۴ حرفی از «حم» می‌شود «ن غ ن غ» / «ر ع غ خ»، م (۴۰) + د (۴) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م»، ۴ حرفی از «دم» می‌شود «ی ح ن ل»/«ع خ غ ح»، د (۴) + م (۴۰) و عدد ۴۴ به ابجد کبیر «د م»، ۴ حرفی از «دم» می‌شود «ی ح ن ل»/«ع خ غ ح» (تصویر ۳-۲۷).



تصویر۳-۲۷

بسط تجمیعی حروف ۴ گانه

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده، از آن‌ها مداخل ثلاثه گرفته می‌شود، سطر سوم آن (پاسخ سطر ۳) انتخاب شده و در پاسخ سطر ۱ آورده می‌شود. اگر در تقسیم حروف، تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف، بینات[۲۱] گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال برای بسط کلمه «علیرضا» حروف به این صورت جدا می‌شوند: ع ل ی ر/ ض ا.

---

۲۱. در فصل ۲ با بینات آشنا شده‌اید.

همان‌طور که می‌بینید تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ است و بنابراین بینات گرفته می‌شود (ض ا ل ف).

بسط تحرک

عبارت ورودی ۲ حرف ۲ حرف انتخاب می‌شود و چنانچه در آخر تنها یک حرف باقی بماند بینات گرفته شده و دو حرف اول آن در نظر گرفته می‌شود. سپس در فرهنگ لغات موردنظر، کلمات ۴ حرفی که در آن‌ها ۲ حرف انتخابی پشت سرهم، یا به ترتیب عکس، یا در غیر این صورت کلماتی را که شامل آن دو حرف است پیدا می‌کند. سپس ۴ کلمه را انتخاب می‌کند که در پاسخ سطرهای ۴-۱ قرار می‌گیرند. ۲ حرف انتخابی از این کلمات حذف شده و باقی حروف در پاسخ سطرهای ۸-۵ آورده می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط تحرک برای کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع ل/ ی، دسته آخر دارای ۱ حرف است بنابراین بینات گرفته می‌شود «ی ا ا ل ف» و دو حرف اول انتخاب می‌شود «ی ا». کلمات ۴ حرفی که در آن‌ها حروف «ع ل» و «ی ا» به‌صورت پشت سرهم یا برعکس و در غیر این صورت به هر ترتیب آمده باشد جستجو می‌شود. همان‌طور که تصویر ۳-۲۸ نشان داده شده است بر مبنای فرهنگ لغات پیش‌فرض برای «ع ل» کلمات اعلم، اعلی، جاعل، علام و برای «ی ا» دیان، دایم، دایم و قایم انتخاب شده است و پاسخ سطرهای ۴-۱ تشکیل می‌شود. حروف عبارت ورودی «ع ل ی ا» از هر سطر حذف شده و باقی حروف آورده می‌شوند؛ پاسخ سطر ۱: «ا ع ل م د ی ا ن» که با حذف حروف ورودی می‌شود «ا م د ن» (پاسخ سطر ۵) و به همین ترتیب برای سایر سطرها.

	1	2	3	4	5	6	7	8
ورودی ها								
متن	ع	ل	ی					
سطور پاسخ								
سطر پاسخ ۱	ع	ل	ا	م	د	ی	ا	ن
سطر پاسخ ۲	ع	ل	ی	م	د	ا	ی	م
سطر پاسخ ۳	ج	ا	ع	ل	ق	ا	ی	م
سطر پاسخ ۴	ف	ا	ع	ل	ک	ا	ی	ن
سطر پاسخ ۵	ا	م	د	ن				
سطر پاسخ ۶	ی	م	د	م				
سطر پاسخ ۷	ج	ا	ق	م				
سطر پاسخ ۸	ف	ا	ک	ن				

تصویر۳–۲۸

بسط تخفیف

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ج	د	ا	ب	ز	ح	ه	و	ک	ل	ط	ی	س	ع
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	م	ن	ق	ر	ف	ص	ث	خ	ش	ت	ظ	غ	ذ	ض

جدول ۳–۸

بسط تدویر ابجد

در این بسط، اساس کار حرکت در توالی حروف است به این ترتیب که هر یک از حروف عبارت ورودی به حرف بعد از آن در توالی ابجد تبدیل می‌شود و این عمل ۲۸ بار تکرار می‌شود.

بسط تدویر اهطم

همانند بسط تدویر ابجد است با این تفاوت که حرکت در توالی اهطم انجام می‌شود.

بسط تدویر ایقغ

همانند بسط تدویر ابجد است با این تفاوت که حرکت در توالی ایقغ انجام می‌شود.

بسط تدویر ابتث

همانند بسط تدویر ابجد است با این تفاوت که حرکت در توالی ابتث انجام می‌شود.

بسط ترفع بالطبع

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ا	ب	ج	د

جدول ۳–۹

بسط ترفع ترقی تنزل مساوات

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	و	ج	ح	ه	ی	ز	ل	ط	ن	ک	ع	م	ص
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	م	ص	س	ر	ف	ت	ق	خ	ش	ض	ث	غ	ذ	ظ

جدول ۳–۱۰

بسط ترفع عدد صغیر

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	وعض	وعض	حمفش	حمفش	نخغ	صت	حمفش		یذک	ابسر	ابسر	حمفش		جدزل
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	وعض	صت		هث	یکذ	وعض		هث	نخغ	جدزل	ابسر	صت	یکذ	جدزل

جدول ۳–۱۱

بسط ترکیب با جفر جامع

این بسط دارای دو ورودی است؛ متن و ۳ حرفی. ۳ حرفی به ابتدای هر یک از حروف عبارت ورودی (متن) اضافه شده و پاسخ سطر ۱ تشکیل می‌شود. این ۴ حرفی‌های حاصل به مقدار عددی‌شان در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل شده و پاسخ سطر ۲ تشکیل می‌شود. سپس پاسخ سطر ۱ و پاسخ سطر ۲ ترکیب می‌شود. به‌عنوان مثال، عبارت ورودی «سالم» و ۳ حرفی «علی» را فرض می‌کنیم (تصویر ۳-۲۹). ع ل ی س/ ع ل ی ا/ ع ل ی ل/ ع ل ی م (پاسخ سطر ۱). ع ل ی س= ۱۷۰ و ۱۷۰ به ابجد کبیر «ع ق»، ع ل ی ا=۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق»، ع ل ی ل= ۱۴۰ و ۱۴۰ به ابجد کبیر «م ق»، ع ل ی م=۱۵۰ و ۱۵۰ به

ابجد کبیر «ن ق» (پاسخ سطر ۲). ع ع ل ق ی س/ع ا ل ی ی ق ا/ع م ل ق ی ل/ع ن ل ق ی م (پاسخ سطر ۳).

تصویر ۳–۲۹

بسط ترکیب عناصر

در این بسط ابتدا حروف عبارت ورودی بر اساس طبایع ۴ گانه در ۴ سطر از هم جدا می‌شوند (سطر ۴–۱)، مقدار عددی حروف موجود در هر دسته با یکدیگر جمع شده، دو برابر می‌شود و به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شود (سطر ۸–۵). در مرحله بعد حاصل هر دسته به این ترتیب باهم جمع می‌شود، آتشی و آبی، بادی و خاکی، آتشی و بادی، آبی و خاکی، مقادیر حاصل دو برابر می‌شود، طرح ۲۸ شده و باقیمانده آن به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود (سطر ۱۲–۹). سپس حروف موجود در پاسخ سطر ۴–۱ (سطر ۱۶–۱۳) به این ترتیب محاسبه می‌شود:

- پاسخ سطر ۱: مقدار عددی حروف در هر دسته از طبایع (سطر ۴–۱) تجمیع شده، طرح ۲۸ می‌شود و به معادل حرفی در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود
- پاسخ سطر ۲: مقدار عددی حروف در هر دسته از طبایع تجمیع شده، دو برابر می‌شود (سطر ۸–۵)، طرح ۲۸ شده و به معادل حرفی در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود.
- پاسخ سطر ۳: حاصل طبایع به این ترتیب باهم جمع می‌شود: آتشی و آبی، بادی و خاکی، آتشی و بادی، آبی و خاکی. حاصل جمع طرح ۲۸ شده و به معادل حرفی در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود.

- پاسخ سطر ۴: حاصل جمع به دست آمده در پاسخ سطر ۳ (حاصل جمع طبایع) دو برابر می‌شود، طرح ۲۸ شده و به معادل حرفی در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود.

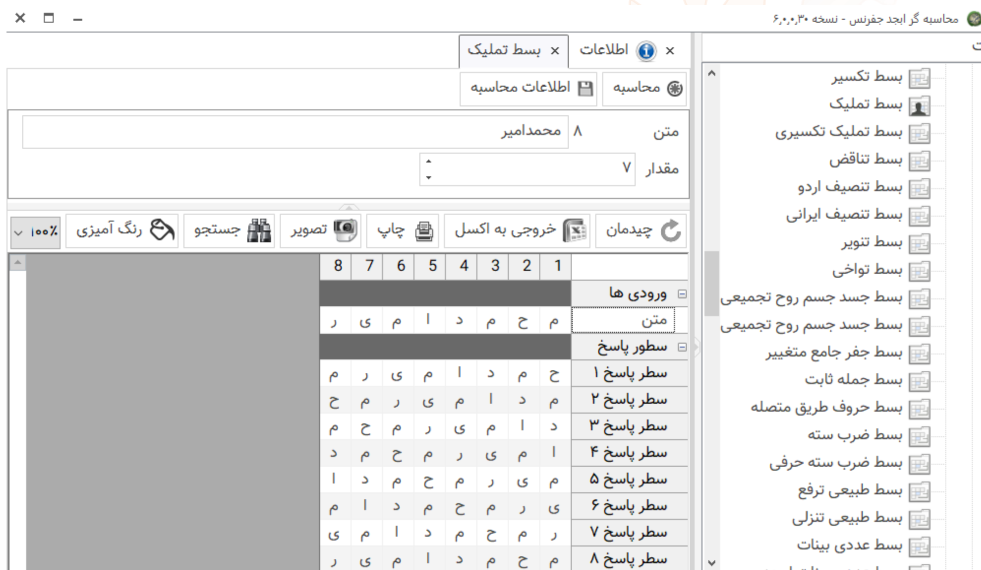
به‌عنوان مثال همان‌طور که در تصویر ۳-۳۰ نشان داده شده است، حروف کلمه «محمد» در دو دسته آتشی و خاکی جای گرفته است. حاصل آتشی به این صورت محاسبه می‌شود ۱۶۰=۲*۸۰ = م (۴۰)+م (۴۰) و ۱۶۰ به ابجد کبیر «س ق» و حاصل خاکی ۲۴=۲*۱۲= ح (۸)+د (۴) و ۲۴ به ابجد کبیر «د ک». مطابق ترتیب ذکرشده حاصل آتشی و آبی جمع می‌شوند که در این مثالی سطر آبی خالی است و حاصل همان ۱۶۰ خواهد بود که دو برابر می‌شود (۳۲۰) و به حروف متناظر تبدیل می‌شود (حاصل آتش آب: ک ش). برای محاسبه حروف موجود در پاسخ سطر ۴-۱، اولین حرف از هر سطر مثال زده می‌شود. حرف اول از سطر اول: ۸۰ = م (۴۰)+م (۴۰) و عدد ۸۰ به ابجد وضعی «خ»، حرف اول از سطر دوم: ۱۶۰=۲*۸۰ = م (۴۰) + م (۴۰) و ۱۶۰ به ابجد وضعی «ر». حرف اول از سطر سوم: حاصل جمع طبع آتش و آب (۱۶۰=۰+۱۶۰) و ۱۶۰ به ابجد وضعی «ر». حرف اول از سطر چهارم: (۳۲۰=۲*۱۶۰=۱۶۰+۰) و ۳۲۰ به ابجد وضعی «ل».

	1	2	3	4
⊟ ورودی ها				
متن	م	ح	م	د
⊟ سطور مراحل				
آتش	م	م		
باد				
آب				
خاک	ح	د		
حاصل آتش	س	ق		
حاصل باد				
حاصل آب				
حاصل خاک	د	ک		
حاصل آتش آب	ک	ش		
حاصل باد خاک	ح	م		
حاصل آتش باد	ک	ش		
حاصل آب خاک	ح	م		
⊟ سطور پاسخ				
سطر پاسخ ۱	خ	غ	غ	ل
سطر پاسخ ۲	ر	غ	غ	خ
سطر پاسخ ۳	ر	خ	ر	خ
سطر پاسخ ۴	ل	ر	ل	ر

تصویر ۳-۳۰

بسط تزویج

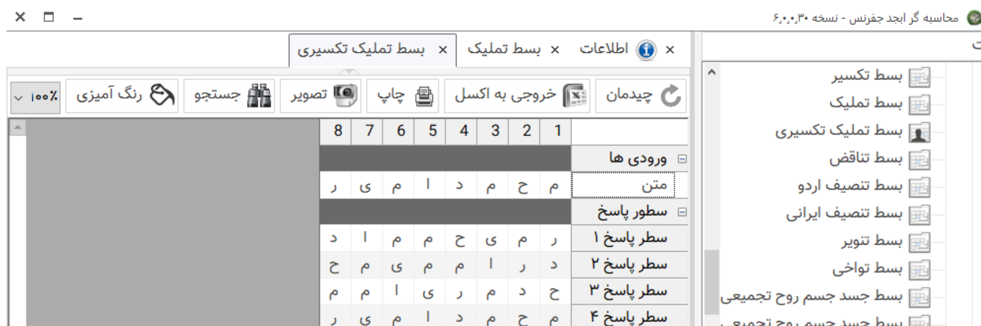
حرف هفتم از انتهای عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و سپس باقی حروف نیز از ادامه آن به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد. برای مثال در عبارت «محمد امیر» حرف هفتم از انتهای عبارت حرف «ح» است که به‌عنوان حرف اول انتخاب شده و باقی حروف از ادامه آن (م د ا م ی ر م) آورده شده است (تصویر ۳-۳۱).



تصویر ۳–۳۱

بسط تزویج تکسیری

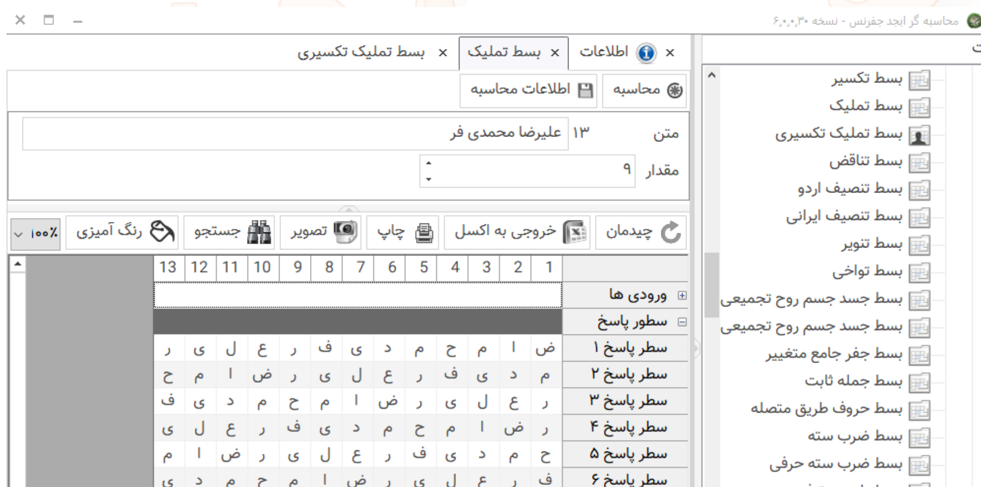
در این بسط تا ۷ حرف از انتها و ابتدای عبارت ورودی انتخاب شده و باقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند. به این ترتیب که یک حرف از آخر، یک حرف از اول، حرف دوم از آخر، حرف دوم از اول و به همین ترتیب تا حرف هفتم، سپس مابقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد.



تصویر ۳-۳۲

بسط تسافر

حرف *نهم* از انتهای عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و سپس باقی حروف نیز از ادامه آن به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد. برای مثال در عبارت «علیرضا محمدی فر» حرف نهم از انتهای عبارت حرف «ض» است که به‌عنوان حرف اول انتخاب شده و باقی حروف از ادامه آن (ا م ح م د ی ف ر ع ل ی ر) آورده شده است (تصویر 3-۳۳).

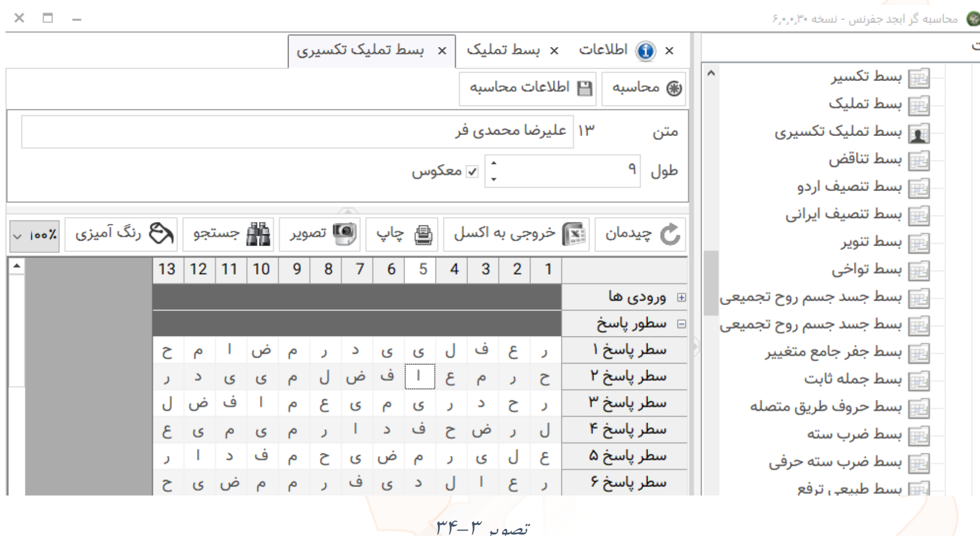


تصویر ۳-۳۳

بسط تسافر تکسیری

در این بسط تا ۹ حرف از انتها و ابتدای عبارت ورودی انتخاب شده و باقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند. به این ترتیب که یک حرف از آخر، یک حرف از اول، حرف دوم از آخر،

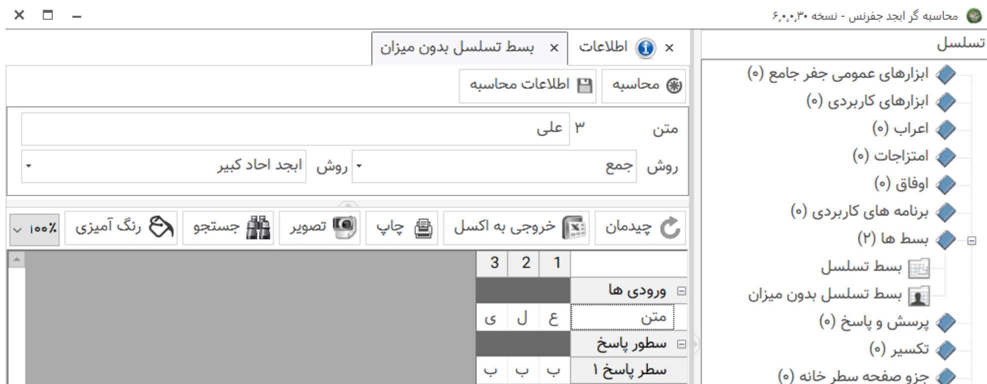
حرف دوم از اول و به همین ترتیب تا حرف نهم، سپس مابقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد.



تصویر ۳-۳۴

بسط تسلسل بدون میزان جمع

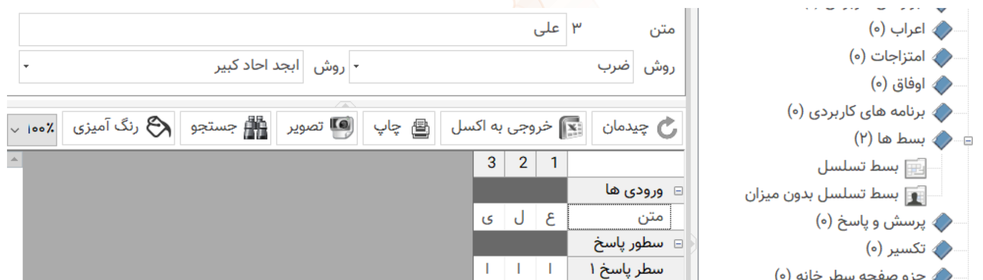
حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ایقع آحاد به این ترتیب باهم جمع می‌شود: مقدار عددی حرف اول + مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم + مقدار عددی حرف سوم و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف با مقدار عددی حرف بعد از آن جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف با حرف اول جمع می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)+ ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)+ ی (۱) و ۲ به ابجد وضعی «ب»، ی (۱)+ق (۱) و ۲ به ابجد وضعی «ب»، ق (۱)+ ا (۱) و ۲ به ابجد وضعی «ب».



تصویر ۳–۳۵

بسط تسلسل بدون میزان ضرب

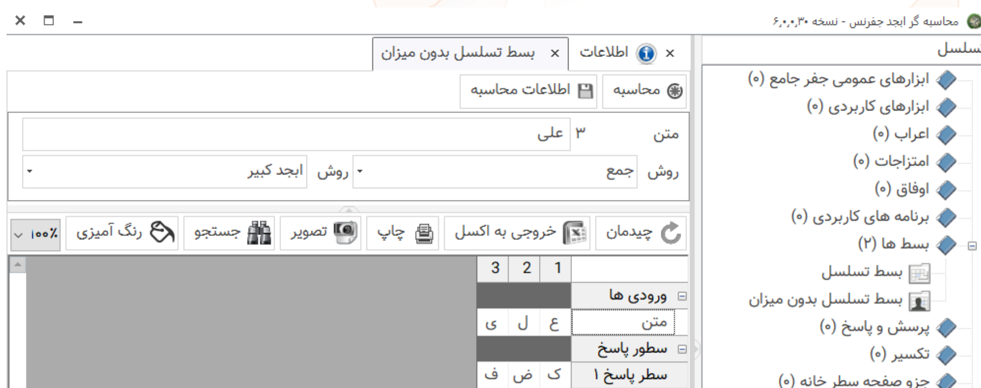
حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ایقع آحاد به این ترتیب در هم ضرب می‌شود: مقدار عددی حرف اول * مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم * مقدار عددی حرف سوم و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف در مقدار عددی حرف بعد از آن ضرب می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف در حرف اول ضرب می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)+ ل (۳۰)+ی (۱۰)+ ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)* ی (۱) و ۱ به ابجد وضعی «ا»، ی (۱)*ق (۱) و ۱ به ابجد وضعی «ا»، ق (۱)* ا (۱) و ۱ به ابجد وضعی «ا».



تصویر ۳–۳۶

بسط تسلسل بدون میزان کبیر جمع

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ابجد کبیر به این ترتیب باهم جمع می‌شود: مقدار عددی حرف اول + مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم + مقدار عددی حرف سوم و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف با مقدار عددی حرف بعد از آن جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف با حرف اول جمع می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)+ ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)+ ی (۱۰) و ۱۱ به ابجد وضعی «ک»، ی (۱۰)+ق (۱۰۰) و ۱۱۰ به ابجد وضعی «ض»، ق (۱۰۰)+ا (۱) و ۱۰۱ به ابجد وضعی «ف».

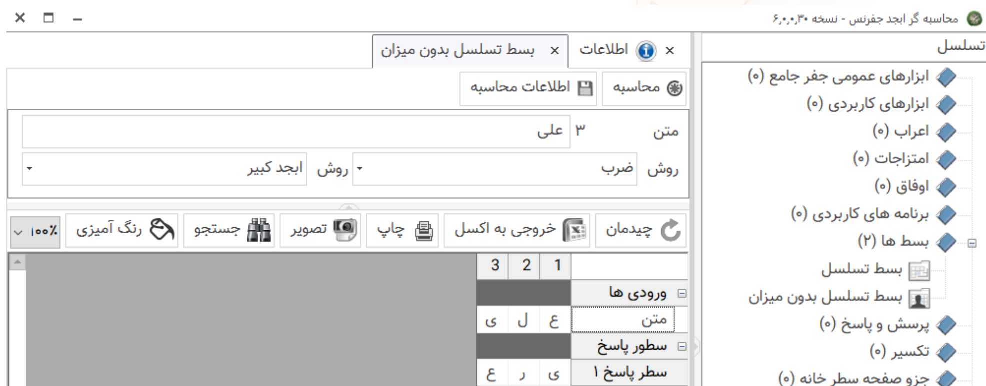


تصویر ۳–۳۷

بسط تسلسل بدون میزان کبیر ضرب

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ابجد کبیر به این ترتیب در هم ضرب می‌شود: مقدار عددی حرف اول * مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم * مقدار عددی حرف سوم و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر

حرف در مقدار عددی حرف بعد از آن ضرب می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف در حرف اول ضرب می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)+ ل (۳۰)+ی (۱۰)+ ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)* ی (۱۰) و ۱۰ به ابجد وضعی «ی»، ی (۱۰)*ق (۱۰۰) و ۱۰۰۰ به ابجد وضعی «ر»، ق (۱۰۰)* ا (۱) و ۱۰۰ به ابجد وضعی «ع».



تصویر ۳–۳۸

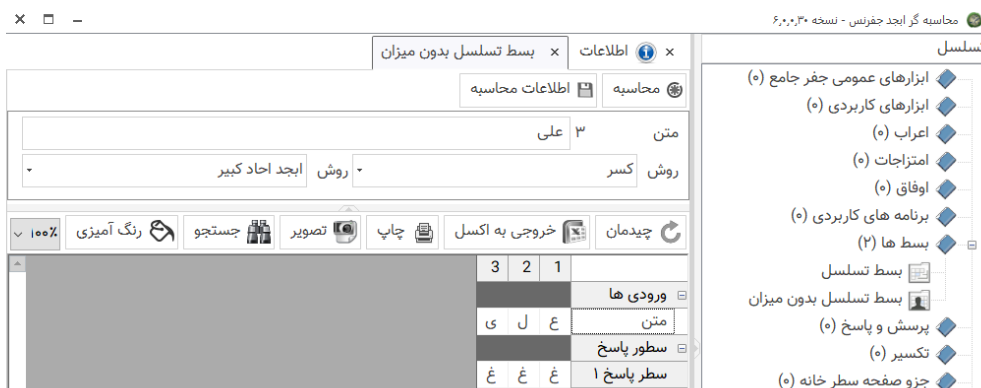
بسط تسلسل بدون میزان کبیر کسر

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ابجد کبیر به این ترتیب از هم تفریق می‌شود: مقدار عددی حرف اول - مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم - مقدار عددی حرف سوم و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف از مقدار عددی حرف بعد از آن تفریق می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف از حرف اول تفریق می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)* ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)- ی (۱۰) و ۹ به ابجد وضعی «ط»، ی (۱۰)-ق (۱۰۰) و ۹۰ به ابجد وضعی «و»، ق (۱۰۰)-ا (۱) و ۹۹ به ابجد وضعی «س».

تصویر ۳–۳۹

بسط تسلسل بدون میزان کسر

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ایقع آحاد به این ترتیب از هم تفریق می‌شود: مقدار عددی حرف اول - مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم - مقدار عددی حرف سوم و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف از مقدار عددی حرف بعد از آن تفریق می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف از حرف اول تفریق می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)* ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)- ی (۱) و ۰ به ابجد وضعی «غ»، ی (۱)-ق (۱) و ۰ به ابجد وضعی «غ»، ق (۱)- ا (۱) و ۰ به ابجد وضعی «غ».



تصویر ۳–۴۰

بسط تسلسل بدون میزان وضعی جمع

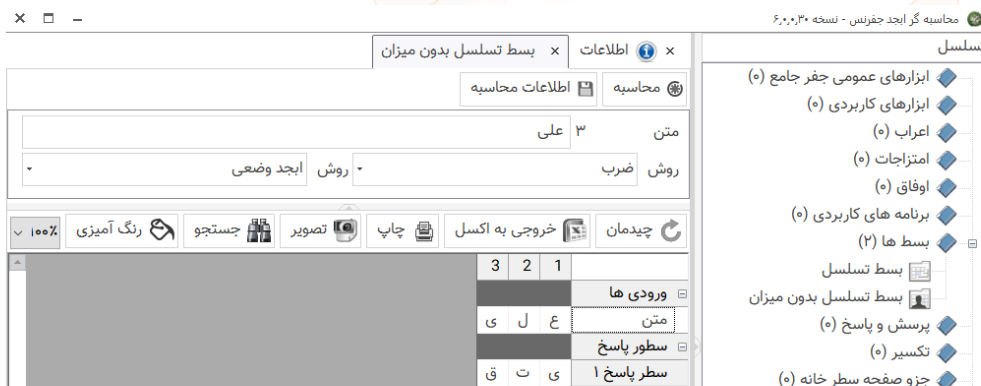
حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ابجد وضعی به این ترتیب باهم جمع می‌شود: مقدار عددی حرف اول + مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم + مقدار عددی حرف سوم و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف با مقدار عددی حرف بعد از آن جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف با حرف اول جمع می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)+ ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)+ ی (۱۰) و ۱۱ به ابجد وضعی «ک»، ی (۱۰)+ق (۱۹) و ۲۹ به ابجد وضعی «ا»، ق (۱۹)+ا (۱) و ۲۰ به ابجد وضعی «ر».



تصویر ۳–۴۱

بسط تسلسل بدون میزان وضعی ضرب

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ابجد وضعی به این ترتیب در هم ضرب می‌شود: مقدار عددی حرف اول * مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم * مقدار عددی حرف سوم و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف در مقدار عددی حرف بعد از آن ضرب می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف در حرف اول ضرب می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)+ ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)* ی (۱۰) و ۱۰ به ابجد وضعی «ی»، ی (۱۰)*ق (۱۹) و ۱۹۰ به ابجد وضعی «ت»، ق (۱۹)* ا (۱) و ۱۹ به ابجد وضعی «ق».



تصویر ۳–۴۲

بسط تسلسل بدون میزان وضعی کسر

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ابجد وضعی به این ترتیب از هم تفریق می‌شود: مقدار عددی حرف اول - مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم - مقدار عددی حرف سوم و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار

عددی هر حرف از مقدار عددی حرف بعد از آن تفریق می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف از حرف اول تفریق می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)* ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)- ی (۱۰) و ۹ به ابجد وضعی «ط»، ی (۱۰)-ق (۱۹) و ۹ به ابجد وضعی «ط»، ق (۱۹)-ا (۱) و ۱۸ به ابجد وضعی «ص».

تصویر ۳-۴۳

بسط تسلسل جمع

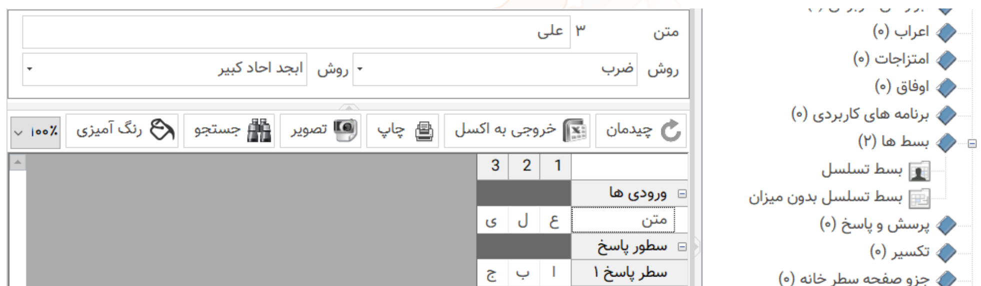
حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ایقع آحاد به این ترتیب باهم جمع می‌شود: مقدار عددی حرف اول + مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم + مقدار عددی حرف سوم + حاصل جمع قبلی و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف با مقدار عددی حرف بعد از آن و حاصل جمع قبلی جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف با حرف اول جمع می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)+ ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)+ ی (۱) و ۲ به ابجد وضعی «ب»، ی (۱)+ق (۱)+ حاصل جمع قبلی (۲) و ۴ به ابجد وضعی «د»، ق (۱)+ ا (۱)+ حاصل جمع قبلی (۴) و ۶ به ابجد وضعی «و».



تصویر ۳–۴۴

بسط تسلسل ضرب

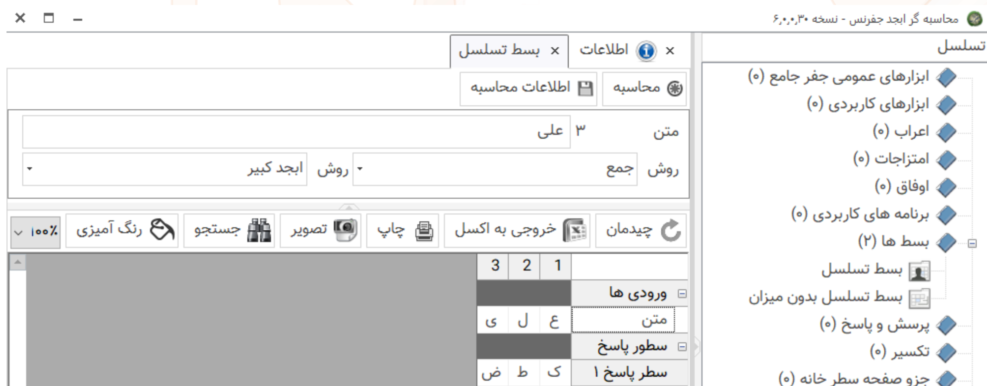
حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ایقع آحاد به این ترتیب در هم ضرب می‌شود: مقدار عددی حرف اول * مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم * مقدار عددی حرف سوم + حاصل‌ضرب قبلی و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف در مقدار عددی حرف بعد از آن ضرب شده با حاصل‌ضرب قبلی جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف در حرف اول ضرب می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)* ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق».ا (۱)* ی (۱) و ۱ به ابجد وضعی «ا»، ی (۱)*ق (۱)+ حاصل‌ضرب قبلی (۱) و ۲ به ابجد وضعی «ب»، ق (۱)* ا (۱)+ حاصل‌ضرب قبلی (۲) و ۳ به ابجد وضعی «ج».



تصویر ۳–۴۵

بسط تسلسل کبیر جمع

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف به این ترتیب باهم جمع می‌شود: مقدار عددی حرف اول + مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم + مقدار عددی حرف سوم + حاصل جمع قبلی و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف با مقدار عددی حرف بعد از آن و حاصل جمع قبلی جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف با حرف اول جمع می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)+ ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)+ ی (۱۰) و ۱۱ به ابجد وضعی «ک»، ی (۱۰)+ق (۱۰۰)+ حاصل جمع قبلی (۱۱) و ۱۲۱ به ابجد وضعی «ط»، ق (۱۰۰)+ا (۱)+ حاصل جمع قبلی (۱۲۱) و ۲۲۲ به ابجد وضعی «ض».

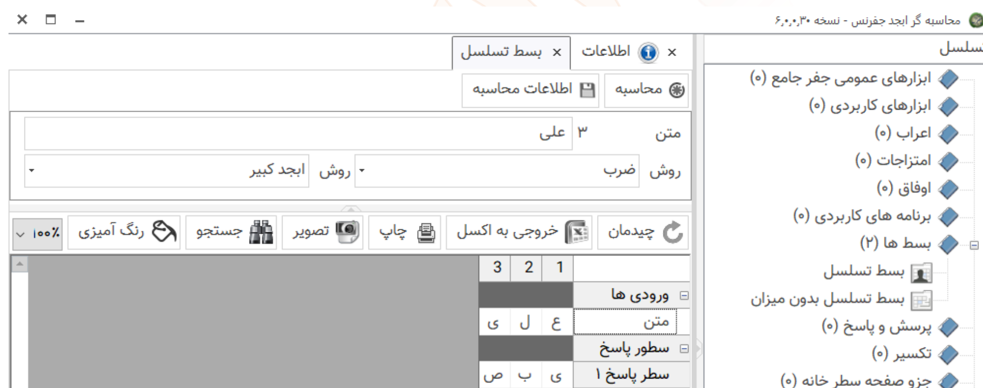


تصویر ۳–۴۶

بسط تسلسل کبیر ضرب

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف به این ترتیب در هم ضرب می‌شود: مقدار عددی حرف اول * مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم * مقدار

عددی حرف سوم +حاصل‌ضرب قبلی و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف در مقدار عددی حرف بعد از آن ضرب شده با حاصل‌ضرب قبلی جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف در حرف اول ضرب می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)*ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)*ی (۱۰) و ۱۰ به ابجد وضعی «ی»، ی (۱۰)*ق (۱۰۰)+ (۱۰۰)+ حاصل‌ضرب قبلی (۱۰) و ۱۰۱۰ به ابجد وضعی «ب»، ق (۱۰۰)*ا (۱)+ حاصل‌ضرب قبلی (۱۰۱۰) و ۱۱۱۰ به ابجد وضعی «ص».

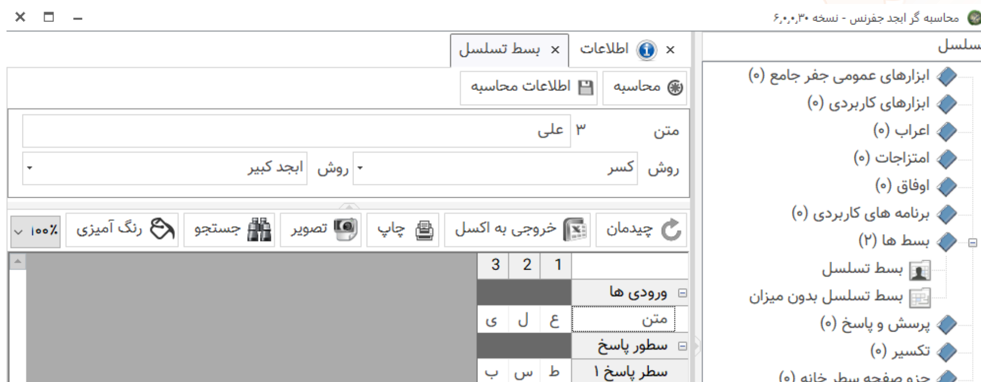


تصویر ۳–۴۷

بسط تسلسل کبیر کسر

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف به این ترتیب از هم تفریق می‌شود: مقدار عددی حرف اول - مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم - مقدار عددی حرف سوم + حاصل تفریق قبلی و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف از مقدار عددی حرف بعد از آن کم شده با حاصل تفریق قبلی جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف از حرف اول کم می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)* ل (۳۰)+ی

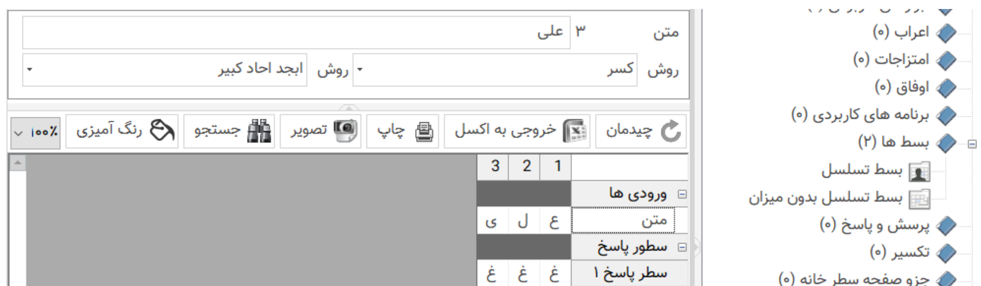
(۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)-ی (۱۰) و ۹ به ابجد وضعی «ط»، ی (۱۰)-ق (۱۰۰)+ حاصل تفریق قبلی (۹) و ۹۹ به ابجد وضعی «س»، ق (۱۰۰)-ا (۱)+ حاصل تفریق قبلی (۹۹) و ۱۹۸ به ابجد وضعی «ب».



تصویر ۳–۴۸

بسط تسلسل کسر

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ایقع آحاد به این ترتیب از هم تفریق می‌شود: مقدار عددی حرف اول - مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم - مقدار عددی حرف سوم + حاصل تفریق قبلی و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف از مقدار عددی حرف بعد از آن کم شده با حاصل تفریق قبلی جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف از حرف اول کم می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)※ ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)-ی (۱) و ۰ به ابجد وضعی «غ»، ی (۱)-ق (۱)+ حاصل تفریق قبلی (۰) و ۰ به ابجد وضعی «غ»، ق (۱)-ا (۱)+ حاصل تفریق قبلی (۰) و ۰ به ابجد وضعی «غ».



تصویر ۳–۴۹

بسط تسلسل وضعی جمع

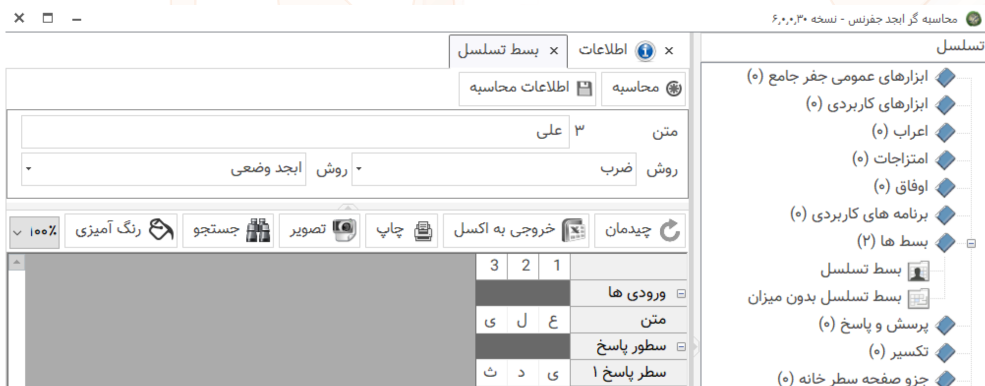
حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ابجد وضعی به این ترتیب باهم جمع می‌شود: مقدار عددی حرف اول + مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم + مقدار عددی حرف سوم + حاصل جمع قبلی و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف با مقدار عددی حرف بعد از آن و حاصل جمع قبلی جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف با حرف اول جمع می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)+ ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)+ ی (۱۰) و ۱۱ به ابجد وضعی «ک»، ی (۱۰)+ق (۱۹)+ حاصل جمع قبلی (۱۱) و ۴۰ به ابجد وضعی «ل»، ق (۱۹)+ ا (۱)+ حاصل جمع قبلی (۴۰) و ۶۰ به ابجد وضعی «د».



تصویر ۳–۵۰

بسط تسلسل وضعی ضرب

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ابجد وضعی به این ترتیب در هم ضرب می‌شود: مقدار عددی حرف اول * مقدار عددی حرف دوم، مقدار عددی حرف دوم * مقدار عددی حرف سوم + حاصل‌ضرب قبلی و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف در مقدار عددی حرف بعد از آن ضرب شده با حاصل‌ضرب قبلی جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف در حرف اول ضرب می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)* ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)* ی (۱۰) و ۱۰ به ابجد وضعی «ی»، ی (۱۰)*ق (۱۹)+ حاصل‌ضرب قبلی (۱۰) و ۲۰۰ به ابجد وضعی «د»، ق (۱۹)* ا (۱)+ حاصل‌ضرب قبلی (۲۰۰) و ۲۱۹ به ابجد وضعی «ث».

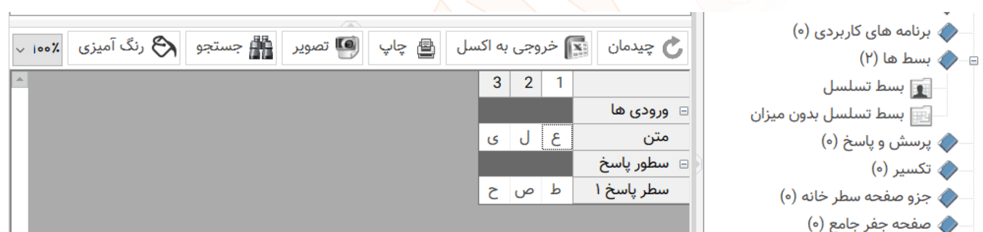


تصویر ۳–۵۱

بسط تسلسل وضعی کسر

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. هر ۴ حرف به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی حروف در توالی ابجد وضعی به این ترتیب از هم تفریق می‌شود: مقدار عددی حرف اول - مقدار عددی حرف دوم، مقدار

عددی حرف دوم - مقدار عددی حرف سوم + حاصل تفریق قبلی و به همین ترتیب برای کلیه حروف؛ یعنی مقدار عددی هر حرف از مقدار عددی حرف بعد از آن کم شده با حاصل تفریق قبلی جمع می‌شود. توجه داشته باشید که آخرین حرف از حرف اول کم می‌شود. مقادیر حاصل طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط کلمه ورودی «علی» به این ترتیب خواهد بود: ورودی ۳ حرفی است، بینات گرفته می‌شود «علیا». ع (۷۰)* ل (۳۰)+ی (۱۰)+ا (۱)= ۱۱۱ و ۱۱۱ به ابجد کبیر «ا ی ق». ا (۱)-ی (۱۰) و ۹ به ابجد وضعی «ط»، ی (۱۰)-ق (۱۹)+ حاصل تفریق قبلی (۹) و ۱۸ به ابجد وضعی «ص»، ق (۱۰۰)-ا (۱)+ حاصل تفریق قبلی (۱۸) و ۱۱۷ به ابجد وضعی «ه».



تصویر ۳-۵۲

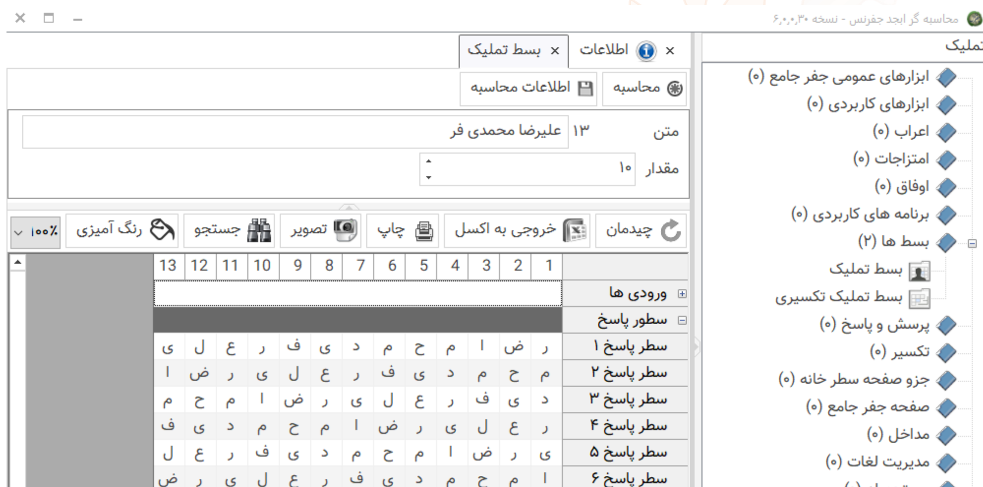
بسط تشابه

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	بتث	جحخ	دذ	ه	و	رز	حخ	طظ	ی	ک	ل	م	ن
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	سش	عغ	ف	صض	ق	رز	سش	تث	تث	جحخ	دذ	صض	طظ	عغ

جدول ۳-۱۲

بسط تشاغل

حرف دهم از انتهای عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و سپس باقی حروف نیز از ادامه آن به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد. برای مثال در عبارت «علیرضا محمدی فر» حرف دهم از انتهای عبارت حرف «ر» است که به‌عنوان حرف اول انتخاب شده و باقی حروف از ادامه آن (ض ا م ح م د ی ف ر ع ل ی) آورده شده است (تصویر ۳-۵۳).



تصویر ۳-۵۳

بسط تشاغل تکسیری

در این بسط تا ۱۰ حرف از انتها و ابتدای عبارت ورودی انتخاب شده و باقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند. به این ترتیب که یک حرف از آخر، یک حرف از اول، حرف دوم از آخر، حرف دوم از اول و به همین ترتیب تا حرف دهم، سپس مابقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد.

تصویر ۳–۵۴

بسط تصاعد حرفی ابتث

حرف	ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
پاسخ	ب	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض
حرف	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	ل	م	ن	و	ه	ی
پاسخ	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	ل	م	ن	و	ه	ی	ا

جدول ۳–۱۳

بسط تصاعد حرفی ابجد

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ا

جدول ۳–۱۴

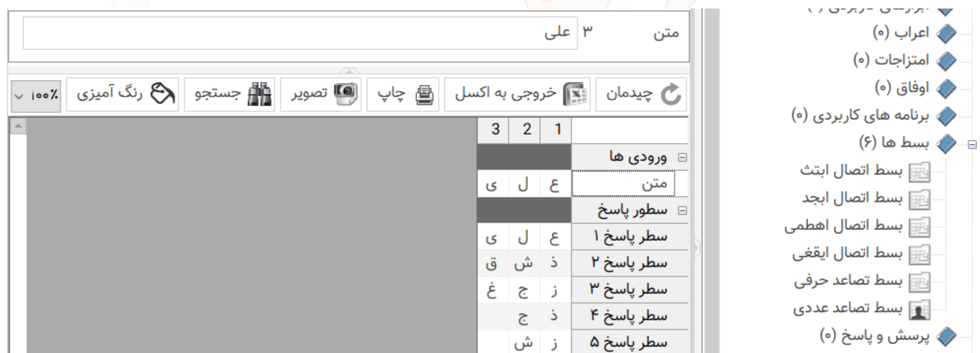
بسط تصاعد عددی

در این بسط، ابتدا حروف عبارت ورودی در توالی ایقغ و طبق جدول زیر تبدیل می‌شوند و پاسخ سطر ۲ شکل می‌گیرد.

حرف	ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه
پاسخ	ی	ق	غ	ا	ک	ر	ب	ل	ش	ج	م	ت	د	ن
حرف	ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ
پاسخ	ث	ه	س	خ	و	ع	ذ	ز	ف	ض	ح	ص	ظ	ط

جدول ۳–۱۵

و مجدداً پاسخ سطر ۲ مطابق جدول ۳-۱۵ تبدیل شده و پاسخ سطر ۳ تشکیل می‌شود. حروف این دو سطر به هم متصل شده و پاسخ سطر ۴ و ۵ را می‌سازند به این ترتیب که در پاسخ سطر ۴، حرف اول از پاسخ سطر ۲ و حرف دوم از پاسخ سطر ۳ انتخاب می‌شود. برای پاسخ سطر ۵، برعکس پاسخ سطر ۴، حرف اول از پاسخ سطر ۳ و حرف دوم از پاسخ سطر ۲ انتخاب می‌شود. در واقع پاسخ سطر ۴ و ۵ انتخاب حروف به‌صورت یکی در میان از پاسخ سطر ۲ و ۳ خواهد بود. برای مثال بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: مطابق جدول فوق، «ع ل ی» تبدیل می‌شود به «ذ ش ق» و پاسخ سطر ۲ تشکیل می‌شود. این حروف مجدداً تبدیل می‌شوند، «ذ ش ق» به «ز ج غ» و پاسخ سطر ۳ تشکیل می‌شود. حرف اول از پاسخ سطر ۲ (ذ) و حرف دوم از پاسخ سطر ۳ (ج)، انتخاب شده و پاسخ سطر ۴ تشکیل می‌شود. حرف اول از پاسخ سطر ۳ (ز) و حرف دوم از پاسخ سطر ۲(ش)، انتخاب شده و پاسخ سطر ۵ تشکیل می‌شود (تصویر ۳–۵۵).



تصویر ۳–۵۵

بسط تصنیف

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	ا	ب	ب	د	ه	و	د	ح	ه	ی	ی ه	ک	ک ه
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	ل	ل ه	م	م ه	ن	ق	ق ن	ر	ر ن	ش	ش ن	ت	ت ن	ث

جدول ۳–۱۶

بسط تضاد

حرف دوازدهم از انتهای عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و سپس باقی حروف نیز از ادامه آن به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد. برای مثال در عبارت «علیرضا محمدی فر» حرف دوازدهم از انتهای عبارت حرف «ل» است که به‌عنوان حرف اول انتخاب شده و باقی حروف از ادامه آن (ی ر ض ا م ح م د ی ف ر ع) آورده شده است (تصویر ۳-۵۶).

تصویر ۳–۵۶

بسط تضاد تکسیری

در این بسط تا ۱۲ حرف از انتها و ابتدای عبارت ورودی انتخاب شده و باقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند. به این ترتیب که یک حرف از آخر، یک حرف از اول، حرف دوم از آخر، حرف دوم از اول و به همین ترتیب تا حرف دوازدهم، سپس مابقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد.

متن ۱۳ علیرضا محمدی فر

طول ۱۲ معکوس

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

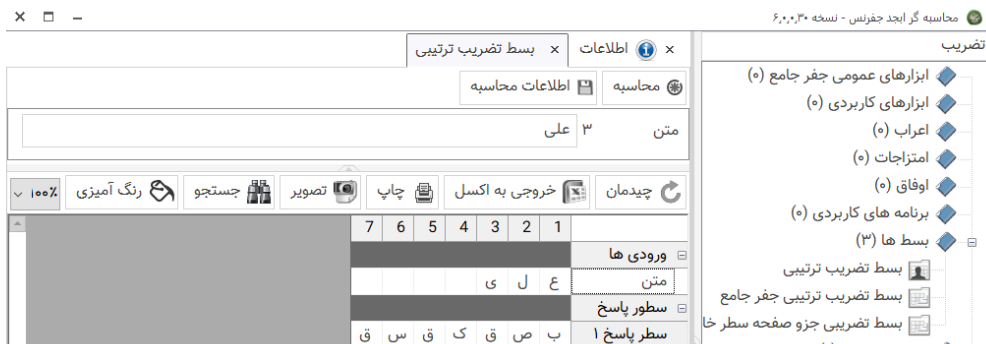
	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13
ورودی ها													
متن	ع	ل	ی	ر	ض	ا	م	ح	م	د	ی	ف	ر
سطور پاسخ													
سطر پاسخ ۱	ع	ر	ل	ف	ی	ی	ر	د	ض	م	ا	ح	م
سطر پاسخ ۲	ع	م	ر	ح	ل	ا	ف	م	ی	ض	ی	د	ر
سطر پاسخ ۳	ع	ر	م	د	ر	ی	ح	ض	ل	ی	ا	م	ف
سطر پاسخ ۴	ع	ف	ر	م	م	ا	د	ی	ر	ل	ی	ض	ح
سطر پاسخ ۵	ع	ح	ف	ض	ر	ی	م	ل	م	ر	ا	ی	د
سطر پاسخ ۶	ع	د	ح	ی	ف	ا	ض	ر	ر	م	ی	ل	م

اعراب (۰)
امتزاجات (۰)
اوفاق (۰)
برنامه های کاربردی (۰)
بسط ها (۲)
بسط تملیک
بسط تملیک تکسیری
پرسش و پاسخ (۰)
تکسیر (۰)
جزو صفحه سطر خانه (۰)
صفحه جفر جامع (۰)
مداخل (۰)
مدیریت لغات (۰)
مستحصله (۰)
نظیره (۰)

تصویر ۳–۵۷

بسط تضریب ترتیبی

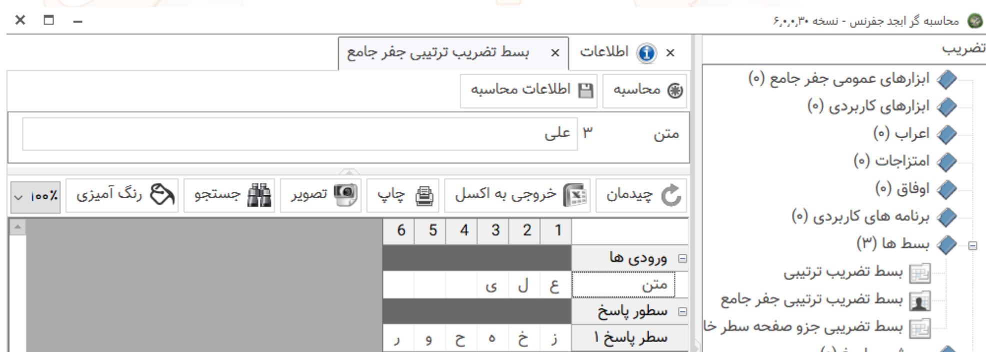
در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد وضعی در هم ضرب شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۱۶) * ل (۱۲) و عدد ۱۹۲ به ابجد کبیر «ب ص ق»، ل (۱۲)* ی (۱۰) و عدد ۱۲۰ به ابجد کبیر «ک ق»، ی (۱۰) * ع (۱۶) و عدد ۱۶۰ به ابجد کبیر «س ق» (تصویر ۳–۵۸).



تصویر ۳–۵۸

بسط تضریب ترتیبی جفر جامع

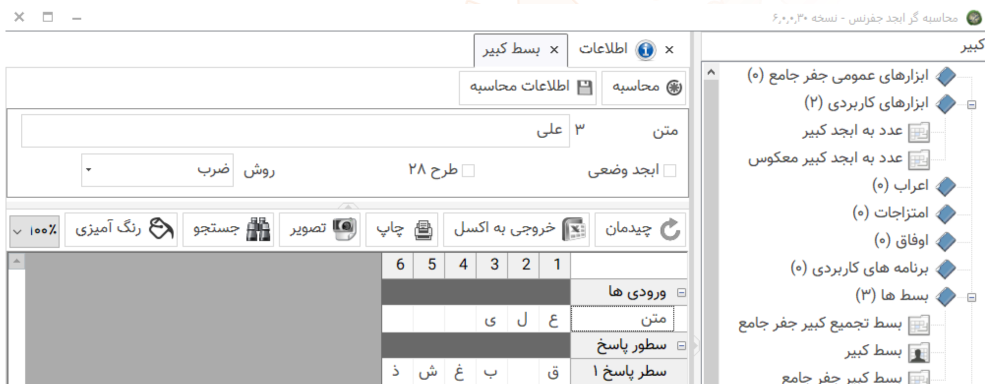
در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد وضعی در هم ضرب شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۱، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۱۶) ⁕ ل (۱۲) و عدد ۱۹۲ به ابجد کبیر «ب ص ق»،۴ حرفی از «ب ص ق» می‌شود «ز خ ب ر» و دو حرف اول آن «ز خ»، ل (۱۲)⁕ ی (۱۰) و عدد ۱۲۰ به ابجد کبیر «ک ق»، ۴ حرفی از «ک ق» می‌شود «ه ح ب ب» و دو حرف اول آن «ه ح»، ی (۱۰) ⁕ ع (۱۶) و عدد ۱۶۰ به ابجد کبیر «س ق»،۴ حرفی از «س ق» می‌شود «و ر ب ل» و دو حرف اول آن «و ر»(تصویر ۳-۵۹).



تصویر ۳–۵۹

بسط تضریب کبیر

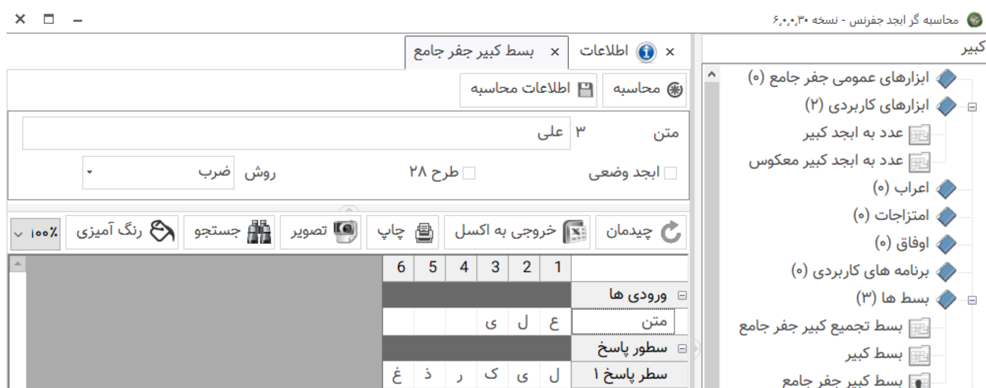
در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد کبیر در هم ضرب شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۷۰) * ل (۳۰) و عدد ۲۱۰۰ به ابجد کبیر «ق ب غ»، ل (۳۰)* ی (۱۰) و عدد ۳۰۰ به ابجد کبیر «ش»، ی (۱۰) * ع (۷۰) و عدد ۷۰۰ به ابجد کبیر «ذ» (تصویر ۳-۶۰).



تصویر ۳-۶۰

بسط تضریب کبیر جفر جامع

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی آن در توالی ابجد کبیر در هم ضرب شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۱، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۷۰) * ل (۳۰) و عدد ۲۱۰۰ به ابجد کبیر «ق ب غ»،۴ حرفی از «ق ب غ» می‌شود «لییخ» و دو حرف اول آن «ل ی»، ل (۳۰)* ی (۱۰) و عدد ۳۰۰ به ابجد کبیر «ش»، ۴ حرفی از «ش» می‌شود «ک ر ج ق» و دو حرف اول آن «ک ر»، ی (۱۰) * ع (۷۰) و عدد ۷۰۰ به ابجد کبیر «ذ»، ۴ حرفی از «ذ» می‌شود «ذ غ ز ز» و دو حرف اول آن «ذ غ» (تصویر ۳-۶۱).



تصویر ۳–۶۱

بسط تضریب کبیر طرح ۲۸

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی (حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود) آن در توالی ابجد کبیر در هم ضرب شده و از اعداد حاصل مدخل ۲۸ گرفته به این صورت که اعداد تقسیم بر عدد ۲۸ می‌شوند و عدد باقیمانده به متناظر حروفی آن در ابجد وضعی تبدیل می‌شود. برای مثال بسط کلمه «علی» به این صورت خواهد بود: ۲۱۰۰= ع (۷۰) * ل (۳۰)، باقیمانده صفر (۰)=۲۱۰۰/۲۸ و معادل آن حرف «غ»، ۳۰۰= ی (۱۰) * ل (۳۰)، باقیمانده ۲۰=۳۰۰/۲۸ و معادل آن حرف «ر»، ۷۰۰= ی (۱۰) * ع (۷۰)، باقیمانده صفر ۰=۷۰۰/۲۸ و معادل آن حرف «غ» (تصویر ۳-۶۲).



تصویر ۳–۶۲

بسط تضریب کبیر طرح ۲۸ جفر جامع

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی (حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود) آن در توالی ابجد کبیر در هم ضرب شده و از اعداد حاصل مدخل ۲۸ گرفته به این صورت که اعداد تقسیم بر عدد ۲۸ می‌شوند و عدد باقیمانده به متناظر حروفی آن در ابجد وضعی تبدیل می‌شود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۱، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. برای مثال بسط کلمه «علی» به این صورت خواهد بود: ۲۱۰۰= ع (۷۰) ۞ ل (۳۰)، باقیمانده صفر (۰)=۲۱۰۰/۲۸ و معادل آن حرف «غ»، ۴ حرفی از «غ» می‌شود «ح ر ط ض» و دو حرف اول آن «ح ر»، ۳۰۰= ل (۳۰) ۞ ی (۱۰)، باقیمانده (۲۰)=۳۰۰/۲۸ و معادل آن حرف «ر»،۴ حرفی از «ر» می‌شود «ح د ب ت» و دو حرف اول آن «ح د»، ۷۰۰= ی (۱۰) ۞ع (۷۰)، باقیمانده صفر (۰)=۷۰۰/۲۸ و معادل آن حرف «غ»، ۴ حرفی از «غ» می‌شود «حرطض» و دو حرف اول آن «حر» (تصویر ۳-۶۳).



تصویر ۳-۶۳

بسط تضریب کبیر وضعی

در این بسط با شروعاز ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی (حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود) آن در توالی ابجد وضعی در هم ضرب شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. چنانچه عدد حاصل بزرگ‌تر از ۲۸ باشد، طرح ۲۸ می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۱۶) ۞ل (۱۲) و عدد ۱۹۲ به ابجد وضعی «خ»(۲۴= ۱۹۲/۲۸)، ل (۱۲)۞ی

(۱۰) و عدد ۱۲۰ به ابجد وضعی «ح»، ی (۱۰) ٭ع (۱۶) و عدد ۱۶۰ به ابجد وضعی «ر» (تصویر ۳-۶۴).



تصویر ۳-۶۴

بسط تضریب کبیر وضعی جفر جامع

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی (حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود) آن در توالی ابجد وضعی در هم ضرب شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. چنانچه عدد حاصل بزرگ‌تر از ۲۸ باشد، طرح ۲۸ می‌شود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۱، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۱۶) ٭ل (۱۲) و عدد ۱۹۲ به ابجد وضعی «خ»(۲۴=۱۹۲/۲۸)، ۴ حرفی از «خ» می‌شود «ت ل و ی» و دو حرف اول آن «ت ل»، ل (۱۲)٭ی (۱۰) و عدد ۱۲۰ به ابجد وضعی «ح»،۴ حرفی از «ح» می‌شود «ا ح ا ب» و دو حرف اول آن «ا ح»، ی (۱۰) ٭ع (۱۶) و عدد ۱۶۰ به ابجد وضعی «ر»، ۴ حرفی از «ر» می‌شود «ح د ب ت» و دو حرف اول آن «ح د»(تصویر ۳-۶۵).



تصویر ۳-۶۵

بسط تضریبی جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۱

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی (حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود) آن در توالی ابجد کبیر در هم ضرب شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۱، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۷۰) * ل (۳۰) و عدد ۲۱۰۰ به ابجد کبیر «ق ب غ»،۴ حرفی از «ق ب غ» می‌شود «ل ر ی ض»/«ل ی ی خ»، ل (۳۰)* ی (۱۰) و عدد ۳۰۰ به ابجد کبیر «ش»، ۴ حرفی از «ش» می‌شود «ن و د ط»/«ک ر ج ق»، ی (۱۰) * ع (۷۰) و عدد ۷۰۰ به ابجد کبیر «ذ»، ۴ حرفی از «ذ» می‌شود «ظ د ز س»/«ذ غ ز ز»(تصویر ۳-۶۶).



تصویر ۳-۶۶

بسط تضریبی جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۲

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی (حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود) آن در توالی ابجد کبیر در هم ضرب شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۲، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۷۰) * ل (۳۰) و عدد ۲۱۰۰ به ابجد کبیر «ق ب غ»،۴ حرفی از «ق ب غ» می‌شود «ل ر ی ض»/«ل ی ی خ»، ل (۳۰)* ی (۱۰) و عدد ۳۰۰ به ابجد کبیر «ش»، ۴ حرفی از «ش» می‌شود «ن و د ط»/«ک ر ج ق»، ی (۱۰) * ع

(۷۰) و عدد ۷۰۰ به ابجد کبیر «ذ»، ۴ حرفی از «ذ» می‌شود «ظ د ز س»/«ذ غ ز ز» (تصویر ۳-۶۷).



تصویر ۳-۶۷

بسط تضریبی جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۳

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی (حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود) آن در توالی ابجد کبیر در هم ضرب شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۳، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۷۰) * ل (۳۰) و عدد ۲۱۰۰ به ابجد کبیر «ق ب غ»،۴ حرفی از «ق ب غ» می‌شود «ل ر ی ض»/«ل ی ی خ»، ل (۳۰)* ی (۱۰) و عدد ۳۰۰ به ابجد کبیر «ش»، ۴ حرفی از «ش» می‌شود «ن و د ط»/«ک ر ج ق»، ی (۱۰) * ع (۷۰) و عدد ۷۰۰ به ابجد کبیر «ذ»، ۴ حرفی از «ذ» می‌شود «ظ د ز س»/«ذ غ ز ز» (تصویر ۳-۶۸).



تصویر ۳-۶۸

بسط تضریبی جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۴

در این بسط با شروع از ابتدای عبارت ورودی، مقدار عددی متناظر هر حرف و حرف بعدی (حرف بعدی برای آخرین حرف، اولین حرف عبارت ورودی خواهد بود) آن در توالی ابجد کبیر در هم ضرب شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۴، از حروف حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: ع (۷۰) * ل (۳۰) و عدد ۲۱۰۰ به ابجد کبیر «ق ب غ»، ۴ حرفی از «ق ب غ» می‌شود «ر ع ق خ»/«ی ح ن ل»، ل (۳۰)* ی (۱۰) و عدد ۳۰۰ به ابجد کبیر «ش»، ۴ حرفی از «ش» می‌شود «و ع ن خ»/«ر ع غ خ»، ی (۱۰) * ع (۷۰) و عدد ۷۰۰ به ابجد کبیر «ذ»، ۴ حرفی از «ذ» می‌شود «د ر غ ع»/« غ غ غ غ»(تصویر ۳-۶۹).



تصویر ۳–۶۹

بسط تظلیم

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ب	ب	ج	د	ج	و	ز	د	و	ز	ف	ش	ت	ث
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	خ	ذ	ف	ض	ظ	غ	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

جدول ۳–۱۷

بسط تعدیل

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ب	ا	د	ج	و	ه	ح	ز	ی	ط	ل	ک	ن	م
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	ع	س	ص	ف	ر	ق	ت	ش	خ	ث	ض	ذ	غ	ظ

جدول ۳–۱۸

بسط تقوی ۱

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	د	ط	یو	ک	لو	مط	سد	فا	ق	قکا	قمد	طسق	وصق
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	هکر	ونر	طفر	دکش	اسش	ت	امت	دفت	طکث	وعث	هکث	وعث	طکذ	دفذ

جدول ۳–۱۹

بسط تقوی ۲

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	د	ط	یو	که	لو	مط	سد	فا	ق	ت	ظ	خغ	ثبغ
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	خجغ	ظدغ	توغ	قحغ	یق	مغ	صغ	سقغ	نرغ	سشغ	طمغ	دسغ	افغ	غغ

جدول ۳–۲۰

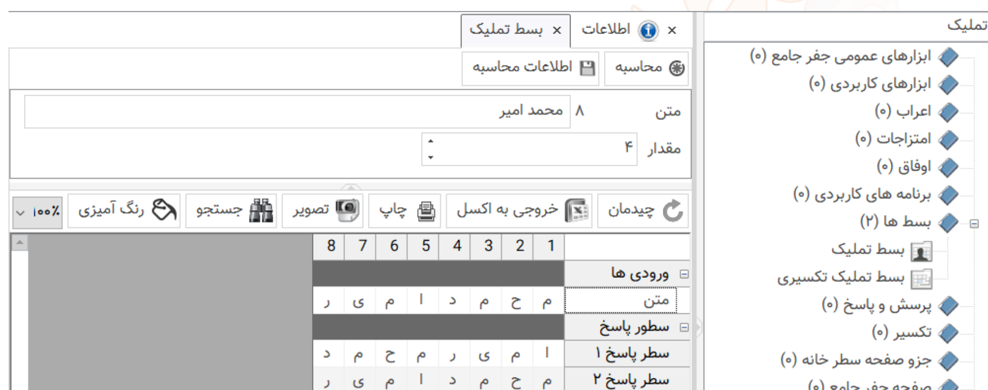
بسط تکسیر

از ابتدای عبارت ورودی حروف را یک‌به‌یک انتخاب می‌کند و مقدار متناظر عددی آن در توالی ابجد کبیر را بر اعداد بازه ۱-۹ تقسیم می‌کند؛ یعنی هر مقدار به ترتیب اول بر عدد ۱، سپس ۲ و الی‌آخر. در هر تقسیم چنانچه باقیمانده تقسیم صفر باشد و خارج‌قسمت برابر یکی از اعداد توالی ابجد کبیر باشد، مقسوم‌علیه و خارج‌قسمت در یک لیست قرار می‌گیرند به دو شرط:۱. خارج‌قسمت مساوی عدد مقسوم نباشد ۲. پیش‌ازاین در لیست قرار نگرفته باشد. سپس این اعداد از بزرگ به کوچک مرتب شده و حروف متناظر آن‌ها در توالی ابجد کبیر، سطر پاسخ را تشکیل می‌دهند. به‌عنوان مثال بسط تکسیر برای اولین حرف از کلمه «محمد» به این ترتیب خواهد بود:

- م=۴۰
- ۴۰=۴۰/۱(باقیمانده= ۰ و خارج‌قسمت ۴۰ از اعداد توالی ابجد کبیر است؛ بنابراین مقسوم‌علیه (۱) به لیست اضافه می‌شود. خارج‌قسمت مساوی عدد مقسوم بوده و به همین دلیل به لیست اضافه نمی‌شود).
- ۲۰=۴۰/۲ (باقیمانده= ۰ و خارج‌قسمت ۲۰ از اعداد توالی ابجد کبیر است؛ بنابراین مقسوم‌علیه (۲) و خارج‌قسمت (۲۰) به لیست اضافه می‌شود).
- ۱۳=۴۰/۳ (باقیمانده تقسیم برابر ۰ نیست، بنابراین عددی به لیست اضافه نمی‌شود).
- ۱۰=۴۰/۴ (باقیمانده= ۰ و خارج‌قسمت ۱۰ از اعداد توالی ابجد کبیر است؛ بنابراین مقسوم‌علیه (۴) و خارج‌قسمت (۱۰) به لیست اضافه می‌شود).
- ۸=۴۰/۵ (باقیمانده= ۰ و خارج‌قسمت ۸ از اعداد توالی ابجد کبیر است؛ بنابراین مقسوم‌علیه (۵) و خارج‌قسمت (۸) به لیست اضافه می‌شود.
- ۶=۴۰/۶ (باقیمانده تقسیم برابر ۰ نیست، بنابراین عددی به لیست اضافه نمی‌شود).
- ۵=۴۰/۷ (باقیمانده تقسیم برابر ۰ نیست، بنابراین عددی به لیست اضافه نمی‌شود).
- ۵=۴۰/۸ (باقیمانده= ۰ و خارج‌قسمت ۵ از اعداد توالی ابجد کبیر است. ازآنجایی‌که اعداد ۵ و ۸ قبلاً به لیست اضافه شده‌اند، دوباره اضافه نمی‌شوند).
- ۴=۴۰/۹ (باقیمانده تقسیم برابر ۰ نیست، بنابراین عددی به لیست اضافه نمی‌شود).
- لیست مرتب شده اعداد از بزرگ به کوچک: ۲۰-۱۰-۸-۵-۴-۲-۱
- و حروف متناظر اعداد در توالی ابجد کبیر پاسخ را تشکیل می‌دهد؛ ک ی ح ه د ب ا

بسط تملیک

حرف چهارم از انتهای عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و سپس باقی حروف نیز از ادامه آن به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد. برای مثال در عبارت «محمد امیر» حرف چهارم از انتهای عبارت حرف «ا» است که به‌عنوان حرف اول انتخاب شده و باقی حروف از ادامه آن (م ی ر م ح م د) آورده شده است (تصویر ۳-۷۰).



تصویر ۳-۷۰

بسط تملیک تکسیری

در این بسط تا ۴ حرف از انتها و ابتدای عبارت ورودی انتخاب شده و باقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند. به این ترتیب که یک حرف از آخر، یک حرف از اول، حرف دوم از آخر، حرف دوم از اول و به همین ترتیب تا حرف چهارم، سپس مابقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد.



تصویر ۳-۷۱

بسط تناقض

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ج	د	ا	ب	ز	ح	ه	و	ک	ل	ط	ی	س	ع
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	م	ن	ق	ر	ف	ص	ث	خ	ش	ت	ظ	غ	ذ	ض

جدول ۳–۲۱

بسط تنویر

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	ا	د	ح	ه	ط	ی	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	س	ع	ک	ص	ق	ر	ل	م	ن	س	ع	ص	ق	ر

جدول ۳–۲۲

بسط تواخی

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	ت ث	ح خ	ذ	ه	و	ر	ج خ	ظ	ی	ک	ل	م	ن
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	ش	غ	ف	ض	ق	ز	س	ب ث	ب ت	ج ح	د	ص	ط	ع

جدول ۳–۲۳

بسط توارث

حرف هشتم از انتهای عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و سپس باقی حروف نیز از ادامه آن به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد. برای مثال در عبارت «علیرضا محمدی فر» حرف هشتم از انتهای عبارت حرف «ا» است که به‌عنوان حرف اول انتخاب شده و باقی حروف از ادامه آن (م ح م د ی ف ر ع ل ی ر ض) آورده شده است (تصویر ۳–۷۲).

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13
ورودی ها													
متن	ع	ل	ی	ر	ض	ا	م	ح	م	د	ی	ف	ر
سطور پاسخ													
سطر پاسخ ۱	ا	م	ح	م	د	ی	ف	ر	ع	ل	ی	ر	ض
سطر پاسخ ۲	ی	ف	ر	ع	ل	ی	ر	ض	ا	م	ح	م	د
سطر پاسخ ۳	ی	ر	ض	ا	م	ح	م	د	ی	ف	ر	ع	ل
سطر پاسخ ۴	ح	م	د	ی	ف	ر	ع	ل	ی	ر	ض	ا	م
سطر پاسخ ۵	ر	ع	ل	ی	ر	ض	ا	م	ح	م	د	ی	ف
سطر پاسخ ۶	ض	ا	م	ح	م	د	ی	ف	ر	ع	ل	ی	ر

تصویر ۳–۷۲

بسط توارث تکسیری

در این بسط تا ۸ حرف از انتها و ابتدای عبارت ورودی انتخاب شده و باقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند. به این ترتیب که یک حرف از آخر، یک حرف از اول، حرف دوم از آخر، حرف دوم از اول و به همین ترتیب تا حرف هشتم، سپس مابقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد.

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13
ورودی ها													
متن	ع	ل	ی	ر	ض	ا	م	ح	م	د	ی	ف	ر
سطور پاسخ													
سطر پاسخ ۱	ع	ر	ل	ف	ی	ی	ر	د	ض	ا	م	ح	م
سطر پاسخ ۲	ع	م	ر	ح	ل	م	ف	ا	ی	ی	ر	د	ض
سطر پاسخ ۳	ع	ض	م	د	ر	ر	ح	ی	ل	م	ف	ا	ی
سطر پاسخ ۴	ع	ی	ض	ا	م	ف	د	م	ر	ر	ح	ی	ل
سطر پاسخ ۵	ع	ل	ی	ی	ض	ح	ا	ر	م	ف	د	م	ر
سطر پاسخ ۶	ع	ر	ل	م	ی	د	ی	ف	ض	ح	ا	ر	م

تصویر ۳–۷۳

بسط ثلاثه حروف

این بسط حروف ملفوظی، ملبوبی و مسروری عبارت ورودی را تفکیک می‌کند، آن‌ها را لفظ کرده و سپس حروف لفظ را به حروف مهمله (بدون نقطه) و معجمه (نقطه‌دار) تقسیم می‌کند و به این ترتیب در ۶ سطر جای می‌دهد؛

پاسخ سطر ۱: ملفوظی مهمله

پاسخ سطر ۲: ملفوظی معجمه

پاسخ سطر ۳: ملبوبی مهمله

پاسخ سطر ۴: ملبوبی معجمه

پاسخ سطر ۵: مسروری مهمله

پاسخ سطر ۶: مسروری معجمه

به‌عبارت‌دیگر، جایگاه حروف ملفوظی عبارت ورودی در پاسخ سطر ۱ و سطر ۲ خواهد، به این ترتیب که پس از لفظ شدن حروف مهمله لفظ در پاسخ سطر ۱ و حروف معجمه آن در پاسخ سطر ۲ جای می‌گیرند و به همین ترتیب برای حروف ملبوبی و مسروی. توجه داشته باشید که چنانچه حروفی متناسب با دسته موردنظر وجود نداشته باشد، سطر مربوط خالی گذاشته می‌شود. پس از تفکیک حروف، از سطرهایی که حاوی مقدار بوده و خالی نباشند مداخل ثلاثه گرفته شده و در سطرهای ۷-۱۲ آورده می‌شود. برای مثال بسط ثلاثه کلمه «علی» در تصویر ۳-۷۴ نشان داده شده است. اولین حرف «ع»، حرف ملفوظی است، لفظ آن «ع ی ن»، «ع» مهمله است در سطر ۱، «ی» و «ن» معجمه هستند در سطر ۲ قرار می‌گیرد. دومین حرف ورودی «ل»، حرف ملفوظی است، لفظ آن «ل ا م»، حروف مهمله هستند و به سطر ۱ اضافه می‌شوند. سومین حرف «ی» حرف مسروری است، لفظ آن «ی ا»، «ی» حرف معجمه است و در سطر ۶ و «ا» مهمله است که در سطر ۵ قرار می‌گیرد. سطور بعدی مداخل ثلاثه این سطور می‌باشد.

محاسبه گر ابجد جفرنس - نسخه ۶،۰،۳۰،۰

ثلاثه

- ابزارهای عمومی جفر جامع (۲)
  - اصول ثلاثه سید حسین اخلاطی
  - هفت بطنی اصول ثلاثه دهدار
- ابزارهای کاربردی (۰)
- اعراب (۰)
- امتزاجات (۰)
- اوفاق (۰)
- برنامه های کاربردی (۰)
- بسط ها (۲)
  - بسط ثلاثه حروف
  - بسط لفظی ثلاثه
- پرسش و پاسخ (۰)
- تکسیر (۰)
- جزو صفحه سطر خانه (۰)
- صفحه جفر جامع (۰)
- مداخل (۳)
  - تفکیک حروف ثلاثه با مداخل
  - مداخل ثلاثه حسن زاده آملی

اطلاعات | بسط ثلاثه حروف

محاسبه | اطلاعات محاسبه

متن ۳ علی

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15
سطور پاسخ															
مهمله ملفوظی	ع	ل	ا	م											
معجمه ملفوظی	ی	ن													
مهمله ملبوبی															
معجمه ملبوبی															
مهمله مسروری	ا														
معجمه مسروری	ی														
ثلاثه مهمله ملفوظی	ا	ل	ف	م	ی	م	ق	ا	ف	ه	ا	ی	ا	و	ا
	و	د	ا	ل											
ثلاثه معجمه ملفوظی	س	ی	ن	و	ا	و	ب	ا	ج	ی	م				
ثلاثه مهمله ملبوبی															
ثلاثه معجمه ملبوبی															
ثلاثه مهمله مسروری	ا	ل	ف	ا	ل	ف									
ثلاثه معجمه مسروری	ی	ا	ا	ل	ف	ا	ل	ف	ب	ا					

تصویر ۳–۷۴

بسط جامع

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	الفبقبجض	باجی	جیمنحت	دالهجیش	هاوی	واجیدخ	زاحی	حاطی	طای	یاب	کافقجیدبض	لامعجیت	میصطدت	نوقیزهست
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	سینکقبجوت	عینلقجدزت	فاطحی	صادهیطت	قافطیض	راکجبی	شینسولطجت	تامهدی	ثانوهی	خاسزوی	ذالدعیزش	ضادهفجیحت	ظاصیط	غینسوقیزات

جدول ۳–۲۴

بسط جسد جسم روح تجمیعی

این بسط از بسط تجمیع الحروف استفاده می‌کند. به این ترتیب که عبارت ورودی به مقدار متناظر عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر آن تبدیل می‌شود و لفظ می‌شوند (ورودی ۱ برای بسط تجمیع الحروف). حروف لفظ به مقدار عددی در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر آن تبدیل می‌شود (ورودی ۲ برای بسط تجمیع الحروف). از ورودی ۱ و ۲، بسط تجمیع الحروف گرفته می‌شود و سطر ۲ انتخاب می‌شود. برای مثال بسط کلمه «علی» به این صورت خواهد بود: ع ل ی=۱۱۰، عدد ۱۱۰ به ابجد کبیر «ی ق» که لفظ می‌شوند «ی ا ق ا ف»(ورودی ۱ برای بسط تجمیع الحروف). حروف لفظ، ی ا ق ا ف= ۱۹۲، عدد ۱۹۲ به ابجد کبیر «ب ص ق»(ورودی ۲ برای بسط تجمیع الحروف). همان‌طور که در تصویر ۳-۷۵ نشان داده شده است، سطر ۲ از بسط تجمیع الحروف ورودی ۱(ی ا ق ا ف) و ورودی ۲(ب ص ق) پاسخ بسط جسد جسم روح تجمیعی خواهد بود.



تصویر ۳-۷۵

بسط جسد جسم روح تجمیعی اربعه

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود و سپس از هر ۴ حرف بسط جسد جسم روح تجمیعی گرفته می‌شود. در این بسط طول عبارت ورودی بایستی مضربی از عدد ۴ باشد و برای رساندن عبارت ورودی به طول موردنظر از بینات استفاده می‌شود.

بسط جسد جسم روح حرفی

این بسط از دو بسط عدد لفظی و تجمیع الحروف استفاده می‌کند، به این ترتیب که حروف عبارت ورودی یک‌به‌یک انتخاب شده، بسط عدد لفظی می‌شوند، سپس هر حرف لفظ شده، از حاصل بسط عدد لفظی و لفظ حروف، بسط تجمیع الحروف گرفته می‌شود و سطر ۲ انتخاب

می‌شود. برای مثال بسط حرف «ع» از کلمه «علی»، سطر ۲ حاصل از بسط تجمیع الحروف میان لفظ حرف (ع ی ن) و بسط عدد لفظی آن (ل ق) خواهد بود.

بسط جفر جامع میزان خانه جمع

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد بینات گرفته می‌شود. چهار حرف از ورودی اول و چهار حرف از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شود. شماره خانه مربوط به آن‌ها در صفحه جفر جامع پیدا شده[۲۲] و باهم جمع می‌شوند. چنانچه حاصل جمع بیشتر از تعداد کل خانه‌ها (۲۴۵۸۶۲۴) باشد، طرح ۲۴۵۸۶۲۴ می‌شود. سپس خانه عدد حاصل پیدا شده[۲۳] و ۴ حرف آن انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال دو ورودی «امیر» و «محمد» را در نظر می‌گیریم. شماره خانه «ا م ی ر» (۳۸۷۲۰) + شماره خانه «م ح م د» (۱۰۷۷۰۰۸) = ۱۱۱۵۷۲۸، و ۴ حرفی مربوط به خانه ۱۱۱۵۷۲۸ می‌شود «م ر ت خ».

بسط جفر جامع میزان خانه ضرب

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد بینات گرفته می‌شود. چهار حرف از ورودی اول و چهار حرف از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شود. شماره خانه مربوط به آن‌ها در صفحه جفر جامع پیدا شده و در هم ضرب می‌شوند. چنانچه حاصل‌ضرب بیشتر از تعداد کل خانه‌ها (۲۴۵۸۶۲۴) باشد، طرح ۲۴۵۸۶۲۴ می‌شود. سپس خانه عدد حاصل پیدا شده و ۴ حرف آن انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال دو ورودی «امیر» و «امین» را در نظر می‌گیریم. شماره خانه «ا م ی ر» (۳۸۷۲۰) * شماره خانه «ا م ی ن» (۳۸۶۹۶) = ۱۴۹۸۳۰۹۱۲۰، عدد حاصل برای خانه بزرگ‌تر از تعداد کل خانه‌ها بوده و طرح می‌شود، ۱۰۰۷۱۰۴= ۱۴۹۸۳۰۹۱۲۰/۲۴۵۸۶۲۴ و ۴ حرف مربوط به خانه ۱۰۰۷۱۰۴ می‌شود «ل ن د غ».

---

[۲۲]. *برای پیدا کردن شماره خانه می‌توانید از گزینه «مشخصات صفحه جفر جامع» در منوی «صفحه جفر جامع» نرم‌افزار استفاده کنید.*

[۲۳]. *با استفاده از گزینه «۴ حرفی از عدد جفر جامع» در منوی «صفحه جفر جامع» نرم‌افزار ۴ حرفی مربوط به خانه موردنظر را پیدا کنید*

بسط جفر جامع میزان خانه کسر

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد بینات گرفته می‌شود. چهار حرف از ورودی اول و چهار حرف از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شود. شماره خانه مربوط به آن‌ها پیدا شده و از هم تفریق می‌شوند (همواره عدد کوچک‌تر از عدد بزرگ‌تر کم می‌شود و حاصل تفریق عددی مثبت است). چنانچه حاصل تفریق بیشتر از تعداد کل خانه‌ها (۲۴۵۸۶۲۴) باشد، طرح ۲۴۵۸۶۲۴ می‌شود. سپس خانه عدد حاصل پیدا شده و ۴ حرف آن انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال دو ورودی «امیر» و «امین» را در نظر می‌گیریم. شماره خانه «ا م ی ر» (۳۸۷۲۰) - شماره خانه «ا م ی ن» (۳۸۶۹۶) = ۲۴، و ۴ حرف خانه ۲۴ می‌شود «ا ا ا و».

بسط جفر جامع میزان سطر جمع

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد بینات گرفته می‌شود. چهار حرف از ورودی اول و چهار حرف از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شود. شماره سطر مربوط به آن‌ها پیدا شده و باهم جمع می‌شوند. چنانچه حاصل جمع بیشتر از تعداد کل سطرها (۲۱۹۵۲) باشد، طرح ۲۱۹۵۲ می‌شود. سپس سطر عدد حاصل پیدا شده و ۴ حرف آن انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال دو ورودی «امیر» و «محمد» را در نظر می‌گیریم. شماره سطر «ا م ی ر» (۳۴۶) + شماره سطر «م ح م د» (۹۹۶۳) = ۹۹۶۳ و ۴ حرف سطر ۹۹۶۳ می‌شود «م ر ث ا».

بسط جفر جامع میزان سطر ضرب

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد بینات گرفته می‌شود. چهار حرف از ورودی اول و چهار حرف از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شود. شماره سطر مربوط به آن‌ها پیدا شده در هم ضرب می‌شوند. چنانچه حاصل‌ضرب بیشتر از تعداد کل سطرها (۲۱۹۵۲) باشد، طرح ۲۱۹۵۲ می‌شود. سپس سطر عدد حاصل پیدا شده و ۴ حرف آن انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال دو ورودی «امیر» و «محمد» را در نظر می‌گیریم. شماره سطر «ا م ی ر» (۳۴۶) * شماره سطر «م ح م د» (۹۶۱۷) = ۳۳۲۷۴۸۲، عدد حاصل برای سطر بزرگ‌تر از

تعداد کل سطرها بوده و طرح می‌شود، ۱۲۷۳۰= ۳۳۲۷۴۸۲/۲۱۹۵۲ و ۴ حرف سطر ۱۲۷۳۰ می‌شود «ف ز ص ا».

بسط جفر جامع میزان سطر کسر

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد بینات گرفته می‌شود. چهار حرف از ورودی اول و چهار حرف از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شود. شماره سطر مربوط به آن‌ها پیدا شده در هم ضرب می‌شوند. چنانچه حاصل‌ضرب بیشتر از تعداد کل سطرها (۲۱۹۵۲) باشد، طرح ۲۱۹۵۲ می‌شود. سپس سطر عدد حاصل پیدا شده و ۴ حرف آن انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال دو ورودی «امیر» و «محمد» را در نظر می‌گیریم. شماره سطر «ا م ی ر» (۳۴۶) - شماره سطر «م ح م د» (۹۶۱۷) = ۹۲۷۱ و ۴ حرف سطر ۹۲۷۱ می‌شود «ل خ ج ا».

بسط جفر جامع میزان صفحه جمع

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرف از ورودی اول و دو حرف از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شود. شماره صفحه مربوط به آن‌ها پیدا شده و باهم جمع می‌شوند. چنانچه حاصل جمع بیشتر از تعداد کل صفحات (۷۸۴) باشد، طرح ۷۸۴ می‌شود. سپس صفحه عدد حاصل پیدا شده و ۲ حرف اول صفحه انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال دو ورودی «امیر» و «محمد» را در نظر می‌گیریم. ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند «آم /ی ر»، «م ح/ م ح». ۲ حرف از ورودی اول «ا م» و دو حرف از ورودی دوم «م ح»، شماره صفحه «ا م»(۱۳) + شماره صفحه «م ح» (۳۴۴) = ۳۵۷ و ۲ حرف اول از صفحه ۳۵۷ می‌شود «م ش».

بسط جفر جامع میزان صفحه ضرب

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرف از ورودی اول و دو حرف از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شود. شماره صفحه مربوط به آن‌ها پیدا شده و در هم ضرب می‌شوند. چنانچه حاصل‌ضرب بیشتر از

تعداد کل صفحات (۷۸۴) باشد، طرح ۷۸۴ می‌شود. سپس صفحه عدد حاصل پیدا شده و ۲ حرف اول صفحه انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال دو ورودی «امیر» و «محمد» را در نظر می‌گیریم. ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند «ام /ی ر»، «م ح/ م ح». ۲ حرف از ورودی اول «ا م» و دو حرف از ورودی دوم «م ح»، شماره صفحه «ا م» (۱۳) * شماره صفحه «م ح» (۳۴۴) = ۴۴۷۲،۵۵۲ =۴۴۷۲ /۷۸۴ و ۲ حرف اول از صفحه ۵۵۲ می‌شود «ر ر».

بسط جفر جامع میزان صفحه کسر

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرف از ورودی اول و دو حرف از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شود. شماره صفحه مربوط به آن‌ها پیدا شده و از هم تفریق می‌شوند (همواره عدد کوچک‌تر از عدد بزرگ‌تر کم می‌شود و حاصل تفریق عددی مثبت است). چنانچه حاصل تفریق بیشتر از تعداد کل صفحات (۷۸۴) باشد، طرح ۷۸۴ می‌شود. سپس صفحه عدد حاصل پیدا شده و ۲ حرف اول صفحه انتخاب می‌شود. به‌عنوان مثال دو ورودی «امیر» و «محمد» را در نظر می‌گیریم. ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند «ام /ی ر»، «م ح/ م ح». ۲ حرف از ورودی اول «ا م» و دو حرف از ورودی دوم «م ح»، شماره صفحه «ا م» (۱۳) - شماره صفحه «م ح» (۳۴۴) = ۳۳۱ و ۲ حرف اول از صفحه ۳۳۱ می‌شود «ل ث».

بسط جمع لفظی

حروف عبارت ورودی را به مقدار عددی آن و سپس به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌کند و حروف حاصل لفظ می‌شوند. برای مثال بسط کلمه «علی» به این صورت خواهد بود: ع ل ی=۱۱۰، عدد ۱۱۰ به ابجد کبیر «ی ق» که لفظ می‌شوند «ی ا ق ا ف».

بسط جمع لفظی اربعه

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس از هر ۴ حرفی بسط جمع لفظی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال بسط کلمه «حمیده» **به** این صورت خواهد بود: طول عبارت ۵ حرف است (ح م ی ده) که بایستی به ۸ حرف (مضرب ۴) برسد به این ترتیب که حرف آخر تبدیل به لفظ آن می‌شود (ح م ی د ه ا) و مجدد حرف لفظ (ا)، خودش لفظ می‌شود (ح م ی د ه ا ا ل).

ح م ی د= ۶۲ و ۶۲ به ابجد کبیر «ب س»، ه ا ا ل= ۳۷ و ۳۷ به ابجد کبیر «ز ل»؛ و حروف سطر جمع کل، لفظ می‌شوند؛ ب ا س ی ن ز ا ل ا م (تصویر ۳-۷۶).

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
ورودی ها										
متن	ح	م	ی	د	ه					
سطور پاسخ										
ملفوظی	ب	ا	س	ی	ن	ز	ا	ل	ا	م
جمع کل	ب	س	ز	ل						
عدد جمع کل	99									

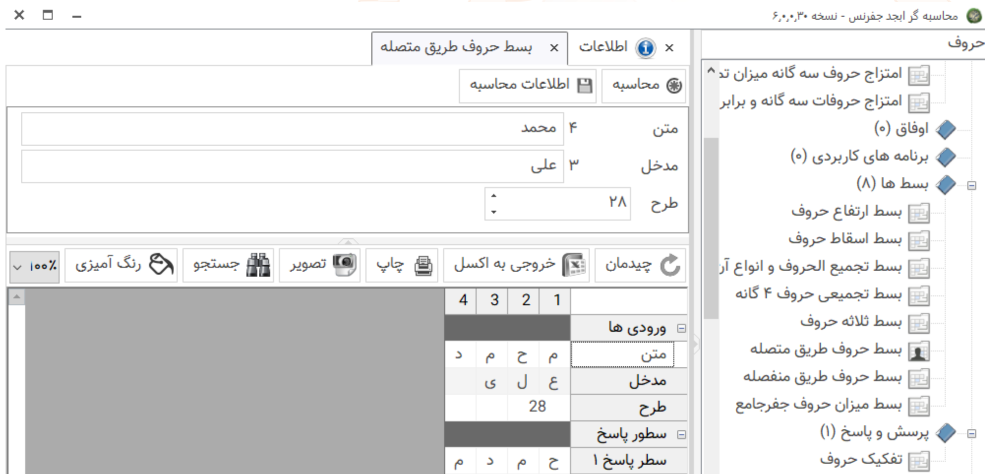
تصویر ۳-۷۶

بسط حروف طریق متصله

این بسط از سه قسمت برای ورودی تشکیل شده است؛ متن، ورودی ۲ (مدخل) و طرح. چنانچه طول عبارت ورودی از ۲ برابر طرح کمتر باشد، عبارت ورودی آن‌قدر تکرار می‌شود تا از عدد طرح بیشتر شود. برای مدخل نیز به همین ترتیب خواهد بود یعنی طول مدخل هم بایستی بیشتر از طول متن ورودی باشد. به‌عنوان مثال اگر طرح ۲۸ باشد و طول ورودی ۴ حرف باشد، با ۸ بار تکرار، به طول موردنظر خواهیم رسید و طول مدخل نیز حداقل باید ۳۳ حرف باشد (۴*۸=۳۲). سپس به طول اولیه ورودی (در مثال ما ۴)، در متن ورودی و مدخل حرکت می‌کنیم، یک حرف از هرکدام انتخاب می‌کنیم، آن دو حرف را به مقدار عددی متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌کنیم. عدد حاصل به طول مشخص شده (در مثال ما ۲۸) طرح می‌شود. به مقدار عدد حاصل، از حرفی که انتخاب شده به جلو حرکت می‌کنیم و به حرفی که رسیدیم آن را انتخاب می‌کنیم (حرکت از نفس حرف خواهد بود یعنی در شمارش، عدد ۱ خود آن حرف است). برای مثال بسط حروف طریق متصله برای ورودی ۴ حرفی «محمد»، مدخل ۳ حرفی «علی» با طرح ۲۸ به این صورت خواهد بود (تصویر ۳-۷۷):

- ورودی ۴ حرفی است و برای رسیدن به طول موردنظر ۸ بار تکرار می‌شود: محمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد

- مدخل ۳ حرفی است و برای رسیدن به طول موردنظر (حداقل ۳۳ حرف) ۱۱ بار تکرار می‌شود: علی علی علی علی علی علی علی علی علی علی علی
- به طول عبارت ورودی یعنی ۴ حرف، یک حرف از ورودی و یک حرف از مدخل انتخاب می‌کنیم: م ع/ ح ل/ م ی/ د ع؛ حروف انتخاب شده به مقدار عددی تبدیل شده و طرح ۲۸ می‌شود. م ع= ۱۱۰ و ۲۶= ۱۱۰/۲۸، ح ل= ۳۸ و ۱۰=۳۸/۲۸، م ی= ۵۰ و ۲۲= ۲۸/ ۵۰، د ع= ۷۴ و ۱۸= ۲۸/ ۷۴.
- به طول عدد حاصل از طرح، از نفس حرف انتخاب شده در ورودی به جلو حرکت می‌کنیم: به طول ۲۶ از حرف «م» که می‌شود حرف «ح»، به طول ۱۰ از حرف «ح» که می‌شود «م»، به طول ۲۲ از حرف «م» که می‌شود حرف «د»، به طول ۱۸ از حرف «د» که می‌شود حرف «م»- پاسخ بسط «ح م د م»



تصویر ۳–۷۷

بسط حروف طریق منفصله

این بسط نیز از سه قسمت برای ورودی تشکیل شده است؛ متن، ورودی ۲ (مدخل) و طرح. چنانچه طول عبارت ورودی از ۲ برابر طرح کمتر باشد، عبارت ورودی آن‌قدر تکرار می‌شود تا از عدد طرح بیشتر شود. برای مدخل نیز به همین ترتیب خواهد بود یعنی طول مدخل هم بایستی بیشتر از طول متن ورودی باشد. به‌عنوان مثال اگر طرح ۲۸ باشد و طول ورودی ۴ حرف باشد، با ۸ بار تکرار، به طول موردنظر خواهیم رسید و طول مدخل نیز حداقل باید ۳۳ حرف باشد

(۴*۸=۳۲). سپس به طول اولیه ورودی (در مثال ما ۴)، در متن ورودی حرکت می‌کنیم، یک حرف انتخاب می‌کنیم، آن را به مقدار عددی متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌کنیم و سپس با مقدار عدد ابجدی حرف به دست آمده در مرحله قبل (که به آن باقیمانده قبلی میگوییم) جمع می‌کنیم- ازآنجایی‌که برای حرف اول، باقیمانده قبلی وجود ندارد، مقدار عدد ابجدی اولین حرف را با مقدار عددی اولین حرف از مدخل جمع می‌کنیم. در ادامه با ارائه مثال این محاسبه روشن‌تر می‌شود. ادامه عملیات مشابه طریق متصله است یعنی عدد حاصل به طول مشخص شده (در مثال ما ۲۸) طرح می‌شود. به مقدار عدد حاصل، از حرفی که انتخاب شده به جلو حرکت می‌کنیم و به حرفی که رسیدیم آن را انتخاب می‌کنیم (حرکت از نفس حرف خواهد بود یعنی در شمارش، عدد ۱ خود آن حرف است). این حرف همان باقیمانده قبلی برای محاسبه حرف بعدی است.

برای مثال بسط حروف طریق متصله برای ورودی ۴ حرفی «محمد»، مدخل ۳ حرفی «علی» با طرح ۲۸ به این صورت خواهد بود:

- ورودی ۴ حرفی است و برای رسیدن به طول موردنظر ۸ بار تکرار می‌شود: محمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد
- مدخل ۳ حرفی است و برای رسیدن به طول موردنظر (حداقل ۳۳ حرف) ۱۱ بار تکرار می‌شود: علی علی علی علی علی علی علی علی علی علی علی
- به طول عبارت ورودی یعنی ۴ حرف، یک حرف از مدخل انتخاب می‌کنیم و مقدار عددی آن را با باقیمانده قبلی جمع می‌کنیم. حرف اول م= ۴۰ و همان‌طور که اشاره شد چون باقیمانده قبلی وجود ندارد با حرف اول مدخل ع= ۷۰ جمع می‌شود و سپس طرح ۲۸ می‌شود (۷۰+۴۰= ۱۱۰ و ۲۶= ۱۱۰/۲۸). به طول عدد حاصل (۲۶) از نفس حرف «م» حرکت می‌کنیم که می‌شود حرف «ح» - توجه داشته باشید که حرف «ح» باقیمانده قبلی برای محاسبه بعدی خواهد بود. حرف دوم ح= ۸ با باقیمانده حرف قبلی یعنی «ح»= ۸ جمع می‌شود (۱۶=۸+۸) و به طول عدد ۱۶ از نفس حرف «ح» حرکت می‌کنیم که می‌شود حرف «م». به همین ترتیب برای سایر حروف نیز محاسبه می‌شود (تصویر ۳-۷۸).

تصویر ۳–۷۸

بسط دهدار

ورودی این بسط عدد است و اگر ورودی متن هم باشد به عدد متناظر آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. سپس مقدار عددی به ترتیب بر اعداد ۱، ۲ و ۳ تقسیم می‌شود. اگر عدد ورودی بر هرکدام از اعداد بخش‌پذیر بود، تقسیم بر عدد بعدی انجام می‌شود در غیر این صورت عمل تقسیم متوقف می‌شود. توجه داشته باشید که چنانچه مقدار عددی بر ۲ بخش‌پذیر بود، در مرحله بعد، خارج‌قسمت تقسیم عدد بر ۲، بر عدد ۳ تقسیم می‌شود. عدد حاصل از تقسیم تنزل[۲۴] داده می‌شود و اعداد حاصل از تنزل به حروف متناظرشان در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط دهدار برای کلمه «علی»(تصویر ۳–۷۹) که مقدار عددی آن ۱۱۰ است به این صورت خواهد بود که ابتدا عدد ۱۱۰ بر ۱ تقسیم می‌شود، مانند هر عددی دیگری بر ۱ بخش‌پذیراست، خارج‌قسمت تقسیم (۱۱۰) تنزل داده می‌شود (۱۱۰/۱۱/۲)، سپس ۱۱۰ بر ۲ تقسیم می‌شود، ازآنجایی‌که بر ۲ بخش‌پذیر است، خارج‌قسمت تقسیم (۵۵) تنزل داده می‌شود (۵۵/۱۰/۱) و سپس بر ۳ تقسیم می‌شود. از آنجایی بر ۳ تقسیم‌پذیر نیست، متوقف می‌شود و حاصلی برای تنزل دادن نخواهد داشت. اعداد حاصل از تنزل (۱۱۰/۱۱/۲/۵۵/۱۰/۱)، به حروف متناظر تبدیل می‌شوند (ی ق=۱۱۰، ا ی =۱۱، ب=۲، ه ن=۵۵، ی=۱۰، ا=۱).

۲۴. در فصل ۲ با تنزل آشنا شده‌اید.



تصویر ۳–۷۹

بسط دهدار جامع

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس هر ۴ حرفی به مقدار متناظر عددی‌اش در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود و ادامه محاسبه مانند بسط دهدار خواهد بود به این ترتیب که مقدار عددی به ترتیب بر اعداد ۱، ۲ و ۳ تقسیم می‌شود. اگر عدد ورودی بر هرکدام از اعداد بخش‌پذیر بود، تقسیم بر عدد بعدی انجام می‌شود در غیر این صورت عمل تقسیم متوقف می‌شود. توجه داشته باشید که چنانچه مقدار عددی بر ۲ بخش‌پذیر بود، در مرحله بعد، خارج‌قسمت تقسیم عدد بر ۲، بر عدد ۳ تقسیم می‌شود. عدد حاصل از تقسیم تنزل داده می‌شود و اعداد حاصل از تنزل به حروف متناظرشان در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال بسط دهدار جامع برای کلمه «محمد امیر» (تصویر ۳–۸۰) به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ ا م ی ر)، به عدد ابجدی‌اش تبدیل می‌شود (م ح م د=۹۲، ا م ی ر= ۲۵۱) و سپس برای هر یک از اعداد حاصل (۹۲، ۲۵۱) مطابق بسط دهدار عمل می‌شود. ابتدا عدد ۹۲ بر ۱ تقسیم می‌شود، مانند هر عددی دیگری بر ۱ بخش‌پذیر است، خارج‌قسمت تقسیم (۹۲) تنزل داده می‌شود (۹۲/۱۱/۲)، سپس ۹۲ بر ۲ تقسیم می‌شود، ازآنجایی‌که بر ۲ بخش‌پذیر است، خارج‌قسمت تقسیم (۴۶) تنزل داده می‌شود (۴۶/۱۰/۱) و سپس بر ۳ تقسیم می‌شود. از آنجایی بر ۳ تقسیم‌پذیر نیست، متوقف می‌شود و حاصلی برای تنزل دادن نخواهد داشت. اعداد حاصل از تنزل (۹۲/۱۱/۲/۴۶/۱۰/۱)، به حروف متناظر تبدیل می‌شوند (ب ص=۹۲، ا ی =۱۱، ب=۲ و م=۴۶، ی=۱۰، ا=۱). به همین ترتیب برای عدد ۲۵۱؛ ۲۵۱ بر ۱ تقسیم می‌شود و خارج‌قسمت تقسیم (۲۵۱) تنزل داده می‌شود(۲۵۱/۲۶/۸)، خارج-

قسمت بر ۲ بخش‌پذیر نیست، عملیات متوقف می‌شود و حاصلی برای تنزل دادن نخواهد داشت. اعداد حاصل از تنزل (۲۵۱/۲۶/۸)، به حروف متناظر تبدیل می‌شوند (ا ن ر=۲۵۱، و ک =۲۶، ح=۸)- پاسخ بسط «ب ص ا ی ب و م ی ا ا ن ر و ک ح».



تصویر ۳-۸۰

بسط روحی

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	اجهز	بدوح	جهزط	دوحی	هزطک	وحیل	زطکم	حیلن	طکمس	یلنع	کمسف	لنعص	مسفق	نعصر
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	سفقش	عصرت	فقشث	صرتخ	قشثذ	رتخض	شثذظ	تخضغ	ثذظ	خضغب	ظاج	ضغبد	ظطظا	غبدو

جدول ۳-۲۵

بسط زوجی جفر جامع ابجد کبیر ۱

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر ۴ حرفی، حاصل جمع مقدار عددی حروف اول و دوم در توالی ابجد کبیر در حاصل جمع مقدار عددی حروف سوم و چهارم

در توالی ابجد کبیر ضرب شده (حرف اول + حرف دوم ❊ حرف سوم+ حرف چهارم) و سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۱، از مقدار حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ا م ی ر)، ۲۱۱۲ = م (۴۰)+ ح (۸)❊ م (۴۰)+ د (۴) و ۴ حرفی از ۲۱۱۲ می‌شود «ر ل ق خ»، ۸۶۱۰ = ا (۱)+ م (۴۰)❊ ی (۱۰)+ ر (۲۰۰) و ۴ حرفی از ۸۶۱۰ می‌شود «غ ن ش ذ»-پاسخ بسط «ر ل ق خ غ ن ش ذ» (تصویر ۳-۸۱).



تصویر ۳-۸۱

بسط زوجی جفر جامع ابجد کبیر ۲

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر ۴ حرفی، حاصل جمع مقدار عددی حروف اول و دوم در توالی ابجد کبیر در حاصل جمع مقدار عددی حروف سوم و چهارم در توالی ابجد کبیر ضرب شده (حرف اول + حرف دوم ❊ حرف سوم+ حرف چهارم) و سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۲، از مقدار حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ا م ی ر)، ۲۱۱۲ = م (۴۰)+ ح (۸)❊ م (۴۰)+ د (۴) و ۴ حرفی از ۲۱۱۲ می‌شود «لج س ب»، ۸۶۱۰ = ا (۱)+ م (۴۰)❊ ی (۱۰)+ ر (۲۰۰) و ۴ حرفی از ۸۶۱۰ می‌شود «ن ه ق ی»-پاسخ بسط «ل ج س ب ن ه ق ی» (تصویر ۳-۸۲).

تصویر ۳-۸۲

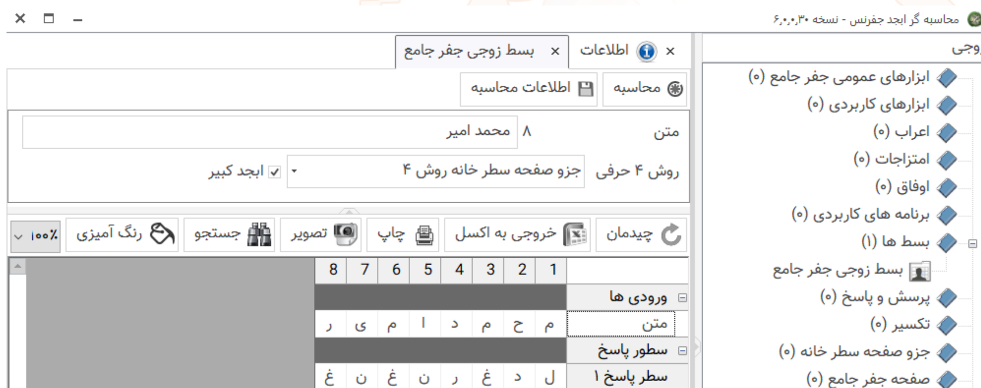
بسط زوجی جفر جامع ابجد کبیر ۳

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر ۴ حرفی، حاصل جمع مقدار عددی حروف اول و دوم در توالی ابجد کبیر در حاصل جمع مقدار عددی حروف سوم و چهارم در توالی ابجد کبیر ضرب شده (حرف اول + حرف دوم * حرف سوم+ حرف چهارم) و سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۳، از مقدار حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ا م ی ر)، ۲۱۱۲ = م (۴۰)+ ح (۸)* م (۴۰)+ د (۴) و ۴ حرفی از ۲۱۱۲ می‌شود «ل ج ص ف»، ۸۶۱۰ = ا (۱)+ م (۴۰)* ی (۱۰)+ ر (۲۰۰) و ۴ حرفی از ۸۶۱۰ می‌شود «ن ه خ ض»-پاسخ بسط «ل ج صف ن ه خ ض»(تصویر ۳-۸۳).

تصویر ۳-۸۳

بسط زوجی جفر جامع ابجد کبیر ۴

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر ۴ حرفی، حاصل جمع مقدار عددی حروف اول و دوم در توالی ابجد کبیر در حاصل جمع مقدار عددی حروف سوم و چهارم در توالی ابجد کبیر ضرب شده (حرف اول + حرف دوم ❊ حرف سوم+ حرف چهارم) و سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۴، از مقدار حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ ا م ی ر)، ۲۱۱۲ = م (۴۰)+ ح (۸)❊ م (۴۰)+ د (۴) و ۴ حرفی از ۲۱۱۲ می‌شود «ل د غ ر»، ۸۶۱۰ = ا (۱)+ م (۴۰)❊ ی (۱۰)+ ر (۲۰۰) و ۴ حرفی از ۸۶۱۰ می‌شود «ن غ ن غ»-پاسخ بسط «ل د غ ر ن غ ن غ» (تصویر ۳-۸۴).



تصویر ۳-۸۴

بسط زوجی جفر جامع ابجد وضعی ۱

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر ۴ حرفی، حاصل جمع مقدار عددی حروف اول و دوم در توالی ابجد وضعی در حاصل جمع مقدار عددی حروف سوم و چهارم در توالی ابجد وضعی ضرب شده (حرف اول + حرف دوم ❊ حرف سوم+ حرف چهارم) و سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۱، از مقدار حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ ا م ی ر)، ۳۵۷ = م (۱۳)+ ح (۸)❊ م (۱۳)+ د (۴) و ۴ حرفی از ۳۵۷ می‌شود

«م ش د و»، ۴۲۰ = ا (۱)+ م (۱۳)* ی (۱۰)+ ر (۲۰) و ۴ حرفی از ۴۲۰ می‌شود «س غ د ش»-پاسخ بسط «م ش د و س غ دش» (تصویر ۳-۸۵).



تصویر ۳-۸۵

بسط زوجی جفر جامع ابجد وضعی ۲

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر ۴ حرفی، حاصل جمع مقدار عددی حروف اول و دوم در توالی ابجد وضعی در حاصل جمع مقدار عددی حروف سوم و چهارم در توالی ابجد وضعی ضرب شده (حرف اول + حرف دوم * حرف سوم+ حرف چهارم) و سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۲، از مقدار حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ ا م ی ر)، ۳۵۷ = م (۱۳)+ ح (۸)* م (۱۳)+ د (۴) و ۴ حرفی از ۳۵۷ می‌شود «ش ج خ ر»، ۴۲۰ = ا (۱)+ م (۱۳)* ی (۱۰)+ ر (۲۰) و ۴ حرفی از ۴۲۰ می‌شود «غ ا ا ب»-پاسخ بسط «ش ج خ ر غ ا ا ب» (تصویر ۳-۸۶).

تصویر ۳–۸۶

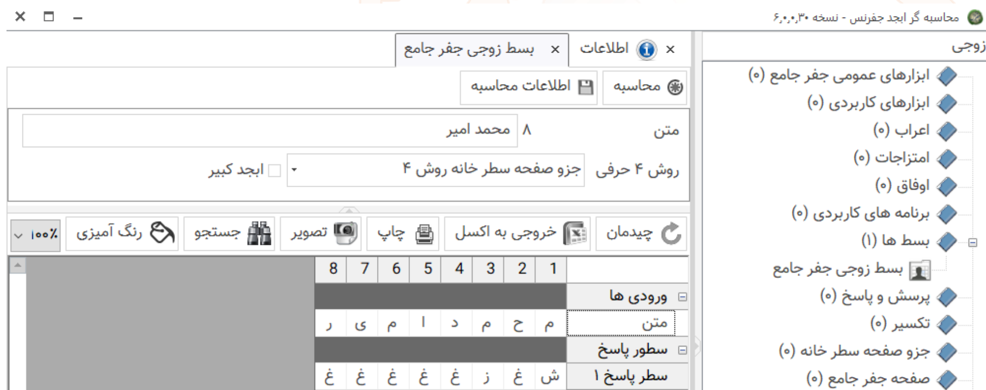
بسط زوجی جفر جامع ابجد وضعی ۳

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر ۴ حرفی، حاصل جمع مقدار عددی حروف اول و دوم در توالی ابجد وضعی در حاصل جمع مقدار عددی حروف سوم و چهارم در توالی ابجد وضعی ضرب شده (حرف اول + حرف دوم * حرف سوم+ حرف چهارم) و سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۳، از مقدار حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ ا م ی ر)، ۳۵۷ = م (۱۳)+ ح (۸)* م (۱۳)+ د (۴) و ۴ حرفی از ۳۵۷ می‌شود «ش ج ظ ز»، ۴۲۰ = ا (۱)+ م (۱۳)* ی (۱۰)+ ر (۲۰) و ۴ حرفی از ۴۲۰ می‌شود «د د ح ع»- پاسخ بسط «ش ج ظ ز د د ح ع» (تصویر ۳–۸۷).

تصویر ۳–۸۷

بسط زوجی جفر جامع ابجد وضعی ۴

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر ۴ حرفی، حاصل جمع مقدار عددی حروف اول و دوم در توالی ابجد وضعی در حاصل جمع مقدار عددی حروف سوم و چهارم در توالی ابجد وضعی ضرب شده (حرف اول + حرف دوم ❋ حرف سوم+ حرف چهارم) و سپس از طریق جزو صفحه سطر خانه ۴، از مقدار حاصل ۴ حرفی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ ا م ی ر)، ۳۵۷ = م (۱۳)+ ح (۸)❋ م (۱۳)+ د (۴) و ۴ حرفی از ۳۵۷ می‌شود «ش غ ز غ»، ۴۲۰ = ا (۱)+ م (۱۳)❋ ی (۱۰)+ ر (۲۰) و ۴ حرفی از ۴۲۰ می‌شود «غ غ غ غ»- پاسخ بسط «ش غ ز غ غ غ غ غ» (تصویر ۳-۸۸).



تصویر ۳-۸۸

بسط سر اعظم

این بسط عبارت ورودی را گرفته و تکسیر صدر و مؤخر[۲۵] می‌کند، سطر دوم آن را انتخاب کرده، مقدار عددی حروف در توالی ابجد وضعی را دوبه‌دو (حرف و حرف بعد از آن) باهم جمع می‌کند، سپس حاصل را طرح ۲۸ کرده و عدد حاصل را به حروف ابجد وضعی تبدیل می‌کند. حروف به دست آمده را به انتهای حروف عبارت ورودی اضافه کرده و عملیات فوق را تکرار می‌کند. توجه داشته باشید، هنگامی‌که حروف دوبه‌دو باهم جمع می‌شوند، اگر فقط یک حرف

---

[۲۵]. در فصل ۲ با تکسیر صدر و مؤخر آشنا شده‌اید.

در انتها باقی‌مانده باشد، با خودش جمع می‌شود. برای مثال بسط سر اعظم برای کلمه «علی» به این صورت خواهد بود:

- تکسیر صدر و مؤخر کلمه «علی» و انتخاب سطر دوم آن: ع ی ل
- انتخاب دوبه‌دو حروف: ع ی/ ل ل
- تجمیع مقدار عددی حروف در توالی ابجد وضعی:۲۶=ع (۱۶)+ی (۱۰) / ۲۴=ل (۱۲)+ل (۱۲)
- تبدیل اعداد به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی: ۲۶ (ض)، ۲۴(خ)
- افزودن حروف حاصل به انتهای عبارت ورودی: ع ل ی ض خ
- و عملیات فوق تکرار می‌شود



تصویر ۳–۸۹

بسط صعودی جفر جامع ۱

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر دسته با استفاده از جزو صفحه سطر خانه ۱، از مقدار عددی حروف در توالی ابجد کبیر ۴ حرفی گرفته می‌شود به این ترتیب که ابتدا از مقدار عددی حرف اول ۴ حرفی گرفته می‌شود، سپس از حاصل جمع مقدار عددی حرف اول و دوم، از حاصل جمع حروف اول تا سوم و در آخر از حاصل جمع حروف اول تا چهارم. به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ا م ی ر) و مطابق روش فوق از هر دسته ۴ حرفی گرفته می‌شود. در دسته اول (م ح م د)، حرف اولم=۴۰ و ۴ حرفی آن «ب ل ی ا»،۴۸ = م (۴۰)+ ح (۸) و ۴

حرفی از ۴۸ «ب ر ا ل»،۸۸ = م (۴۰)+ ح (۸)+م (۴۰) و ۴ حرفی از ۸۸ «د د ا ت»، ۹۲ = م (۴۰)+ ح (۸)+م (۴۰)+ د (۴) و ۴ حرفی از ۹۲ «د ح ا ث»؛ به همین ترتیب برای دسته دوم (ا م ی ر)، حرف اول ا=۱۰ و ۴ حرفی آن «ا ا ا ا»،۴۱ = ا (۱)+ م (۴۰) و ۴ حرفی از ۴۱ «ب م ا ک»، ۵۱ = ا (۱)+ م (۴۰)+ی (۱۰) و ۴ حرفی از ۵۱ «ب ث ا م»، ۲۵۱ = ا (۱)+ م (۴۰)+ی (۱۰)+ ر (۲۰۰) و ۴ حرفی از ۲۵۱ «ط ظ ج ز»-پاسخ بسط «ب ل ی ا ب ر ا ل د د ا ت د ح ا ث ا ا ا ا ب م ا ک ب ث ا م ط ظ ج ز» (تصویر ۳-۹۰).



تصویر ۳-۹۰

بسط صعودی جفر جامع ۲

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر دسته با استفاده از جزو صفحه سطر خانه ۲، از مقدار عددی حروف در توالی ابجد کبیر ۴ حرفی گرفته می‌شود به این ترتیب که ابتدا از مقدار عددی حرف اول ۴ حرفی گرفته می‌شود، سپس از حاصل جمع مقدار عددی حرف اول و دوم، از حاصل جمع حروف اول تا سوم و در آخر از حاصل جمع حروف اول تا چهارم. به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ا م ی ر) و مطابق روش فوق از هر دسته ۴ حرفی گرفته می‌شود. در دسته اول (م ح م د)، حرف اول م=۴۰ و ۴ حرفی آن «ل ج س ب»،۴۸ = م (۴۰)+ ح (۸) و ۴ حرفی از ۴۸ «ر ب ت ع»، ۸۸ = م (۴۰)+ ح (۸)+م (۴۰) و ۴ حرفی از ۸۸ «د د ح ع»، ۹۲ = م (۴۰)+ ح (۸)+م (۴۰)+ د (۴) و ۴ حرفی از ۹۲ «ح ح ع د»؛ به همین ترتیب برای دسته دوم

(ا م ی ر)، حرف اول ا=۱۰ و ۴ حرفی آن «ا ا ب د»،۴۱ = ا (۱)+ م (۴۰) و ۴ حرفی از ۴۱ «م د ف و»، ۵۱ = ا (۱)+ م (۴۰)+ی (۱۰) و ۴ حرفی از ۵۱ «ث ه غ غ»، ۲۵۱ = ا (۱)+ م (۴۰)+ی (۱۰)+ ر (۲۰۰) و ۴ حرفی از ۲۵۱ «ظ ط ح ع»-پاسخ بسط «ل ج س ب ر ب ت ع د د ح ع ح ح ع د ا ا ب د م د ف و ث ه غ غ ظ ط ح ع» (تصویر ۳-۹۱).



تصویر ۳-۹۱

بسط صعودی جفر جامع ۳

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر دسته با استفاده از جزو صفحه سطر خانه ۳، از مقدار عددی حروف در توالی ابجد کبیر ۴ حرفی گرفته می‌شود به این ترتیب که ابتدا از مقدار عددی حرف اول ۴ حرفی گرفته می‌شود، سپس از حاصل جمع مقدار عددی حرف اول و دوم، از حاصل جمع حروف اول تا سوم و در آخر از حاصل جمع حروف اول تا چهارم.
به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ا م ی ر) و مطابق روش فوق از هر دسته ۴ حرفی گرفته می‌شود.
در دسته اول (م ح م د)، حرف اول م=۴۰ و ۴ حرفی آن «ل ج ص ف»،۴۸ = م (۴۰)+ ح (۸) و ۴ حرفی از ۴۸ «ر ب خ ض»، ۸۸ = م (۴۰)+ ح (۸)+م (۴۰) و ۴ حرفی از ۸۸ «د ح ع»، ۹۲ = م (۴۰)+ ح (۸)+م (۴۰)+ د (۴) و ۴ حرفی از ۹۲ «ح ح ع ک»؛ به همین ترتیب برای دسته دوم (ا م ی ر)، حرف اول ا=۱۰ و ۴ حرفی آن «ا ا ب د»،۴۱ = ا (۱)+ م (۴۰) و ۴ حرفی از ۴۱ «م د ش ف»، ۵۱ = ا (۱)+ م (۴۰)+ی (۱۰) و ۴ حرفی از ۵۱ «ث ث ه ی»، ۲۵۱ = ا (۱)+ م

(۴۰)+ی (۱۰)+ ر (۲۰۰) و ۴ حرفی از ۲۵۱ «ظ ط ف ن»-پاسخ بسط «ل ج ص ف ر ب خ ض د د ح ع ح ح ع ک ا ا ب د م د ش ف ث ث ه ی ظ ط ف ن» (تصویر ۳-۹۲).



تصویر ۳-۹۲

بسط صعودی جفر جامع ۴

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس در هر دسته با استفاده از جزو صفحه سطر خانه ۴، از مقدار عددی حروف در توالی ابجد کبیر ۴ حرفی گرفته می‌شود به این ترتیب که ابتدا از مقدار عددی حرف اول ۴ حرفی گرفته می‌شود، سپس از حاصل جمع مقدار عددی حرف اول و دوم، از حاصل جمع حروف اول تا سوم و در آخر از حاصل جمع حروف اول تا چهارم. به‌عنوان مثال بسط کلمه «محمد امیر» به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی به‌صورت ۴ حرفی تفکیک شده (م ح م د/ا م ی ر) و مطابق روش فوق از هر دسته ۴ حرفی گرفته می‌شود. در دسته اول (م ح م د)، حرف اول م=۴۰ و ۴ حرفی آن «ل د غ ر»، م (۴۰) +ح (۸) = ۴۸ و ۴ حرفی از ۴۸ «ر ع غ خ»، م (۴۰) +ح (۸)+م (۴۰) = ۸۸ و ۴ حرفی از ۸۸ «د ر غ ع»، م (۴۰)+ ح (۸)+م (۴۰)+ د (۴) = ۹۲ و ۴ حرفی از ۹۲ «ح ل غ د»؛ به همین ترتیب برای دسته دوم (ا م ی ر)، حرف اول ا=۱۰ و ۴ حرفی آن «ا ل ز د»، ا (۱) +م (۴۰) = ۴۱ و ۴ حرفی از ۴۱ «م ع ز خ»، ا (۱) +م (۴۰)+ی (۱۰) = ۵۱ و ۴ حرفی از ۵۱ «ث خ ش ح»، ا (۱) +م (۴۰)+ی (۱۰)+ ر (۲۰۰) = ۲۵۱ و ۴ حرفی از ۲۵۱ «ظ ع ش خ»-پاسخ بسط «ل د غ ر ع غ خ د ر غ ع ح ل غ د ا ل ز د م ع ز خ ث خ ش ح ظ ع ش خ » (تصویر ۳-۹۳).

تصویر ۳-۹۳

بسط ضرب سته

مقدار عددی عبارت ورودی در توالی ابجد کبیر محاسبه می‌شود و سپس این مقدار به ترتیب در اعداد ۴، ۷، ۹، ۱۲، ۲۸، ۳۰ ضرب شده و حاصل‌ضرب به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط ضرب سته برای کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: علی= ۱۱۰، ۱۱۰*۴=۴۴۰ و ۴۴۰ به ابجد کبیر «م ت»، ۱۱۰*۷=۷۷۰ و ۷۷۰ به ابجد کبیر «ع ذ»،۱۱۰*۹=۹۹۰ و ۹۹۰ به ابجد کبیر «ص ظ»،۱۱۰*۱۲=۱۳۲۰ و ۱۳۲۰ به ابجد کبیر «ک ش ق»، ۱۱۰*۲۸=۳۰۸۰ و ۳۰۸۰ به ابجد کبیر «ف ج غ»، ۱۱۰*۳۰=۳۳۰۰ و ۳۳۰۰ به ابجد کبیر «ش ج غ» (تصویر ۳-۹۴).

تصویر ۳-۹۴

بسط ضرب سته حرفی

حروف عبارت ورودی یک‌به‌یک انتخاب می‌شوند، سپس مقدار عددی هر حرف در توالی ابجد کبیر به ترتیب در اعداد ۴، ۷، ۹، ۱۲، ۲۸، ۳۰ ضرب شده و حاصل‌ضرب به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. به‌عنوان مثال، بسط ضرب سته برای کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: حرف اول ع=۷۰، ۲۸۰=۴*۷۰ و ۲۸۰ به ابجد کبیر «ف ر»، ۴۹۰=۷*۷۰ و ۴۹۰ به ابجد کبیر «ص ت»، ۶۳۰=۹*۷۰ و ۶۳۰ به ابجد کبیر «ل خ»، ۸۴۰=۱۲*۷۰ و ۸۴۰ به ابجد کبیر «م ض»، ۱۹۶۰=۲۸*۷۰ و ۱۹۶۰ به ابجد کبیر «س ظ غ»، ۲۱۰۰=۳۰*۷۰ و ۲۱۰۰ به ابجدکبیر «ق ب غ»، به همین ترتیب برای سایر حروف عبارت (تصویر ۳-۹۵).



تصویر ۳-۹۵

بسط ضرب ظاهر در باطن

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	د	ط	وی	هک	ول	طم	دس	اف	ق	ت	ظ	خغ	ثبغ
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	خغج	ظغد	تغو	قغح	غی	غم	غص	غسق	غنر	غسش	غصت	غمخ	غیض	غغ

جدول ۳-۲۶

بسط طبیعی ترفع

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	ج	د	ه	ه	ز	ح	ط	ط	ک	ل	م	م	س
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	ع	ف	ف	ق	ر	ش	ش	ث	خ	ذ	ذ	ظ	غ	ا

جدول ۳–۲۷

بسط طبیعی تنزلی

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	ا	ب	ج	ه	ه	و	ز	ط	ط	ی	ک	م	م
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	ن	س	ف	ق	ص	ق	ش	ش	ت	ث	ذ	ذ	ض	ظ

جدول ۳–۲۸

بسط طرح ۲۸

مقدار عددی هر یک از حروف ورودی در توالی ابجد کبیر به حروف ابجد وضعی تبدیل می‌شود. برای اینکه مقادیر بزرگ‌تر در بازه ۱–۲۸ قرار گیرند، طرح ۲۸ گرفته می‌شود (مقادیر بر عدد ۲۸ تقسیم می‌شوند) و سپس باقیمانده به حروف متناظر آن در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. به‌عنوان مثال بسط طرح ۲۸ برای کلمه «علی» به این ترتیب خواهد بود: حرف اول «ع» با مقدار عددی ۷۰ در توالی ابجد کبیر، طرح ۲۸ می‌شود (۷۰/۲۸=۱۴) و باقیمانده (۱۴) به حروف ابجد وضعی تبدیل می‌شود (ن). حرف دوم «ل» با مقدار عددی ۳۰ در توالی ابجد کبیر، طرح ۲۸ می‌شود (۳۰/۲۸=۲) و باقیمانده (۲) به حروف ابجد وضعی تبدیل می‌شود (ب). حرف دوم «ی» با مقدار عددی ۱۰ در توالی ابجد کبیر که در توالی ابجد وضعی نیز معادل حرف «ی» است- پاسخ بسط «ن ب ی».

بسط طوالع

حرف آخر عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و باقی حروف از ابتدای عبارت به همان ترتیب انتخاب می‌شود. این کار تا رسیدن به سطر زمام تکرار می‌شود. تصویر ۳-۹۶

بسط طوالع عبارت «محمد امیر» را نشان می‌دهد. حرف آخر عبارت «ر» به‌عنوان حرف اول در پاسخ سطر ۱ انتخاب شده و مابقی حروف از ابتدای عبارت آورده شده‌اند (م ح م د ا م ی).

	1	2	3	4	5	6	7	8
متن	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
سطر پاسخ ۱	ر	م	ح	م	د	ا	م	ی
سطر پاسخ ۲	ی	ر	م	ح	م	د	ا	م
سطر پاسخ ۳	م	ی	ر	م	ح	م	د	ا
سطر پاسخ ۴	ا	م	ی	ر	م	ح	م	د
سطر پاسخ ۵	د	ا	م	ی	ر	م	ح	م
سطر پاسخ ۶	م	د	ا	م	ی	ر	م	ح
سطر پاسخ ۷	ح	م	د	ا	م	ی	ر	م
سطر پاسخ ۸	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر

تصویر ۳–۹۶

بسط ظاهر در ظاهر

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	د	ت	وی	هک	ول	ط	دس	اق	ق	آکق	دمق	طسق	وصق
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	هکر	وزر	طفر	دکش	اسش	ت	امت	دفت	طاکث	وعث	هکخ	وعخ	طاکذ	دفذ

جدول ۳–۲۹

بسط عبید

حرف ششم از انتهای عبارت ورودی به‌عنوان حرف اول انتخاب می‌شود و سپس باقی حروف نیز از ادامه آن به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد. برای مثال در عبارت «محمد امیر» حرف ششم از انتهای عبارت حرف «م» است که به‌عنوان حرف اول انتخاب شده و باقی حروف از ادامه آن (د ا م ی ر م ح) آورده شده است (تصویر ۳-۹۷).

تصویر ۳-۹۷

بسط عبید تکسیری

در این بسط تا ۶ حرف از انتها و ابتدای عبارت ورودی انتخاب شده و باقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند. به این ترتیب که یک حرف از آخر، یک حرف از اول، حرف دوم از آخر، حرف دوم از اول و به همین ترتیب تا حرف ششم، سپس مابقی حروف به همان ترتیب آورده می‌شوند تا به سطر زمام برسد.

تصویر ۳-۹۸

بسط عدد لفظی

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول ۳–۳۰

بسط عددی

در این بسط هر یک از حروف عبارت ورودی لفظ شده و سطر ۱ را تشکیل می‌دهد، مقادیر عددی حروف لفظ هر حرف باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در ابجد کبیر تبدیل می‌شود (سطر عدد ملفوظی)، سپس کلیه مقادیر عددی متناظر حروف در سطر عدد ملفوظی باهم جمع شده و به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شود و سطر جمع کل را تشکیل می‌دهد. برای مثال بسط عددی «علی» همان‌طور که در تصویر ۳-۹۹ نشان داده شده است به این صورت خواهد بود: حروف عبارت ورودی لفظ می‌شود (ع ی ن/ ل ا م/ ی ا). عین=۱۳۰ و ۱۳۰ به ابجد کبیر «ل ق»، ل ا م= ۷۱ و ۷۱ به ابجد کبیر «ا ع»، ی ا= ۱۱ و ۱۱ به ابجد کبیر «ا ی». برای سطر جمع کل ۲۱۲ = ل (۳۰)+ ق (۱۰۰)+ا (۱)+ ع (۷۰)+ ا (۱)+ ی (۱۰) و عدد ۲۱۲ به ابجد کبیر «ب ی ر».

	1	2	3	4	5	6	7	8
ورودی ها								
متن	ع	ل	ی					
سطور مراحل								
سطر روند ۱	ع	ی	ن	ل	ا	م	ی	ا
سطور پاسخ								
عدد ملفوظی	ل	ق	ا	ع	ا	ی		
جمع کل	ب	ی	ر					
عدد جمع کل	212							

تصویر ۳–۹۹

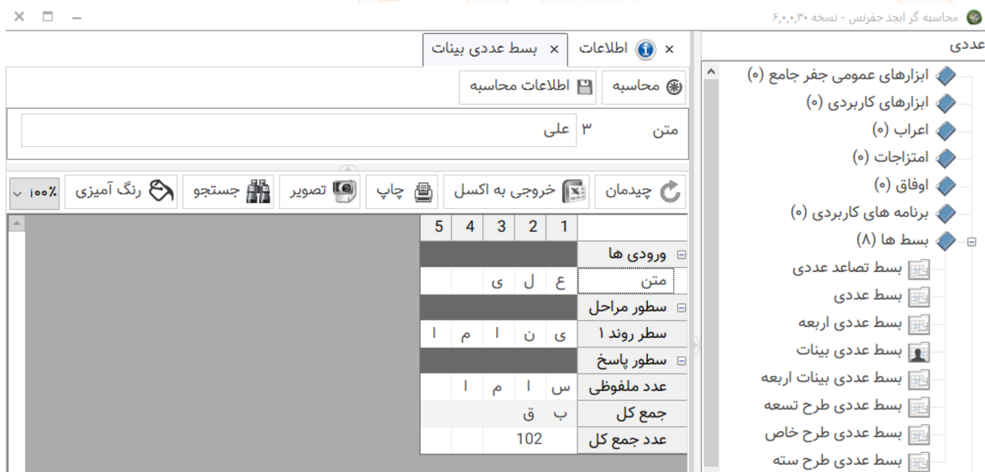
بسط عددی اربعه

در این بسط تعداد حروف عبارت ورودی بایستی مضربی از عدد ۴ باشد. چنانچه طول عبارت ورودی مضرب ۴ نباشد برای رساندن آن به طول موردنظر بینات گرفته می‌شود. هر یک از حروف عبارت ورودی لفظ شده و سطر ۱ را تشکیل می‌دهد، مقادیر عددی حروف لفظ مربوط به ۴ حرف اول ورودی باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در ابجد کبیر تبدیل می‌شود و به همین ترتیب این مقدار برای ۴ حرف‌های بعدی ورودی نیز محاسبه می‌شود (سطر عدد ملفوظی). سپس کلیه مقادیر عددی متناظر حروف در سطر عدد ملفوظی باهم جمع شده و به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شود و سطر جمع کل را تشکیل می‌دهد. به‌عنوان مثال برای بسط کلمه «محمدعلی» ابتدا از آن بینات گرفته شده تا طول عبارت به مضرب ۴ برسد که می‌شود «محمدعلیا». حروف عبارت ورودی لفظ می‌شود (م ی م ح ا م ی م د ا ل ع ی ن ل ا م ی ا ا ل ف). حروف لفظ مربوط به ۴ حرف اول ورودی (م ح م د) باهم جمع می‌شود، م ی م ح ا م ی م د ا ل= ۲۲۴ و ۲۲۴ به ابجد کبیر «د ک ر»، برای ۴ حرف دوم به همین ترتیب ع ی ن ل ا م ی ا ا ل ف= ۳۲۳ و ۳۲۳ به ابجد کبیر «ج ک ش». برای سطر جمع کل، ج ک ش= ۳۲۳ و ۳۲۳ به ابجد کبیر «ج ک ش» (تصویر ۳-۱۰۰).

تصویر ۳-۱۰۰

بسط عددی بینات

هر یک از حروف عبارت ورودی لفظ می‌شود و سپس بینات[۲۶] آن‌ها سطر ۱ را تشکیل می‌دهد. مقادیر عددی متناظر بینات هر لفظ باهم جمع شده و مقدار حاصل به حروف متناظر آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود (سطر عدد بینات). سپس کلیه مقادیر عددی متناظر حروف در سطر عدد بینات باهم جمع شده و به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شود و سطر جمع کل را تشکیل می‌دهد. برای مثال بسط عددی بینات برای کلمه «علی» به این صورت خواهد بود که حروف لفظ می‌شوند (ع ی ن ل ا م ی ا) و سپس بینات آن‌ها در سطر ۱ آورده می‌شود (ی ن ا م ا)، ی ن=۶۰ و ۶۰ به ابجد کبیر «س»، ا م= ۴۱ و ۴۱ به ابجد کبیر «ا م»، ا= ۱ به ابجد کبیر «ا». به این ترتیب سطر عدد لفظی تشکیل می‌شود (ل ق ا ع ا ی ل). برای سطر جمع کل،۱۰۲ = ی (۱۰)+ ن (۵۰)+ا (۱)+ م (۴۰)+ا (۱)+ و عدد ۱۰۲ به ابجد کبیر «ب ق» (تصویر ۳-۱۰۱).



تصویر ۳-۱۰۱

بسط عددی بینات اربعه

در این بسط تعداد حروف عبارت ورودی بایستی مضربی از عدد ۴ باشد. چنانچه طول عبارت ورودی مضرب ۴ نباشد برای رساندن آن به طول موردنظر بینات گرفته می‌شود. هر یک از حروف عبارت ورودی لفظ می‌شود و سپس بینات آن‌ها سطر ۱ را تشکیل می‌دهد. مقادیر عددی متناظر

---

[۲۶]. حرف اول لفظ حروف را «زبر» و مابقی حروف آن را «بینه» می‌گویند. به‌عنوان مثال برای حرف «ج» که لفظ آن «ج ی م» است، حرف «ج» زبر و «ی م» بینه است.

بینات مربوط به ۴ حرف اول ورودی باهم جمع شده و عدد حاصل به متناظر حرفی آن در ابجد کبیر تبدیل می‌شود و به همین ترتیب این مقدار برای ۴ حرف‌های بعدی ورودی نیز محاسبه می‌شود (سطر عدد بینات). سپس کلیه مقادیر عددی متناظر حروف در سطر عدد بینات باهم جمع شده و به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شود و سطر جمع کل را تشکیل می‌دهد. به‌عنوان مثال برای بسط کلمه «محمدعلی» ابتدا از آن بینات گرفته شده تا طول عبارت به مضرب ۴ برسد که می‌شود «محمدعلیا». بینات حروف عبارت ورودی در سطر ۱ نمایش داده می‌شود (ی م ا ی م ا ل ی ن ا م ا ل ف). بینات مربوط به ۴ حرف اول ورودی (م ح م د) باهم جمع می‌شود، ی م ا ی م ا ل= ۱۳۲ و ۱۳۲ به ابجد کبیر «ب ل ق»، برای ۴ حرف دوم به همین ترتیب ی نا م ا ل ف= ۲۱۲ و ۲۱۲ به ابجد کبیر «ب ی ر». برای سطر جمع کل، د ک ر ج ک ش= ۳۴۴ و ۳۴۴ به ابجد کبیر «د م ش» (تصویر ۳-۱۰۲).

محاسبه گر ابجد جفرنس - نسخه ۶,۰,۰,۳۰

عددی: ابزارهای عمومی جفر جامع (۰) / ابزارهای کاربردی (۰) / اعراب (۰) / امتزاجات (۰) / اوفاق (۰) / برنامه های کاربردی (۰) / بسط ها (۸): بسط تصاعد عددی، بسط عددی، بسط عددی اربعه، بسط عددی بینات، بسط عددی بینات اربعه، بسط عددی طرح تسعه، بسط عددی طرح خاص، بسط عددی طرح سته

اطلاعات | بسط عددی بینات اربعه

محاسبه | اطلاعات محاسبه

متن: محمدعلی ۷

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14
ورودی ها														
متن	م	ح	م	د	ع	ل	ی							
سطور مراحل														
سطر روند ۱	ی	م	ا	ی	م	ا	ل	ی	ن	ا	م	ا	ل	ف
سطور پاسخ														
عدد ملفوظ	ب	ل	ق	ب	ی	ر								
جمع کل	د	م	ش											
عدد جمع کل		344												

تصویر ۳-۱۰۲

بسط عددی طرح تسعه

عبارات ورودی را به مقدار متناظر عددی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل کرده و عدد حاصل را بر اعداد بازه ۹-۱ تقسیم می‌کند؛ یعنی به ترتیب اول بر عدد ۱، سپس ۲ و الی‌آخر. سپس خارج‌قسمت تقسیم را به حروف متناظر آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌کند. به‌عنوان مثال بسط عددی طرح سته برای کلمه «محمد» که در تصویر ۳-۱۰۳ نشان داده شده است به این

ترتیب خواهد بود: محمد = ۹۲، (ب ص) ۹۲ =۹۲/۱، (و م) ۴۶ =۹۲/۲، (ل) ۳۰ =۹۲/۳ و الی‌آخر تا تقسیم بر عدد ۹.



تصویر ۳-۱۰۳

بسط عددی طرح خاص

عبارات ورودی را به مقدار متناظر عددی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل کرده و عدد حاصل را بر اعداد بازه ۱ تا عددی که برای طرح انتخاب شود (عدد طرح-۱) تقسیم می‌کند؛ یعنی به‌عنوان مثال می‌توان عدد ۵ را برای طرح انتخاب کرد و به این ترتیب مقدار عددی اول بر عدد ۱، سپس ۲، ۳، ۴ و ۵ تقسیم می‌شود. خارج‌قسمت هر تقسیم به حروف متناظر آن در توالی ابجد کبیر تبدیل شده و پاسخ سطر ۱ تشکیل می‌شود. برای پاسخ سطر ۲، باقیمانده هر تقسیم به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. چنانچه باقیمانده تقسیم صفر باشد، به‌جای آن مقسوم‌علیه به حروف متناظر تبدیل می‌شود. به‌عنوان مثال بسط عددی طرح سته برای کلمه «علی» که در تصویر ۳-۱۰۴ نشان داده شده است به این ترتیب خواهد بود: علی = ۱۱۰، (ی ق) ۱۱۰ =۱۱۰/۱، (ه ن) ۵۵ =۱۱۰/۲، (و ل) ۳۶ =۱۱۰/۳، (ز ک) ۲۷ =۱۱۰/۴، (ب ک) ۲۲ =۱۱۰/۵.

برای پاسخ سطر ۲: باقیمانده ۰=۱۱۰/۱، باقیمانده ۰=۱۱۰/۲، باقیمانده ۲ =۱۱۰/۳، باقیمانده ۲=۱۱۰/۴، باقیمانده ۰=۱۱۰/۵. باقیمانده تقسیم بر اعداد ۱، ۲ و ۵ صفر است و به همین دلیل خود این اعداد (مقسوم‌علیه) به حروف تبدیل می‌شوند.



تصویر ۳-۱۰۴

بسط عددی طرح سته

عبارات ورودی را به مقدار متناظر عددی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل کرده و عدد حاصل را به ترتیب بر اعداد ۴، ۷، ۹، ۱۲، ۲۸، ۳۰ تقسیم می‌کند؛ سپس خارج‌قسمت هر تقسیم به حروف متناظر آن در توالی ابجد کبیر تبدیل شده و پاسخ سطر ۱ تشکیل می‌شود. برای پاسخ سطر ۲، باقیمانده هر تقسیم به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. چنانچه باقیمانده تقسیم صفر باشد، به‌جای آن مقسوم‌علیه به حروف متناظر تبدیل می‌شود. به‌عنوان مثال بسط عددی طرح سته برای کلمه «محمد» که در تصویر ۳- ۱۰۵ نشان داده شده است به این ترتیب خواهد بود: محمد = ۹۲، ۹۲/۴= ۲۳ (ج ک)، ۹۲/۷= ۱۳ (ج ی)، ۹۲/۹=۱۰(ی)، (ز) ۹۲/۱۲=۷، ۹۲/۲۸= ۳ (ج)، ۹۲/۳۰= ۳ (ج). برای پاسخ سطر ۲: باقیمانده ۹۲/۴=۰، باقیمانده ۹۲/۷=۱، باقیمانده ۹۲/۹= ۲، باقیمانده ۹۲/۱۲=۸، باقیمانده ۹۲/ ۲۸= ۸، باقیمانده ۹۲/۳۰= ۲. باقیمانده‌ها به حروف تبدیل می‌شوند. باقیمانده تقسیم بر عدد ۴، صفر است و به همین دلیل مقسوم‌علیه (۴) به حروف تبدیل می‌شود.



تصویر ۳-۱۰۵

بسط عربی

حروف عبارت ورودی یک‌به‌یک انتخاب شده، مطابق جدول زیر به معادل عربی مقدار ابجد کبیرش تبدیل می‌شود و پاسخ سطر ۲ را تشکیل می‌دهد.

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
مقدار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
معادل	احد	اثنین	ثلاثه	اربعه	خمسه	سته	سبعه	ثمانیه	تسعه	عشره	عشرین	ثلاثین	اربعین	خمسین
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
مقدار	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰
معادل عربی	ستین	سبعین	ثمانین	تسعین	مایه	مایتین	ثلاثمایه	اربعمایه	خمسمایه	ستمایه	سبعمایه	ثمانمایه	تسعمایه	الف

هر یک از معادل‌های عربی موجود در پاسخ سطر ۲ به مقدار متناظر عددی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل شده و پاسخ سطر ۳ را تشکیل می‌دهد. سپس این مقادیر به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند و پاسخ سطر ۴ را تشکیل می‌دهند. برای مثال بسط عربی کلمه «علی» که در تصویر ۳-۱۰۶ نیز نشان داده شده است به این ترتیب خواهد بود:

پاسخ سطر ۱: همان عبارت ورودی

پاسخ سطر ۲: ع (۷۰) = سبعین، ل (۳۰) = ثلاثین، ی (۱۰) = عشره؛ (سبعین/ ثلاثین/عشره)

پاسخ سطر ۳: سبعین= ۱۹۲، ثلاثین= ۱۰۹۱، عشره= ۵۷۵

پاسخ سطر ۴: ۵۷۵=«ه ع ث»، ۱۰۹۱= «ا ص غ»، ۱۹۲= «ب ص ق»

تصویر ۳–۱۰۶

بسط عزیزی

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ب	ا	د	ج	و	ه	ح	ز	ی	ط	ل	ک	ن	م
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	ع	س	ص	ف	ر	ق	ت	ش	خ	ث	ض	ذ	غ	ظ

جدول ۳–۳۱

بسط عناصر

حروف عبارت ورودی را بر مبنای طبع آن‌ها (آتشی، بادی، آبی، خاکی) تفکیک کرده و سپس از سطوری که حاوی حروف هستند، مداخل ثلاثه می‌گیرد. در تصویر ۳-۱۰۷ بسط عبارت «محمد امیر» مثال زده شده است. حروف این عبارت در دو دسته آتشی (پاسخ سطر ۱) و خاکی (پاسخ سطر ۴) جای می‌گیرند. سطور ۵ و ۸ نیز مداخل ثلاثه این دو سطر هستند.

تصویر ۳-۱۰۷

بسط فارسی

عبارت ورودی به مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر تبدیل شده و سپس این مقدار بدون نوشتن حرف «و» وسط، به حروف نوشته می‌شود. به‌عنوان مثال عبارت ورودی محمد امیر=۳۴۳ به حروف می‌شود سیصد و چهل (جهل) و سه که حروف «و» حذف می‌شوند و می‌شود سیصد چهل (جهل) سه (تصویر ۳-۱۰۸).

تصویر ۳-۱۰۸

بسط فارسی کامل

عبارت ورودی به مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر تبدیل شده و سپس این مقدار به حروف نوشته می‌شود. در این بسط حروف «و» میان کلمات نیز لحاظ می‌شوند. به‌عنوان مثال عبارت ورودی محمد امیر=۳۴۳ به حروف می‌شود سیصد و چهل (جهل) و سه (تصویر ۳-۱۰۹).

تصویر ۳-۱۰۹

بسط کسور

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	با	ج	دبا	ه	وج	ز	حبا	ط	یه	کیه	ل	مکیه	ن
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	سل	ع	فمکیه	ص	قن	رقن	شن	ترقن	ث	خش	ذ	ضرقن	ظ	غش

جدول ۳-۳۲

کسورات عشره

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ـ	با	جا	دبا	ها	وجا	زا	حدبا	طجا	یجبا	کیهدب	لیوهج	مکیحهد	نیه
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	سلکیو	عیز	فمکیح	صلیط	قنکی	رقنمک	شقسنل	ترقفنم	ثقن	خشرقس	ذقغ	ضترقف	ظشقص	غشرق

جدول ۳–۳۳

بسط کسورات عطاری

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ابغ	باجغ	جدابغ	دجهاب	هدواب	وهزابج	زحوابغ	حطزابدجه	طیحابجدغ	یکطابهدو	کلیبادجهوط	لمکجبدهوزیط	ملکجبدهوزیط	نمسهدویطکل
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	سعنوهزیطکولم	عسفزوحیطکدجهلم	فصعحزطیکوهلمند	صفقطزیکهدوحل	قصریطکلهدونمس	رقشکزیلهدزمنسص	شترلکمنسصفهدوق	تشملنسفعصقر	ثتخنمصقسرش	خثذینعفهدوق	ذخصعیفقصزملنهدوشرت	ضظذفعصقرسمنشتث	ظضغصفقرنمسحشکیلهدو	غظاقسرضنمستثخ

جدول ۳–۳۴

بسط کسورات میرجهانی

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ا	با	جا	دبا	ها	وجا	زا	حدبا	طجا	یجبا	کیهدبا	لهیبوهج	مکیحهد	نهکیه
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	سلکهیبیبو	عهلدیبز	فمکوبیح	صهملحیهیط	قنهکی	رقنمهکک	شنقفهعسنل	ترزقفنم	ثرمکقن	خشرنقکقس	ذنشهعقمقع	ضترسققف	ظتشهکرفقنقص	غشررهکقق

جدول ۳-۳۵

بسط کلمه

کلمات عبارت ورودی تفکیک می‌شوند، مقدار عددی هر کلمه در توالی ابجد کبیر محاسبه شده و به حروف متناظرش تبدیل می‌شود. برای مثال بسط عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود: محمد = ۹۲ و ۹۲ به ابجد کبیر «ب ص»، امیر= ۲۵۱ و ۲۵۱ به ابجد کبیر «ا ن ر».

بسط لفظی ثلاثه

حروف عبارت ورودی یک‌به‌یک انتخاب می‌شوند و پاسخ سطر ۱ به این ترتیب ساخته می‌شود که ابتدا خود حرف، سپس لفظ آن و بعد تبدیل حروف لفظ به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر. حروف حاصل دوباره لفظ شده و به حروف متناظر تبدیل می‌شود و برای بار سوم این حروف لفظ می‌شوند. برای مثال بسط لفظی ثلاثه برای حرف «ع» به این ترتیب خواهد بود:

- ابتدا خود حرف (ع)
- سپس لفظ آن (ع ی ن)
- تبدیل حروف لفظ به حروف در توالی ابجد (ع ی ن =۱۳۰ و عدد ۱۳۰ به ابجد کبیر «ل ق»)
- لفظ حروف حاصل (ل ا م/ ق ا ف)

- تبدیل حروف لفظ به حروف در توالی ابجد (ل ا م ق ا ف= ۲۵۲ و عدد ۲۵۲ به ابجد کبیر «ب ن ر»)
- لفظ حروف حاصل (ب ا/ ن و ن/ را)

16	15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
															ع
ب	ر	ن	ب	ف	ا	ق	م	ا	ل	ق	ل	ن	ی	ع	ع
										ا	ر	ن	و	ن	ا

بسط لقط سته

در این بسط، از لقط[۲۷] استفاده می‌شود. برای پاسخ سطر ۱، به ترتیب لقط ۴، ۷، ۹، ۱۲، ۲۸ و ۳۰ به‌صورت یک دور انجام می‌شود؛ یعنی با رسیدن به پایان عبارت، شمارش از ابتدای عبارت آغاز نمی‌شود. به‌عنوان مثال لقط ۴ به‌صورت یک دور برای کلمه ۴ حرفی «محمد» می‌شود حرف «د». برای پاسخ سطر ۲، حروف عبارت ورودی به ترتیب بر مبنای لقط کامل ۴، ۷، ۹، ۱۲، ۲۸ و ۳۰ اضافه می‌شوند. در لقط کامل، با رسیدن به پایان عبارت، شمارش از ابتدای عبارت آغاز می‌شود. برای مثال لقط ۴ کامل برای کلمه ۴ حرفی «محمد» می‌شود «د م ح م».

بسط مدار ایقع

حروف عبارت ورودی یک‌به‌یک انتخاب شده و مطابق جدول ذیل به حروف دیگر تبدیل می‌شود. توجه داشته باشید که هر حرف سطر به سطر به هر یک از حروف معادلش تبدیل می‌شود، یعنی به‌عنوان مثال، حرف «م» در سطر اول به «م»، در سطر دوم به «ت» و در سطر سوم به «د» تبدیل می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۱۰ نشان داده شده است هر یک از حروف کلمه «محمد» سطر به سطر به حروف معادل تبدیل شده است.

---

[۲۷]. در فصل ۲ با ابزار لقط آشنا شده‌اید.

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ایقغ	بکر	جلش	دمت	هنث	وسخ	زعذ	حفض	طصظ	یقفا	کرب	لشج	متد	نثه
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	سخو	عذز	فضح	صظط	قفای	ربک	شجل	تدم	ثهن	خوس	ذزع	ضحف	ظطص	غایق

جدول ۳–۳۶



تصویر ۳–۱۱۰

بسط مسلم

در این بسط، مقدار عددی متناظر هر حرف در توالی ابجد کبیر و ابجد وضعی درهم ضرب شده و عدد حاصل به معادل حرفی آن در ابجد کبیر تبدیل می‌شود. برای مثال حرف «غ» به این صورت محاسبه می‌شود که مقدار عددی آن در ابجد کبیر (۱۰۰۰) ضرب در مقدار عددی آن در ابجد وضعی (۲۸) شده و عدد حاصل ۲۸۰۰۰ به حروف تبدیل می‌شود (ابزار تبدیل عدد به ابجد کبیر در بخش قبل معرفی شده است). معادل عدد ۸ حرف «ح»، عدد ۲۰ حرف «ک» و برای مرتبه ۱۰۰۰ حرف «غ» و به‌این‌ترتیب حرف «غ» مطابق بسط مسلم تبدیل می‌شود به «ح ک غ».

بسط مشارکت تربیع کبیر

حروف عبارت ورودی را یک‌بار از وسط نصف می‌کند و دوباره هر بخش را به دو قسمت تقسیم می‌کند (در واقع ۴ بخش خواهیم داشت). سپس حروف را دوبه‌دو انتخاب می‌کند به این ترتیب که یک حرف از اولین قسمت و حرف بعدی را از قسمت دوم انتخاب می‌کند؛ پس از انتخاب حروف نیمه اول (بخش ۱ و ۲)، حروف نیمه دوم (بخش ۳ و ۴) را نیز به همین ترتیب انتخاب می‌کند. حرف اول از قسمت اول، حرف دوم از قسمت دوم، حرف سوم از قسمت اول، حرف چهارم از قسمت دوم و الی‌آخر. توجه داشته باشید چنانچه طول عبارت ورودی فرد باشد و طول بخش دوم کوتاه‌تر باشد، حرف آخر بینات می‌شود تا به طول مساوی برسد. سپس مقدار عددی این حروف را در توالی ابجد کبیر به معادل حروفی آن تبدیل کرده و پاسخ سطر ۱ را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ سطر ۲، مقدار عددی حروف انتخاب شده طرح ۲۸ شده و به حروف معادل در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. برای مثال، برای بسط عبارت «محمد امیر»، حروف به ابتدا به دو بخش تقسیم می‌شوند (م ح م د// ا م ی ر) و سپس هر بخش، دوباره تقسیم می‌شود (م ح/ م د// ا م/ ی ر). حروف دوبه‌دو در هر نیمه انتخاب می‌شوند، «م م ح د ای م ر». پاسخ سطر ۱: م م =۸۰ و عدد ۸۰ به ابجد کبیر «ف»، ح د= ۱۲ و عدد ۱۲ به ابجد کبیر «بی»، ا ی =۱۱ و عدد ۱۱ به ابجد کبیر «ا ی»، م ر =۲۴۰ و عدد ۲۴۰ به ابجد کبیر «م ر». پاسخ سطر ۲: ۸۰/۲۸=۲۴ و عدد ۲۴ به ابجد وضعی «خ»،۱۲ به ابجد وضعی «ل»،۱۱ به ابجد وضعی «ک»،۲۴۰/۲۸=۱۶ و عدد ۱۶ به ابجد وضعی «ع» (تصویر ۳-۱۱۱).

تصویر ۳-۱۱۱

بسط مشارکت تربیع وضعی

حروف عبارت ورودی را یک‌بار از وسط نصف می‌کند و دوباره هر بخش را به دو قسمت تقسیم می‌کند (در واقع ۴ بخش خواهیم داشت). سپس حروف را دوبه‌دو انتخاب می‌کند به این ترتیب که یک حرف از اولین قسمت و حرف بعدی را از قسمت دوم انتخاب می‌کند؛ پس از انتخاب حروف نیمه اول (بخش ۱ و ۲)، حروف نیمه دوم (بخش ۳ و ۴) را نیز به همین ترتیب انتخاب می‌کند. حرف اول از قسمت اول، حرف دوم از قسمت دوم، حرف سوم از قسمت اول، حرف چهارم از قسمت دوم و الی‌آخر. توجه داشته باشید چنانچه طول عبارت ورودی فرد باشد و طول بخش دوم کوتاه‌تر باشد، حرف آخر بینات می‌شود تا به طول مساوی برسد. سپس مقدار عددی این حروف را در توالی ابجد وضعی به معادل حروفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌کند و پاسخ سطر ۱ تشکیل می‌شود. برای پاسخ سطر ۲، مقدار عددی حروف انتخاب شده طرح ۲۸ شده و به حروف معادل در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. برای مثال، برای بسط عبارت «محمد امیر»، حروف به ابتدا به دو بخش تقسیم می‌شوند (م ح م د// ا م ی ر) و سپس هر بخش، دوباره تقسیم می‌شود (م ح/ م د// ا م/ ی ر). حروف دوبه‌دو در هر نیمه انتخاب می‌شوند، «م م ح د ای م ر». پاسخ سطر ۱: م م =۲۶ و عدد ۲۶ به ابجد کبیر «و ک»، ح د= ۱۲ و عدد ۱۲ به ابجد کبیر «ب ی»، ا ی =۱۱ و عدد ۱۱ به ابجد کبیر «ا ی»، م ر =۳۳ و عدد ۳۳ به ابجد کبیر «ج ل». پاسخ سطر ۲: ۲۶ به ابجد وضعی «ض»، ۱۲ به ابجد وضعی «ل»، ۱۱ به ابجد وضعی «ک»، ۵=۳۳/۲۸ و عدد ۵ به ابجد وضعی «ه»(تصویر ۳-۱۱۲).

تصویر ۳-۱۱۲

بسط مشارکت تنصیف کبیر

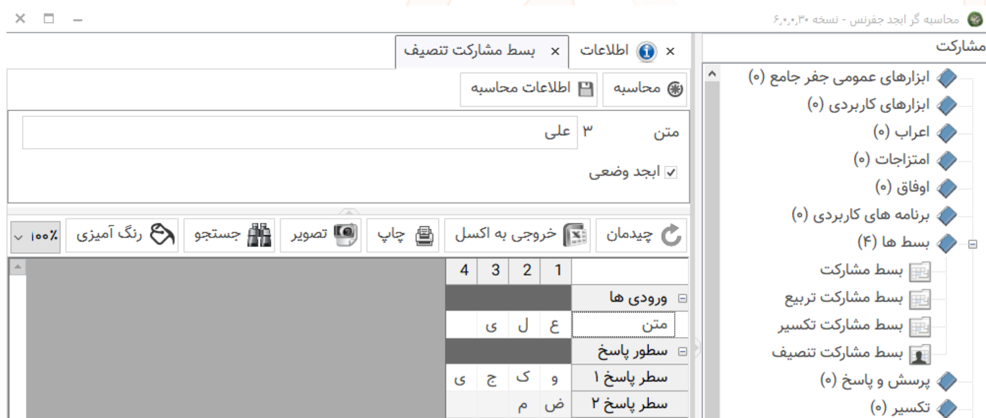
حروف عبارت ورودی را از وسط نصف می‌کند، سپس حروف را دوبه‌دو انتخاب می‌کند به این ترتیب که یک حرف از اولین قسمت و حرف بعدی را از قسمت دوم انتخاب می‌کند؛ حرف اول از قسمت اول، حرف دوم از قسمت دوم، حرف سوم از قسمت اول، حرف چهارم از قسمت دوم و الی‌آخر. توجه داشته باشید چنانچه طول عبارت ورودی فرد باشد و طول بخش دوم کوتاه‌تر باشد، حرف آخر بینات می‌شود تا به طول مساوی برسد. سپس مقدار عددی این حروف را در توالی ابجد کبیر به معادل حروفی آن تبدیل کرده و پاسخ سطر ۱ را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ سطر ۲، مقدار عددی حروف انتخاب شده طرح ۲۸ شده و به حروف معادل در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. برای مثال، برای بسط کلمه «علی»، حروف به دو بخش تقسیم می‌شوند و برای اینکه دو بخش طول مساوی داشته باشند، حرف «ی» بینات می‌شود و تبدیل می‌شود به «ع ل ی ا»، حروف دوبه‌دو از دو بخش انتخاب می‌شوند، «ع ی/ ل ا». پاسخ سطر ۱: ع ی =۸۰ و عدد ۸۰ به ابجد کبیر «ف»، ل ا= ۳۱ و عدد ۳۱ به ابجد کبیر «ا ل». پاسخ سطر ۲:۲۴=۸۰/۲۸ و عدد ۲۴ به ابجد وضعی «خ»، ۳=۳۱/۲۸ و عدد ۳ به ابجد وضعی «ج»(تصویر ۳-۱۱۳).

تصویر ۳-۱۱۳

بسط مشارکت تنصیف وضعی

حروف عبارت ورودی را از وسط نصف می‌کند، سپس حروف را دوبه‌دو انتخاب می‌کند به این ترتیب که یک حرف از اولین قسمت و حرف بعدی را از قسمت دوم انتخاب می‌کند؛ حرف اول از قسمت اول، حرف دوم از قسمت دوم، حرف سوم از قسمت اول، حرف چهارم از قسمت دوم و

الی‌آخر. توجه داشته باشید چنانچه طول عبارت ورودی فرد باشد و طول بخش دوم کوتاه‌تر باشد، حرف آخر بینات می‌شود تا به طول مساوی برسد. سپس مقدار عددی این حروف را در توالی ابجد وضعی به معادل حروفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل کرده و پاسخ سطر ۱ را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ سطر ۲، مقدار عددی حروف انتخاب شده طرح ۲۸ شده و به حروف معادل در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. برای مثال، برای بسط کلمه «علی»، حروف به دو بخش تقسیم می‌شوند و برای اینکه دو بخش طول مساوی داشته باشند، حرف «ی» بینات می‌شود و تبدیل می‌شود به «ع ل ی ا»، حروف دوبه‌دو از دو بخش انتخاب می‌شوند، «ع ی/ ل ا». پاسخ سطر ۱: ع ی =۲۶ و عدد ۲۶ به ابجد کبیر «و ک»، ل ا= ۱۳ و عدد ۱۳ به ابجد کبیر «ج ی». پاسخ سطر ۲:۲۶ به ابجد وضعی «ض»، عدد ۱۳ به ابجد وضعی «م»(تصویر ۳-۱۱۴).



تصویر ۳-۱۱۴

بسط مشارکت تکسیر کبیر

حروف عبارت ورودی را از وسط نصف می‌کند، سپس حروف را دوبه‌دو انتخاب می‌کند به این ترتیب که یک حرف از اولین قسمت و حرف بعدی را از قسمت دوم انتخاب می‌کند با این تفاوت که انتخاب حروف در نیمه اول از ابتدا شروع می‌شود و در نیمه دوم از انتها یعنی یک حرف از اول و یک حرف از آخر؛ اولین حرف قسمت اول، آخرین حرف قسمت دوم، حرف دوم قسمت اول، حرف یکی مانده به آخر قسمت دوم و الی‌آخر. توجه داشته باشید چنانچه طول عبارت ورودی فرد باشد و طول بخش دوم کوتاه‌تر باشد، حرف آخر بینات می‌شود تا به طول مساوی برسد. سپس مقدار عددی این حروف را در توالی ابجد کبیر به معادل حروفی آن تبدیل کرده و

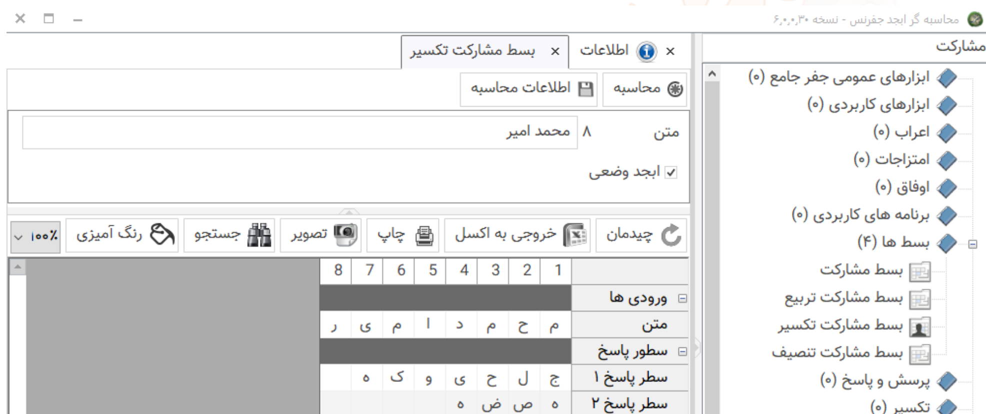
پاسخ سطر ۱ را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ سطر ۲، مقدار عددی حروف انتخاب شده طرح ۲۸ شده و به حروف معادل در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. برای مثال، برای بسط عبارت «محمد امیر»، حروف به ابتدا به دو بخش تقسیم می‌شوند (م ح م د// ا م ی ر)، حروف دوبه‌دو انتخاب می‌شوند، «مر حی مم دا». پاسخ سطر ۱: م ر =۲۴۰ و عدد ۲۴۰ به ابجد کبیر «م ر»، ح ی= ۱۸ و عدد ۱۸ به ابجد کبیر «ح ی»، م م =۴۰ و عدد ۸۰ به ابجد کبیر «ف»، د ا =۵ و عدد ۵ به ابجد کبیر «ه». پاسخ سطر ۲:۲۴۰/۲۸=۲:۱۶ و عدد ۱۶ به ابجد وضعی «ع»،۱۸ به ابجد وضعی «ص»، ۸۰/۲۸=۲۴ و عدد ۲۴ به ابجد وضعی «خ»، ۵ به ابجد وضعی «ه» (تصویر ۳-۱۱۵).

تصویر ۳-۱۱۵

بسط مشارکت تکسیر وضعی

حروف عبارت ورودی را از وسط نصف می‌کند، سپس حروف را دوبه‌دو انتخاب می‌کند به این ترتیب که یک حرف از اولین قسمت و حرف بعدی را از قسمت دوم انتخاب می‌کند با این تفاوت که انتخاب حروف در نیمه اول از ابتدا شروع می‌شود و در نیمه دوم از انتها یعنی یک حرف از اول و یک حرف از آخر؛ اولین حرف قسمت اول، آخرین حرف قسمت دوم، حرف دوم قسمت اول، حرف یکی مانده به آخر قسمت دوم و الی‌آخر. توجه داشته باشید چنانچه طول عبارت ورودی فرد باشد و طول بخش دوم کوتاه‌تر باشد، حرف آخر بینات می‌شود تا به طول مساوی برسد. سپس مقدار عددی این حروف را در توالی ابجد وضعی به معادل حروفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل کرده و پاسخ سطر ۱ را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ سطر ۲، مقدار عددی حروف انتخاب شده طرح ۲۸ شده و به حروف معادل در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. برای مثال،

برای بسط عبارت «محمد امیر»، حروف به ابتدا به دو بخش تقسیم می‌شوند (م ح م د// ا م ی ر)، حروف دوبه‌دو انتخاب می‌شوند، «م ر ح ی م م د ا». پاسخ سطر ۱: م ر =۳۳ و عدد ۳۳ به ابجد کبیر «ج ل»، ح ی= ۱۸ و عدد ۱۸ به ابجد کبیر «ح ی»، م م =۲۶ و عدد ۲۶ به ابجد کبیر «و ی»، د ا =۵ و عدد ۵ به ابجد کبیر «ه». پاسخ سطر ۲: ۳۳/۲۸=۵ و عدد ۵ به ابجد وضعی «ه»، ۱۸ به ابجد وضعی «ص»، ۲۶ به ابجد وضعی «ض»، ۵ به ابجد وضعی «ه» (تصویر ۳-۱۱۶).



تصویر ۳-۱۱۶

بسط مشارکت کبیر

حروف عبارت ورودی به این ترتیب انتخاب می‌شوند که از ابتدای عبارت ۲ حرف، سپس ۳ حرف، ۴ حرف و الی‌آخر تا انتهای عبارت. به‌عنوان مثال نحوه انتخاب حروف برای کلمه «محمد» به این ترتیب خواهد بود که «م ح/ م ح م/ م ح م د». سپس مقدار عددی این حروف را در توالی ابجد کبیر به معادل حروفی آن تبدیل می‌کند؛ به این صورت که به‌عنوان مثال م ح=۴۸ و عدد ۴۸ به ابجد کبیر «ح م»، م ح م= ۸۸ و عدد ۸۸ به ابجد کبیر «ح ف»، م ح م د= ۹۲ و عدد ۹۲ به ابجد کبیر «ب ص» و پاسخ سطر ۱ تشکیل می‌شود. برای پاسخ سطر ۲، مقدار عددی حروف انتخاب شده طرح ۲۸ شده و به حروف معادل در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. م ح= ۴۸، ۴۸/۲۸=۲۰ و عدد ۲۰ در توالی ابجد وضعی «ر»، م ح م= ۸۸، ۸۸/۲۸=۴ و عدد ۴ به ابجد وضعی «د»، م ح م د= ۹۲/۲۸=۹۲،۸ و عدد ۸ به ابجد وضعی «ح» (تصویر ۳-۱۱۷).



تصویر ۳-۱۱۷

بسط مشارکت وضعی

حروف عبارت ورودی به این ترتیب انتخاب می‌شوند که از ابتدای عبارت ۲ حرف، سپس ۳ حرف، ۴ حرف و الی‌آخر تا انتهای عبارت. به‌عنوان مثال نحوه انتخاب حروف برای کلمه «محمد» به این ترتیب خواهد بود که «م ح/ م ح م/ م ح م د». سپس مقدار عددی این حروف را در توالی ابجد وضعی به معادل حروفی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌کند و پاسخ سطر ۱ تشکیل می‌شود؛ به این صورت که به‌عنوان مثال م ح=۲۱ و عدد ۲۱ به ابجد کبیر «ا ک»، م ح م= ۳۴ و عدد ۳۴ به ابجد کبیر «د ل»، م ح م د= ۳۸ و عدد ۳۸ به ابجد کبیر «ح ل». برای پاسخ سطر ۲، مقدار عددی حروف انتخاب شده به حروف معادل در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (در صورت نیاز طرح ۲۸ می‌شود). م ح= ۲۱ و عدد ۲۱ به ابجد وضعی «ش»، ۶=۳۴/۲۸ و عدد ۶ به ابجد وضعی «و»، م ح م= ۳۸ و عدد ۳۸ به ابجد وضعی «ی» (تصویر ۳-۱۱۸).



تصویر ۳-۱۱۸

بسط مضاعف

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ب	د	و	ح	ی	ی ب	ی د	ی و	ی ح	ک	م	س	ف	ق
حرف	**س**	**ع**	**ف**	**ص**	**ق**	**ر**	**ش**	**ت**	**ث**	**خ**	**ذ**	**ض**	**ظ**	**غ**
پاسخ	ق ک	ق م	ق س	ق ص	ر	ت	خ	ض	غ	غ ر	غ ت	غ خ	غ ض	ب غ

جدول ۳–۳۷

بسط مطلوبی

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	اب	بد	جو	دح	هی	ویب	زید	حیو	طیح	یک	کم	لس	مف	نق
حرف	**س**	**ع**	**ف**	**ص**	**ق**	**ر**	**ش**	**ت**	**ث**	**خ**	**ذ**	**ض**	**ظ**	**غ**
پاسخ	سقک	عقم	فقس	صقص	قر	رت	شخ	تض	ثغ	خغر	ذغت	ضغخ	ظغض	غبغ

جدول ۳–۳۸

بسط موازی تجمع

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). یک حرف از ورودی اول و یک حرف از ورودی دوم انتخاب می‌شود، مقدار عددی حروف در توالی ابجد کبیر یا ابجد وضعی (چنانچه گزینه وضعی انتخاب شده باشد) باهم جمع می‌شود. حاصل جمع به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود (پاسخ سطر ۱)، طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (پاسخ سطر ۲). به‌عنوان مثال دو کلمه «علی» و «رضا» را برای ورودی در نظر می‌گیریم. حرف اول از ورودی اول ع=۷۰ و حرف اول از ورودی دوم ر=۲۰۰، ۲۷۰=۲۰۰+۷۰ و ۲۷۰ به ابجد کبیر «ع ر». حرف دوم از ورودی اول ل=۳۰ و حرف دوم از ورودی دوم ض=۸۰۰،

۸۳۰ =۳۰+۸۰۰ و ۸۳۰ به ابجد کبیر «ل ض». حرف سوم از ورودی اول ی=۱۰ و حرف سوم از ورودی دوم ا=۱، ۱۱=۱۰+۱ و ۱۱ به ابجد کبیر «ا ی». برای پاسخ سطر ۲، ۱۸=۲۷۰/۲۸ و ۱۸ به ابجد وضعی «ص»، ۱۸=۸۳۰/۲۸ و ۱۸ به ابجد وضعی «ص»،۱۱ به ابجد وضعی «ک» (تصویر ۳-۱۱۹).



	1	2	3	4	5	6
ورودی ها						
متن ۱	ع	ل	ی			
متن ۲	ر	ض	ا			
سطور پاسخ						
سطر پاسخ ۱	ع	ر	ل	ض	ا	ی
سطر پاسخ ۲	ص	ص	ک			

تصویر ۳-۱۱۹

بسط موازی تضریب

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). یک حرف از ورودی اول و یک حرف از ورودی دوم انتخاب می‌شود، مقدار عددی حروف در توالی ابجد کبیر یا ابجد وضعی (چنانچه گزینه وضعی انتخاب شده باشد) در هم ضرب می‌شود. حاصل‌ضرب به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود (پاسخ سطر ۱)، طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (پاسخ سطر ۲). به‌عنوان مثال دو کلمه «علی» و «رضا» را برای ورودی در نظر می‌گیریم. حرف اول از ورودی اول ع=۷۰ و حرف اول از ورودی دوم ر=۲۰۰، ۱۴۰۰۰=۲۰۰*۷۰ و ۱۴۰۰۰ به ابجد کبیر «د ی غ». حرف دوم از ورودی اول ل=۳۰ و حرف دوم از ورودی دوم ض=۸۰۰، ۲۴۰۰۰ =۸۰۰*۳۰ و ۲۴۰۰۰ به ابجد کبیر «د ک غ». حرف سوم از ورودی اول ی=۱۰ و حرف سوم از ورودی دوم ا=۱، ۱۰=۱۰*۱ و ۱۰ به ابجد کبیر «ی». برای پاسخ سطر ۲، ۲۸=۱۴۰۰۰/۲۸ و ۲۸ به ابجد وضعی «غ»، ۴=۲۴۰۰۰/۲۸ و ۴ به ابجد وضعی «د»،۱۰ به ابجد وضعی «ی» (تصویر ۳-۱۲۰).

تصویر ۳–۱۲۰

بسط موازی جفر جامع کبیر ثابت

این بسط دارای دو ورودی است، متن و ۴ حرفی. ابتدا از ۴ حرفی، صفحه جفر جامع گرفته می‌شود، سپس اولین حرف از عبارت ورودی (متن) در نظر گرفته شده، به مقدار متناظر عددی‌اش در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود و این مقدار عددی، مبنای حرکت در صفحه جفر جامع قرار می‌گیرد به این ترتیب که پس از یافتن ۴ حرفی در صفحه جفر جامع، با شروع از ابتدای ۴ حرفی، شمارش به مقدار عددی حاصل انجام شده و یک حرف انتخاب می‌شود. این عملیات برای حروف بعدی متن نیز به همین ترتیب انجام می‌شود. برای روشن شدن شیوه انجام کار مثالی می‌زنیم. به‌عنوان مثال، متن «بسم‌الله الرحمن الرحیم» و ۴ حرفی «محبت» را برای این بسط فرض کنید. از ۴ حرفی «محبت» صفحه جفر جامع گرفته می‌شود (تصویر ۳–۱۲۱). سپس اولین حرف از متن انتخاب می‌شود و به مقدار متناظرش در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود؛ ب= ۲، به مقدار ۲ از ابتدای ۴ حرفی در صفحه جفر جامع (با رنگ بنفش مشخص شده) به جلو حرکت می‌کنیم، یعنی دومین حرف را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «ح». حرف دوم از متن س= ۶۰، به مقدار ۶۰ از ابتدای ۴ حرفی در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، یعنی شصتمین حرف را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «ح»، حرف سوم از متن م= ۴۰، به مقدار ۴۰ از ابتدای ۴ حرفی در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، یعنی چهلمین حرف را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «ج» و به همین ترتیب برای کلیه حروف متن (تصویر ۳–۱۲۲).

تصویر ۳–۱۲۱

تصویر ۳–۱۲۲

بسط موازی جفر جامع کبیر متغییر

این بسط دارای یک ورودی (متن) است که طول آن بایستی مضربی از عدد ۴ باشد. چنانچه طول عبارت ورودی مضرب ۴ نباشد برای رساندن آن به طول موردنظر بینات گرفته می‌شود.

متن ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و از اولین ۴ حرفی، صفحه جفر جامع استخراج می‌شود. اولین حرف از ۴ حرفی اول در نظر گرفته شده، حاصل جمع جایگاه عددی[۲۸] آن حرف و مقدار عددی متناظرش در توالی ابجد کبیر مبنای حرکت در صفحه جفر جامع قرار می‌گیرد به این ترتیب که پس از یافتن ۴ حرفی در صفحه جفر جامع، با شروع از ابتدای ۴ حرفی، شمارش به مقدار عددی حاصل (جایگاه عددی حرف + مقدار عددی در توالی ابجد کبیر) انجام شده و یک حرف انتخاب می‌شود. این عملیات برای حروف بعدی نیز به همین ترتیب انجام می‌شود. پس از اتمام ۴ حرفی اول، از ۴ حرف بعدی صفحه جفر جامع گرفته می‌شود و عملیات فوق تکرار می‌شود، یعنی با رسیدن به هر ۴ حرفی مجدد صفحه جفر جامع استخراج می‌شود. برای مثال، عبارت «بسم‌الله الرحمن الرحیم» را به‌عنوان ورودی در نظر می‌گیریم. ۱۹ حرف است و برای رساندن آن به مضرب ۴ (۲۰ حرف) بینات گرفته شده و تبدیل می‌شود به «بسم‌الله الرحمن الرحیمی». از ۴ حرف اول «بسما» صفحه جفر جامع استخراج می‌شود (تصویر ۳-۱۲۳). سپس اولین حرف از اولین ۴ حرفی متن انتخاب می‌شود یعنی «ب»، جایگاه عددی این حرف ۰ (صفر) و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر ۲ است (۲=۰+۲)؛ بنابراین به مقدار ۲ از ابتدای ۴ حرفی در صفحه جفر جامع (با رنگ بنفش مشخص شده) به جلو حرکت می‌کنیم، یعنی دومین حرف را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «س». دومین حرف از ورودی «س»، جایگاه عددی آن= ۱ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر= ۶۰، به مقدار ۶۱(۶۰+۱) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، یعنی حرف شصت و یکم را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «ب». حرف سوم ورودی «م»، جایگاه عددی = ۲ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر= ۴۰، به مقدار ۴۲(۲+۴۰) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، یعنی حرف چهل و دوم را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «س». حرف چهارم ورودی «ا»، جایگاه عددی = ۳ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر= ۱، به مقدار ۴ (۱+۳) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، یعنی حرف چهارم را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «ا». در اینجا ۴ حرفی اول به اتمام می‌رسد و از ۴ حرفی دوم صفحه جفر جامع استخراج شده و عملیات تکرار می‌شود (تصویر ۳-۱۲۴).

[۲۸]. توجه داشته باشید جایگاه عددی اولین حرف از ۴ حرفی در صفحه جفر جامع ۰ (صفر) می‌باشد؛ بنابراین جایگاه عددی حرف دوم ۱، حرف سوم ۲ و الی‌آخر.

تصویر ۳-۱۲۳

تصویر ۳-۱۲۴

بسط موازی جفر جامع کبیر متغییر متقارن

این بسط دارای یک ورودی (متن) است که طول آن بایستی مضربی از عدد ۴ باشد. چنانچه طول عبارت ورودی مضرب ۴ نباشد برای رساندن آن به طول موردنظر بینات گرفته می‌شود. متن ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و از اولین ۴ حرفی، صفحه جفر جامع استخراج می‌شود. اولین حرف از ۴ حرفی اول در نظر گرفته شده، حاصل جمع جایگاه عددی (جایگاه عددی حروف ۴

حرفی در صفحه جفر جامع از صفر شروع می‌شود) آن حرف و مقدار عددی متناظرش در توالی ابجد کبیر مبنای حرکت در صفحه جفر جامع قرار می‌گیرد به این ترتیب پس از یافتن ۴ حرفی در صفحه جفر جامع، با شروع از ابتدای ۴ حرفی، شمارش به مقدار عددی حاصل (جایگاه عددی حرف + مقدار عددی در توالی ابجد کبیر) انجام شده و ۴ حرفی را که حرف باید از آن انتخاب شود مشخص می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر با استفاده از مقدار حاصل جمع ابتدا ۴ حرفی موردنظر را پیدا شده و سپس حرف با جایگاه عددی موردنظر از آن ۴ حرفی انتخاب می‌شود. این عملیات برای حروف بعدی نیز به همین ترتیب انجام می‌شود. پس از اتمام ۴ حرفی اول، از ۴ حرف بعدی صفحه جفر جامع گرفته می‌شود و عملیات فوق تکرار می‌شود، یعنی با رسیدن به هر ۴ حرفی مجدد صفحه جفر جامع استخراج می‌شود. برای روشن شدن شیوه انجام کار مثالی می‌زنیم. عبارت «بسم‌الله الرحمن الرحیم» را به‌عنوان ورودی در نظر می‌گیریم. ۱۹ حرف است و برای رساندن آن به مضرب ۴ (۲۰ حرف) بینات گرفته شده و تبدیل می‌شود به «بسم‌الله الرحمن الرحیمی». از ۴ حرف اول «بسما» صفحه جفر جامع استخراج می‌شود (تصویر ۳-۱۲۵). می‌خواهیم اولین حرف را انتخاب کنیم، اولین حرف از ورودی (اولین ۴ حرفی) در نظر گرفته می‌شود یعنی «ب»، جایگاه عددی این حرف ۰ (صفر) و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر ۲ است (۲=۲+۰). مقدار ۲ در اولین خانه یعنی در اولین ۴ حرفی (با رنگ بنفش مشخص شده) صفحه جفر جامع قرار دارد، بنابراین برای حرف اول، حرف اول این خانه را انتخاب می‌کنیم که می‌شود «ب»، دومین حرف از ورودی «س»، جایگاه عددی آن= ۱ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر= ۶۰، به مقدار ۶۱ (۶۰+۱) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، به شانزدهمین ۴ حرفی می‌رسیم (۶۱ امین حرف در خانه شانزدهم قرار دارد) و این خانه محل انتخاب حرف قرار می‌گیرد، برای حرف دوم، دومین حرف این خانه را انتخاب می‌کنیم که می‌شود «س»، سومین حرف از ورودی «م»، جایگاه عددی آن= ۲ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر= ۴۰، به مقدار ۴۲ (۴۰+۲) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، به یازدهمین ۴ حرفی می‌رسیم (۴۲ امین حرف در خانه یازدهم قرار دارد) و این خانه محل انتخاب حرف قرار می‌گیرد، برای حرف سوم، سومین حرف این خانه را انتخاب می‌کنیم که می‌شود «م»، چهارمین حرف از ورودی «ا»، جایگاه عددی آن= ۳ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر= ۱، به مقدار ۴ (۳+۱) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، مقدار ۴ در اولین خانه یعنی در اولین ۴ حرفی صفحه جفر جامع قرار دارد، بنابراین برای حرف چهارم، حرف چهارم این خانه را انتخاب می‌کنیم که می‌شود «ا». در اینجا ۴ حرفی

اول به اتمام می‌رسد و از ۴ حرفی دوم صفحه جفر جامع استخراج شده و عملیات تکرار می‌شود (تصویر ۳-۱۲۶).

	1	2	3	4	5	6	7	8	9
سطر پاسخ ۱۱	بسکا	بسکب	بسکج	بسکد	بسکه	بسکو	بسکز	بسکح	بسکط
سطر پاسخ ۱۲	بسلا	بسلب	بسلج	بسلد	بسله	بسلو	بسلز	بسلح	بسلط
سطر پاسخ ۱۳	بسما	بسمب	بسمج	بسمد	بسمه	بسمو	بسمز	بسمح	بسمط
سطر پاسخ ۱۴	بسنا	بسنب	بسنج	بسند	بسنه	بسنو	بسنز	بسنح	بسنط
سطر پاسخ ۱۵	بسسا	بسسب	بسسج	بسسد	بسسه	بسسو	بسسز	بسسح	بسسط
سطر پاسخ ۱۶	بسعا	بسعب	بسعج	بسعد	بسعه	بسعو	بسعز	بسعح	بسعط

تصویر ۳-۱۲۵

تصویر ۳-۱۲۶

بسط موازی جفر جامع وضعی ثابت

این بسط دارای دو ورودی است، متن و ۴ حرفی. ابتدا از ۴ حرفی، صفحه جفر جامع گرفته می‌شود، سپس اولین حرف از عبارت ورودی (متن) انتخاب شده، به مقدار متناظر عددی‌اش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود و این مقدار عددی، مبنای حرکت در صفحه جفر جامع قرار

می‌گیرد به این ترتیب که پس از یافتن ۴ حرفی در صفحه جفر جامع، با شروع از ابتدای آن، شمارش به مقدار عددی حاصل انجام شده و یک حرف انتخاب می‌شود. این عملیات برای حروف بعدی متن نیز به همین ترتیب انجام می‌شود. برای روشن شدن شیوه انجام کار مثالی می‌زنیم. به‌عنوان مثال، متن «بسم‌الله الرحمن الرحیم» و ۴ حرفی «محبت» را برای این بسط فرض کنید. از ۴ حرفی «محبت» صفحه جفر جامع گرفته می‌شود (تصویر ۳-۱۲۷). سپس اولین حرف از متن انتخاب می‌شود و به مقدار متناظرش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود؛ ب= ۲، به مقدار ۲ از ابتدای ۴ حرفی در صفحه جفر جامع (با رنگ بنفش مشخص شده) به جلو حرکت می‌کنیم، یعنی دومین حرف را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «ح». حرف دوم از متن س= ۱۵، به مقدار ۱۵ از ابتدای ۴ حرفی در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، یعنی پانزدهمین حرف را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «ب»، حرف سوم از متن م= ۱۳، به مقدار ۱۳ از ابتدای ۴ حرفی در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، یعنی سیزدهمین حرف را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «م» و به همین ترتیب برای کلیه حروف متن (تصویر ۳-۱۲۸).

	1	2	3	4	5	6	7	8	9
سطر پاسخ ۱۱	بسکا	بسکب	بسکج	بسکد	بسکه	بسکو	بسکز	بسکح	بسکط
سطر پاسخ ۱۲	بسلا	بسلب	بسلج	بسلد	بسله	بسلو	بسلز	بسلح	بسلط
سطر پاسخ ۱۳	بسما	بسمب	بسمج	بسمد	بسمه	بسمو	بسمز	بسمح	بسمط
سطر پاسخ ۱۴	بسنا	بسنب	بسنج	بسند	بسنه	بسنو	بسنز	بسنح	بسنط
سطر پاسخ ۱۵	بسسا	بسسب	بسسج	بسسد	بسسه	بسسو	بسسز	بسسح	بسسط
سطر پاسخ ۱۶	بسعا	بسعب	بسعج	بسعد	بسعه	بسعو	بسعز	بسعح	بسعط
سطر پاسخ ۱۷	بسفا	بسفب	بسفج	بسفد	بسفه	بسفو	بسفز	بسفح	بسفط
سطر پاسخ ۱۸	بسصا	بسصب	بسصج	بسصد	بسصه	بسصو	بسصز	بسصح	بسصط

تصویر ۳-۱۲۷

تصویر ۳–۱۲۸

بسط موازی جفر جامع وضعی متغییر

این بسط دارای یک ورودی (متن) است که طول آن بایستی مضربی از عدد ۴ باشد. چنانچه طول عبارت ورودی مضرب ۴ نباشد برای رساندن آن به طول موردنظر بینات گرفته می‌شود. متن ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و از اولین ۴ حرفی، صفحه جفر جامع استخراج می‌شود. اولین حرف از عبارت ورودی (متن) در نظر گرفته شده، حاصل جمع جایگاه عددی (جایگاه عددی حروف ۴ حرفی در صفحه جفر جامع از صفر شروع می‌شود) آن حرف و مقدار عددی متناظرش در توالی ابجد وضعی مبنای حرکت در صفحه جفر جامع قرار می‌گیرد به این ترتیب که پس از یافتن ۴ حرفی در صفحه جفر جامع، با شروع از ابتدای ۴ حرفی، شمارش به مقدار عددی حاصل (جایگاه عددی حرف + مقدار عددی در توالی ابجد وضعی) انجام شده و یک حرف انتخاب می‌شود. این عملیات برای حروف بعدی نیز به همین ترتیب انجام می‌شود. پس از اتمام ۴ حرفی اول، از ۴ حرف بعدی صفحه جفر جامع گرفته می‌شود و عملیات فوق تکرار می‌شود، یعنی با رسیدن به هر ۴ حرفی مجدد صفحه جفر جامع استخراج می‌شود. برای مثال، عبارت «بسم‌الله الرحمن الرحیم» را به‌عنوان ورودی در نظر می‌گیریم. ۱۹ حرف است و برای رساندن آن به مضرب ۴ (۲۰ حرف) بینات گرفته شده و تبدیل می‌شود به «بسم‌الله الرحمن الرحیمی». از ۴ حرف اول «بسما» صفحه جفر جامع استخراج می‌شود (تصویر ۳-۱۲۹). سپس اولین حرف از متن انتخاب می‌شود یعنی «ب»، جایگاه عددی این حرف ۰ (صفر) و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد وضعی ۲ است (۲=۲+۰)؛ بنابراین به مقدار ۲ از ابتدای ۴ حرفی در صفحه جفر جامع (با رنگ بنفش مشخص

شده) به جلو حرکت می‌کنیم، یعنی دومین حرف را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «س». دومین حرف از ورودی «س»، جایگاه عددی آن= ۱ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد وضعی= ۱۵، به مقدار ۱۶(۱۵+۱) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، یعنی حرف شانزدهم را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «د». حرف سوم ورودی «م»، جایگاه عددی = ۲ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد وضعی= ۱۳، به مقدار ۱۵ (۲+۱۳) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، یعنی حرف پانزدهم را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «م». حرف چهارم ورودی «ا»، جایگاه عددی = ۳ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد وضعی= ۱، به مقدار ۴ (۱+۳) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، یعنی حرف چهارم را انتخاب می‌کنیم که می‌شود حرف «ا». در اینجا ۴ حرفی اول به اتمام می‌رسد و از ۴ حرفی دوم صفحه جفر جامع استخراج شده و عملیات تکرار می‌شود (تصویر ۳-۱۳۰).

محاسبه گر ابجد جفرنس - نسخه ۶٫۰٫۰٫۳۰

پرسش و پاسخ (۱۴)
تکسیر (۲۳)
جزو صفحه سطر خانه (۸)
صفحه جفر جامع (۱۴)
۴ حرفی از عدد جفر جامع
۴ حرفی بر اساس زمان
۴ حرفی زنجانی
آنالیز صفحه
آیه در صفحه جفر جامع
تجزیه و تحلیل صفحه جفر جامع
جهات صفحه جفر جامع
سطور جفرجامع
صفحه جفر جامع
صفحه جفر جامع از نام سائل
مدخل صفحه جفر جامع
مشارکت صفحات جفر جامع
مشخصات صفحه جفر جامع

اطلاعات | بسط موازی جفر جامع | صفحه جفر جامع

محاسبه | اطلاعات محاسبه

صفحه: ۴ بسما
روش: ابجدهوزحطیکلمنسعفصقرشتثخذضظغ
فرهنگ لغات: اسماء الحسنی

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

	1	2	3	4	5	6	7	8	9
سطر پاسخ ۱۱	بسکا	بسکب	بسکج	بسکد	بسکه	بسکو	بسکز	بسکح	بسکط
سطر پاسخ ۱۲	بسلا	بسلب	بسلج	بسلد	بسله	بسلو	بسلز	بسلح	بسلط
سطر پاسخ ۱۳	بسما	بسمب	بسمج	بسمد	بسمه	بسمو	بسمز	بسمح	بسمط
سطر پاسخ ۱۴	بسنا	بسنب	بسنج	بسند	بسنه	بسنو	بسنز	بسنح	بسنط
سطر پاسخ ۱۵	بسسا	بسسب	بسسج	بسسد	بسسه	بسسو	بسسز	بسسح	بسسط
سطر پاسخ ۱۶	بسعا	بسعب	بسعج	بسعد	بسعه	بسعو	بسعز	بسعح	بسعط
سطر پاسخ ۱۷	بسفا	بسفب	بسفج	بسفد	بسفه	بسفو	بسفز	بسفح	بسفط
سطر پاسخ ۱۸	بسصا	بسصب	بسصج	بسصد	بسصه	بسصو	بسصز	بسصح	بسصط

تصویر ۳-۱۲۹

تصویر ۳–۱۳۰

بسط موازی جفر جامع وضعی متغییر متقارن

این بسط دارای یک ورودی (متن) است که طول آن بایستی مضربی از عدد ۴ باشد. چنانچه طول عبارت ورودی مضرب ۴ نباشد برای رساندن آن به طول موردنظر بینات گرفته می‌شود. متن ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و از اولین ۴ حرفی، صفحه جفر جامع استخراج می‌شود. اولین حرف از ۴ حرفی اول در نظر گرفته شده، حاصل جمع جایگاه عددی (جایگاه عددی حروف ۴ حرفی در صفحه جفر جامع از صفر شروع می‌شود) آن حرف و مقدار عددی متناظرش در توالی ابجد وضعی مبنای حرکت در صفحه جفر جامع قرار می‌گیرد به این ترتیب پس از یافتن ۴ حرفی در صفحه جفر جامع، با شروع از ابتدای ۴ حرفی، شمارش به مقدار عددی حاصل (جایگاه عددی حرف + مقدار عددی در توالی ابجد وضعی) انجام شده و ۴ حرفی را که حرف باید از آن انتخاب شود مشخص می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر با استفاده از مقدار حاصل جمع ابتدا ۴ حرفی موردنظر پیدا شده و سپس حرف با جایگاه عددی موردنظر از آن ۴ حرفی انتخاب می‌شود. این عملیات برای حروف بعدی نیز به همین ترتیب انجام می‌شود. پس از اتمام ۴ حرفی اول، از ۴ حرف بعدی صفحه جفر جامع گرفته می‌شود و عملیات فوق تکرار می‌شود، یعنی با رسیدن به هر ۴ حرفی مجدد صفحه جفر جامع استخراج می‌شود. برای روشن شدن شیوه انجام کار مثالی می‌زنیم. عبارت «بسم‌الله الرحمن الرحیم» را به‌عنوان ورودی در نظر می‌گیریم. ۱۹ حرف است و برای رساندن آن به مضرب ۴ (۲۰ حرف) بینات گرفته شده و تبدیل می‌شود به «بسم‌الله الرحمن الرحیمی». از ۴ حرف اول «بسما» صفحه جفر جامع استخراج می‌شود (تصویر ۳–۱۳۱). می-

خواهیم اولین حرف را انتخاب کنیم، اولین حرف از ورودی (اولین ۴ حرفی) در نظر گرفته می‌شود یعنی «ب»، جایگاه عددی این حرف ۰ (صفر) و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد وضعی ۲ است (۲=۲+۰). مقدار ۲ در اولین خانه یعنی در اولین ۴ حرفی صفحه جفر جامع (با رنگ بنفش مشخص شده) قرار دارد، بنابراین برای حرف اول، حرف اول این خانه را انتخاب می‌کنیم که می‌شود «ب»، دومین حرف از ورودی «س»، جایگاه عددی آن= ۱ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد وضعی= ۱۵، به مقدار ۱۶ (۱+۱۵) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، به چهارمین ۴ حرفی می‌رسیم (۱۶ امین حرف در خانه چهارم قرار دارد) و این خانه محل انتخاب حرف قرار می‌گیرد، برای حرف دوم، دومین حرف این خانه را انتخاب می‌کنیم که می‌شود «س»، سومین حرف از ورودی «م»، جایگاه عددی آن= ۲ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد وضعی= ۱۳، به مقدار ۱۵ (۱۳+۲) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، به چهارمین ۴ حرفی می‌رسیم (۱۵ امین حرف در خانه چهارم قرار دارد) و این خانه محل انتخاب حرف قرار می‌گیرد، برای حرف سوم، سومین حرف این خانه را انتخاب می‌کنیم که می‌شود «م»، چهارمین حرف از ورودی «ا»، جایگاه عددی آن= ۳ و مقدار عددی‌اش در توالی ابجد وضعی= ۱، به مقدار ۴ (۳+۱) در صفحه جفر جامع حرکت می‌کنیم، مقدار ۴ در اولین خانه یعنی در اولین ۴ حرفی صفحه جفر جامع قرار دارد، بنابراین برای حرف چهارم، حرف چهارم این خانه را انتخاب می‌کنیم که می‌شود «ا». در اینجا ۴ حرفی اول به اتمام می‌رسد و از ۴ حرفی دوم صفحه جفر جامع استخراج شده و عملیات تکرار می‌شود (تصویر ۳-۱۳۲).

اطلاعات | بسط موازی جفر جامع | صفحه جفر جامع

محاسبه | اطلاعات محاسبه

صفحه: ۴ بسما

روش: ابجدهوزحطیکلمنسعفصقرشتثخذضظغ

فرهنگ لغات: اسماء الحسنی

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

پرسش و پاسخ (۱۴)
تکسیر (۲۳)
جزو صفحه سطر خانه (۸)
صفحه جفر جامع (۱۴)
۴ حرفی از عدد جفر جامع
۴ حرفی بر اساس زمان
۴ حرفی زنجانی
آنالیز صفحه
آیه در صفحه جفر جامع
تجزیه و تحلیل صفحه جفر جا
جهات صفحه جفر جامع
سطور جفرجامع
صفحه جفر جامع
صفحه جفر جامع از نام سائل
مدخل صفحه جفر جامع
مشارکت صفحات جفر جامع

	1	2	3	4	5	6	7	8	9
سطر پاسخ ۱۱	بسکا	بسکب	بسکج	بسکد	بسکه	بسکو	بسکز	بسکح	بسکط
سطر پاسخ ۱۲	بسلا	بسلب	بسلج	بسلد	بسله	بسلو	بسلز	بسلح	بسلط
سطر پاسخ ۱۳	بسما	بسمب	بسمج	بسمد	بسمه	بسمو	بسمز	بسمح	بسمط
سطر پاسخ ۱۴	بسنا	بسنب	بسنج	بسند	بسنه	بسنو	بسنز	بسنح	بسنط
سطر پاسخ ۱۵	بسسا	بسسب	بسسج	بسسد	بسسه	بسسو	بسسز	بسسح	بسسط
سطر پاسخ ۱۶	بسعا	بسعب	بسعج	بسعد	بسعه	بسعو	بسعز	بسعح	بسعط
سطر پاسخ ۱۷	بسفا	بسفب	بسفج	بسفد	بسفه	بسفو	بسفز	بسفح	بسفط

تصویر ۳-۱۳۱

تصویر ۳–۱۳۲

بسط موازی کسر

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). یک حرف از ورودی اول و یک حرف از ورودی دوم انتخاب می‌شود، مقدار عددی حروف در توالی ابجد کبیر یا ابجد وضعی (چنانچه گزینه وضعی انتخاب شده باشد) از هم کم می‌شود. توجه داشته باشید که همیشه عدد کوچک‌تر از عدد بزرگ‌تر کم می‌شود و حاصل تفریق عددی مثبت است. چنانچه حاصل تفریق صفر باشد مقدار یکی از حروف در نظر گرفته می‌شود. حاصل تفریق به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود (پاسخ سطر ۱)، طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (پاسخ سطر ۲). به‌عنوان مثال دو کلمه «علی» و «رضا» را برای ورودی در نظر می‌گیریم. حرف اول از ورودی اول ع=۷۰ و حرف اول از ورودی دوم ر=۲۰۰، ۱۳۰=۷۰-۲۰۰ و ۱۳۰ به ابجد کبیر «ل ق». حرف دوم از ورودی اول ل=۳۰ و حرف دوم از ورودی دوم ض=۸۰۰، ۷۷۰ =۸۰۰-۳۰ و ۷۷۰ به ابجد کبیر «ع ذ». حرف سوم از ورودی اول ی=۱۰ و حرف سوم از ورودی دوم ا=۱، ۹=۱-۱۰ و ۹ به ابجد کبیر «ط». برای پاسخ سطر ۲، ۱۸=۱۳۰/۲۸ و ۱۸ به ابجد وضعی «ص»، ۱۴=۷۷۰/۲۸ و ۱۴ به ابجد وضعی «ن»،۹ به ابجد وضعی «ط» (تصویر ۳-۱۳۳).

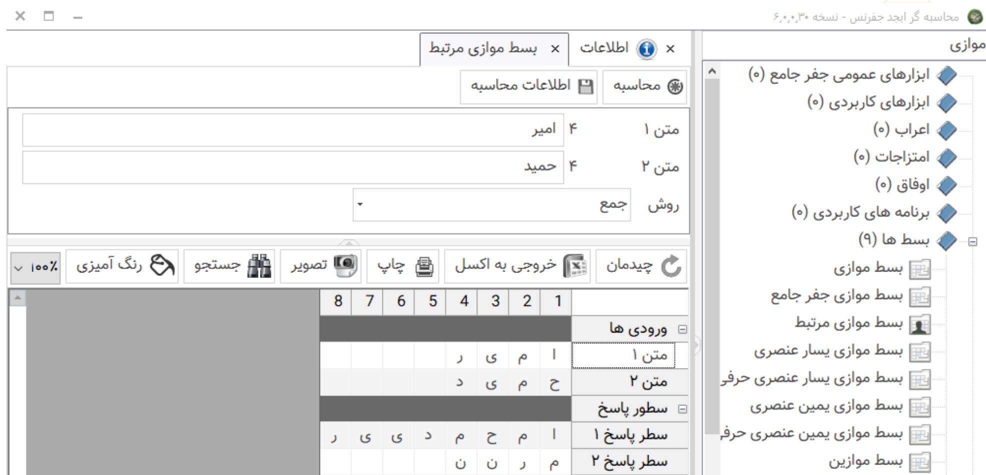
تصویر ۳-۱۳۳

بسط موازی مرتبط جمع

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرفی اول از ورودی اول و ۲ حرفی اول از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شوند و به این ترتیب عمل می‌شود که مقدار عددی حرف اول از ورودی اول با مقدار عددی حرف دوم از ورودی دوم جمع شده، مقدار عددی حرف دوم از ورودی اول با مقدار عددی حرف اول از ورودی دوم جمع شده و حاصل جمع‌ها به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۱). حاصل جمع‌ها طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۲). به همین ترتیب این کار برای ۲ حرفی‌های بعدی نیز انجام می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۳۴ نشان داده شده است به‌عنوان مثال دو کلمه «امیر» و «حمید» برای ورودی انتخاب شده است.

- حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند (ا م/ ی ر؛ ح م/ ی د)
- ۲ حرفی‌ها باهم در نظر گرفته می‌شوند (ام/ حم؛ یر/ ید)
- ۴۱ (ا م) =۱ (ا) + ۴۰ (م)،۴۸ (م ح) =۸ (ح) + ۴۰ (م)؛ ۱۴ (ی د) =۴ (د) + ۱۰ (ی)، ۲۱۰ (ی ق) =۱۰(ی) + ۲۰۰ (ر)

- ۱۳=۴۱/۲۸ و ۱۳ به ابجد وضعی «م»، ۲۰=۴۸/۲۸ و ۲۰ به ابجد وضعی «ر»،۱۴ به ابجد وضعی «ن»، ۱۴=۲۱۰/۲۸ و ۱۴ به ابجد وضعی «ن»



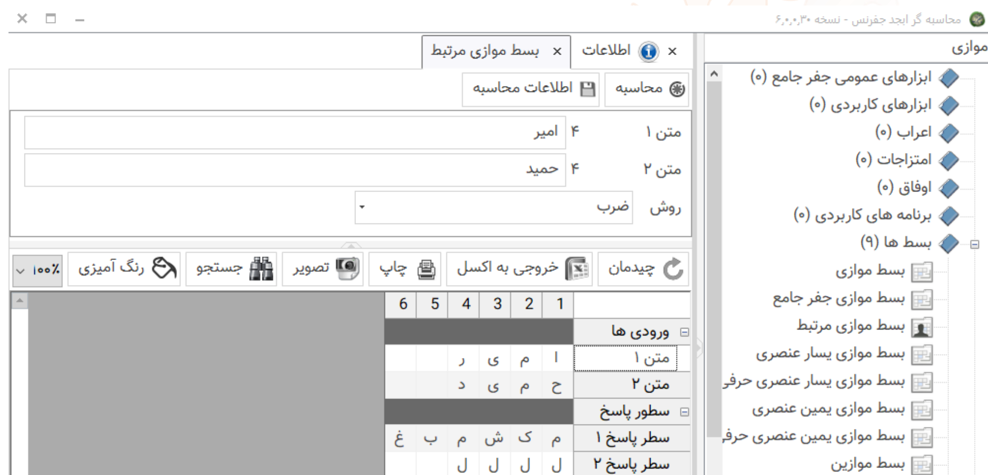
تصویر ۳-۱۳۴

بسط موازی مرتبط ضرب

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرفی اول از ورودی اول و ۲ حرفی اول از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شوند و به این ترتیب عمل می‌شود که مقدار عددی حرف اول از ورودی اول در مقدار عددی حرف دوم از ورودی دوم ضرب شده، مقدار عددی حرف دوم از ورودی اول در مقدار عددی حرف اول از ورودی دوم ضرب شده و حاصل‌ضرب‌ها به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۱). حاصل‌ضرب‌ها طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۲). به همین ترتیب این کار برای ۲ حرفی‌های بعدی نیز انجام می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۳۵ نشان داده شده است به‌عنوان مثال دو کلمه «امیر» و «حمید» برای ورودی انتخاب شده است.

- حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند (ا م/ ی ر؛ ح م/ ی د)
- ۲ حرفی‌ها باهم در نظر گرفته می‌شوند (ام/ ح م؛ ی ر/ ی د)

- ۴۰ (م) = ۱ (ا) ❊ ۴۰ (م)، ۳۲۰ (ک ش) =۸ (ح) ❊ ۴۰ (م)؛ ۴۰ (م) =۴ (د) + ۱۰ (ی)، ۲۰۰۰ (ب غ) =۱۰(ی) ❊ ۲۰۰ (ر)
- ۴۰/۲۸=۱۲ و ۱۲ به ابجد وضعی «ل»، ۳۲۰/۲۸=۱۲ و ۱۲ به ابجد وضعی «ل»،۴۰/۲۸=۱۲ و ۱۲ به ابجد وضعی «ل»، ۲۰۰۰/۲۸=۱۲ و ۱۲ به ابجد وضعی «ل».



	1	2	3	4	5	6
ورودی ها						
متن ۱	ا	م	ی	ر		
متن ۲	ح	م	ی	د		
سطور پاسخ						
سطر پاسخ ۱	م	ک	ش	م	ب	غ
سطر پاسخ ۲	ل	ل	ل	ل		

تصویر ۳-۱۳۵

بسط موازی یسار عنصری جمع

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دوحرفی اول از ورودی اول و ۲ حرفی اول از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شوند یعنی ۴ حرف (حرف اول و دوم از ورودی اول، حرف سوم و چهارم از ورودی دوم) و به این ترتیب عمل می‌شود که مقدار عددی حروف در سه حالت محاسبه می‌شود:

- حرف اول+ حرف دوم
- حرف اول+حرف دوم+ حرف چهارم
- حرف اول+ حرف دوم+ حرف سوم+ حرف چهارم

سپس حاصل‌جمع‌ها به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۱)، طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۲). به همین ترتیب این کار برای ۲ حرفی‌های بعدی نیز انجام می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۳۶ نشان داده شده است به‌عنوان مثال دو کلمه «امیر» و «حمید» برای ورودی انتخاب شده است.

- حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند (ا م/ ی ر؛ ح م/ ی د)
- ۲ حرفی‌ها باهم در نظر گرفته می‌شوند (ا م ح م؛ ی ری د)
- ۴۱ (ا م) = ۱(ا) + ۴۰ (م)؛۸۱ (ا ف) = ۴۰ (م)+۴۰ (م) + ۱(ا)؛ ۸۹ (ط ف) =۴۰ (م)+۴۰ (م) +۸ (ح) + ۱(ا) و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعد.
- ۴۱/۲۸=۱۳ و ۱۳ به ابجد وضعی «م»، ۸۱/۲۸=۲۵ و ۲۵ به ابجد وضعی «ذ»،۸۹/۲۸=۵ و ۵ به ابجد وضعی «ه» و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعدی.

متن ۱: ۴ امیر
متن ۲: ۴ حمید
روش: جمع

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14
ورودی ها														
متن ۱	ا	م	ی	ر										
متن ۲	ح	م	ی	د										
سطور پاسخ														
سطر پاسخ ۱	ا	م	ا	ف	ط	ف	ی	ر	د	ی	ر	د	ک	ر
سطر پاسخ ۲	م	ذ	ه	ن	ص	غ								

تصویر ۳-۱۳۶

بسط موازی یسار عنصری حرفی جمع

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرفی اول از ورودی اول و ۲ حرفی اول از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شوند یعنی ۴ حرف (حرف اول و دوم از ورودی اول، حرف سوم و چهارم از ورودی دوم) و به این ترتیب عمل می‌شود که مقدار عددی حروف در سه حالت محاسبه می‌شود:

- حرف اول+ حرف دوم
- حرف اول+ حرف چهارم
- حرف اول+ حرف سوم

سپس حاصل‌جمع‌ها به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۱)، طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۲). به همین ترتیب این کار برای ۲ حرفی‌های بعدی نیز انجام می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۳۷ نشان داده شده است به‌عنوان مثال دو کلمه «امیر» و «حمید» برای ورودی انتخاب شده است.

- حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند (ا م/ ی ر؛ ح م/ ی د)
- ۲ حرفی‌ها باهم در نظر گرفته می‌شوند (ا م ح م؛ ی ری د)
- ۴۱ (ا م) =۱ (ا) + ۴۰ (م)؛ ۴۱ (ا م) =۱ (ا) + ۴۰ (م)؛۹ (ط) =۸ (ح) + ۱(ا) و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعد.
- ۴۱/۲۸=۱۳ و ۱۳ به ابجد وضعی «م»، ۴۱/۲۸=۱۳ و ۱۳ به ابجد وضعی «م»،۹ به ابجد وضعی «ط» و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعدی.

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
ورودی ها										
متن ۱	ا	م	ی	ر						
متن ۲	ح	م	ی	د						
سطور پاسخ										
سطر پاسخ ۱	ا	م	ا	م	ط	ی	ر	د	ی	ک
سطر پاسخ ۲	م	م	ط	ن	ن	ر				

تصویر ۳-۱۳۷

بسط موازی یسار عنصری حرفی ضرب

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرفی اول از ورودی اول و ۲ حرفی اول از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شوند یعنی ۴ حرف (حرف اول و دوم از ورودی اول، حرف سوم و چهارم از ورودی دوم) و به این ترتیب عمل می‌شود که مقدار عددی حروف در سه حالت محاسبه می‌شود:

- حرف اول* حرف دوم
- حرف اول* حرف چهارم
- حرف اول* حرف سوم

سپس حاصل‌ضرب‌ها به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۱)، طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۲). به همین ترتیب این کار برای ۲ حرفی‌های بعدی نیز انجام می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۳۸ نشان داده شده است به‌عنوان مثال دو کلمه «امیر» و «حمید» برای ورودی انتخاب شده است.

- حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند (ا م/ ی ر؛ ح م/ ی د)
- ۲ حرفی‌ها باهم در نظر گرفته می‌شوند (ا م ح م؛ ی ری د)
- ۴۰ (م) = ۱ (ا) * ۴۰ (م)؛ ۴۰ (م) = ۱ (ا) * ۴۰ (م)؛۸ (ح) =۸ (ح) * ۱(ا) و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعد.
- ۱۲=۴۰/۲۸ و ۱۲ به ابجد وضعی «ل»، ۱۲=۴۰/۲۸ و ۱۲ به ابجد وضعی «ل»، ۸ به ابجد وضعی «ح» و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعدی.

تصویر ۳–۱۳۸

بسط موازی یسار عنصری ضرب

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرفی اول از ورودی اول و ۲ حرفی اول از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شوند یعنی ۴ حرف (حرف اول و دوم از ورودی اول، حرف سوم و چهارم از ورودی دوم) و به این ترتیب عمل می‌شود که مقدار عددی حروف در سه حالت محاسبه می‌شود:

- حرف اول* حرف دوم
- حرف اول* حرف دوم* حرف چهارم
- حرف اول* حرف دوم* حرف سوم* حرف چهارم

سپس حاصل‌ضرب‌ها به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۱)، طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۲). به همین ترتیب این کار برای ۲ حرفی‌های بعدی نیز انجام می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۳۹ نشان داده شده است به‌عنوان مثال دو کلمه «امیر» و «حمید» برای ورودی انتخاب شده است.

- حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند (ا م/ ی ر؛ ح م/ ی د)
- ۲ حرفی‌ها باهم در نظر گرفته می‌شوند (ا م ح م؛ ی ر ی د)

- ۴۰ (م) = ۱ (ا) ❊ ۴۰ (م)؛ ۱۶۰۰ (خ غ) = ۴۰ (م)❊ ۴۰ (م)❊۱(ا)؛ ۱۲۸۰۰ (ض ب ی غ) = ۴۰ (م)❊ ۴۰ (م) ❊۸ (ح) ❊ ۱(ا) و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعد.
- ۴۰/۲۸=۱۲ و ۱۲ به ابجد وضعی «ل»، ۱۶۰۰/۲۸=۴ و ۴ به ابجد وضعی «د»،۱۲۸۰۰/۲۸=۴ و ۴ به ابجد وضعی «د» و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعدی.

تصویر ۳–۱۳۹

بسط موازی یمین عنصری جمع

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرفی اول از ورودی اول و ۲ حرفی اول از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شوند یعنی ۴ حرف (حرف اول و دوم از ورودی اول، حرف سوم و چهارم از ورودی دوم) و به این ترتیب عمل می‌شود که مقدار عددی حروف در سه حالت محاسبه می‌شود:

- حرف اول+ حرف سوم
- حرف اول+ حرف سوم+ حرف چهارم
- حرف اول+ حرف دوم+ حرف سوم+ حرف چهارم

سپس حاصل‌جمع‌ها به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۱)، طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۲). به همین ترتیب این کار

برای ۲ حرفی‌های بعدی نیز انجام می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۴۰ نشان داده شده است به‌عنوان مثال دو کلمه «امیر» و «حمید» برای ورودی انتخاب شده است.

- حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند (ا م/ ی ر؛ ح م/ ی د)
- ۲ حرفی‌ها باهم در نظر گرفته می‌شوند (ا م ح م؛ ی ری د)
- ۹ (ط) =۸ (ح) + ۱ (ا)؛ ۴۹ (ا ف) =۴۰ (م)+۸ (ح) + ۱(ا)؛ ۸۹ (ط ف) =۴۰ (م)+۴۰ (م) +۸ (ح) + ۱(ا) و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعد.
- ۹ به ابجد وضعی «ط»، ۲۱=۴۹/۲۸ و ۲۱ به ابجد وضعی «ش»، ۵=۸۹/۲۸ و ۵ به ابجد وضعی «ه» و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعدی.

تصویر ۳-۱۴۰

بسط موازی یمین عنصری حرفی جمع

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرفی اول از ورودی اول و ۲ حرفی اول از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شوند یعنی ۴ حرف (حرف اول و دوم از ورودی اول، حرف سوم و چهارم از ورودی دوم) و به این ترتیب عمل می‌شود که مقدار عددی حروف در سه حالت محاسبه می‌شود:

- حرف اول+ حرف سوم

- حرف اول+ حرف چهارم
- حرف اول+ حرف دوم

سپس حاصل‌جمع‌ها به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۱)، طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۲). به همین ترتیب این کار برای ۲ حرفی‌های بعدی نیز انجام می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۴۱ نشان داده شده است به‌عنوان مثال دو کلمه «امیر» و «حمید» برای ورودی انتخاب شده است.

- حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند (ا م/ ی ر؛ ح م/ ی د)
- ۲ حرفی‌ها باهم در نظر گرفته می‌شوند (ا م ح م؛ ی ری د)
- ۹ (ط) =۸ (ح) + ۱ (ا)؛ ۴۱ (ا م) =۴۰ (م) + ۱ (ا)؛۴۱ (ا م) =۴۰ (م) + ۱(ا) و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعد.
- ۹ به ابجد وضعی «ط»، ۴۱/۲۸=۱۳ و ۱۳ به ابجد وضعی «م»، ۴۱/۲۸=۱۳ و ۱۳ به ابجد وضعی «م» و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعدی.

تصویر ۳-۱۴۱

بسط موازی یمین عنصری حرفی ضرب

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو

حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرفی اول از ورودی اول و ۲ حرفی اول از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شوند یعنی ۴ حرف (حرف اول و دوم از ورودی اول، حرف سوم و چهارم از ورودی دوم) و به این ترتیب عمل می‌شود که مقدار عددی حروف در سه حالت محاسبه می‌شود:

- حرف اول* حرف سوم
- حرف اول*حرف چهارم
- حرف اول* حرف دوم

سپس حاصل‌ضرب‌ها به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۱)، طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۲). به همین ترتیب این کار برای ۲ حرفی‌های بعدی نیز انجام می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۴۲ نشان داده شده است به‌عنوان مثال دو کلمه «امیر» و «حمید» برای ورودی انتخاب شده است.

- حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند (ا م/ ی ر؛ ح م/ ی د)
- ۲ حرفی‌ها باهم در نظر گرفته می‌شوند (ا م ح م؛ ی ری د)
- ۸ (ح) =۸ (ح) * ۱ (ا)؛ ۴۰ (م) =۴۰ (م) * ۱ (ا)؛ ۴۰ (م) =۴۰ (م) *۱(ا) و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعد.
- ۸ به ابجد وضعی «ح»، ۴۰/۲۸=۱۲ و ۱۲ به ابجد وضعی «ل»، ۴۰/۲۸=۱۲ و ۱۲ به ابجد وضعی «ل» و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعدی.

	1	2	3	4	5	6	7
متن ۱	ا	م	ی	ر			
متن ۲	ح	م	ی	د			
سطر پاسخ ۱	ح	م	م	ق	م	ب	غ
سطر پاسخ ۲	ح	ل	ل	ع	ل	ل	

تصویر ۳-۱۴۲

بسط موازی یمین عنصری ضرب

این بسط دارای دو ورودی است (طول هر دو باید یکسان باشد). حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شود و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۲ باشد بینات گرفته شده و دو حرف اول انتخاب می‌شود. دو حرفی اول از ورودی اول و ۲ حرفی اول از ورودی دوم در نظر گرفته می‌شوند یعنی ۴ حرف (حرف اول و دوم از ورودی اول، حرف سوم و چهارم از ورودی دوم) و به این ترتیب عمل می‌شود که مقدار عددی حروف در سه حالت محاسبه می‌شود:

- حرف اول* حرف سوم
- حرف اول* حرف سوم* حرف چهارم
- حرف اول* حرف دوم* حرف سوم* حرف چهارم

سپس حاصل‌ضرب‌ها به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۱)، طرح ۲۸ شده و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۲). به همین ترتیب این کار برای ۲ حرفی‌های بعدی نیز انجام می‌شود. همان‌طور که در تصویر ۳-۱۴۳ نشان داده شده است به‌عنوان مثال دو کلمه «امیر» و «حمید» برای ورودی انتخاب شده است.

- حروف عبارات ورودی ۲ حرف ۲ حرف جدا می‌شوند (ا م/ ی ر؛ ح م/ ی د)
- ۲ حرفی‌ها باهم در نظر گرفته می‌شوند (ا م ح م؛ ی ری د)
- ۸ (ح) =۸ (ح) * ۱ (ا)؛ ۳۲۰ (ک ش) =۴۰ (م)*۸ (ح) * ۱(ا)؛ ۱۲۸۰۰(ض ب ی غ) =۴۰ (م)*۴۰ (م)*۸ (ح) * ۱(ا) و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعد.
- ۸ به ابجد وضعی «ح»، ۳۲۰/۲۸=۱۲ و ۱۲ به ابجد وضعی «ل»، ۱۲۸۰۰/۲۸=۴ و ۴ به ابجد وضعی «د» و به همین ترتیب برای ۴ حرف بعدی.

تصویر ۳-۱۴۳

بسط نطق ترتیبی جفر جامع

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. از ۴ حرفی اول، صفحه جفر جامع استخراج می‌شود، ۴ حرفی در صفحه پیدا شده و از ابتدای ۴ حرفی تا انتهای صفحه در نظر گرفته و جستجو برای پیدا کردن ۱۰ چهارحرفی معنادار آغاز می‌شود. چنانچه در همین صفحه ۱۰ کلمه معنادار پیدا نشود جستجو در صفحات بعدی ادامه پیدا می‌کند تا آنجا که ۱۰ کلمه پیدا شود. این عملیات برای ۴ حرفی‌های بعدی نیز به همین ترتیب انجام می‌شود یعنی به همین ترتیب از ۴ حرفی‌های بعدی نیز صفحه جفر جامع استخراج شده و کلمات معنادار پیدا می‌شوند؛ به‌عبارت‌دیگر این بسط به ازای هر ۴ حرفی در عبارت ورودی، ۱۰ کلمه معنادار پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال کلمه «محمد» را به‌عنوان ورودی بسط در نظر می‌گیریم. ۴ حرف است و صفحه جفر جامع از این ۴ حرفی استخراج می‌شود (تصویر ۳-۱۴۴)، از ابتدای ۴ حرفی در این صفحه (با رنگ بنفش مشخص شده) کلمات معنادار (با رنگ سبز نشان داده شده است) انتخاب می‌شود و پاسخ بسط حاوی این کلمات خواهد بود (تصویر ۳-۱۴۵).

	1	2	3	4	5	6	7	8	9
سطر پاسخ ۷	محزا	محزب	محزج	محزد	محزه	محزو	محزز	محزح	محزط
سطر پاسخ ۸	مححا	مححب	مححج	مححد	مححه	مححو	مححز	مححح	مححط
سطر پاسخ ۹	محطا	محطب	محطج	محطد	محطه	محطو	محطز	محطح	محطط
سطر پاسخ ۱۰	محیا	محیب	محیج	محید	محیه	محیو	محیز	محیح	محیط
سطر پاسخ ۱۱	محکا	محکب	محکج	محکد	محکه	محکو	محکز	محکح	محکط
سطر پاسخ ۱۲	محلا	محلب	محلج	محلد	محله	محلو	محلز	محلح	محلط
سطر پاسخ ۱۳	محما	محمب	محمج	محمد	محمه	محمو	محمز	محمح	محمط
سطر پاسخ ۱۴	محنا	محنب	محنج	محند	محنه	محنو	محنز	محنح	محنط
سطر پاسخ ۱۵	محسا	محسب	محسج	محسد	محسه	محسو	محسز	محسح	محسط

تصویر ۳-۱۴۴

	1	2	3	4
ورودی ها				
متن	م	ح	م	د
سطور پاسخ				
سطر پاسخ ۱	م	ح	م	د
سطر پاسخ ۲	م	ح	ذ	ر
سطر پاسخ ۳	م	ح	س	ن
سطر پاسخ ۴	م	ح	ص	ی
سطر پاسخ ۵	م	ح	م	د

تصویر ۳-۱۴۵

بسط نطق جفر جامع

عبارت ورودی به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود، سپس کلیه صفحات جفر جامع از ابتدا ( ) تا انتها (غ غ غ ا) یک‌به‌یک جستجو می‌شود و کلیه خانه‌هایی که مقدار عددی آن برابر مقدار عبارت ورودی باشد انتخاب می‌شود. پاسخ در دو سطر نشان داده می‌شود؛ پاسخ سطر ۱ حاوی خانه‌های انتخاب شده معنادار و پاسخ سطر ۲ حاوی کلیه خانه‌های انتخاب شده است. به‌عنوان مثال در تصویر ۳-۱۴۶ پاسخ این بسط برای کلمه «محمد» که مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر برابر ۹۲ است نشان داده شده است.

تصویر ۳–۱۴۶

بسط وفقی جفر جامع

صفحه جفر جامع مربوط به ۴ حرفی وارد شده را استخراج کرده، ابجد کبیر کل آن صفحه را محاسبه می‌کنیم، سپس بر اساس عدد ابجد کبیر به دست آمده، جدول وفق[۲۹] محاسبه شده (پاسخ سطر ۴–۱) و اعداد حاصل در جدول وفق به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شوند (پاسخ سطر ۸–۵). به‌عنوان مثال برای بسط کلمه «محمد»، ابتدا صفحه جفر جامع «محمد» استخراج می‌شود که صفحه ۳۴۴ است (برای استخراج صفحه جفر جامع می‌توانید به کتاب مجموعه صفحات جفر جامع جفر نس مراجعه کنید). سپس همان‌طور که در تصویر۳–۱۴۷ نشان داده شده، جدول وفق برای مقدار ۳۷۳۳۵۲ که عدد ابجد کبیر کل آن صفحه است محاسبه شده و اعداد موجود در خانه‌ها به حروف متناظر تبدیل می‌شود، ۹۳۳۳۰ به ابجد کبیر «ل ش ج ص غ» و به همین ترتیب برای سایر خانه‌ها.

[۲۹]. جدول ۴*۴ که حاصل جمع مقادیر موجود در هر سطر و ستون برابر است.

محاسبه گر ابجد جفرنس - نسخه ۶٫۰٫۰٫۳۰

بسط وفقی

- ابزارهای عمومی جفر جامع (۰)
- ابزارهای کاربردی (۰)
- اعراب (۰)
- امتزاجات (۰)
- اوفاق (۰)
- برنامه های کاربردی (۰)
- بسط ها (۱)
  - بسط وفقی جفر جامع
- پرسش و پاسخ (۰)
- تکسیر (۰)
- جزو صفحه سطر خانه (۰)
- صفحه جفر جامع (۰)
- مداخل (۰)
- مدیریت لغات (۰)
- مستحصله (۰)
- نظیره (۰)

اطلاعات | بسط وفقی جفر جامع

محاسبه | اطلاعات محاسبه

صفحه ۴ محمد

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

	1	2	3	4
ورودی ها				
صفحه	م	ح	م	د
سطور پاسخ				
وفق ۱	93330	93344	93341	93337
وفق ۲	93342	93336	93331	93343
وفق ۳	93335	93339	93346	93332
وفق ۴	93345	93333	93334	93340
حروف ۱	لش جمع	دمش جمع	امش جمع	زلش جمع
حروف ۲	بمش جمع	ولش جمع	الش جمع	جمش جمع
حروف ۳	هلش جمع	طلش جمع	ومش جمع	بلش جمع
حروف ۴	همش جمع	جلش جمع	دلش جمع	مش جمع

تصویر ۳–۱۴۷

تخفیف طبیعی

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ج	د	ا	ب	ز	ح	ه	و	ک	ل	ط	ی	س	ع
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	م	ن	ق	ر	ف	ص	خ	خ	ش	ت	ظ	غ	ذ	ض

جدول ۳–۳۹

کسورات تسعه

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
پاسخ	ـ	با	جا	دبا	ها	وجبا	زا	حدبا	طحا	یهب	کیهد	لیوه	مکیحه	نی
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
پاسخ	سلکی	عی	فمکی	صلی	قنک	رقم	شقسن	ترقفن	ثق	خشرق	ذق	ضترق	ظشق	غثر

جدول ۳–۴۰

۴. امتزاجات

همان‌طور که در فصل ۱ اشاره شد، حروف با رویکردهای گوناگونی طبقه‌بندی‌شده‌اند به‌عنوان مثال در یک نوع طبقه‌بندی، حروف بر اساس طبایع ۴ گانه تقسیم شده‌اند. امتزاج روشی است برای ترکیب حروف بر مبنای این طبقه‌بندی‌ها.

امتزاج با حروفات طبایع

حروف عبارت ورودی بر مبنای طبایع ۴ گانه تفکیک می‌شوند، در صورت نیاز لقط شده و سپس ترکیب می‌شوند؛ یک حرف از آتشی، یک حرف از بادی، یک حرف از آبی و یک حرف از خاکی تا کلیه حروف عبارت ورودی در پاسخ قرار بگیرند. برای مثال، امتزاج با حروفات طبایع برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- تفکیک طبایع: آتش (م م ا م)، باد (ی)، آب ()، خاک (ح د ر)
- لقط حروف تفکیک‌شده هر دسته: آتش (م م ا م= م م م ا)، باد (ی)، آب ()، خاک (ح د ر= ح د ر)
- ترکیب: «م ی ح م د م ر ا»

امتزاج با قاعده محمود دهدار

حروف عبارت ورودی به حروف سه‌گانه ملفوظی ملبوبی و مسروری تفکیک می‌شود، سپس حروف ملفوظی و ملبوبی لفظ می‌شوند. از دسته ملفوظی لفظ شده، حروف ملبوبی و مسروری آن به دسته‌های ملبوبی و مسروری اضافه می‌شود. ترکیب بر مبنای طولانی‌ترین طول عبارت انجام می‌شود و برای رساندن طول عبارت‌های کوتاه‌تر به طول موردنظر، حروف آن‌ها با شروع از ابتدای عبارت تکرار می‌شود. چنانچه نیاز به لقط بود، لقط شده و ترکیب می‌شود؛ یک حرف

ملفوظی، یک حرف از ملبوبی و یک حرف از مسروری تا کلیه حروف در پاسخ قرار بگیرند. توجه داشته باشید اگر نیاز به لقط نبود (پیش از ترکیب لقط انجام نشده بود) پس از ترکیب، عبارت حاصل لقط می‌شود. برای مثال، امتزاج با قاعده محمود دهدار برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- تفکیک حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا)، ملبوبی (م م م)، مسروری (ح ی ر)
- لفظ حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا ل ا ل ف)، ملبوبی (م ی م م ی م م ی م)
- اضافه کردن حروف ملبوبی و مسروری از ملفوظی لفظ شده به دسته ملبوبی و مسروری: از ملفوظی لفظ شده فقط حرف «ف» مسروری است که به گروه مسروری اضافه می‌شود؛ مسروری (ح ی ر ف)
- *همسان‌سازی*: طول دسته‌های ملفوظی، ملبوبی و مسروری به ترتیب ۶، ۹ و ۴ است و ترکیب به طول ۹ انجام می‌شود. حروف ملفوظی و مسروری با تکرار به طول ۹ می‌رسند. ملفوظی (د ا ل ا ل ف د ا ل)، مسروری (ح ی ر ف ح ی ر ف ح).
- لقط حروف: ملفوظی (د ا ل ا ل ف د ا ل = ا ا ل د ا ف د ل ل)، ملبوبی (م ی م م ی م م ی م= م ی م م ی م م ی م)، مسروری (ح ی ر ف ح ی ر ف ح = ف ف ر ر ی ی ح ح ح)
- ترکیب: «ا م ف ا ی ف ل م ر د م ر ا ی ی ف م ی د م ح ل ی ح ل م ح»

امتزاج با قاعده محمود دهدار بدون همسان‌سازی

مانند امتزاج با قاعده محمود دهدار است با این تفاوت که نیازی به همسان‌سازی طول عبارات نیست. در مثال ما برای عبارت «محمد امیر» امتزاج با قاعده محمود دهدار بدون همسان‌سازی به این ترتیب خواهد بود:

- تفکیک حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا)، ملبوبی (م م م)، مسروری (ح ی ر)
- لفظ حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا ل ا ل ف)، ملبوبی (م ی م م ی م م ی م)
- اضافه کردن حروف ملبوبی و مسروری از ملفوظی لفظ شده به دسته ملبوبی و ملفوظی: از ملفوظی لفظ شده فقط حرف «ف» مسروری است که به گروه مسروری اضافه می‌شود؛ مسروری (ح ی ر ف)

- لقط حروف: ملفوظی (د ا ل ا ل ف = ا ا ف ل ل د)، ملبوبی (م ی م م ی م م ی م= م ی م م ی م م ی م)، مسروری (ح ی ر ف = ف ح ی ر)
- ترکیب: «ا م ف ا ی ح ف م ی ل م ر ل ی د م م ی م»

امتزاج با قاعده محمود دهدار گردشی

مانند امتزاج با قاعده محمود دهدار است با این تفاوت که ۱. پیش از ترکیب حتماً لقط انجام می‌شود ۲. ترکیب حروف بر مبنای قاعده خاصی انجام می‌شود. به این ترتیب که یک حرف از دسته ۱ (ملفوظی)، یک حرف از دسته ۲ (ملبوبی)، یک حرف از دسته ۲ (ملبوبی)، یک حرف از دسته ۳ (مسروی)، یک حرف از دسته ۳ (مسروری) و یک حرف از دسته ۲ (ملبوبی) تا کلیه حروف در پاسخ قرار بگیرند. برای مثال، امتزاج با قاعده محمود دهدار گردشی برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- تفکیک حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا)، ملبوبی (م م م)، مسروری (ح ی ر)
- لفظ حروف ملفوظی و ملبوبی: ملفوظی (د ا ل ا ل ف)، ملبوبی (م ی م م ی م م ی م)
- اضافه کردن حروف ملبوبی و مسروری از ملفوظی لفظ شده به دسته ملبوبی و ملفوظی: از ملفوظی لفظ شده فقط حرف «ف» مسروری است که به گروه مسروری اضافه می‌شود؛ مسروری (ح ی ر ف)
- *همسان‌سازی*: طول دسته‌های ملفوظی، ملبوبی و مسروری به ترتیب ۶، ۹ و ۴ است و ترکیب به طول ۹ انجام می‌شود. حروف ملفوظی و مسروری با تکرار به طول ۹ می‌رسند. ملفوظی (ا ا ف ل ل د ا ا ف)، مسروری (ف ح ی ر ف ح ی ر ف).
- لقط حروف: ملفوظی (د ا ل ا ل ف = ا ا ف ل ل د)، ملبوبی (م ی م م ی م م ی م= م ی م م ی م م ی م)، مسروری (ح ی ر ف = ف ح ی ر)
- *ترکیب بر مبنای قاعده ۳،۲/ ۲،۳/ ۱،۲* : «ا م م ف ف م ا ی ی ف ف ی ل م م ر ر م د م م ر ر م ا ی ی ی ی ی ی ف م م ی ی م د م م ح ح م ل ی ی ح ح ی ل م م ح ح م»

امتزاج حروف سه‌گانه میزان تمام حروف

حروف ملفوظی، ملبوبی و مسروری تفکیک شده، در صورت نیاز لقط و سپس ترکیب می‌شوند؛ یک حرف ملفوظی، یک حرف از ملبوبی و یک حرف از مسروری تا کلیه حروف عبارت ورودی در

پاسخ قرار بگیرند. برای مثال، امتزاج حروف سه‌گانه میزان تمام حروف برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- تفکیک حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا)، ملبوبی (م م م)، مسروری (ح ی ر)
- لقط حروف تفکیک شده هر دسته: ملفوظی (د ا= ا د)، ملبوبی (م م م= م م م)، مسروری (ح ی ر= ح ی ر)
- ترکیب: «ا م ح د م ی م ر»

امتزاج حروفات سه‌گانه و برابری

مانند امتزاج حروف سه‌گانه است با این تفاوت که ترکیب بر مبنای طولانی‌ترین عبارت انجام می‌شود. برای رساندن طول عبارت‌های کوتاه‌تر به طول موردنظر، حروف آن‌ها با شروع از ابتدای عبارت تکرار می‌شود. در مثال ما، برای عبارت «محمد امیر»، طول دسته‌های ملفوظی، ملبوبی و مسروری به ترتیب ۲، ۳ و ۳ است. ترکیب بر مبنای طولانی‌ترین (۳) خواهد بود و به این ترتیب دسته حروف ملفوظی با تکرار به ۳ حرف می‌رسد و سپس ترکیب انجام می‌شود.

- تفکیک حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا)، ملبوبی (م م م)، مسروری (ح ی ر)
- لقط حروف تفکیک شده هر دسته: ملفوظی (د ا= ا د)، ملبوبی (م م م= م م م)، مسروری (ح ی ر= ح ی ر)
- *برابری:* ملفوظی (ا د = ا د ا)
- ترکیب: «ا م ح د م ی ا م ر»

ترکیب ملفوظی ملبوبی مسروری با لفظ حروف

حروف ملفوظی، ملبوبی و مسروری تفکیک شده، سپس هر سطر لفظ می‌شود، در صورت نیاز لقط شده و سپس ترکیب می‌شوند؛ یک حرف ملفوظی، یک حرف از ملبوبی و یک حرف از مسروری تا کلیه حروف در پاسخ قرار بگیرند. برای مثال، ترکیب ملفوظی ملبوبی مسروری با لفظ حروف برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- تفکیک حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا)، ملبوبی (م م م)، مسروری (ح ی ر)
- لفظ حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا ل ا ل ف)، ملبوبی (م ی م م ی م م ی م)، مسروری (ح ا ی ا ر ا)

- لقط: ملفوظی (د ا ل ا ل ف= ا ا ف ل ل د)، ملبوبی (م ی م م ی م م ی م م ی م= م ی م م ی م م ی م)، مسروری (ح ا ی ا ر ا= ا ا ا ر ی ح)
- ترکیب: «ا م ا ا ی ا ف م ا ل م ر ل ی ی د م ح م ی م»

ترکیب ملفوظی ملبوبی مسروری بدون بینات مسروری

مانند ترکیب ملفوظی ملبوبی مسروری با لفظ حروف است با این تفاوت که فقط حروف ملفوظی و ملبوبی لفظ می‌شوند. برای مثال ترکیب ملفوظی ملبوبی مسروری بدون بینات مسروری برای کلمه «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- تفکیک حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا)، ملبوبی (م م م)، مسروری (ح ی ر)
- لفظ حروف ملفوظی و ملبوبی: ملفوظی (د ا ل ا ل ف)، ملبوبی (م ی م م ی م م ی م)
- لقط: ملفوظی (د ا ل ا ل ف= ا ا ف ل ل د)، ملبوبی (م ی م م ی م م ی م= م ی م م ی م م ی م)، مسروری (ح ی ر= ح ی ر)
- ترکیب: «ا م ح ا ی ی ف م ر ل م ل ی د م م ی م»

خلاصه‌سازی حروفات سه‌گانه با لفظ حروف

حروف عبارت ورودی تخلیص شده (حروف تکراری حذف می‌شوند)، سپس ملفوظی ملبوبی و مسروری تفکیک می‌شوند، هر سطر لفظ شده، در صورت نیاز لقط و سپس ترکیب می‌شود؛ یک حرف از ملفوظی، یک حرف از ملبوبی، یک حرف از مسروری تا کلیه حروف در پاسخ قرار بگیرند. برای مثال، خلاصه‌سازی حروفات سه‌گانه با لفظ حروف برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- حذف حروف تکراری ورودی: «م ح د ا ی ر»
- تفکیک حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا)، ملبوبی (م)، مسروری (ح ی ر)
- لفظ حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا ل ا ل ف)، ملبوبی (م ی م)، مسروری (ح ا ی ا ر ا)
- لقط: ملفوظی (د ا ل ا ل ف= ا ا ف ل ل د)، ملبوبی (م ی م = م ی م)، مسروری (ح ا ی ا ر ا= ا ا ا ر ی ح)
- ترکیب: «ا م ا ا ی ا ف م ا ل ر ل ی د ح»

خلاصه‌سازی حروفات سه‌گانه با لفظ حروف و برابری

مانند خلاصه‌سازی حروفات سه‌گانه با لفظ حروف است با این تفاوت که ترکیب بر مبنای طولانی‌ترین عبارت انجام می‌شود. برای رساندن طول عبارت‌های کوتاه‌تر به طول موردنظر، حروف آن‌ها با شروع از ابتدای عبارت تکرار می‌شود. در مثال ما، برای عبارت «محمد امیر»، طول دسته‌های ملفوظی، ملبوبی و مسروری به ترتیب ۶، ۳ و ۶ است. ترکیب بر مبنای طولانی‌ترین (۶) خواهد بود و به این ترتیب دسته حروف ملبوبی با تکرار به ۶ حرف می‌رسد و سپس ترکیب انجام می‌شود.

- حذف حروف تکراری ورودی: «م ح د ا ی ر»
- تفکیک حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا)، ملبوبی (م)، مسروری (ح ی ر)
- لفظ حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا ل ا ل ف)، ملبوبی (م ی م)، مسروری (ح ا ی ا ر ا)
- لقط: ملفوظی (د ا ل ا ل ف= ا ا ف ل ل د)، ملبوبی (م ی م = م ی م)، مسروری (ح ا ی ا ر ا= ا ا ا ر ی ح)
- *برابری:* ملبوبی (م ی م = م ی م م ی م)
- ترکیب: «ا م ا ا ی ا ف م ا ل م ر ل ی ی د م ح»

خلاصه‌سازی حروفات سه‌گانه با لفظ حروف و تخلیص

همانند خلاصه‌سازی حروفات سه‌گانه با لفظ حروف است با این تفاوت که پس از لفظ شدن تخلیص می‌شود یعنی حروف تکراری لفظ نیز حذف می‌شوند. برای مثال، خلاصه‌سازی حروفات سه‌گانه با لفظ حروف و تخلیص برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- حذف حروف تکراری ورودی: «م ح د ا ی ر»
- تفکیک حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا)، ملبوبی (م)، مسروری (ح ی ر)
- لفظ حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا ل ا ل ف)، ملبوبی (م ی م)، مسروری (ح ا ی ا ر ا)
- *تخلیص:* ملفوظی (د ا ل ف)، ملبوبی (م ی)، مسروری (ح ا ی ر)
- لقط: ملفوظی (د ا ل ف= ف د ا ل)، ملبوبی (م ی = ی م)، مسروری (ح ا ی ر = ر ح ا ی)
- ترکیب: «ف ی ر د م ح ا ا ل ی»

خلاصه‌سازی حروفات سه‌گانه با لفظ حروف و تخلیص و برابری

مانند خلاصه‌سازی حروفات سه‌گانه با لفظ حروف است با این تفاوت که هم لفظ تخلیص می‌شود و هم ترکیب بر مبنای طولانی‌ترین عبارت انجام می‌شود. در مثال ما، برای عبارت «محمد امیر»، طول دسته‌های ملفوظی، ملبوبی و مسروری (پس از تلخیص) به ترتیب ۴، ۲ و ۴ است؛ و ترکیب بر مبنای طولانی‌ترین (۴) خواهد بود و به این ترتیب دسته حروف ملبوبی با تکرار به ۴ حرف می‌رسد و سپس ترکیب انجام می‌شود.

- حذف حروف تکراری ورودی: «م ح د ا ی ر»
- تفکیک حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا)، ملبوبی (م)، مسروری (ح ی ر)
- لفظ حروف سه‌گانه: ملفوظی (د ا ل ا ل ف)، ملبوبی (م ی م)، مسروری (ح ا ی ا ر ا)
- *تخلیص*: ملفوظی (د ا ل ف)، ملبوبی (م ی)، مسروری (ح ا ی ر)
- لقط: ملفوظی (د ا ل ف= ف د ا ل)، ملبوبی (م ی = ی م)، مسروری (ح ا ی ر = ر ح ا ی)
- *برابری*: ملبوبی (ی م = ی م ی م)
- ترکیب: «ف ی ر د م ح ا ی ا ل م ی»

خلاصه‌سازی طبایع با لفظ حروف

حروف عبارت ورودی تخلیص شده (حروف تکراری حذف می‌شوند)، سپس بر اساس طبایع ۴ گانه تفکیک شده، هر سطر لفظ می‌شود، در صورت نیاز لقط شده و سپس ترکیب می‌شود؛ یک حرف از آتشی، یک حرف از بادی، یک حرف از آبی و یک حرف از خاکی تا کلیه حروف عبارت ورودی در پاسخ قرار بگیرند. برای مثال، خلاصه‌سازی طبایع با لفظ حروف برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- حذف حروف تکراری ورودی: «م ح د ا ی ر»
- تفکیک طبایع: آتش (م ا)، باد (ی)، آب ()، خاک (ح د ر)
- لفظ حروف سه‌گانه: آتش (م ی م ا ل ف)، باد (ی ا)، آب ()، خاک (ح ا د ا لر ا)
- لقط: آتش (م ی م م ی م ا ل ف م ی م =ا ی ف ل م م)، باد (ی ا= ا ی)، آب ()، خاک (ح ا د ا لر ا = ا ح ل ا ر د ا)
- ترکیب: «اا ی ی ح ف ل ل ا م ا م ر م د ا»

خلاصه‌سازی طبایع با لفظ حروف و تخلیص

مانند خلاصه‌سازی طبایع با لفظ حروف است با این تفاوت که پس از لفظ شدن، تخلیص می‌شود یعنی حروف تکراری لفظ نیز حذف می‌شوند. برای مثال، خلاصه‌سازی طبایع با لفظ حروف و تخلیص برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- حذف حروف تکراری ورودی: «م ح د ا ی ر»
- تفکیک طبایع: آتش (م ا)، باد (ی)، آب ()، خاک (ح د ر)
- لفظ حروف سه‌گانه: آتش (م ی م ا ل ف)، باد (ی ا)، آب ()، خاک (ح ا د ا ل ر ا)
- *تخلیص*: آتش (م ی ا ل ف)، باد (ی ا)، آب ()، خاک (ح ا د ل ر)
- لقط: آتش (م ی ا ل ف = ل ا ی م ف)، باد (ی ا= ا ی)، آب ()، خاک (ح ا د ل ر = ل د ا ح ر)
- ترکیب: «ل ا ل ا ی د ی ا م ح ف ر»

صوامت با نواطق

حروف عبارت ورودی به صوامت و نواطق تفکیک می‌شوند، در صورت نیاز لقط شده و سپس ترکیب می‌شوند؛ یک حرف از صوامت و یک حرف از نواطق تا کلیه حروف عبارت ورودی در پاسخ قرار بگیرند. توجه داشته باشید برای مثال، امتزاج صوامت با نواطق برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- تفکیک حروف: صوامت (م ح م د ا م ر)، نواطق (ی)
- لقط: صوامت (م ح م د ا م ر = د م ا ح م م ر)، نواطق (ی= ی)
- ترکیب: «د ی م ا ح م م ر»

متصله با غیر متصله

حروف عبارت ورودی به متصله و غیر متصله تفکیک می‌شوند، در صورت نیاز لقط شده و سپس ترکیب می‌شوند؛ یک حرف از متصله و یک حرف از غیر متصله تا کلیه حروف عبارت ورودی در پاسخ قرار بگیرند. برای مثال، امتزاج متصله با غیر متصله برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- تفکیک حروف: متصله (م ح م ا م ی ر)، غیر متصله (د)

- لقط: متصله (ح د ای = ا م م ح ی م ر)، غیر متصله (د= د)
- ترکیب: «ا د م م ح ی م ر»

متواخیه و غیر متواخیه

حروف عبارت ورودی به متواخیه و غیرمتواخیه تفکیک می‌شوند، در صورت نیاز لقط شده و سپس ترکیب می‌شوند؛ یک حرف از متواخیه و یک حرف از غیرمتواخیه تا کلیه حروف عبارت ورودی در پاسخ قرار بگیرند. برای مثال، امتزاج متواخیه و غیرمتواخیه برای عبارت محمد امیر به این ترتیب خواهد بود:

- تفکیک حروف: متواخیه (ح د ر)، غیر متواخیه (م م ا م ی)
- لقط: متواخیه (ح د ر = ح د ر)، غیر متواخیه (م م ا م ی= م ا م م ی)
- ترکیب: «ح م د ا ر م م»

نورانی با ظلمانی

حروف عبارت ورودی به نورانی و ظلمانی تفکیک می‌شوند، در صورت نیاز لقط شده و سپس ترکیب می‌شوند؛ یک حرف از نورانی و یک حرف از ظلمانی تا کلیه حروف عبارت ورودی در پاسخ قرار بگیرند. برای مثال، امتزاج نورانی و ظلمانی برای عبارت «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود:

- تفکیک حروف: نورانی (م ح م ا م ی ر)، ظلمانی (د)
- لقط: نورانی (م ح م ا م ی ر =ا م م ح ی م ر)، ظلمانی (د= د)
- ترکیب: «ا د م م ح ی م ر»

۵. نظیره

نظیره در جفر شیوه‌ای است که از ضرب حروف برای تبدیل یک حرف‌به‌حرف دیگر استفاده می‌کند. هنگامی‌که یک توالی حروفی[۳۰] در قالب جدولی با دو ردیف که هر ردیف شامل ۱۴ حرف است جای گیرد (مانند جدول ۵-۱)، هر حرفی که از آن انتخاب شود، حرف متناظر آن (حرفی که درست در خانه بالا یا پایین قرار دارد) نظیره آن حرف خواهد بود. لازم به ذکر است که در چنین جدولی سطر بالا (۱۴ حرف اول) را اساس و سطر دوم (۱۴ حرف دوم) را نظیره می‌گویند. به‌عنوان مثال، نظیره کلمه «علی» بر اساس توالی ابجد به این صورت خواهد بود: حرف اول «ع» و حرف متناظر آن در ردیف بالا یعنی حرفی که درست در خانه بالای آن قرار دارد «ب» نظیره آن، حرف دوم «ل» و حرف متناظر «ذ» نظیره آن، حرف سوم «ی» و حرف متناظر «ث» نظیره آن. به این ترتیب نظیره کلمه «ع ل ی» می‌شود «ب ض خ».

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

جدول ۵-۱

در ادامه گزینه‌های موجود در بخش نظیره نرم‌افزار جفر نس معرفی شده است. در مجموع نظایر و مجموع مقادیر دوایر، ورودی بر مبنای *کلیه* توالی‌های حروفی (جدول ۱-۱) تبدیل می‌شود.

[۳۰] در فصل ۱ با کلیه توالی‌های حروفی آشنا شده‌اید.

مجموع نظایر

در این قسمت، از عبارت ورودی بر مبنای کلیه توالی‌های حروفی موجود نظیره (جدول ۱-۱) گرفته می‌شود. جدول هر توالی جهت محاسبه نظیره در ذیل ارائه شده است. برای یافتن نظیره همان‌طور که در بالا توضیح داده شد کافی است حروف عبارت ورودی یک‌به‌یک انتخاب شده، در جدول مشخص شده و حرف متناظر یا نظیر آن انتخاب شود.

ابتث

ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	ل	م	ن	و	ه	ی

جدول ۵-۲

ابجد

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

جدول ۵-۳

ابهش

ا	ب	ه	ش	ح	ذ	ل	ج	ق	و	ط	ص	س	ن
ث	ف	غ	ظ	ز	ت	ک	ع	ر	خ	ی	د	ض	م

جدول ۵-۴

اتجخ

ا	ت	ج	خ	ذ	ز	ش	ض	ظ	غ	ق	ل	ن	ه
ب	ث	ح	د	ر	س	ص	ط	ع	ف	ک	م	و	ی

جدول ۵-۵

اتجخ ۲

ا	ت	ج	خ	ذ	ز	ش	ض	ظ	غ	ق	ل	ن	ه
ی	و	م	ک	ف	ع	ط	ص	س	ر	د	ح	ث	ب

جدول ۵-۶

اتنط

ا	ت	ن	ط	ظ	و	ف	ق	د	ذ	ک	ل	خ	ج
ر	ع	ز	غ	ح	س	ش	ب	ث	م	ی	ض	ه	ص

جدول ۵–۷

اثخر

ا	ث	خ	ر	ش	ط	غ	ک	ن	ی	ت	ح	ز	س
ض	ع	ق	م	ه	ب	ج	و	د	ذ	ص	ظ	ف	ل

جدول ۵–۸

اثخر ۲

ا	ث	خ	ر	ش	ط	غ	ک	ن	ی	و	ل	ف	ظ
ص	ز	د	ج	ب	ت	ح	ذ	س	ض	ع	ق	م	ه

جدول ۵–۹

اجذش

ا	ج	ذ	ش	ظ	ق	ن	ب	ح	ر	ص	ع	ک	و
ت	خ	ز	ض	غ	ل	ه	ث	د	س	ط	ف	م	ی

جدول ۵–۱۰

اجذش ۲

ا	ج	ذ	ش	ظ	ق	ن	ی	م	ف	ط	س	د	ث
ب	ح	ر	ص	ع	ک	و	ه	ل	غ	ض	ز	خ	ت

جدول ۵–۱۱

اجهب

ا	ج	ه	ب	و	ز	ر	د	ی	ک	ش	خ	ل	س
ث	ظ	م	ف	ذ	غ	ن	ت	ص	ض	ع	ح	ط	ق

جدول ۵–۱۲

اجهز

ا	ج	ه	ز	ط	ک	م	ب	د	و	ح	ی	ل	ن
ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ	س	ف	ق	ش	ث	ذ	ظ

جدول ۵–۱۳

اجهز ۲

ا	ج	ه	ز	ط	ک	م	س	ف	ق	ش	ث	ذ	ظ
غ	ض	خ	ت	ر	ص	ع	ن	ل	ی	ح	و	د	ب

جدول ۵–۱۴

احجش

ا	ح	ج	ش	ب	د	ل	ه	ط	س	ع	ق	ف	ص
ث	و	ن	ت	ی	ک	م	خ	ذ	ظ	غ	ر	ض	ز

جدول ۵–۱۵

احزط

ا	ح	ز	ط	ق	و	ث	د	ش	ع	ل	ی	ج	ر
ص	ف	ن	ب	خ	س	ظ	ک	ه	ت	ذ	ض	غ	م

جدول ۵–۱۶

احست

ا	ح	س	ت	ب	ط	ع	ث	ج	ی	ف	خ	د	ک
ص	ذ	ه	ل	ق	ض	و	م	ر	ظ	ز	ن	ش	غ

جدول ۵–۱۷

احست ۲

ا	ح	س	ت	غ	ش	ن	ز	ب	ط	ع	ث	ظ	ر
م	و	ج	ی	ف	خ	ض	ق	ل	ه	د	ک	ص	ذ

جدول ۵–۱۸

اخشغ

ا	خ	ش	غ	ن	و	ف	ص	د	ب	ح	س	ع	م
ه	ق	ض	ذ	ت	ج	ز	ظ	ل	ی	ک	ط	ر	ث

جدول ۵–۱۹

اخیس

ا	خ	ی	س	ق	و	غ	ه	ر	ن	ک	ث	ب	ذ
ط	ع	ص	ز	ظ	د	ش	م	ل	ت	ج	ض	ح	ف

جدول ۵–۲۰

ادزی

ا	د	ز	ی	م	ع	ق	ت	ذ	غ	ج	و	ط	ل
س	ص	ش	خ	ظ	ب	ه	ح	ک	ن	ف	ر	ث	ض

جدول ۵–۲۱

ادزی ۲

ا	د	ز	ی	م	ع	ق	ت	ذ	غ	ض	ث	ر	ف
ن	ک	ح	ه	ب	ج	و	ط	ل	س	ص	ش	خ	ظ

جدول ۵–۲۲

ادضک

ا	د	ض	ک	ی	ق	ص	خ	ب	ذ	ط	ل	ه	ف
ش	ح	ت	ر	ظ	م	و	غ	س	ج	ث	ز	ع	ن

جدول ۵–۲۳

اذحص

ا	ذ	ح	ص	س	ک	ت	د	غ	ه	ش	ل	ن	ق
ز	ض	ب	خ	ط	ف	ع	ی	ث	ج	ظ	و	ر	م

جدول ۵–۲۴

اذظن

ا	ذ	ظ	ن	م	ط	د	ب	ر	ع	و	ل	ض	خ
ت	ز	غ	ه	ک	ص	ح	ث	س	ف	ی	ق	ش	ج

جدول ۵–۲۵

ارصج

ا	ر	ص	ج	ت	ع	ه	خ	ن	ز	ض	ل	ط	غ
ی	ک	ظ	ح	م	ذ	و	س	ث	د	ف	ش	ب	ق

جدول ۵–۲۶

ارغی

ا	ر	غ	ی	ب	ز	ف	ت	س	ق	ث	ش	ک	ج
ص	ل	ح	ض	م	خ	ط	ن	د	ظ	و	ذ	ع	ه

جدول ۵–۲۷

ارغی ۲

ا	ر	غ	ی	ف	ز	ب	ذ	ع	ه	ق	س	ت	د
ظ	و	ک	ش	ث	خ	ط	ن	ل	ص	ج	ح	ض	م

جدول ۵–۲۸

ازمق

ا	ز	م	ق	ذ	ض	ر	ن	ح	ب	و	ل	ص	خ
ظ	ش	س	ط	ج	ه	ک	ف	ث	غ	ت	ع	ی	د

جدول ۵–۲۹

اسغن

ا	س	غ	ن	ب	ع	ظ	م	ج	ف	ض	ل	د	ص
ذ	ک	ه	ق	خ	ی	و	ر	ث	ط	ز	ش	ت	ح

جدول ۵–۳۰

اشنف

ا	ش	ن	ف	د	ح	ع	ه	ض	ت	ز	ل	ک	ر
ث	ط	ی	ظ	ج	ذ	ق	م	س	ب	ص	و	غ	خ

جدول ۵–۳۱

اصته

ا	ص	ت	ه	ن	ض	ط	ی	ظ	م	و	ث	ف	ب
ق	ش	د	س	ذ	ح	ک	غ	ل	ز	خ	ع	ج	ر

جدول ۵–۳۲

اصهظ

ا	ص	ه	ظ	ث	ز	م	ف	خ	د	ق	ل	ر	ج
ع	و	ش	ب	ض	ی	ط	ت	س	ن	غ	ح	ذ	ک

جدول ۵–۳۳

اضیص

ا	ض	ی	ص	ب	ط	ه	ش	ت	ظ	و	س	ث	ع
ن	ز	ج	غ	م	ر	ح	ف	ل	ذ	خ	ق	ک	د

جدول ۵–۳۴

اطفذ

ا	ط	ف	ذ	خ	ع	ح	ب	ی	ص	ض	ث	س	ز
ج	ک	ق	ظ	ت	ن	و	د	ل	ر	غ	ش	م	ه

جدول ۵–۳۵

اطفذ ۲

ا	ط	ف	ذ	و	ن	ت	ج	ک	ق	ظ	ح	ع	خ
ه	م	ش	ب	ی	ص	ض	ز	س	ث	د	ل	ر	غ

جدول ۵–۳۶

اظدخ

ا	ظ	د	خ	ز	ش	ی	ص	م	س	ع	ل	ق	ط
ت	و	ذ	ج	غ	ب	ض	ه	ث	ح	ر	ک	ف	ن

جدول ۵–۳۷

اظمد

ا	ظ	م	د	ر	و	ض	ت	غ	ک	ح	س	ی	ش
ج	ق	ف	ث	ص	ه	ز	خ	ل	ع	ب	ط	ن	ذ

جدول ۵–۳۸

اعکج

ا	ع	ک	ج	ص	و	ذ	ر	ه	ش	ح	ل	ظ	ب
غ	ق	ث	ض	ن	د	ز	ی	س	خ	م	ط	ت	ف

جدول ۵–۳۹

اغبظ

ا	غ	ب	ظ	ج	ض	د	ذ	ه	خ	و	ث	ز	ت
ح	ش	ط	ر	ی	ق	ک	ص	ل	ف	م	ع	ن	س

جدول ۵–۴۰

اغفب

ا	غ	ف	ب	ع	ق	ت	ظ	ک	ث	ط	ل	ج	ض
م	ح	ص	ن	خ	ش	و	د	س	ه	ذ	ز	ی	ر

جدول ۵–۴۱

افخح

ا	ف	خ	ح	ی	ض	س	ج	ق	ت	و	ل	غ	م
ه	ش	ر	د	ن	ظ	ک	ز	ث	ص	ب	ع	ذ	ط

جدول ۵–۴۲

افسج

ا	ف	س	ج	ی	ل	ع	م	ه	ض	ر	ز	ط	غ
ث	ب	ح	ظ	ن	خ	ق	ک	و	ت	ش	ص	د	ذ

جدول ۵–۴۳

افعتک

ا	ف	ع	ت	ک	ط	ج	م	ص	خ	و	س	ذ	ی
ر	ز	ه	د	ش	ن	ح	ض	ل	ث	ظ	ق	ب	غ

جدول ۵–۴۴

اقبر

ا	ق	ب	ر	ل	د	ت	ن	و	خ	ع	ح	ض	ص
ی	غ	ک	ج	ش	م	ه	ث	س	ز	ذ	ف	ط	ظ

جدول ۵–۴۵

اقرب

ا	ق	ر	ب	ص	ش	ج	ف	ت	د	ع	ث	ه	س
خ	و	ن	ذ	ز	م	ض	ح	ل	ظ	ط	ک	غ	ی

جدول ۵–۴۶

اکصد

ا	ک	ص	ذ	ه	ح	ظ	غ	ث	ن	ز	س	م	ت
ف	ط	خ	ی	د	ض	ق	ب	ل	ش	ر	و	ج	ع

جدول ۵–۴۷

امذر

ا	م	ذ	ر	ح	و	ص	ظ	س	ج	ک	ث	ت	ی
د	ع	غ	ف	ه	ط	ش	خ	ل	ب	ن	ض	ق	ز

جدول ۵–۴۸

امرض

ا	م	ر	ض	غ	ح	ی	ج	ف	ص	ز	ل	ب	ن
ذ	ط	ع	خ	ه	ث	ق	ش	س	ک	ت	و	د	ظ

جدول ۵–۴۹

اندع

ا	ن	د	ع	ض	ز	ک	ث	ی	ج	ق	س	ص	غ
خ	و	ب	م	ذ	ظ	ط	ر	ل	ت	ه	ح	ف	ش

جدول ۵–۵۰

انظف

ا	ن	ظ	ف	د	ک	خ	ر	ز	ح	ش	ث	ی	ه
ص	ض	م	ب	س	غ	ع	ج	ل	ذ	ق	و	ط	ت

جدول ۵–۵۱

اوکع

ا	و	ک	ع	ش	ض	ج	ح	م	ص	ث	غ	ه	ی
س	ر	ذ	ب	ز	ل	ف	ت	ظ	د	ط	ن	ق	خ

جدول ۵–۵۲

اویلمنع

ا	و	ی	ل	م	ن	ع	ج	ز	ک	س	ف	ت	ح
ه	ر	ش	ث	ذ	ص	ط	ب	د	خ	ظ	غ	ض	ق

جدول ۵–۵۳

اهثم

ا	ه	ث	م	خ	ق	ر	ع	ش	ض	ط	س	غ	ذ
ک	ح	ن	ت	ی	ب	و	ج	ل	د	ف	ز	ظ	ص

جدول ۵–۵۴

اهطم

ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

جدول ۵–۵۵

اهطم

ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	غ	خ	ر	ع	ل	ح	د
ب	و	ی	ن	ص	ت	ض	ظ	ث	ق	س	ک	ز	ج

جدول ۵–۵۶

ایبه

ا	ی	ب	ه	ت	و	ث	ن	ج	م	ح	ل	خ	ک
د	ق	ذ	ف	ر	غ	ز	ع	س	ظ	ش	ط	ص	ض

جدول ۵–۵۷

ایقغ

ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه
ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ

جدول ۵–۵۸

ایقغ ۲

ا	ی	ق	غ	ر	ک	ب	ط	ص	ظ	ش	ل	ج	ح
ف	ض	ت	م	د	ز	ع	ذ	ث	ن	ه	و	س	خ

جدول ۵–۵۹

بثحد

ب	ث	ح	د	ر	س	ص	ط	ع	ف	ک	م	و	ی
ه	ن	ل	ق	غ	ظ	ض	ش	ز	ذ	خ	ج	ت	ا

جدول ۵–۶۰

بدوح

ب	د	و	ح	ی	ل	ن	ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ
ظ	ذ	ث	ش	ق	ف	س	م	ک	ط	ز	ه	ج	ا

جدول ۵–۶۱

ثدسط

ث	د	س	ط	ف	م	ی	ن	ق	ظ	ش	ذ	ج	ا
ت	خ	ز	ض	غ	ل	ه	و	ک	ع	ص	ر	ح	ب

جدول ۵–۶۲

حعخذ

ح	ع	خ	ذ	ف	ط	ا	ز	س	ث	ض	ص	ی	ب
و	ن	ت	ظ	ق	ک	ج	ه	م	ش	غ	ر	ل	د

جدول ۵–۶۳

خصقی

خ	ص	ق	ی	ک	ض	د	ا	ح	ش	ف	ه	ل	ط
ذ	ب	ج	س	غ	و	م	ظ	ر	ت	ث	ز	ع	ن

جدول ۵–۶۴

دحلع

د	ح	ل	ع	ر	خ	غ	ذ	ش	ف	م	ط	ه	ا
ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	ض	ت	ص	ن	ی	و	ب

جدول ۵–۶۵

دطمن

د	ط	م	ن	ظ	ذ	ا	خ	ض	ل	و	ع	ر	ب
ح	ص	ک	ه	غ	ز	ت	ج	ش	ق	ی	ف	س	ث

جدول ۵–۶۶

ذزصن

ذ	ز	ص	ن	ک	ش	د	غ	ج	ت	ی	س	ف	ح
خ	ا	ض	و	ق	م	ل	ر	ه	ظ	ب	ث	ط	ع

جدول ۵–۶۷

زنشغ

ز	ن	ش	غ	ت	س	ح	ا	و	م	ر	ظ	ث	ع
ط	ب	ه	ل	ق	ض	خ	ف	ی	ج	د	ک	ص	ذ

جدول ۵–۶۸

صیضا

ص	ی	ض	ا	ش	ه	ط	ب	س	و	ظ	ت	ز	ن
ع	ث	ر	م	غ	ج	ذ	ل	ف	ح	د	ک	ق	خ

جدول ۵–۶۹

طنذخ

ط	ن	ذ	خ	ل	ع	ب	ص	ه	ز	ج	ق	ف	ث
س	ی	ش	ت	غ	ک	ح	ر	و	ض	ا	ظ	م	د

جدول ۵–۷۰

عذطز

ع	ذ	ط	ز	ث	ص	ب	ن	ظ	ک	ه	ش	ر	د
ل	غ	م	ج	ق	ت	و	ی	ض	س	ا	ف	خ	ح

جدول ۵–۷۱

غاظب

غ	ا	ظ	ب	ض	ج	ذ	د	خ	ه	ث	و	ت	ز
ش	ح	ر	ط	ق	ی	ص	ک	ف	ل	ع	م	س	ن

جدول ۵–۷۲

نخعص

ن	خ	ع	ص	ز	ق	ث	ی	ت	ک	ر	ض	ظ	د
م	ا	و	ح	غ	ش	س	ف	ج	ه	ب	ل	ذ	ط

جدول ۵-۷۳

نغسا

ن	غ	س	ا	م	ظ	ع	ب	ل	ض	ف	ج	ک	ذ
ص	د	ی	خ	ق	ه	ط	ث	ر	و	ح	ت	ش	ز

جدول ۵-۷۴

یاهب

ی	ا	ه	ب	و	ت	ن	ث	م	ج	ل	ح	ک	خ
ق	د	ف	ذ	غ	ر	ع	ز	ظ	س	ط	ش	ض	ص

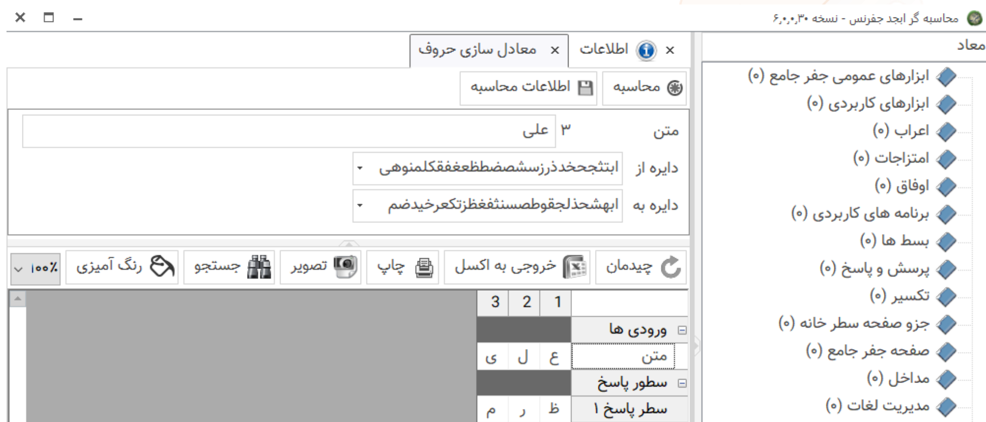
جدول ۵-۷۵

معادل‌سازی حروف

معادل‌سازی را می‌توان انتخاب یک حرف از یک توالی و یافتن حرف متناظر آن در توالی حروفی دیگر تعریف کرد. برای معادل‌سازی، هر توالی در یک سطر قرار می‌گیرد یعنی یک جدول ۲*۲۸ تشکیل می‌شود که با استفاده از آن می‌توان معادل هر حرف در توالی دیگر را پیدا کرد. به این صورت که حروف ورودی یک‌به‌یک در توالی اول (سطر اول) مشخص شده و حرف متناظر آن (حرفی که درست در خانه پایین آن قرار دارد) به‌عنوان معادل آن انتخاب می‌شود، به‌عنوان مثال، معادل‌سازی کلمه «علی» بر مبنای دو توالی ابتث و ابهش (جدول ۵-۷۶) به این ترتیب خواهد بود که حرف اول «ع» و حرف متناظر آن در ردیف پایین یعنی حرفی که درست در خانه زیر آن قرار دارد «ظ» معادل آن، حرف دوم «ل» و حرف متناظر «ر» معادل آن، حرف سوم «ی» و حرف متناظر «ث» معادل آن. به این ترتیب معادل کلمه «ع ل ی» بر مبنای توالی ابتث در توالی ابهش می‌شود «ظ ر م». در نرم‌افزار امکان معادل‌سازی حروف بر اساس کلیه توالی‌ها (جدول ۱-۱) وجود دارد و همان‌طور که در تصویر ۵-۱ نشان داده شده می‌توانید هر یک از توالی‌ها رو به‌عنوان توالی اول یا دوم انتخاب کنید.

ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	ل	م	ن	و	ه	ی
ا	ب	ه	ش	ح	ذ	ل	ج	ق	و	ط	ص	س	ن	ث	ف	غ	ظ	ز	ت	ک	ع	ر	خ	ی	د	ض	م

جدول ۵-۷۶



تصویر ۵-۱

مجموع مقادیر دوایر

در این قسمت می‌توانید ورودی را بر مبنای کلیه توالی‌های حروفی (جدول ۱-۱) تبدیل کنید. محاسبه مقدار دایره مانند معادل‌سازی حروف است با این تفاوت که برای توالی اول به‌طور ثابت از *توالی ابجد* استفاده می‌شود و توالی دوم می‌تواند هر یک از ۷۳ توالی حروفی باشد؛ به عبارت دیگر مقدار وضعی حرف در توالی ابجد مبنای انتخاب حرف از توالی دوم است. به‌عنوان مثال، محاسبه مقدار دایره ایقع برای کلمه «علی» (با استفاده از جدول ۵-۷۷) به این ترتیب خواهد بود که حرف اول «ع» و حرف متناظر آن در ردیف پایین یعنی حرفی که درست در خانه زیر آن قرار دارد «ث» معادل آن، حرف دوم «ل» و حرف متناظر «م» معادل آن، حرف سوم «ی» و حرف متناظر «ش» معادل آن. به این ترتیب مقدار کلمه «ع ل ی» بر مبنای توالی ایقع می‌شود «ث م ش». با جایگزین کردن سایر توالی‌ها در سطر دوم جدول، به همین ترتیب می‌توان مقادیر سایر دوایر را نیز محاسبه کرد. تصویر ۵-۲ بخشی از مجموع مقادیر دوایر برای کلمه «علی» را نشان می‌دهد.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه	ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ

جدول ۵-۷۷

تصویر ۵-۲

مقدار دایره

در این قسمت می‌توانید ورودی را بر اساس هرکدام از توالی‌هایی که انتخاب می‌کنید تبدیل کنید. برای مثال در تصویر ۵-۳ مقدار ورودی «علی» بر اساس توالی اجهب که انتخاب شده، محاسبه شده است. حرف اول «ع» و حرف متناظر آن در ردیف پایین یعنی حرفی که درست در خانه زیر آن قرار دارد «ظ» معادل آن، حرف دوم «ل» و حرف متناظر «خ» معادل آن، حرف سوم «ی» و حرف متناظر «ک» معادل آن. به این ترتیب مقدار کلمه «ع ل ی» بر مبنای توالی ایقع می‌شود «ظ خ ک».

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
ا	ج	ه	ب	و	ز	ر	د	ی	ک	ش	خ	ل	س	ث	ظ	م	ف	ذ	غ	ن	ت	ص	ض	ع	ح	ط	ق

جدول ۵-۷۸

تصویر ۵-۳

نظیره

در این قسمت می‌توانید نظیره را بر اساس هرکدام از توالی‌هایی که انتخاب می‌کنید به دست آورید. برای مثال در تصویر ۵-۴ نظیره ورودی «علی» بر اساس توالی اجهب که انتخاب شده، محاسبه شده است. حرف اول «ع» و حرف متناظر آن در ردیف پایین یعنی حرفی که درست در خانه زیر آن قرار دارد «ظ» نظیره آن، حرف دوم «ل» و حرف متناظر «ش» نظیره آن، حرف سوم «ی» و حرف متناظر «ص» معادل آن. به این ترتیب مقدار کلمه «ع ل ی» بر مبنای توالی ایقع می‌شود «ش ط ص».

ا	ج	ه	ب	و	ز	ر	د	ی	ک	ش	خ	ل	س
ث	ظ	م	ف	ذ	غ	ن	ت	ص	ض	ع	ح	ط	ق

جدول ۵-۷۹

جدول ۵-۸۰

۶. مداخل

در جفر به تبدیل حروف ورودی به عدد، مدخل گفته می‌شود. به‌عنوان مثال به تبدیل حروف به مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر، مدخل کبیر می‌گویند. انواع مختلفی از مداخل بر اساس توالی حروف مورداستفاده و نحوه محاسبه مقدار عددی در آن وجود دارد. در ادامه مداخل موجود در نرم‌افزار جفر نس معرفی می‌شود. در هر یک از مداخل جهت تسهیل کار کاربران، از حروف موجود در سطرهای پاسخ، مدخل کبیر گرفته شده و مقدار حاصل به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود (سطرهای مقدار). حاصل جمع مقادیر عددی این حروف و تبدیل آن به حروف متناظر سطر جمع و حاصل‌ضرب مقادیر سطر ضرب را تشکیل می‌دهند.

تفکیک بر اساس توالی و طرح

در این قسمت حروف عبارت ورودی بر مبنای یک توالی حروفی که می‌تواند هر یک از توالی‌های حروفی باشد (جدول ۱-۱) و مقدار عددی‌ای که برای طرح مشخص می‌شود تفکیک می‌شوند به این ترتیب که ابتدا توالی حروفی موردنظر بر اساس طرح انتخابی در قالب سطرها تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی می‌تواند بر مبنای مقدار وضعی حروف یا ابجد کبیر باشد (چنانچه خانه ابجد وضعی علامت زده شود بر اساس مقدار وضعی و در غیر این صورت بر مبنای ابجد کبیر خواهد بود). مقدار عددی حروف بر عدد طرح تقسیم شده و باقیمانده آن، سطری را که حرف بایستی در آن قرار گیرد نشان می‌دهد. سپس حروف عبارت ورودی بر اساس تقسیم‌بندی تفکیک می‌شوند یعنی حروفی از عبارت ورودی که در سطر ۱ قرار دارند در پاسخ سطر ۱ آورده می‌شوند. مرحله بعد، هر یک از سطرهای پاسخ به مقدار متناظر عددی‌اش در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظرش تبدیل می‌شود. به‌عنوان مثال، برای ورودی کلمه «علی»، دایره «ابهش» و طرح «۴» را در نظر می‌گیریم. همان‌طور که در تصویر ۶-۱ نشان داده شده است،

توالی بر اساس طرح ۴ و مقدار وضعی حروف در ۴ سطر تقسیم‌بندی شده است. حرف اول از ع در سطر ۲ قرار دارد بنابراین در پاسخ سطر ۲ قرار گرفته است و به همین ترتیب برای سایر حروف (پاسخ سطر ۴-۱). از حروف در سطرهای پاسخ مدخل کبیر گرفته شده و به متناظر حرفی تبدیل شده است که در پاسخ سطر ۷-۴ جای گرفته‌اند.

	1	2	3	4	5	6	7	8	9
⊟ ورودی ها									
متن	ع	ل	ی						
⊟ سطور مراحل									
سطر روند ۱	ا	ح	ق	س	غ	ک	ی		
سطر روند ۲	ب	ذ	و	ن	ظ	ع	د		
سطر روند ۳	ه	ل	ط	ث	ز	ر	ض		
سطر روند ۴	ش	ج	ص	ف	ت	خ	م		
⊟ سطور پاسخ									
سطر پاسخ ۱	ی								
سطر پاسخ ۲	ع								
سطر پاسخ ۳	ل								
سطر پاسخ ۴									
سطر پاسخ ۵	ی								
سطر پاسخ ۶	ع								
سطر پاسخ ۷	ل								
سطر پاسخ ۸									
سطر پاسخ ۹		10	ی						
سطر پاسخ۱۰		70	ع						
سطر پاسخ۱۱		30	ل						
سطر پاسخ۱۲	0								
سطر پاسخ۱۳		10	ی						
سطر پاسخ۱۴		70	ع						
سطر پاسخ۱۵		30	ل						
سطر پاسخ۱۶	0								
سطر پاسخ۱۷		220		ک	ر				
سطر پاسخ۱۸	0								
سطر پاسخ۱۹			15400			ت	ه	ی	غ

تصویر ۶–۱

تفکیک حروف به رتبه

حروف عبارت ورودی بر مبنای ارزش مکانی مقدار عددی‌شان به چهار دسته آحاد، عشرات، مات و الوف تقسیم می‌شوند

- **آحاد:** از حرف الف تا طا که مقدار عددی‌شان جز یکان است
- **عشرات:** از یا تا صاد که مقدارعددی‌شان جز دهگان است

- **مات**: از قاف تا ظا که مقدارعددی‌شان جز صدگان است
- **الوف**: حرف غ که مقدار عددی‌اش جز هزارگان است

به‌عنوان مثال تفکیک حروف به رتبه برای عبارت ورودی «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود: آحاد (ح=۸/ د=۴/ ا=۱)، عشرات (م=۴۰/م=۴۰/م=۴۰/ی=۱۰)، مات (ر=۲۰۰)، الوف (تصویر ۶-۲).



تصویر ۶-۲

تفکیک حروف ثلاثه با مداخل

حروف عبارت ورودی را به چند صورت تفکیک می‌کند؛ تفکیک ملفوظی ملبوبی مسروری، معجمه و مهمله و ترکیب آن‌ها یعنی ملفوظی معجمه، ملفوظی مهمله، ملبوبی معجمه، ملبوبی مهمله، مسروری معجمه و مسروری مهمله (سطرهای ۱۱-۱) و سپس از حروف هر دسته مداخل ثلاثه گرفته می‌شود و پاسخ سطر ۲ آن را انتخاب می‌کند (مدخل سطر ۱۱-۱). در تصویر ۶-۳ تفکیک حروف ثلاثه با مداخل برای عبارت ورودی «محمد امیر» نشان داده شده است.

ملفوظی	د	ا										
ملبوبی	م	م	م									
مسروری	ح	ی	ر									
مهمله	م	ح	م	د	ا	م	ر					
معجمه	ی											
ملفوظی مهمله	د	ا										
ملفوظی معجمه												
ملبوبی مهمله	م	م	م									
ملبوبی معجمه												
مسروری مهمله	ح	ر										
مسروری معجمه	ی											
مدخل سطر ۱	ه	ب										
مدخل سطر ۲	ک	ق	ب	ی	چ	چ						
مدخل سطر ۳	ح	ی	ر	ط	ک	ا	ی	ب	چ	ب		
مدخل سطر ۴	چ	ل	ش	و	ل	ط	ز					
مدخل سطر ۵	ی	ا	ا	ب								
مدخل سطر ۶	ه	ب										
مدخل سطر ۷												
مدخل سطر ۸	ک	ق	ب	ی	چ	چ						
مدخل سطر ۹												
مدخل سطر۱۰	ح	ر	ح	ک	ی	ا	ب					
مدخل سطر۱۱	ی	ا	ا	ب								
سطر پاسخ ۲۳	5	ه										
سطر پاسخ ۲۴	120			ک	ق							
سطر پاسخ ۲۵	218			ح	ی	ر						
سطر پاسخ ۲۶	333			چ	ل	ش						
سطر پاسخ ۲۷	10		ی									
سطر پاسخ ۲۸	5	ه										
سطر پاسخ ۲۹	0											
سطر پاسخ ۳۰	120			ک	ق							
سطر پاسخ ۳۱	0											
سطر پاسخ ۳۲	208			ح	ر							
سطر پاسخ ۳۳	10		ی									
سطر پاسخ ۳۴	7	ز										
سطر پاسخ ۳۵	138			ح	ل	ق						
سطر پاسخ ۳۶	265			ه	س	ر						
سطر پاسخ ۳۷	385			ه	ف	ش						
سطر پاسخ ۳۸	14		د	ی								
سطر پاسخ ۳۹	7	ز										
سطر پاسخ ۴۰	0											
سطر پاسخ ۴۱	138			ح	ل	ق						
سطر پاسخ ۴۲	0											
سطر پاسخ ۴۳	249			ط	م	ر						
سطر پاسخ ۴۴	14		د	ی								
سطر پاسخ ۴۵	2246				و	م	ر	ب	غ			
سطر پاسخ ۴۶	0											
سطر پاسخ ۴۷	864710						ی	ذ	د	س	ض	غ

تصویر ۶ـ۳

تفکیک حروف صوامت نواطق

حروف نقطه‌دار و بی‌نقطه عبارت ورودی را تفکیک می‌کند (تصویر ۶-۴).

محاسبه گر ابجد جفرنس - نسخه ۳۰٫۰٫۶

اطلاعات | تفکیک حروف صوامت نواطق

محاسبه | اطلاعات محاسبه

متن: محمد امیر ۸

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

	1	2	3	4	5	6	7	8
ورودی ها								
متن	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
سطور پاسخ								
صوامت	م	ح	م	د	ا	م	ر	
نواطق	ی							
مقدار صوامت	333	ج	ل	ش				
مقدار نواطق	10	ی						
جمع	343	ج	م	ش				
ضرب	3330	ل	ش	ج	غ			
ضرب بزرگ در جمع	114219	ط	ی	ر	د	ی	ق	غ

مداخل (۳۰)
- تفکیک بر اساس توالی و طرح
- تفکیک حروف به رتبه
- تفکیک حروف ثلاثه با مداخل
- تفکیک حروف صوامت نواطق
- تفکیک حروف فارسی
- تفکیک حروف فارسی ۲
- تفکیک حروف متصله منفصله
- تفکیک حروف متواخیه
- تفکیک حروف ملفوظی ملبوبی
- تفکیک حروف مهمله و معجمه
- تفکیک حروف نورانی و ظلمانی
- تنزلات عددی دهدار
- جمع مدخل با لفظ فارسی
- حروف اربعه (عناصر)
- حروف یکی در میان

تصویر ۶-۴

تفکیک حروف عناصر (حروف اربعه)

حروف عبارت ورودی را طبق چهار طبع آتشی، بادی، آبی و خاکی تفکیک می‌کند (تصویر ۶-۵).

محاسبه گر ابجد جفرنس - نسخه ۳۰٫۰٫۶

اطلاعات | (حروف اربعه (عناصر

محاسبه | اطلاعات محاسبه

متن: محمد امیر ۸

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

	1	2	3	4	5	6	7	8	9
ورودی ها									
متن	م	ح	م	د		ا	م	ی	ر
سطور پاسخ									
آتش	م	م	ا	م					
باد	ی								
آب									
خاک	ح	د	ر						

مداخل (۳۰)
- تفکیک بر اساس توالی و طرح
- تفکیک حروف به رتبه
- تفکیک حروف ثلاثه با مداخل
- تفکیک حروف صوامت نواطق
- تفکیک حروف فارسی
- تفکیک حروف فارسی ۲
- تفکیک حروف متصله منفصله
- تفکیک حروف متواخیه
- تفکیک حروف ملفوظی ملبوبی
- تفکیک حروف مهمله و معجمه
- تفکیک حروف نورانی و ظلمانی
- تنزلات عددی دهدار

تصویر ۶-۵

تفکیک حروف متصله منفصله

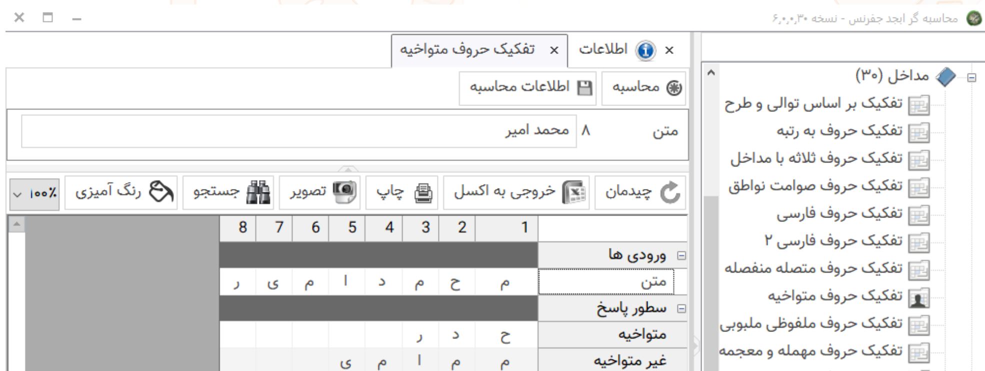
حروف متصله و غیر متصله عبارت ورودی را تفکیک می‌کند تصویر (۶-۶).



تصویر ۶-۶

تفکیک حروف متواخیه

حروف متواخیه و غیر متواخیه عبارت ورودی را تفکیک می‌کند (تصویر ۶-۷).



تصویر ۶-۷

تفکیک حروف ملفوظی ملبوبی مسروری

حروف ملفوظی ملبوبی و مسروری عبارت ورودی را تفکیک می‌کند (تصویر ۶-۸).

محاسبه گر ابجد جفرنس - نسخه ۶،۰،۰،۳۰

اطلاعات | تفکیک حروف ملفوظی ملبوبی مسروری

محاسبه | اطلاعات محاسبه

متن ۸ محمد امیر

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

	1	2	3	4	5	6	7	8
ورودی ها								
متن	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
سطور پاسخ								
ملفوظی	د	ا						
ملبوبی	م	م	م					
مسروری	ح	ی	ر					
مقدار ملفوظی	5	ه						
مقدار ملبوبی	120	ک	ق					
مقدار مسروری	218	ح	ی	ر				
جمع	343	ج	م	ش				
ضرب	130800	ض	ل	ق	غ			
ضرب بزرگ در جمع	74774	د	ع	ذ	د	ع	غ	

مداخل (۳۰)
- تفکیک بر اساس توالی و طرح
- تفکیک حروف به رتبه
- تفکیک حروف ثلاثه با مداخل
- تفکیک حروف صوامت نواطق
- تفکیک حروف فارسی
- تفکیک حروف فارسی ۲
- تفکیک حروف متصله منفصله
- تفکیک حروف متواخیه
- تفکیک حروف ملفوظی ملبوبی
- تفکیک حروف مهمله و معجمه
- تفکیک حروف نورانی و ظلمانی
- تنزلات عددی دهدار
- جمع مدخل با لفظ فارسی
- حروف اربعه (عناصر)
- حروف یکی در میان
- طرح افلاکی
- طرح بروج

تصویر ۶–۸

تفکیک حروف مهمله و معجمه

حروف مهمله (بی‌نقطه) و معجمه (نقطه‌دار) عبارت ورودی را تفکیک می‌کند (تصویر ۶-۹).

محاسبه گر ابجد جفرنس - نسخه ۶،۰،۰،۳۰

اطلاعات | تفکیک حروف مهمله و معجمه

محاسبه | اطلاعات محاسبه

متن ۸ محمد امیر

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

	1	2	3	4	5	6	7	8
ورودی ها								
متن	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
سطور پاسخ								
مهمله	م	ح	م	د	ا	م	ر	
معجمه	ی							
مقدار مهمله	333	ج	ل	ش				
مقدار معجمه	10	ی						
جمع	343	ج	م	ش				
ضرب	3330	ل	ش	ج	غ			
ضرب بزرگ در جمع	114219	ط	ی	ر	د	ی	ق	غ

مداخل (۳۰)
- تفکیک بر اساس توالی و طرح
- تفکیک حروف به رتبه
- تفکیک حروف ثلاثه با مداخل
- تفکیک حروف صوامت نواطق
- تفکیک حروف فارسی
- تفکیک حروف فارسی ۲
- تفکیک حروف متصله منفصله
- تفکیک حروف متواخیه
- تفکیک حروف ملفوظی ملبوبی
- تفکیک حروف مهمله و معجمه
- تفکیک حروف نورانی و ظلمانی
- تنزلات عددی دهدار
- جمع مدخل با لفظ فارسی
- حروف اربعه (عناصر)
- حروف یکی در میان

تصویر ۶–۹

تفکیک حروف نورانی و ظلمانی

حروف نورانی و ظلمانی عبارت ورودی را تفکیک می‌کند (تصویر ۶-۱۰).

تصویر ۶-۱۰

حروف یکی در میان

حروف عبارت ورودی به‌طور یکی در میان در دو سطر مجزا چیده می‌شوند، سطر اول حاوی حروف با جایگاه عددی فرد و سطر دوم حاوی حروف با جایگاه عددی زوج (تصویر ۶-۱۱).

تصویر ۶-۱۱

مداخل اربعه

در مداخل اربعه عبارت ورودی به ۴ مدخل مختلف تبدیل می‌شود:

- مدخل کبیر: مقدار ورودی به ابجد کبیر
- مدخل وسیط مجموعی: مقدار ورودی به ایقع آحاد
- مدخل وسیط کبیر: عدد دوم حاصل از تنزل مدخل کبیر
- مدخل صغیر: آخرین عدد حاصل از تنزل مدخل وسیط

سپس مقدار این مداخل به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود و سطر مستنطقه تشکیل می‌شود. حروف حاصل لفظ شده و سطر اساس را تشکیل می‌دهد. نظیره ابجدی گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال مداخل اربعه از عبارت ورودی «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود: م ح م د ا م ی ر =۳۴۳ (مدخل کبیر)، م ح م د ا م ی ر= ۲۸ (مدخل وسیط مجموعی)، ۱۰/۱/ ۳۴۳/۳۷ (مدخل وسیط کبیر)، ۱۰/۱/ ۲۸ (مدخل صغیر). ۳۴۳ = ج م ش، ۲۸= ح ک، ۳۷=ز ل، ۸=ح، ۱= ا (سطر مستنطقه). ج ی م م ی م ش ی ن ح ا ک ا ف ز ا ل ا م ا ل ف (اساس) و (نظیره ابجدی) ف خ ظ ظ خ ظ ز خ غ ت س ذ س ج ش س ض س ظ س ض ج (تصویر ۶-۱۲).

محاسبه گر ابجد جفرنس - نسخه ۶٫۰٫۰٫۳۰

مداخل اربعه | اطلاعات

محاسبه | اطلاعات محاسبه

متن: محمد امیر ۸

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15
ورودی ها															
متن	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر							
سطور پاسخ															
مدخل کبیر	343														
مدخل وسیط مجموعی	28														
مدخل وسیط کبیر	37														
مدخل صغیر	1														
مستنطقه	ج	م	ش	ح	ک	ز	ل	ا							
اساس	ج	ی	م	م	ی	م	ش	ی	ن	ح	ا	ک	ا	ف	ز
	ا	ل	ا	م	ا	ل	ف								
نظیره	ف	خ	ظ	ظ	خ	ظ	ز	خ	غ	ت	س	ذ	س	ج	ش
	س	ض	س	ظ	س	ض	ج								

تفکیک حروف ملفوظی ملبوبی
تفکیک حروف مهمله و معجمه
تفکیک حروف نورانی و ظلمانی
تنزلات عددی دهدار
جمع مدخل با لفظ فارسی
حروف اربعه (عناصر)
حروف یکی در میان
طرح افلاکی
طرح بروج
طرح خاص
طرح درجی
طرح عناصر
طرح کواکب
طرح منازل
مداخل اربعه
مداخل اربعه دهدار
مداخل ثلاثه حسن زاده آملی
مداخل ثلاثه و تنزل حروف

تصویر ۶-۱۲

مداخل ثلاثه و تنزل حروف

عبارت ورودی به مقدار عددی متناظرش در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود یا به‌عبارت‌دیگر مدخل کبیر گرفته می‌شود. سپس مقدار حاصل تنزل[۳۱] داده می‌شود. طول عبارت و تعداد نقاط موجود در آن نیز در کنار خروجی تنزل نمایش داده شده و به این ترتیب پاسخ سطر ۱ تشکیل می‌شود. برای پاسخ سطر ۲، هر یک از اعداد موجود در پاسخ سطر ۱ به حروف متناظرش در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود. حروف موجود در پاسخ سطر ۲ لفظ شده و پاسخ سطر ۳ تشکیل می‌شود. به‌عنوان مثال مداخل ثلاثه از عبارت ورودی «محمد امیر» به این ترتیب خواهد بود: برای پاسخ سطر ۱، مدخل کبیر از ورودی (م ح م د ا م ی ر= ۳۴۳)، تنزل ۳۴۳ (۱/ ۱۰/ ۳۴۳/۳۷)، افزودن طول عبارت (۸ حرف) و تعداد نقاط آن (۲) به خروجی تنزل (۳۴۳/۳۷/۱۰/۱/۸/۲). پاسخ سطر ۲: ۳۴۳ = ج م ش، ۳۷= ز ل، ۱۰=ی، ۱=ا، ۸=ح، ۲= ب. پاسخ سطر ۳: ج ی م م ی م ش ی ن ز ا ل ا م ی ا ا ل ف ح ا ب ا. ۱۱۱۷=۷۱۶+۴۰۱+۰ و ۱۱۱۷ به ابجد کبیر «ز ی ق غ»، ۲۸۷۱۱۶= ۷۱۶*۴۰۱ (تصویر ۶-۱۳).

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14
ورودی ها														
متن	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر						
سطور پاسخ														
سطر پاسخ ۱		343		37		10		1	8	2				
سطر پاسخ ۲	ج	م	ش	ز	ل	ی	ا	ح	ب					
سطر پاسخ ۳	ج	ی	م	م	ی	م	ش	ی	ن	ز	ا	ل	ا	م
	ی	ا	ا	ل	ف	ح	ا	ب	ا					

تصویر ۶–۱۳

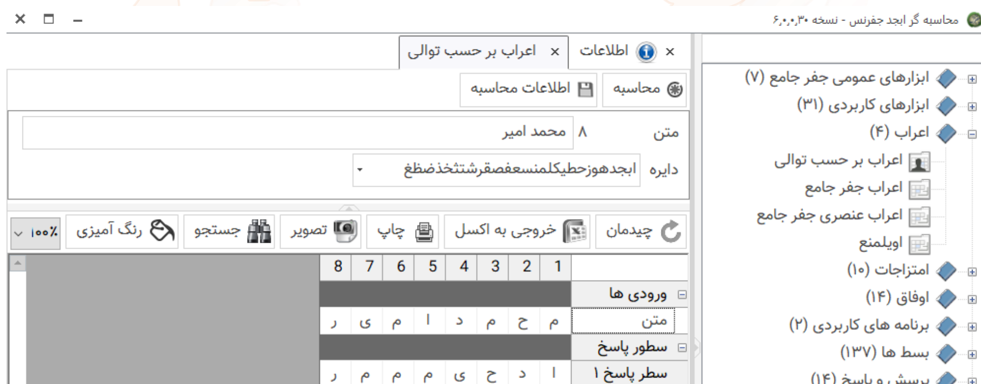
[۳۱]. در فصل ۲ با تنزل آشنا شده‌اید.

۷. اعراب

در جفر، اعراب روشی است جهت مرتب‌سازی حروف عبارات بر مبنای توالی‌های حروفی. در ادامه گزینه‌های موجود در بخش اعراب نرم‌افزار جفر نس معرفی می‌شوند.

ابجد

حروف عبارت ورودی بر مبنای توالی ابجد یعنی به ترتیبی که در توالی ابجد آماده‌اند، مرتب می‌شوند. همان‌طور که در تصویر ۷-۱ نشان داده شده است، برای عبارت ورودی «محمد امیر» اعراب ابجد به این ترتیب است که ابتدا حرف «ا» با عدد وضعی ۱، حرف «د» با عدد وضعی ۴، حرف «ح» با عدد وضعی ۸، حرف «ی» با عدد وضعی ۱۰، حرف «م» با عدد وضعی ۱۳ به تعداد ۳ و حرف «ر» با عدد وضعی ۲۰.



تصویر ۷-۱

اعراب بر حسب «توالی

حروف عبارت ورودی بر مبنای هرکدام از توالی‌های حروفی (جدول ۱-۱) که انتخاب شود، مرتب می‌شوند. همان‌طور که در تصویر ۲-۷ نشان داده شده است، به‌عنوان مثال برای عبارت ورودی «محمد امیر» اعراب بر حسب توالی اجهب به این ترتیب است که ابتدا حرف «ا» با عدد وضعی ۱، حرف «ر» با عدد وضعی ۷، حرف «د» با عدد وضعی ۸، حرف «ی» با عدد وضعی ۹، حرف «م» با عدد وضعی ۱۷ به تعداد ۳ و حرف «ح» با عدد وضعی ۲۶.



	1	2	3	4	5	6	7	8
ورودی ها								
متن	م	ح	م	د	ا	م	ی	ر
سطور پاسخ								
سطر پاسخ ۱	ا	ر	د	ی	م	م	م	ح

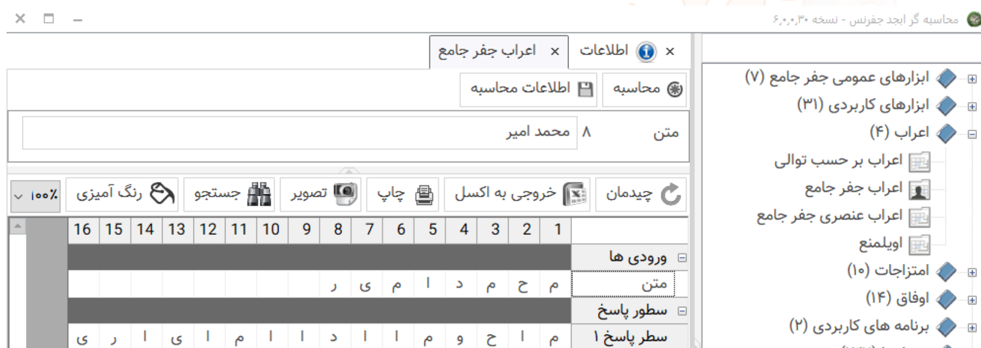
تصویر ۷-۲

اعراب جفر جامع

دایره اویلمنع به ۴ دسته که هرکدام شامل ۷ حرف است تقسیم می‌شود. حروف عبارت ورودی یک‌به‌یک انتخاب می‌شود و جایگاه آن در این ۴ دسته مشخص شده و برای پاسخ اعراب به این ترتیب عمل می‌شود:

- اگر حروف جز دسته اول- ا و ی ل م ن ع- باشند، «ا» بعد از حرف اضافه می‌شود
- اگر حروف جز دسته دوم- ج ز ک س ف ت ح-باشند، «و» بعد از حرف اضافه می‌شود
- اگر حروف جز دسته سوم- ه ر ش ث ذ ص ط- باشند، «ی» بعد از حرف اضافه می‌شود
- اگر حروف جز دسته چهارم- ب د خ ظ غ ض ق- باشند، «ا» به اول حرف اضافه می‌شود

به‌عنوان مثال، اعراب جفر جامع برای عبارت ورودی محمد امیر به این ترتیب خواهد بود: حرف اول «م» جز دسته اول که می‌شود «م ا»، حرف دوم «ح» جز دسته دوم که می‌شود «ح و»، «م» جز دسته اول که می‌شود «م ا»، «د» جز دسته چهارم که می‌شود «ا د»، «ا» جز دسته اول که می‌شود «ا ا»، «م» جز دسته اول که می‌شود «م ا»، «ی» جز دسته اول که می‌شود «ی ا»، «ر» جز دسته سوم که می‌شود «ر ی» (تصویر ۷-۳).



تصویر ۷-۳

اعراب عنصری جفر جامع

دایره اویلمنع به ۴ دسته که هرکدام شامل ۷ حرف است تقسیم می‌شود. حروف عبارت ورودی یک‌به‌یک انتخاب می‌شود و جایگاه آن در این ۴ دسته مشخص شده و برای پاسخ اعراب به این ترتیب عمل می‌شود:

- اگر حروف جز دسته اول- ا و ی ل م ن ع- باشند، «فتحه» بعد از حرف اضافه می‌شود
- اگر حروف جز دسته دوم-ج ز ک س ف ت ح-باشند، «ضمه» بعد از حرف اضافه می‌شود
- اگر حروف جز دسته سوم- ه ر ش ث ص ذ ط- باشند، «کسره» بعد از حرف‌اضافه می‌شود
- اگر حروف جز دسته چهارم- ب د خ ظ غ ض ق- باشند، چنانچه حرف بعد از آن نیز در دسته چهارم باشد،«کسره» بعد از حرف اضافه می‌شود در غیر این صورت

(یعنی اگر حرفی بعد از آن نباشد یا حرف بعدی در دسته ۱-۳ باشد) بعد از حرف «ساکن» اضافه می‌شود.

به‌عنوان مثال، اعراب جفر جامع برای عبارت ورودی محمد امیر به این ترتیب خواهد بود: حرف اول «م» جز دسته اول که می‌شود «مَ»، حرف دوم «ح» جز دسته دوم که می‌شود «حُ»، «م» جز دسته اول که می‌شود «مَ»، «د» جز دسته چهارم و چون حرف بعد از آن یعنی «ا» در دسته اول است، ساکن اضافه می‌شود «اْ»، «ا» جز دسته اول که می‌شود «اَ»، «م» جز دسته اول که می‌شود «مْ»، «ی» جزدسته اول که می‌شود «یَ»، «ر» جزدسته سوم‌که می‌شود «ر» (تصویر ۷-۴).



تصویر ۷-۴

اویلمنع

حروف عبارت ورودی ابتدا بر اساس توالی اویلمنع مرتب می‌شوند (پاسخ سطر ۱). در پاسخ سطر ۱، از اولین حرف شروع کرده، تعداد هر حرف شمرده شده، به مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر و سپس حروف متناظرش تبدیل می‌شود به این ترتیب که چنانچه یک حرف بیش از یک‌بار تکرار شده باشد، مقادیر عددی همه آن‌ها با جمع شده و به متناظر حرفی‌اش تبدیل می‌شود (پاسخ سطر ۲). به‌عنوان مثال عبارت «محمد امیر» را در نظر بگیرید.

- پاسخ سطر ۱: اعراب بر اساس توالی اویلمنع (ابتدا حرف «ا» با عدد وضعی ۱، حرف «ی» با عدد وضعی ۳، حرف «م» با عدد وضعی ۵ به تعداد ۳، حرف «ح» با عدد وضعی ۱۴، حرف «ر» با عدد وضعی ۱۶ و حرف «د» با عدد وضعی ۲۳- ا ی م م م ح ر د).

- پاسخ سطر ۲: ا=۱ به ابجد کبیر «ا»، ی=۱۰ به ابجد کبیر «ی»، م=۴۰*۳ (حرف م سه بار تکرار شده است)=۱۲۰ و ۱۲۰ به ابجد کبیر «ک ق»، ح=۸ به ابجد کبیر «ح»، ر= ۲۰۰ به ابجد کبیر «ر»، د=۴ به ابجد کبیر «د»- ا ی ک ق ح ر د

تصویر ۷-۵

اهطم

حروف عبارت ورودی بر مبنای توالی اهطم یعنی به ترتیبی که در توالی ابجد آماده‌اند، مرتب می‌شوند. همان‌طور که در تصویر ۷-۶ نشان داده شده است، برای عبارت ورودی «محمد امیر» اعراب ابجد به این ترتیب است که ابتدا حرف «الف» با عدد وضعی ۱، حرف «م» با عدد وضعی ۴، حرف «ی» با عدد وضعی ۱۰، حرف «د» با عدد وضعی ۲۲، حرف «ح» با عدد وضعی ۲۳ و حرف «ر» با عدد وضعی ۲۶.

تصویر ۷-۶

۸. جفر جامع

در فصل‌های قبل به معرفی ابزارها و شیوه‌های که به‌طورکلی در تمامی بخش‌های جفر مورد استفاده قرار می‌گیرد پرداختیم. در این فصل روش‌های مورد استفاده در جفر جامع معرفی می‌شود.

جزو صفحه سطر خانه ۱

برای گرفتن ۴ حرفی از جزو صفحه سطر خانه ۱ به این ترتیب عمل می‌شود:

- مقدار ورودی (چنانچه متن باشد به مقدار عددی تبدیل می‌شود) بر عدد ۷۸۴ (تعداد کل صفحات جفر جامع) تقسیم می‌شود. اگر باقیمانده تقسیم، صفر باشد عدد، همان مقسوم (۷۸۴) است.
- عدد حاصل (باقیمانده تقسیم ورودی بر ۷۸۴)، بر ۲۸ تقسیم می‌شود. اگر باقیمانده صفر باشد، جزو می‌شود ۲۸، در غیر این صورت خارج‌قسمت+۱ می‌شود جزو و باقیمانده می‌شود صفحه.
- مقدار ورودی بر عدد ۳۱۳۶ (تعداد حروف یک صفحه) تقسیم می‌شود. اگر باقیمانده صفر باشد عدد، همان مقسوم (۳۱۳۶) است.
- عدد حاصل (باقیمانده تقسیم ورودی بر ۳۱۳۶)، بر ۱۱۲ تقسیم می‌شود. اگر باقیمانده صفر باشد سطر می‌شود ۱۱۲، در غیر این صورت خارج‌قسمت تقسیم +۱ می‌شود سطر.
- باقیمانده تقسیم مرحله قبل را بر عدد ۴ تقسیم می‌کنیم اگر باقیمانده صفر باشد، مقسوم می‌شود خانه در غیر این صورت خارج‌قسمت +۱ می‌شود خانه.

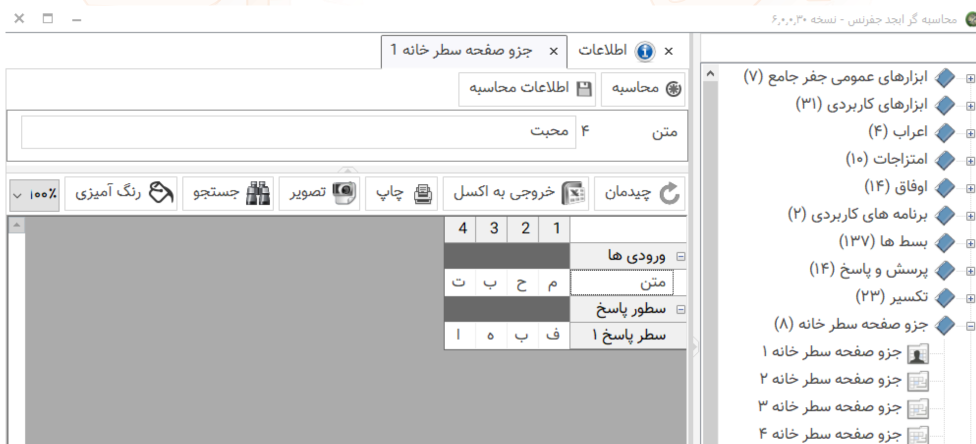
- اعداد مربوط به جزو صفحه سطر خانه به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند و ۴ حرفی به دست می‌آید.

برای مثال ۴ حرفی از کلمه ورودی «محبت=۴۵۰» مطابق جدول ذیل محاسبه شده می‌شود.

	ورودی	عدد	عدد ۲	عدد ۳	جزو	صفحه	سطر	خانه
	۴۵۰							
باقیمانده ۴۵۰/۷۸۴		۴۵۰						
۲۸/ عدد					۱۶+۱			
باقیمانده ۲۸/عدد						۲		
۴۵۰/۳۱۳۶			۴۵۰					
۱۱۲/عدد ۲							۴+۱	
باقیمانده ۱۱۲/عدد ۲				۲				
۴/عدد ۳								۰+۱

جدول ۸-۱

اعداد حاصل ۱۷-۵-۲-۱ به حروف تبدیل می‌شوند و ۴ حرفی حاصل می‌شود «ف ب ه ا» (تصویر ۸-۱).



تصویر ۸-۱

جزو صفحه سطر خانه ۲

برای گرفتن ۴ حرفی از جزو صفحه سطر خانه ۲ به این ترتیب عمل می‌شود:

- مقدار ورودی (چنانچه متن باشد به مقدار عددی تبدیل می‌شود) بر عدد ۷۸۴ (تعداد کل صفحات جفر جامع) تقسیم می‌شود. اگر باقیمانده تقسیم، صفر باشد، عدد همان مقسوم (۷۸۴) است.
- عدد حاصل (باقیمانده تقسیم ورودی بر ۷۸۴)، بر ۲۸ تقسیم می‌شود. باقیمانده تقسیم می‌شود جزو. اگر باقیمانده تقسیم صفر باشد، جزو می‌شود ۲۸.
- عدد جزو تنزل داده می‌شود، کوچک‌ترین عدد آن برداشته می‌شود. سپس بر ۲۸ تقسیم می‌شود و باقیمانده تقسیم می‌شود صفحه. اگر باقیمانده تقسیم صفر باشد، صفحه می‌شود ۲۸.
- مقدار جزو و صفحه با جمع شده، بر ۲۸ تقسیم می‌شود و باقیمانده تقسیم می‌شود سطر. اگر باقیمانده تقسیم صفر باشد، سطر می‌شود ۲۸.
- مقدار جزو، صفحه و سطر با جمع شده، بر ۲۸ تقسیم می‌شود و باقیمانده تقسیم می‌شود خانه. اگر باقیمانده تقسیم صفر باشد، خانه می‌شود ۲۸.
- اعداد مربوط به جزو صفحه سطر خانه به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند و ۴ حرفی به دست می‌آید.

	ورودی	عدد	عدد ۲	عدد ۳	عدد ۴	جزو	صفحه	سطر	خانه
	۴۵۰								
باقیمانده ۴۵۰/۷۸۴		۴۵۰							
باقیمانده ۲۸/عدد						۲			
تنزل جزو و حذف کوچک‌ترین عدد			۲						
باقیمانده ۲۸/عدد ۲							۲		
جمع مقدار جزو و صفحه				۴					
باقیمانده ۲۸/عدد ۳								۴	
جمع مقدار جزو صفحه سطر					۸				
باقیمانده ۲۸/عدد ۴									۸

جدول ۸-۲

اعداد حاصل ۲-۲-۴-۸ به حروف تبدیل می‌شوند و ۴ حرفی حاصل می‌شود «ب ب د ح» (تصویر ۸-۲).

تصویر ۸-۲

جزو صفحه سطر خانه ۳

برای گرفتن ۴ حرفی از جزو صفحه سطر خانه ۳ به این ترتیب عمل می‌شود:

- مقدار ورودی (چنانچه متن باشد به مقدار عددی تبدیل می‌شود) بر عدد ۷۸۴ (تعداد کل صفحات جفر جامع) تقسیم می‌شود. اگر باقیمانده تقسیم، صفر باشد، عدد، همان مقسوم (۷۸۴) است.
- عدد حاصل (باقیمانده تقسیم ورودی بر ۷۸۴)، بر ۲۸ تقسیم می‌شود. باقیمانده تقسیم می‌شود جزو. اگر باقیمانده تقسیم صفر باشد، جزو می‌شود ۴. اگر عدد جزو بزرگ‌تر از ۹ باشد تنزل داده می‌شود. جمع اعداد تنزل گرفته شده (جمع جزو) و کوچک‌ترین عدد تنزل می‌شود صفحه. اگر عدد جزو کوچک‌تر یا مساوی ۹ بود، جمع جزو می‌شود همان جزو و عدد صفحه هم می‌شود همان جزو.
- عدد صفحه بر ۲۸ تقسیم می‌شود. باقیمانده این تقسیم می‌شود صفحه. اگر باقیمانده تقسیم صفر باشد، صفحه می‌شود ۴. اگر باقیمانده تقسیم بزرگ‌تر از ۹ باشد تنزل داده می‌شود. جمع اعداد تنزل گرفته می‌شود (جمع صفحه). اگر صفحه کوچک‌تر یا مساوی ۹ بود، جمع صفحه می‌شود صفحه.
- جمع جزو و جمع صفحه باهم جمع شده و بر ۲۸ تقسیم می‌شود. باقیمانده این تقسیم می‌شود سطر. اگر باقیمانده صفر باشد، سطر می‌شود ۲۸. اگر عدد سطر (باقیمانده) بزرگ‌تر از ۹ باشد تنزل داده می‌شود. جمع اعداد تنزل گرفته می‌شود (جمع سطر). اگر عدد سطر کوچک‌تر یا مساوی ۹ باشد جمع سطر می‌شود سطر.
- جمع سطر، جمع صفحه و جمع جزو باهم جمع شده و بر ۲۸ تقسیم می‌شود. باقیمانده این تقسیم می‌شود خانه. اگر باقیمانده صفر باشد، خانه می‌شود ۲۸.
- اعداد به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند و ۴ حرفی به دست می‌آید.

برای مثال ۴ حرفی از کلمه ورودی «محبت=۴۵۰» مطابق جدول ذیل محاسبه شده می‌شود.

	ورودی	عدد	جمع جزو	عدد صفحه	جمع صفحه	جمع سطر	عدد ۴	عدد ۵	جزو	صفحه	سطر	خانه
	۴۵۰											
باقیمانده ۴۵۰/۷۸۴		۴۵۰										
باقیمانده ۲۸/عدد									۲			
۹<= جزو			۲	۲								
باقیمانده ۲۸/عدد صفحه										۲		
۹<= صفحه					۲					۲		
جمع جزو+جمع صفحه							۴					
باقیمانده ۲۸/ عدد ۴											۴	
۹<= سطر						۴						
جمع جزو+جمع صفحه+ جمع سطر								۸				
باقیمانده ۲۸/ عدد ۵												۸

جدول ۸–۳

تصویر ۸–۳

اعداد حاصل ۲-۲۴-۱۴-۸ به حروف تبدیل می‌شوند و ۴ حرفی حاصل می‌شود «ب بد ح» (تصویر ۸-۳).

جزو صفحه سطر خانه ۴

برای گرفتن ۴ حرفی از جزو صفحه سطر خانه ۴ به این ترتیب عمل می‌شود:

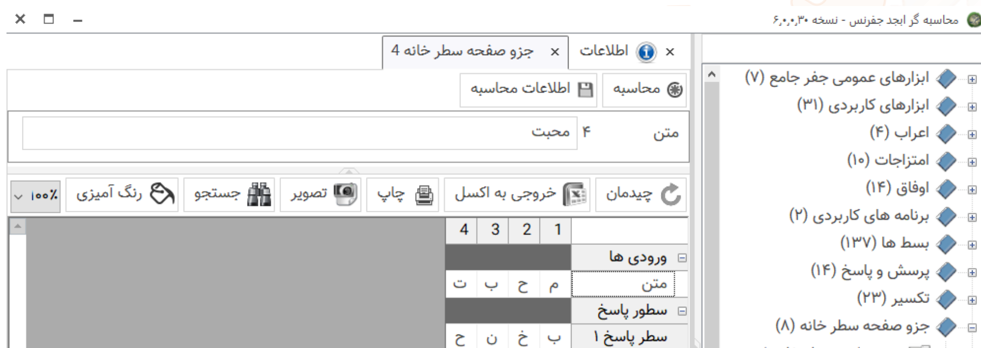
- مقدار ورودی (چنانچه متن باشد به مقدار عددی تبدیل می‌شود) بر عدد ۲۸ (تعداد منازل) تقسیم می‌شود. باقیمانده تقسیم می‌شود جزو. اگر باقیمانده تقسیم، صفر باشد، جزو می‌شود ۲۸.
- مقدار ورودی در عدد ۱۲ (تعداد بروج) ضرب شده بر ۲۸ تقسیم می‌شود. باقیمانده تقسیم می‌شود صفحه. اگر باقیمانده تقسیم، صفر باشد، صفحه می‌شود ۲۸.
- مقدار ورودی در عدد ۷ (تعداد کواکب) ضرب شده بر ۲۸ تقسیم می‌شود. باقیمانده تقسیم می‌شود سطر. اگر باقیمانده تقسیم، صفر باشد، سطر می‌شود ۲۸.
- مقدار ورودی در عدد ۴ (تعداد عناصر) ضرب شده بر ۲۸ تقسیم می‌شود. باقیمانده تقسیم می‌شود خانه. اگر باقیمانده تقسیم، صفر باشد، خانه می‌شود ۲۸.
- اعداد مربوط به جزو صفحه سطر خانه به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند و ۴ حرفی به دست می‌آید.

برای مثال ۴ حرفی از کلمه ورودی «محبت=۴۵۰» مطابق جدول ذیل محاسبه شده می‌شود.

	ورودی	عدد ۱	عدد ۲	عدد ۳	جزو	صفحه	سطر	خانه
	۴۵۰							
باقیمانده ۲۸/ورودی					۲			
ورودی* ۱۲		۵۴۰۰						
باقیمانده ۲۸/عدد ۱						۲۴		
ورودی* ۷			۳۱۵۰					
باقیمانده ۲۸/عدد ۲							۱۴	
ورودی* ۴				۱۸۰۰				
باقیمانده ۲۸/عدد ۳								۸

جدول ۸-۴

اعداد حاصل ۲-۲۴-۱۴-۸ به حروف تبدیل می‌شوند و ۴ حرفی حاصل می‌شود «ب خ ن ح» (تصویر ۸-۴).



تصویر ۸-۴

جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۱

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس از هر ۴ حرف با استفاده از جزو صفحه سطر خانه ۱، ۴ حرفی گرفته شده و پاسخ سطر ۱ تشکیل می‌شود. برای پاسخ سطر ۲، از کل عبارت ورودی ۴ حرفی گرفته می‌شود.

جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۲

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس از هر ۴ حرف با استفاده از جزو صفحه سطر خانه ۲، ۴ حرفی گرفته شده و پاسخ سطر ۱ تشکیل می‌شود. برای پاسخ سطر ۲، از کل عبارت ورودی ۴ حرفی گرفته می‌شود.

جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۳

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس از هر ۴ حرف با استفاده از جزو صفحه سطر خانه ۳، ۴ حرفی گرفته شده و پاسخ سطر ۱ تشکیل می‌شود. برای پاسخ سطر ۲، از کل عبارت ورودی ۴ حرفی گرفته می‌شود.

جزو صفحه سطر خانه طریق اربعه ۴

حروف عبارت ورودی ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و اگر تعداد حروف دسته آخر کمتر از ۴ بود برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. سپس از هر ۴ حرف با استفاده از جزو صفحه سطر خانه ۴، ۴ حرفی گرفته شده و پاسخ سطر ۱ تشکیل می‌شود. برای پاسخ سطر ۲، از کل عبارت ورودی ۴ حرفی گرفته می‌شود.

۲۸ درجه

این ابزار دارای ۲ ورودی است. ۴ حرفی و سؤال. چنانچه تعداد حروف سؤال کمتر از ۴ باشد برای رساندن آن به ۴ حرف بینات گرفته می‌شود. اولین حرف ۴ حرفی را انتخاب کرده و در دایره مدنظر (می‌توانید هر یک از ۴ دایره ابجد، اهطم، ایقغ و ابتث را در نرم‌افزار انتخاب کنید) آن را پیدا می‌کنیم، سپس از نفس حرف به تعداد درجه (۱-۲۸) می‌شماریم و به حرفی که رسیدیم آن را انتخاب می‌کنیم. این کار را برای حروف دوم، سوم و چهارم ۴ حرفی انجام می‌دهیم و حروف حاصل را پشت سر هم قرار می‌دهیم. به همین ترتیب برای هر درجه عمل می‌کنیم؛ یعنی پس‌ازاینکه هر ۴ حرف بر مبنای درجه ۱ محاسبه شد، سپس بر مبنای درجه ۲ و به همین ترتیب تا ۲۸. در سطر بعدی (تخلیص) حروف تکراری حذف می‌شوند. از سطر ۲۸ درجه، وتدها استخراج می‌شوند (وتد ۱، وتد ۲، وتد ۳). سپس سطرهای وتد بر اساس روش مزج انتخابی (می‌توانید در نرم‌افزار انتخاب کنید) با سؤال امتزاج داده می‌شود، سطر ۹ بدون لقط و سطر ۱۰ با لقط. برای مثال دو ورودی «جسمی» (برای ۴ حرفی) و «مهم‌ترین عامل سلامت انسان چیست» (برای سؤال) و به‌عنوان دایره نیز ابجد را در نظر می‌گیریم (تصویر ۸-۵). حرف اول ۴ حرفی «ج»، به عدد درجه (۱) از نفس حرف می‌شماریم که می‌شود خود حرف «ج»، به همین ترتیب برای حروف دوم، سوم و چهارم ۴ حرفی عمل می‌شود و در نتیجه کلمه اول خود ۴ حرفی خواهد بود «جسمی». برای دور دوم، مجدد حرف اول ۴ حرفی «ج» برمی‌داریم به عدد درجه که ۲ هست از نفس حرف در دایره ابجد می‌شماریم که می‌شود «د». به این ترتیب همیشه کلمه اول خود ۴ حرفی، کلمه دوم ۱ حرف بالاتر، کلمه سوم ۲ حرف بالاتر و الی‌آخر (سطر ۲۸ درجه).

تصویر ۸–۵

اصول ثلاثه سید حسین اخلاطی و محمود دهدار

این ابزار دارای سه ورودی کنیه، لقب و نام است. برای این ۳ ورودی ۳۰ سطر تشکیل شده و مقادیر ستونی برای هر سطر محاسبه می‌شود (توجه داشته باشید ازآنجایی‌که ورودی‌ها به ۷ حالت مختلف محاسبه می‌شوند، تعداد کل سطرهای پاسخ ۲۱۰ می‌باشد؛ یعنی به ازای هر حالت از ورودی ۳۰ سطر تشکیل می‌شود). در ذیل ستون‌ها معرفی شده‌اند.

- کبیر: مقدار ورودی (سطر) به ابجد کبیر
- مدخل وسیط مجموعی: مقدار ورودی به ایقع آحاد
- مدخل وسیط کبیر: عدد دوم حاصل از تنزل مدخل کبیر
- صغیر: آخرین عدد حاصل از تنزل مدخل وسیط
- توصیف: مقدار ثابت
- نام کبیر: اسماءالحسنی مطابق با مدخل کبیر
- نام مجموع: اسماءالحسنی مطابق با مدخل وسیط مجموعی
- نام وسیط: اسماءالحسنی مطابق با مدخل وسیط
- نام صغیر: اسماءالحسنی مطابق با مدخل صغیر

- حروف: حروف متناظر مقادیر عددی سطر

در ادامه به شرح سطرها می‌پردازیم.

- کنیه: در این سطر مقادیر ۱۰ ستون فوق برای ورودی کنیه محاسبه می‌شود. همان‌طور که گفته شد مقدار ستون توصیف ثابت است (مربی افعال).
- شرح کنیه: کلمات جلیل/ جمال/ جلال/ نور/کشف/ظهور/ تکمیل/ تفهیم/ مراد به‌طور ثابت به ستون‌ها اختصاص می‌یابد.
- تعداد کنیه: مقادیر موجود در این سطر به شرح ذیل محاسبه می‌شود:

کبیر	کبیر*۳۰۸۶
مدخل وسیط مجموعی	کبیر*۱۰۷
مدخل وسیط کبیر	کبیر*۳۴۴
صغیر	کبیر*۸
توصیف	مدخل وسیط مجموعی*۱۰۷
نام کبیر	مدخل وسیط مجموعی*۳۴۴
نام مجموع	مدخل وسیط مجموعی*۸
نام وسیط	مدخل وسیط کبیر*۳۴۴
نام صغیر	مدخل وسیط کبیر*۸
حروف	صغیر*۸

جدول ۸-۵

۶ سطر بعدی نیز به ترتیب ۳ سطر به ورودی لقب و ۳ سطر به نام اختصاص دارد.

- لقب: در این سطر مقادیر ۱۰ ستون فوق برای ورودی لقب محاسبه می‌شود. مقدار ستون توصیف ثابت است (مربی صفات).
- شرح لقب: کلمات جلیل/ جمال/ جلال/ نور/کشف/ظهور/ تکمیل/ تفهیم/ مراد به‌طور ثابت به ستون‌ها اختصاص می‌یابد.
- تعداد لقب: مقادیر موجود در این سطر مانند آنچه در جدول ۸-۵ برای کنیه توضیح داده شد، برای لقب محاسبه می‌شود.

- نام: در این سطر مقادیر ۱۰ ستون فوق برای ورودی نام محاسبه می‌شود. مقدار ستون توصیف ثابت است (مربی ذات).
- شرح نام: کلمات جلیل/ جمال/ جلال/ نور/کشف/ظهور/ تکمیل/ تفهیم/ مراد به‌طور ثابت به ستون‌ها اختصاص می‌یابد.
- تعداد نام: مقادیر موجود در این سطر مانند آنچه در جدول ۸-۵ برای کنیه توضیح داده شد، برای ورودی نام محاسبه می‌شود.

۹ سطر بعدی به فاتحه، واسطه و خاتمه اختصاص دارد که مقادیر آن‌ها با استفاده از ۹ سطر اول به شرح ذیل محاسبه می‌شود.

- فاتحه: در این سطر مقادیر ۴ ستون اول با استفاده از مقادیر موجود در سطر کنیه و سطر لقب محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (مربی عمر و دوام زندگی) در نظر گرفته می‌شود. ۴ ستون بعدی حاوی اسماءالحسنی مطابق با ۴ ستون اول، ستون آخر نیز حروف متناظر مقادیر موجود در سطر را نشان می‌دهد.

کبیر	کبیرکنیه+کبیر لقب
مدخل وسیط مجموعی	مدخل وسیط مجموعی کنیه+مدخل وسیط مجموعی لقب
مدخل وسیط کبیر	مدخل وسیط کبیر کنیه+مدخل وسیط کبیر لقب
صغیر	کوچک‌ترین عدد حاصل از تنزل (صغیر کنیه+ صغیر لقب)
توصیف	مقدار ثابت
نام کبیر	اسماءالحسنی بر اساس عدد کبیر
نام مجموع	اسماءالحسنی بر اساس عدد وسیط مجموعی
نام وسیط	اسماءالحسنی بر اساس عدد وسیط کبیر
نام صغیر	اسماءالحسنی بر اساس عدد صغیر
حروف	حروف متناظر

جدول ۸-۶

- شرح فاتحه: عبارات فتح جمیل/ نصرت جلیل/ بها جمال/ زینت جلال/بهجت نور/رافت کشف/ طاعت ظهور/ لطف تکمیل/ کفایت تفهیم/ حمایت مراد به‌طور ثابت به ستون‌ها اختصاص می‌یابد.

- تعداد فاتحه: مقادیر موجود در این سطر با استفاده از مقادیر موجود در سطر فاتحه مانند جدول ۸-۵ محاسبه می‌شود.
- واسطه: در این سطر مقادیر ۴ ستون اول با استفاده از مقادیر موجود در سطر کنیه و سطر نام محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (سبب دولت و مزید نعمت است) در نظر گرفته می‌شود. ۴ ستون بعدی حاوی اسماءالحسنی مطابق با ۴ ستون اول و ستون آخر نیز حروف متناظر مقادیر موجود در سطر را نشان می‌دهد.

کبیر	کبیرکنیه+کبیر نام
مدخل وسیط مجموعی	مدخل وسیط مجموعی کنیه+مدخل وسیط مجموعی نام
مدخل وسیط کبیر	مدخل وسیط کبیر کنیه+مدخل وسیط کبیر نام
صغیر	کوچک‌ترین عدد حاصل از تنزل (صغیر کنیه+ صغیر نام)

جدول ۸-۷

- شرح واسطه: عبارات قوت جمیل/ قدرت جلیل/ قبول جمال/ وصول جلال/بقا نور/دوا کشف/ ترفع ظهور/ توافق تکمیل/ فوق تفهیم/ مافوق مراد به‌طور ثابت به ستون‌ها اختصاص می‌یابد.
- تعداد واسطه: مقادیر موجود در این سطر با استفاده از مقادیر موجود در سطر واسطه مانند جدول ۸-۵ محاسبه می‌شود.
- خاتمه: در این سطر مقادیر ۴ ستون اول با استفاده از مقادیر موجود در سطر کنیه و سطر نام محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (سبب تکمیل نفس و سعادت ابدی) در نظر گرفته می‌شود. ۴ ستون بعدی حاوی اسماءالحسنی مطابق با ۴ ستون اول و ستون آخر نیز حروف متناظر مقادیر موجود در سطر را نشان می‌دهد.

کبیر	کبیر لقب+کبیر نام
مدخل وسیط مجموعی	مدخل وسیط مجموعی لقب+مدخل وسیط مجموعی نام
مدخل وسیط کبیر	مدخل وسیط کبیر لقب+مدخل وسیط کبیر نام
صغیر	کوچک‌ترین عدد حاصل از تنزل (صغیر لقب+ صغیر نام)

جدول ۸-۸

- شرح خاتمه: عبارات جد جمیل/ رضا جلیل/ تسلیم جمال/ تحمل جلال/توکل نور/رحم کشف/ تدارک ظهور/ تصارف تکمیل/ تواضع تفهیم/ تمکن مراد به‌طور ثابت به ستون‌ها اختصاص می‌یابد.
- تعداد خاتمه: مقادیر موجود در این سطر با استفاده از مقادیر موجود در سطر خاتمه مانند جدول ۸-۵ محاسبه می‌شود.

۹ سطر بعدی به نتایج اختصاص دارد که مقادیر آن‌ها با استفاده از مقادیر موجود در سطرهای فاتحه، واسطه و خاتمه محاسبه می‌شود.

- نتیجه ۱ فاتحه واسطه: در این سطر مقادیر ۴ ستون اول با استفاده از مقادیر موجود در سطر فاتحه و سطر واسطه محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (سبب زیاد شدن علم) در نظر گرفته می‌شود. ۴ ستون بعدی حاوی اسماءالحسنی مطابق با ۴ ستون اول و ستون آخر نیز حروف متناظر مقادیر موجود در سطر را نشان می‌دهد.

کبیر	کبیر فاتحه+کبیر واسطه
مدخل وسیط مجموعی	مدخل وسیط مجموعی فاتحه+مدخل وسیط مجموعی واسطه
مدخل وسیط کبیر	مدخل وسیط کبیر فاتحه+مدخل وسیط کبیر واسطه
صغیر	کوچک‌ترین عدد حاصل از تنزل (صغیر فاتحه+ صغیر واسطه)

جدول ۸-۹

- شرح نتیجه ۱: عبارات سالک جمیل/ مقاصد جلیل/ مطالب جمال/ درک جلال/وحدت نور/تایید کشف/ نور ظهور/ ضیا تکمیل/ تفهیم/ مراد به‌طور ثابت به ستون‌ها اختصاص می-یابد.
- تعداد نتیجه ۱: مقادیر موجود در این سطر با استفاده از مقادیر موجود در سطر نتیجه ۱ مانند جدول ۸-۵ محاسبه می‌شود.
- نتیجه ۲ فاتحه خاتمه: در این سطر مقادیر ۴ ستون اول با استفاده از مقادیر موجود در سطر فاتحه و سطر خاتمه محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (سبب حفظ مسائل و ظهور اشیاست) در نظر گرفته می‌شود. ۴ ستون بعدی حاوی اسماءالحسنی مطابق با ۴ ستون اول و ستون آخر نیز حروف متناظر مقادیر موجود در سطر را نشان می‌دهد.

کبیر	کبیر فاتحه+کبیر خاتمه
مدخل وسیط مجموعی	مدخل وسیط مجموعی فاتحه+مدخل وسیط مجموعی خاتمه
مدخل وسیط کبیر	مدخل وسیط کبیر فاتحه+مدخل وسیط کبیر خاتمه
صغیر	کوچک‌ترین عدد حاصل از تنزل (صغیر فاتحه+ صغیر خاتمه)

جدول ۸–۱۰

- شرح نتیجه ۲: عبارات توافق جمیل/ تصاق جلیل/ تفاصل جمال/ تفاضل جلال/تکامل نور/تراحم کشف/ تشابه ظهور/ تبیین تکمیل/ تقاطع تفهیم/ زاید المال مراد به‌طور ثابت به ستون‌ها اختصاص می‌یابد
- تعداد نتیجه ۲: مقادیر موجود در این سطر با استفاده از مقادیر موجود در سطر نتیجه ۲ مانند جدول ۸-۵ محاسبه می‌شود.
- نتیجه ۳ واسطه خاتمه: در این سطر مقادیر ۴ ستون اول با استفاده از مقادیر موجود در سطر واسطه و سطر خاتمه محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (تقرب به عالم ارواح) در نظر گرفته می‌شود. ۴ ستون بعدی حاوی اسماءالحسنی مطابق با ۴ ستون اول و ستون آخر نیز حروف متناظر مقادیر موجود در سطر را نشان می‌دهد.

کبیر	کبیر واسطه+کبیر خاتمه
مدخل وسیط مجموعی	مدخل وسیط مجموعی واسطه+مدخل وسیط مجموعی خاتمه
مدخل وسیط کبیر	مدخل وسیط کبیر واسطه+مدخل وسیط کبیر خاتمه
صغیر	کوچک‌ترین عدد حاصل از تنزل (صغیر واسطه+ صغیر خاتمه)

جدول ۸–۱۱

- شرح نتیجه ۳: عبارات ترک جمیل/ تحمیل جلیل/ تکسر جمال/ تزوج جلال/تحول نور/ترفع کشف/ تشابه ظهور/ تماثل تکمیل/ تکافی تفهیم/ لا تذرکه کیف حاله مراد به‌طور ثابت به ستون‌ها اختصاص می‌یابد.
- تعداد نتیجه ۳: مقادیر موجود در این سطر با استفاده از مقادیر موجود در سطر نتیجه ۳ مانند جدول ۸-۵ محاسبه می‌شود.

۳ سطر پایانی به نتایج اختصاص دارد که مقادیر آن‌ها با استفاده از مقادیر موجود در سطرهای کنیه، لقب و نام محاسبه می‌شود.

- جمع اصول: در این سطر مقادیر ۴ ستون اول با استفاده از مقادیر موجود در هر سه سطر کنیه، لقب و نام محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (جمعیت کمالات نفسانی و جذبات رحمانی) در نظر گرفته می‌شود. ۴ ستون بعدی حاوی اسماءالحسنی مطابق با ۴ ستون اول و ستون آخر نیز حروف متناظر مقادیر موجود در سطر را نشان می‌دهد.

کبیر	کبیر کنیه+کبیر لقب+کبیر نام
مدخل وسیط مجموعی	مدخل وسیط مجموعی کنیه+مدخل وسیط مجموعی لقب+مدخل وسیط مجموعی نام
مدخل وسیط کبیر	مدخل وسیط کبیر کنیه +مدخل وسیط کبیر لقب+مدخل وسیط کبیر نام
صغیر	کوچک‌ترین عدد حاصل از تنزل (صغیر کنیه+ صغیر لقب+ صغیر نام)

جدول ۸–۱۲

- شرح جمع اصول: عبارات عدد هو جمیل/ حفظ جلیل/ حظ جمال/ بهره جلال/شجره نور/ثمره کشف/ حیا ظهور/ اطعمه تکمیل/ البسه تفهیم/ اشربه مراد به‌طور ثابت به ستون‌ها اختصاص می‌یابد.
- تعداد جمع اصول: مقادیر موجود در این سطر با استفاده از مقادیر موجود در سطر جمع اصول مانند جدول ۸–۵ محاسبه می‌شود.

همان‌طور که در ابتدا توضیح داده شد این ابزار بر روی ۷ حالت مختلف از ورودی محاسبات را انجام می‌دهد. ۳۰ سطر فوق مربوط به بخش اول پاسخ و مربوط به اولین حالت از ورودی‌هاست (در نرم‌افزار با عدد ۱ برای هر سطر مشخص شده است). در اولین حالت، ورودی‌ها (کنیه، لقب و نام) بدون هیچ تغییری در نظر گرفته می‌شوند. در ۶ حالت بعدی، پس از تغییر ورودی‌ها به شرح ذیل، محاسبات ۳۰ سطر فوق برای آن‌ها انجام می‌شود.

- حالت ۱: ورودی بدون تغییر
- حالت ۲: در این حالت کنیه= ۵ بار تکرار کنیه، لقب= ۴ بار تکرار لقب، نام= ۳ بار تکرار نام
- حالت ۳: ورودی‌ها لفظ می‌شوند.
- حالت ۴: ورودی‌ها به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل شده و سپس بسط عربی می‌شود.

- حالت ۵: حروف تکرار از ورودی‌ها حذف می‌شوند.
- حالت ۶: ورودی‌ها لفظ شده و سپس حروف تکرار حذف می‌شوند.
- حالت ۷: ورودی‌ها بسط فارسی می‌شوند.

ترکیب سؤال با چهارحرفی

این ابزار دارای دو ورودی سؤال و ۴ حرفی است. در این روش ابتدا حروف تکراری از ورودی (سؤال) حذف می‌شود. سپس ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد برای رساندن آن به طول ۴، بینات گرفته می‌شود. سپس از ۴ حرفی اول، صفحه جفر جامع استخراج می‌شود. سپس از آن ۴ حرفی در صفحه به تعداد حروف سؤال جلو رفته و حروف را انتخاب می‌کنیم. تا زمانی که طول حروف برداشته شده کمتر از طول سؤال باشد، انتخاب حروف ادامه دارد و چنانچه لازم باشد با پایان یافتن صفحه، به صفحه بعد رفته و حروف انتخاب می‌شوند. سپس این حروف انتخاب شده با سؤال ترکیب می‌شوند. حروف نهایی (سطر ترکیب) ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد برای رساندن آن به طول ۴، بینات گرفته می‌شود. سپس یک‌بار وتد ۴ حرفی‌ها استخراج می‌شود و یک‌بار نیز وتد کل حروف. برای مثال دو ورودی «جسم» (برای ۴ حرفی) و «مهم‌ترین عامل سلامت انسان چیست» (برای سؤال) در نظر می‌گیریم. تعداد عبارت ۴ حرفی کمتر از ۴ است بینات گرفته شده و می‌شود «جسمی». سپس صفحه جفر جامع مربوط به این ۴ حرفی استخراج می‌شود (تصویر ۸-۶). به تعداد حروف سؤال (۲۵) از ۴ حرفی «جسمی» که در تصویر ... با رنگ بنفش مشخص شده به جلو حرکت می‌کنیم. سپس به این ترتیب یک حرف از سؤال و یک حرف از حروف انتخاب شده صفحه ترکیب می‌شود و سطر ترکیب تشکیل می‌شود. این سطر ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود: م ج ه س/ م م ت ی/ ر ج ی س/ ن م ع ک/ا ج م س/ ل م س ل/ ل ج ا س/ م م ت م/ا ج ن س/ س م ا ن/ ن ج ج س/ ی م س س/ ت ج ی م (دسته آخر شامل ۲ حرف ت ج است که بینات گرفته می‌شود). از ۴ حرفی‌ها وتد گرفته می‌شود، ۴ حرفی اول وتد ۱، ۴ حرفی دوم وتد ۲، ۴ حرفی سوم وتد ۳، ۴ حرفی چهارم وتد ۱ و الی‌آخر. در آخر از کل حروف وتد گرفته می‌شود، حرف اول «م» وتد ۱، حرف دوم «ج» وتد ۲، حرف سوم «ه» وتد ۳، حرف چهارم «س» وتد ۱ و الی‌آخر (تصویر ۸-۷).

محاسبه گر ابجد جفرنس - نسخه ۶،۰،۰،۳۰

اطلاعات | صفحه جفر جامع

محاسبه | اطلاعات محاسبه

صفحه: ۴ جسمی

روش: ابجدهوزحطیکلمنسعفصقرشتثخذضظغ

فرهنگ لغات: اسماء الحسنی

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

8	9	10	11	12	13	14	15	16	17
جسیح	جسیط	جسیی	جسیک	جسیل	جسیم	جسین	جسیس	جسیع	جسیف
جسکح	جسکط	جسکی	جسکک	جسکل	جسکم	جسکن	جسکس	جسکع	جسکف
جسلح	جسلط	جسلی	جسلک	جسلل	جسلم	جسلن	جسلس	جسلع	جسلف
جسمح	جسمط	جسمی	جسمک	جسمل	جسمم	جسمن	جسمس	جسمع	جسمف
جسنح	جسنط	جسنی	جسنک	جسنل	جسنم	جسنن	جسنس	جسنع	جسنف
جسسح	جسسط	جسسی	جسسک	جسسل	جسسم	جسسن	جسسس	جسسع	جسسف

- پرسش و پاسخ (۱۴)
- تکسیر (۲۳)
- جزو صفحه سطر خانه (۸)
- صفحه جفر جامع (۱۴)
  - ۴ حرفی از عدد جفر جامع
  - ۴ حرفی بر اساس زمان
  - ۴ حرفی زنجانی
  - آنالیز صفحه
  - آیه در صفحه جفر جامع
  - تجزیه و تحلیل صفحه جفر جا
  - جهات صفحه جفر جامع
  - سطور جفرجامع
  - صفحه جفر جامع
  - صفحه جفر جامع از نام سائل
  - مدخل صفحه جفر جامع

تصویر ۸–۶

محاسبه گر ابجد جفرنس - نسخه ۶،۰،۰،۳۰

اطلاعات | صفحه جفر جامع | ترکیب سوال با چهار حرفی

محاسبه | اطلاعات محاسبه

۴ حرفی: ۴ جسمی

سوال: ۲۵ مهمترین عامل سلامت انسان چیست

چیدمان | خروجی به اکسل | چاپ | تصویر | جستجو | رنگ آمیزی | ۱۰۰٪

	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11
ورودی ها											
۴ حرفی	ج	س	م	ی							
سوال	م	ه	م	ت	ر	ی	ن	ع	ا	م	ل
سطور پاسخ											
ترکیب	م	ج	ه	س	م	م	ت	ی	ر	ج	ی
وتد ۱	مجهس	نمعک	لجاس	سمان	تجیم						
وتد ۲	ممتی	اجمس	ممتم	نججس							
وتد ۳	رجیس	لمسل	اجنس	یمسس							
وتد حروف ۱	م	س	ت	ج	ن	ک	م	م	ل	س	ت
وتد حروف ۲	ج	م	ی	ی	م	ا	س	س	ج	م	م
وتد حروف ۳	ه	م	ر	س	ع	ج	ل	ل	ا	م	ا

- ابزارهای عمومی جفر جامع (۷)
  - ۲۸ درجه
  - اصول ثلاثه سید حسین اخلاط
  - اصول خمسه
  - ترکیب سوال با چهار حرفی
  - جفر جامع بر اساس ترقی حروف
  - ذکر شخصی اعظم
  - هفت بطنی اصول ثلاثه دهدار
- ابزارهای کاربردی (۳۱)
- اعراب (۴)
- امتزاجات (۱۰)
- اوفاق (۱۴)
- برنامه های کاربردی (۲)
- بسط ها (۱۳۷)
- پرسش و پاسخ (۱۴)
- تکسیر (۲۳)
- جزو صفحه سطر خانه (۸)
- صفحه جفر جامع (۱۴)

تصویر ۸–۷

هفت بطنی اصول ثلاثه دهدار

این ابزار دارای سه ورودی کنیه، لقب و نام است. برای این ۳ ورودی ۱۰ سطر تشکیل شده و مقادیر ستونی برای هر سطر محاسبه می‌شود (توجه داشته باشید ازآنجایی‌که ورودی‌ها به ۷

حالت مختلف محاسبه می‌شوند، تعداد کل سطرهای پاسخ ۷۰ می‌باشد؛ یعنی به ازای هر حالت از ورودی ۱۰ سطر تشکیل می‌شود). در زیر ستون‌ها معرفی شده‌اند.

- کبیر: مقدار ورودی (سطر) به ابجد کبیر
- تنزل ۲- تنزل ۸: اعداد حاصل از تنزل مدخل کبیر
- توصیف: مقدار ثابت
- نام کبیر: اسماءالحسنی مطابق با مدخل کبیر
- نام تنزل ۲- نام تنزل ۸: اسماءالحسنی مطابق با مقادیر تنزل (ستون‌های تنزل ۲- تنزل ۸)
- حروف: حروف متناظر مقادیر عددی سطر

برای محاسبه هر سطر مقدار عددی ورودی در توالی ابجد کبیر تنزل داده شده و عدد اول (بزرگ‌ترین عدد) می‌شود کبیر. در ادامه سطرها معرفی شده‌اند.

- کنیه: در این سطر مقدار عددی کنیه تنزل داده شده و مقادیر ستون‌ها محاسبه می‌شود. همان‌طور که گفته شد مقدار ستون توصیف ثابت است (مربی افعال).
- لقب: در این سطر مقدار عددی لقب تنزل داده شده و مقادیر ستون‌ها محاسبه می‌شود. مقدار ستون توصیف ثابت است (مربی صفات).
- نام: در این سطر مقدار عددی نام تنزل داده شده و مقادیر ستون‌ها محاسبه می‌شود. مقدار ستون توصیف ثابت است (مربی ذات).
- فاتحه: در این حاصل جمع مقدار عددی کنیه و لقب تنزل داده شده و مقادیر ستون‌ها محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (مربی عمر و دوام زندگی) در نظر گرفته می‌شود.
- واسطه: در این حاصل جمع مقدار عددی کنیه و نام تنزل داده‌شده و مقادیر ستون‌ها محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (سبب دولت و مزید نعمت است) در نظر گرفته می‌شود.
- خاتمه: در این حاصل جمع مقدار عددی لقب و نام تنزل داده شده و مقادیر ستون‌ها محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (سبب دولت و مزید نعمت است) در نظر گرفته می‌شود.

- جمع ۱: در این حاصل جمع مقدار عددی فاتحه و واسطه تنزل داده شده و مقادیر ستون‌ها محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (سبب تکمیل نفس و سعادت ابدی است) در نظر گرفته می‌شود.
- جمع ۲: در این حاصل جمع مقدار عددی فاتحه و خاتمه تنزل داده شده و مقادیر ستون‌ها محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (سبب زیاد شدن علم) در نظر گرفته می‌شود.
- جمع ۳: در این حاصل جمع مقدار عددی واسطه و خاتمه تنزل داده شده و مقادیر ستون‌ها محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (تقرب به عالم ارواح) در نظر گرفته می‌شود.
- جمع اصول: در این حاصل جمع مقدار عددی کنیه و لقب و نام تنزل داده شده و مقادیر ستون‌ها محاسبه می‌شود. برای ستون توصیف مقدار ثابت (تقرب به عالم ارواح) در نظر گرفته می‌شود.

همان‌طور که در ابتدا توضیح داده شد این ابزار بر روی ۷ حالت مختلف از ورودی محاسبات را انجام می‌دهد. ۱۰ سطر فوق مربوط به بخش اول پاسخ و مربوط به اولین حالت از ورودی‌هاست (در نرم‌افزار با عنوان بطن ۱ مشخص شده است). در اولین حالت، ورودی‌ها (کنیه، لقب و نام) بدون هیچ تغییری در نظر گرفته می‌شوند. در ۶ حالت بعدی، پس از تغییر ورودی‌ها به شرح ذیل، محاسبات انجام می‌شود.

- بطن ۱: ورودی بدون تغییر
- بطن ۲: در این حالت کنیه= ۵ بار تکرار کنیه، لقب= ۴ بار تکرار لقب، نام= ۳ بار تکرار نام
- بطن ۳: ورودی‌ها لفظ می‌شوند.
- بطن ۴: ورودی‌ها به مقدار عددی آن در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل شده و سپس بسط عربی می‌شود.
- بطن ۵: حروف تکرار از ورودی‌ها حذف می‌شوند.
- بطن ۶: ورودی‌ها لفظ شده و سپس حروف تکرار حذف می‌شوند.
- بطن ۷: ورودی‌ها بسط فارسی می‌شوند.

۹. پرسش و پاسخ

در جفر برای رسیدن به جواب پرسش‌ها، از روش‌های گوناگونی استفاده می‌شود. این روش‌ها به لحاظ پیچیدگی در عملیات متفاوت بوده، برخی بسیار پیچیده و برخی ساده محسوب می‌شوند. همچنین اعتبار روش‌ها نیز متفاوت است. این مسئله که فرد چه روشی را برای رسیدن به پاسخ انتخاب کند به موارد مختلفی از جمله نوع سؤال و تجربه و مهارت جفار بستگی دارد. ضمن اینکه این نکته را هم باید مدنظر داشت وقتی‌که یک روش برای یک فرد خوب پاسخ می‌دهد لزوماً به این معنا نیست که این روش برای سایرین نیز خوب پاسخ می‌دهد. به عبارتی ممکن است هر جفاری از یک روش خاص پاسخ‌های بهتری بگیرد.

پرسش و پاسخ جفری از ۳ گام تشکیل شده است: پرسش، روش جفری و نطق پاسخ. در هر گام نکات مهمی وجود دارد که باید به آنها توجه نمود. اولین نکته، سوال است، سوال باید دقیق و کامل باشد، برای مثال "علی در چه حالی است؟"، یک سوال نامناسب است، زیرا مشخص نیست علی کیست و منظور از در چه حالی است، چیست. سوالات به دوسته کلی و منحصر به فرد تقسیم می‌شوند، سوالاتی از قبیل "امام زمان کیست؟"، "امام اول شیعیان کیست؟" در گروه سوالات کلی قرار دارند، و سوالات منحصر به فرد، سوالاتی هستند که به صورت دقیق و مشخص در خصوص یک فرد خاص طراحی می‌شوند که در بخش چگونه سوال کنیم به آن اشاره خواهد شد. در خصوص سوالات کلی، نیازی به درج زمان در متن پرسش ندارند. اما همین پرسشهای کلی نیز باید دقیق درست پرسیده شوند، برای مثال "امام اول کیست؟" یا "امام زمان کیست؟"، سوالات درست و دقیقی نیستند، و باید اینطور پرسیده شوند "امام اول شیعیان کیست؟"، یا "امام زمان شیعیان کیست؟".

همانطور که اشاره شد گام دوم پس از سوال، روش جفری است که در این فصل به شرح برخی از روش‌های پرسش و پاسخ که در نرم افراز جفر نستوه ارائه شده پرداخته شده است. گام سوم نطق پاسخ است که در این خصوص هم نکات مهمی ارائه می‌شود.

در یک روش *کلی پرسش و پاسخ به* شرح ذیل انجام می‌شود:

- حذف مکرر از سؤال (در صورت تمایل)
- قرار دادن در یک بسط
- لفظ کردن پاسخ بسط (در صورت تمایل)
- تکسیر مؤخر و صدر

سطرهای پاسخ به ۳ قسمت تقسیم می‌شود: قسمت اول به گذشته، قسمت دوم به حال و قسمت سوم به آینده اختصاص دارد. برای نطق دقت کنید که پاسخ مدنظر از کدام‌یک از قسمت‌ها استخراج می‌شود.

چطور سؤال کنیم؟

اولین گام در رسیدن به پاسخ مناسب بیان صحیح سؤال است. توجه به نکاتی که در ادامه آمده است به پرسیدن سؤال مناسب کمک می‌کند.

- حتی‌الامکان سؤال کامل باشد.
- می‌تواند با یا علیم، یا الله یا ... شروع شود.
- چنانچه اسم شخصی در متن سؤال است تا آنجا که ممکن است باید یکتا باشد یعنی به‌عنوان مثال ... بن/بنت ... بن/بنت ... ساکن ... شهر ... محله ...کوچه ... طبقه ...
- تاریخ سؤال به هجری شمسی یا قمری یا میلادی آورده می‌شود. می‌توان از طالع‌ها نیز استفاده کرد. هر چه نوع تاریخ کامل‌تر باشد بهتر خواهد بود. لازم به ذکر است در برخی روش‌ها از جمله روش حلاج به دلیل محاسبه زمان و طالع و استفاده از آن در خود محاسبات نیازی به گنجاندن آن در صورت سؤال نیست.

مثال: یا الله برای پیشرفت در کار رضا بن محمد بن صادق ساکن تهران محله شهرآرا خیابان رکویی کوچه سیمین پلاک بیست و یک طبقه پنجم واحد چهارده چه کار باید کرد، وقت سوال شنبه یازدهم ابان هزار سیصد هشتاد نه هجری شمسی طالع وقت قوس

چطور نطق کنیم؟

نطق یعنی به زبان آوردن حروف و تشخیص جواب حاصله. برای نطق دو روش وجود دارد، روش سطری و روش ستونی.

روش سطری

در این روش حروف پشت سر هم برداشته شده و بررسی می‌گردد. برای مثال در رشته حروف «ش س ل ا م ک ل د» کلمه سلام به صورت مستقیم از حرف دوم قابل مشاهده است، همچنین کلمه کمال از سومین حرف به صورت معکوس وجود دارد، همچنین کلمه سالک به صورت مختلط (مخلوط) از حرف دوم تا حرف ششم دیده می‌شود.

اولویت انتخاب کلمات بر اساس مستقیم، معکوس و مختلط است، یعنی کلمه "سلام" بر "کمال" و "کمال" بر "سالک" ارجحیت دارد. برای انتخاب هر کلمه از سری حروف، فقط یک کلمه استخراج می‌گردد، یعنی شما با استفاده رشته حروف فوق نمی‌توانید عبارت سلام کمال را استخراج کنید، زیرا حروف «م ا ل» قبلا در کلمه "سلام" استفاده شده است، حال اگر رشته حروف به شکل «س ل ا م ل ا م ک» بود می‌توانستید "سلام کمال" را استخراج کنید. در استخراج کلمات مختلط نباید فاصله حروف از نیم طول کلمه بیشتر باشد، یعنی اگر کلمه ای ۴ حرف داشت، فقط با دو فاصله از جایگاه آن در کلمه می‌توانید آن حرف را انتخاب کنید. برای مثال رشته حروف «ش س ل ا م ک ل د» در نظر بگیرید. برای انتخاب کلمه "سالک" حرف «س» انتخاب شده و «ا» ۲ حرف از «س» فاصله دارد، پس قابل قبول است. «ل» یک حرف فاصله دارد آن نیز قابل قبول است. «ک» حرف پنجم نسبت به «س» است و با جایگاهش در کلمه سالک (حرف چهارم) یک حرف فاصله دارد و مورد قبول است. اگر رشته حروف به این ترتیب «س ل ا م ی ب د ک ل د» بود، چون حرف ک نسبت به س ۷ حرف فاصله داشته و اختلاف از موقعیت «س» بیشتر از نصف طول کلمه "سالک" است (یعنی ۴ حرف – ۷ حرف می‌شود ۳ حرف و طول مجاز ۲ حرف است)، پس نمی‌توان کلمه "سالک" را انتخاب نمود.

روش ستونی

انتخاب حروف در روش ستونی همانند روش سطری است با این تفاوت که در روش ستونی فقط می‌توان یک حرف از هر ستون انتخاب کرد. به جدول ۹-۱ توجه کنید از ستون اول «ا»، از ستون دوم «س» از ستون سوم «م»، از ستون چهارم «ر» از ستون پنجم «ض» و از ستون ششم

«ا» انتخاب شده است، قوانین انتخاب حروف بر همان اساس روش سطری است و برای انتخاب در کلمات مختلط باید همان فاصله‌ها در نظر گرفته شود.

۱	ش	س	ل	ا	م	ا
۲	ا	ب	م	ر	د	ن
۳	ک	ل	ف	ج	ض	خ
پاسخ	ا	س	م	ر	ض	ا

جدول ۹-۱

روش ایقغ

در این روش ابتدا حروف تکراری از ورودی (سؤال) حذف می‌شود. سپس ۴ حرف ۴ حرف جدا شده و چنانچه حروف دسته آخر کمتر از ۴ باشد برای رساندن آن به طول ۴، بینات گرفته می‌شود. برای هرکدام از ۴ حرفی‌ها به این ترتیب عمل می‌شود که مقدار عددی هر حرف از ۴ حرفی محاسبه شده و سپس مقدار آن مطابق شرایط ذیل تبدیل می‌شود.

حرف اول:

- اگر مقدار حرف بین ۱ تا ۹ باشد، مقدار ۱ به آن اضافه می‌شود.
- اگر مقدار حرف بین ۱۰ تا ۹۹ باشد، مقدار ۱۰ به آن اضافه می‌شود.
- اگر مقدار حرف بزرگ‌تر یا مساوی ۱۰۰ باشد، نصف می‌شود.

حرف دوم:

- اگر مقدار حرف بین ۱ تا ۹ باشد، ۲ برابر می‌شود.
- اگر مقدار حرف بین ۱۰ تا ۹۹ باشد، در خودش ضرب می‌شود.
- اگر مقدار حرف بزرگ‌تر یا مساوی ۱۰۰ باشد، نصف می‌شود.

حرف سوم:

- اگر مقدار حرف بین ۱ تا ۹ باشد، ۱۰ برابر می‌شود.
- اگر مقدار حرف بین ۱۰ تا ۹۹ باشد، به مقدار عدد حرف اول توجه می‌شود به این صورت که اگر مقدار حرف اول بین ۱ تا ۹ باشد، مقدار آن به مقدار حرف سوم اضافه می‌شود و اگر مقدار حاصل بر عدد ۱۰ بخش‌پذیر بود، نصف می‌شود، در غیر این صورت

مقدار ایقع آحاد حرف اول به مقدار حرف سوم اضافه می‌شود و اگر مقدار بر ۱۰ بخش‌پذیر بود، نصف می‌شود.

- اگر مقدار حرف مساوی ۱۰۰ باشد، به ۹۰ تبدیل می‌شود.
- اگر مقدار حرف بزرگ‌تر از ۱۰۰ باشد، مقدار ۱۰۰ از آن کم می‌شود.

حرف چهارم:

- اگر مقدار حرف بین ۱ تا ۹ باشد، ۱۰ برابر شده، نصف شده و با عدد ۱۰ جمع می‌شود.
- اگر مقدار حرف بین ۱۰ تا ۹۹ باشد، ۱۰ برابر می‌شود.
- اگر مقدار حرف بزرگ‌تر یا مساوی ۱۰۰ باشد، خود عدد در نظر گرفته می‌شود.

سپس کلیه مقادیر به حروف ابجد کبیر تبدیل شده و پشت سر قرار می‌گیرد. پس‌ازاینکه کلیه ۴ حرفی‌ها به همین ترتیب انجام شد سطر حاصل لفظ می‌شود. سپس سطر به دست آمده تکسیر مؤخر و صدر می‌شود و سطرهای پاسخ ایجاد می‌شود. برای روشن‌تر شدن نحوه انجام محاسبات، نمونه سؤال ذیل با استفاده از این روش پاسخ داده شده است.

سؤال: یا الله نرم‌افزار ابجد پنج در چه باب است وقت
سؤال هزار و سیصد و نود و هفت هجری شمسی روز
دوشنبه صاحب یوم قمر ساعت ده و دو دقیقه
صاحب ساعت شمس

برای پاسخ پس از حذف مکرر (سطر ۱)، حروف باقیمانده ۴ حرف ۴ حرف جدا می‌شود و مقدار عددی هر یک از حروف ۴ حرفی محاسبه می‌شود. برای سهولت در مطالعه، این محاسبات در قالب جدول ۹-۲ نشان داده شده است. این جدول شامل ۵ ستون است که به ترتیب ۴ حرفی و نحوه محاسبه حروف اول تا چهارم هرکدام را نشان می‌دهد. در سر ستون‌های مربوط به محاسبات هر حرف، دو ردیف قرار دارد که ردیف بالا شرط را بیان می‌کند و ردیف پایین نحوه محاسبه مقدار حرف (x) در صورت برقراری آن شرط را نشان می‌دهد.

۴ حرفی	حرف اول			حرف دوم			حرف سوم				حرف چهارم		
	1<x<9	10<x<99	100<x	1<x<9	10<x<99	100<=x	1<x<9	10<x<99	x=100	100<x	1<x<9	10<x<99	100<=x
	۱+x	۱۰+x	x/۲	x*۲	x* x	x/۲	x*۱۰	x + مقدار حرف اول یا ایقع آحاد آن (و تقسیم بر ۱۰ در صورت بخش‌پذیری)	x=۹۰	x -۱۰۰	x※۱۰/۲+۱۰	x*۱۰	x
ی ا ل ه	ی ۱۰+۱۰=۲۰			ا ۱※۲=۲			ل ۳۰+۱=۳۱				ه ۵※۱۰/۲+۱۰=۳۵		
ن ر م ف	ن ۱۰+۵۰=۶۰			ر ۲۰۰/۲=۱۰۰			م ۴۰+۵=۴۵				ف ۸۰※۱۰=۸۰۰		
ز ب ج د	ز ۱+۷=۸			ب ۲※۲=۴			ج ۳※۱۰=۳۰				د ۴※۱۰/۲+۱۰=۳۰		
س ت و ق	س ۱۰+۶۰=۷۰			ت ۴۰۰/۲=۲۰۰			و ۶※۱۰=۶۰				ق ۱۰۰		
ص ش ح ع	ص ۱۰+۹۰=۱۰۰			ش ۳۰۰/۲=۱۵۰			ح ۸※۱۰=۸۰				ع ۷※۱۰=۷۰۰		

جدول ۹-۲

پس از محاسبه، کلیه مقادیر به حروف متناظر در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود (سطر ۲).

مقدار	۲۰	۲	۳۱	۳۵	۶۰	۱۰۰	۴۵	۸۰۰	۸	۴	۳۰	۳۰	۷۰	۲۰۰	۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۵۰	۸۰	۷۰۰
حروف	ک	ب	لا	له	س	ق	مه	ض	ح	د	ل	ل	ع	ر	س	ق	ق	قن	ف	ذ

جدول ۹–۳

سپس این سطر لفظ شده و سطر ۳ را تشکیل می‌دهد. سطر ۳ تکسیر مؤخر و صدر می‌شود و سطرهای پاسخ تشکیل می‌شود.

تصویر ۹–۱

روش حلاج

در این روش ابتدا نیاز به دانستن طالع وقت است. برای استخراج طالع وقت، زمان سؤال (دقیقاً زمانی که سؤال را طرح می‌کنیم) انتخاب کرده و با استفاده از نرم‌افزارهای نجومی[۳۲] طالع وقت را محاسبه می‌کنیم. سپس سطر ۱ به این ترتیب تشکیل می‌شود. کلمه طالع، نام طالع وقت، کلمه رابع، ۴ خانه جلوتر از طالع نفس خانه طالع، کلمه سابع، ۷ خانه جلوتر از طالع نفس خانه طالع، کلمه عاشر، ۱۰ خانه جلوتر از نفس خانه طالع به‌عنوان مثال: طالع *میزان* رابع جدی‌سابع *حمل* عاشر *سرطان*. سپس مقدار عددی سطر ۱، طول و تعداد نقطه‌های آن به ترتیب به حروف ابجد کبیر تبدیل می‌شوند و حروف به دست آمده لفظ شده و سطر ۲ حاصل می‌شود. برای

۳۲. برای محاسبه طالع وقت می‌توانید به قسمت نجوم در که منوی ابزارهای سودمند نرم‌افزار جفر نس قرار دارد مراجعه کنید.

محاسبه سطر ۳، زمان سؤال را انتخاب کرده و در بخش نجوم اطلاعات مربوط به صاحب یوم و صاحب ساعت را استخراج می‌کنیم؛ و سطر ۳ به این ترتیب شکل می‌گیرد: سؤال+ وقت سؤال...هجری شمسی روز... صاحب یوم...ساعت...صاحب ساعت... . سطر ۴ با استفاده از سطر ۳ مانند آنچه در مورد سطر ۲ گفته شد محاسبه می‌شود، یعنی مقدار عددی سطر ۳، طول و تعداد نقطه‌های آن به ترتیب به حروف ابجد کبیر تبدیل شده و سپس لفظ می‌شوند. سطر ۲ و ۴ حذف مکرر شده و به ترتیب سطرهای ۵ و ۶ را تشکیل می‌دهند. سطر ۵ و ۶ با حذف مکرر جمع شده و سطر ۷ تشکیل می‌شود. سطر ۸ بسط کسور از سطر ۷، سطر ۹ نظیره ابجدی سطر ۸ و سطر ۱۰، بسط ترفع ترقی تنزل مساوات سطر ۹ خواهد بود. در سطر ۱۱ از سطر ۱۰ بسط عزیزی گرفته شده و در سطر ۱۲ از سطر ۱۱ نظیره ابجدی گرفته می‌شود. سطر ۱۲ تکسیر مؤخر و صدر شده و ۴ سطر پاسخ تشکیل می‌شود. برای نمونه سؤال "یا الله نرم‌افزار ابجد پنج نستوه در چه باب است" با استفاده از این روش پاسخ داده شده است. توجه داشته باشید که بسته به زمان پرسیدن سؤال پاسخ می‌تواند متفاوت باشد.

تصویر ۹-۲

روش حلاج ۲

در این روش نیز مطابق آنچه در روش فوق (حلاج) توضیح داده شد، طالع وقت و زمان سؤال با سؤال ورودی ترکیب شده و سطر ۲ تشکیل می‌شود. سپس حروف تکرار حذف می‌شوند و از حروف حاصل بسط کسور گرفته می‌شود. پس‌ازاین مرحله سطور بعدی به این ترتیب تشکیل می‌شوند که یک‌بار از حاصل بسط کسورنظیره ابجدی گرفته می‌شود، از حاصل نظیره ابجدی بسط ترفع ترقی تنزل مساوات و از حاصل بسط مساوات، بسط عزیزی گرفته می‌شود (سطرهای ۵-۷)، برای بار دوم از حاصل بسط کسور (سطر ۴) بسط ترفع ترقی تنزل مساوات گرفته می‌شود و از حاصل این سطر، بسط عزیزی گرفته می‌شود. سپس برای به دست آمدن سطرهای پاسخ، حاصل بسط‌های عزیزی اول و دوم (سطرهای ۷ و ۹) به ترتیب تکسیر مؤخر و صدر شده و ۵ سطر از هرکدام آورده می‌شود. بدیهی است همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد، بسته به زمان سؤال پاسخ سطرها متفاوت خواهد بود.

تصویر ۹–۳

روش هفت بطن

سؤال ورودی بسط ۲۸ بطنی شده (و در صورت نیاز تلخیص شده) و هفت سطر اول آن انتخاب می‌شود. سپس کلیه سطور، تکسیر مؤخر و صدر می‌شوند.

تصویر ۹–۴

روش ترکیب عناصر

سؤال ورودی بسط ترکیب عناصر می‌شود و سپس حاصل کل بسط لفظ شده و تکسیر مؤخر و صدر می‌شود.

تصویر ۹–۵

روش تنزلات حرفی

در این روش ابتدا سؤال با زمان ترکیب شده و سطر ۱ تشکیل می‌شود. سپس ۴ حرف ۴ حرف جدا کرده و از هر ۴ حرف مداخل ثلاثه گرفته می‌شود. سطر ۲ مداخل ثلاثه انتخاب شده، به مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر و سپس به حروف متناظر تبدیل می‌شود. پس از تمام شدن کل حروف، سطر حاصل (در صورت تمایل) لفظ شده، سپس تکسیر مؤخر و صدر می‌شوند و سطرهای پاسخ تشکیل می‌شود. برای مثال سؤال "یا الله نرم‌افزار ابجد پنج جفر نس در چه باب است " که طالع وقت و زمان سؤال نیز به آن اضافه شده به روش ترکیب تنزلات حرفی پاسخ داده شده است.

تصویر ۹–۶

روش پانزده سطری

یکی دیگر از روش‌های پرسش و پاسخ روش پانزده سطری است که اعتبار آن در حد روش نادعلی دانسته می‌شود و همان‌طور که از نامش پیداست، برای رسیدن به پاسخ لازم است پانزده سطر مطابق با آنچه در ادامه می‌آید شکل بگیرد. برای محاسبه سطر سیزدهم یا مستحصله، روش‌های گوناگونی در منابع ارائه شده است. در کتاب حاضر دو روش که نسبت به سایر روش‌ها ارجح‌تر و صحیح‌تر است، معرفی می‌شود؛ روش ارومیه‌ای (عنصری) و روش عطاری.

در پانزده سطری، ورودی‌ها، سؤال و ۴ حرفی خواهد بود. ۴ حرفی می‌تواند یک ۴ حرفی انتخابی و یا ۴ حرفی قرآنی باشد که در جای خود توضیح داده خواهد شد. علاوه بر این امکان انتخاب روش، نوع مستحصله و همچنین سایر موارد بسته به نیاز و انتخاب جفار وجود دارد.

در این روش، برای استخراج پاسخ می‌توان از سطرهای مستحصله، نظیره یا مؤخر صدر استفاده کرد. می‌توانید پاسخ را به‌صورت سطری یا ستونی استخراج کنید. در نطق سطری، حروف به‌صورت مستقیم و معکوس یا در شرایط خاص به‌صورت مختلط، به‌صورت حروف پشت سر هم نمایان می‌شود. در حروف مختلط بایستی خوب دقت کنید تا فاصله حروف بیشتر از تعداد حروف کلمه باهم فاصله نداشته باشند. در نطق ستونی، از هر ستون یک حرف گرفته می‌شود تا به جواب مدنظر رسید، در برخی حروف تبدیلات انجام می‌پذیرد برای مثال، ک گ، ف ق، ع غ، ب پ، ز ژ، ر ز و ... در حقیقت نقطه‌های حروف می‌تواند تبدیل گردد. برای مثال اگر کلمه برف نمایان شد بسته به ارتباط با سؤال، می‌توان آن را برق نیز تفسیر کرد.

مانند روش‌هایی که پیش‌ازاین توضیح داده شد، برای روشن‌تر شدن نحوه انجام محاسبات، نمونه سؤال ذیل با استفاده از این روش پاسخ داده شده است. لازم به ذکر است، برای سهولت و امکان مقایسه نتایج محاسبات، یک ۴ حرفی مشخص (نستو) به‌طور پیش‌فرض به‌عنوان ورودی تعیین شده است (تصویر ۹-۷).

سؤال: یا الله نرم‌افزار ابجد پنج در چه باب است

سطر ۱: مدخل کبیر/ مدخل وسیط/ مدخل وسیط کبیر/ و مدخل صغیر (مداخل اربعه) صورت سؤال محاسبه می‌شود. اعداد حاصل به حروف متناظر در توالی ابجد تبدیل شده و لفظ این حروف سطر ۱ یا همان سطر اساس را تشکیل می‌دهند.
سطر ۲: از سطر اساس، نظیره گرفته شده و سطر ۲ یا همان سطر نظیره تشکیل می‌شود.

× اطلاعات نرم افزار × پرسش و پاسخ

تركيب عناصر
تفكيک حروف
تنزلات حرفی
جفر پانزده سطری
روش ایقغ
روش حلاج
روش حلاج 2
طرح غالب
طریق امتزاج سوال سائل طالع
طریق جفر جامع
مستحصله ایقغیه
منبری
نادعلی
هفت بطن

سوال: یا الله نرم افزار ابجد پنج در چه باب است ☑ 31 محاسبه

روش: نسبت عطاری مستحصله: ارومیه ای ☐ شمارش از حرف حاصل انسغ

4 حرفی قرآنی: ☑ ... 4 حرفی: نستو ☑ 4 ☑ امتحان مستحصله

100% جستجو: جستجو

سوال سطر 1	ی	ا	ا	ل	ل	ه	ن	ر	م	ا	ف	ز	ا	ر	ا	ب	ج	د	ب	ن
	ب	ا	س	ت																
1ـ اساس	ط	ا	ص	ا	د	ش	ی	ن	غ	ی	ن	د	ا	ل	ص	ا	د	ح	ا	م
2ـ نظیره	ث	س	د	س	ص	ز	خ	غ	ن	خ	غ	ص	س	ض	د	س	ص	ت	س	ظ
3ـ نسبت اساس	9	9	9	4	12	3	5	5	1	5	20	4	3	3	9	4	4	8	4	4
4ـ نسبت نظیره	30	6	6	6	63	42	6	5	30	6	9	6	12	4	6	6	36	6	6	6
5ـ تتمه اولی	21	3	3	2	51	39	1	10	29	1	11	2	9	1	3	2	32	2	2	2
6ـ حاصل اساس و نظیره	45	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	6

تصویر ۹–۷

سطر ۳: برای محاسبه سطر ۳، با توجه به روش انتخاب شده (عطاری، نسبت نستوه، یا نسبت سوم) لازم است از جدول ۹*۹ خاص آن روش استفاده شود. در مثالی که ارائه می‌شود، روش عطاری انتخاب شده و مطابق جدول مربوط به آن (جدول ۹-۴) سطر ۳ محاسبه می‌شود. به این ترتیب که هر یک از حروف سطر اساس به آحاد برده می‌شود، سپس یک‌به‌یک جلو می‌رویم، عدد اول مشخص‌کننده شماره سطر و عدد بعد از آن نشان‌دهنده شماره ستون در جدول مربوط می‌باشد. به آخرین عدد که رسیدیم، برای عدد بعد از آن، اولین مقدار را در نظر می‌گیریم. با محاسبه شماره سطر و ستون عدد مربوط از جدول ۹ در ۹ استخراج می‌شود. در مثال ما همان‌طور که در تصویر ۹-۷ نشان داده شده است، حرف اول از سطر اساس «ط» (آحاد=۹) و حرف بعد از آن «ا» (آحاد=۱) به این ترتیب اولین عدد در سطر نسبت اساس، عددی است در جدول ۹-۴ که در ردیف ۹ و در ستون اول قرار دارد (۹).

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۲	۱۸	۴	۱۴	۳	۱۰	۲	۶	۲	۲
۳	۳	۲۴	۲۱	۳	۱۵	۱۲	۳	۶	۳
۴	۳۶	۴	۲۸	۶	۲۰	۴	۱۲	۲	۴
۵	۴۵	۴۰	۳۵	۳۰	۵	۲۰	۱۵	۱۰	۵
۶	۶	۱۲	۴۲	۶	۳۰	۶	۳	۳	۶
۷	۶۳	۵۶	۷	۴۲	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷
۸	۷۲	۸	۵۶	۱۲	۴۰	۴	۲۴	۴	۸
۹	۹	۷۲	۶۳	۶	۴۵	۳۶	۳	۱۸	۹

جدول ۹–۴

سطر ۴: درست مانند سطر ۳ محاسبه می‌شود با این تفاوت که این بار به‌جای سطر اساس، از سطر نظیره یا همان سطر ۲ استفاده می‌شود.

سطر ۵: حاصل جمع یا تفریق اعداد متناظر در سطر ۳ و ۴ است به این ترتیب که اگر اعداد یکسان بود باهم جمع می‌شود و اگر متفاوت بود حاصل اختلاف آن‌ها در سطر ۵ قرار می‌گیرد.

سطر ۶: برای محاسبه این سطر، یک حرف از سطر اساس انتخاب می‌شود و یک حرف از سطر نظیره، مقدار آحاد حرف انتخاب شده از سطر اساس، شماره سطر و مقدار آحاد حرف انتخاب شده از سطر نظیره، شماره ستون را در جدول ۹*۹ مورد استفاده (جدول ۹–۴) مشخص کرده و عدد مربوط از جدول استخراج می‌شود. در مثال ما، حرف اول از سطر اساس «ط»(آحاد=۹) و حرف اول از سطر نظیره «ث»(آحاد=۵)، یعنی سطر ۹ و ستون ۵ که عدد خانه مربوط می‌شود ۴۵.

سطر ۷: همان سطر ۶ است با این تفاوت که اعداد سطر ۶ یک خانه به راست جا به جا می‌شوند، یعنی عدد دوم سطر ۶ به سمت راست جا به جا شده و می‌شود عدد اول سطر ۷، به همین ترتیب الی‌آخر. اولین عدد سطر ۶، آخرین عدد سطر ۷ خواهد بود.

سطر ۸: حاصل جمع یا تفریق اعداد متناظر در سطر ۶ و ۷ است به این ترتیب که اگر اعداد یکسان بود باهم جمع می‌شود و اگر متفاوت بود حاصل اختلاف آن‌ها در سطر ۸ قرار می‌گیرد.

سطر ۹: حاصل جمع یا تفریق اعداد متناظر در سطر ۸ و ۵ است به این ترتیب که اگر اعداد یکسان بود باهم جمع می‌شود و اگر متفاوت بود حاصل اختلاف آن‌ها در سطر ۹ قرار می‌گیرد.

سطر ۱۰: مقادیر سطر ۹ به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود.

سطر ۱۱: سطر قوا بر مبنای سه سطر اساس، نظیره و حاصل محاسبه می‌شود. برای سهولت محاسبه دو جدول در نظر گرفته شده است، جدول حروف مجاز برای استخراج قوا (جدول ۹-۵) و جدول روش محاسبه (جدول ۹-۶). حروف سطر حاصل، یک‌به‌یک انتخاب می‌شود و حروف مجاز مرتبط با آن استخراج می‌شود، سپس با استفاده از جدول روش محاسبات جلو می‌رویم تا اولین حرفی که در دسته حروف مجاز مرتبط باشد پیدا کرده و آن را انتخاب کنیم.

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
حروف مجاز	عقفی	ارجک	بشدل	جتهم	دثون	هخزس	ودحع	زضطف	حطیص	طقکا	یرلب	کشمج	لتند	مشسه
حرف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
حروف مجاز	نخعو	سذفز	عضصح	فظقط	صغریا	قکشب	رلتج	شمثد	تنخه	ثسذو	خعضز	ذفظح	ضصغط	طقای

جدول ۹-۵ حروف مجاز

روش کلی محاسبات بر مبنای جمع و کسر مقدار اساس (نظیره) با حرف حاصل و اعداد بازه ۰-۳۰ مطابق با جدول ۹-۶ می‌باشد.

اساس + حرف حاصل+n	۱
نظیره + حرف حاصل+n	۲
اساس - حرف حاصل+n	۳
نظیره - حرف حاصل+n	۴
اساس + حرف حاصل-n	۵
نظیره + حرف حاصل-n	۶
اساس - حرف حاصل-n	۷
نظیره - حرف حاصل-n	۸

جدول ۹-۶ روش محاسبه

اما توجه داشته باشید، هنگامی‌که می‌خواهیم اساس (نظیره) و حاصل را با اعداد ۴-۰ جمع و کسر کنیم، محاسبات با ترتیب متفاوتی نسبت به جدول فوق انجام می‌شود. به همین دلیل، محاسبات با اعداد ۴-۰ در قالب جدول جداگانه‌ای (جدول ۹-۷) نشان داده شده است. از عدد ۴ به بعد محاسبات بر اساس توالی همان جدول ۹-۶ انجام می‌شود.

روش	ردیف	روش	ردیف	روش	ردیف
اساس-حاصل+۳	۲۴	اساس+حاصل-۲	۱۲	اساس+ حاصل	۰
نظیره-حاصل+۳	۲۵	نظیره+حاصل-۲	۱۳	نظیره+حاصل	۱
اساس-حاصل-۳	۲۶	اساس+حاصل+۲	۱۴	اساس- حاصل	۲
نظیره-حاصل-۳	۲۷	نظیره+حاصل+۲	۱۵	نظیره - حاصل	۳
اساس+حاصل-۴	۲۸	اساس-حاصل+۲	۱۶	اساس+حاصل-۱	۴
نظیره+ حاصل-۴	۲۹	نظیره- حاصل+۲	۱۷	نظیره+حاصل-۱	۵
اساس+حاصل+۴	۳۰	اساس- حاصل-۲	۱۸	اساس+حاصل+۱	۶
نظیره+حاصل+۴	۳۱	نظیره-حاصل-۲	۱۹	نظیره+حاصل+۱	۷
اساس-حاصل+۴	۳۲	اساس+حاصل-۳	۲۰	اساس-حاصل+۱	۸
نظیره- حاصل+۴	۳۳	نظیره+حاصل-۳	۲۱	نظیره- حاصل+۱	۹
اساس-حاصل-۴	۳۴	اساس+حاصل+۳	۲۲	اساس-حاصل-۱	۱۰
نظیره-حاصل-۴	۳۵	نظیره+حاصل+۳	۲۳	نظیره-حاصل-۱	۱۱

جدول ۹-۷

در مثال ما، حرف اول از سطر اساس «ط»، حرف اول نظیره «ث» و حرف اول حاصل «ص» می‌باشد که به مقدار عددی اشان در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شوند، ط=۹، ث=۲۳ و ص=۱۸. مطابق با جدول حروف مجاز قوا، برای حرف «ص»، توالی «فظقط» انتخاب می‌شود. بر مبنای جدول روش محاسبه، پیش رفته و حروف قوا را چک می‌کنیم. اساس+ حاصل: ۲۷= ۱۸+۹ و ۲۷ به ابجد وضعی «ظ»؛ ازآنجایی که این حرف در میان حروف مجاز مرتبط قرار دارد انتخاب می‌شود. چنانچه حرف به دست آمده در میان حروف مجاز نبود، مطابق جدول به سراغ ردیف بعدی محاسبه رفته و مقدار نظیره با حرف حاصل جمع می‌شد.

سطر ۱۲: همان‌طور که در ابتدا اشاره شد، در این روش علاوه بر سؤال، به ورودی ۴ حرفی نیز نیاز داریم که برای محاسبه سطر حاصل مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۴ حرفی می‌تواند دو حالت داشته باشد، یا یک ۴ حرفی از پیش تعیین‌شده داریم و یا با استفاده از قرآن یک ۴ حرفی استخراج می‌شود (۴ بار قرآن باز می‌شود و اولین حرف صفحه انتخاب می‌شود) و همراه با وقت سؤال (اگر ۴ حرفی به روش قرآنی استخراج شود، وقت سؤال درج می‌شود) برای به دست آوردن ۴ حرفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این ترتیب که از وقت سؤال بخش مربوط به تاریخ "سال هزار چهارصد و چهل هجری قمری...." انتخاب می‌شود. مقدار آن به ابجد کبیر محاسبه شده، سپس اعداد موجود در مقدار باهم جمع می‌شوند. حاصل، طرح ۲۸ شده و به حرف متناظرش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود. این حرف، اولین حرف ۴ حرفی خواهد بود. برای حرف دوم، ساعت سؤال که در قسمت وقت آماده به‌صورت ۲۴ ساعته محاسبه شده به حروف متناظرش در توالی ابجد وضعی نوشته می‌شود. برای حرف سوم، طالع وقت به ابجد کبیر و سپس به حروف متناظرش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود؛ و در آخر، برای حرف چهارم، ۴ حرفی گرفته شده از قرآن به مقدار عددی‌اش در توالی ابجد کبیر تبدیل می‌شود، اعداد موجود در حاصل باهم جمع شده، طرح ۲۸ می‌شود و به حروف متناظرش در ابجد وضعی تبدیل می‌شود. به این ترتیب یک ۴ حرفی ایجاد می‌شود.

۴ حرفی حاصل به ایقع آحاد برده شده، طرح ۲۸ می‌شود. عدد به دست آمده به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود، مجدد به ایقع آحاد برده شده و طرح ۲۸ می‌شود. عدد نهایی به دست آمده، در مرحله بعد برای محاسبه مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این ترتیب که حرف‌به‌حرف پیش می‌رویم، یک حرف از اساس، یک حرف از نظیره، یک حرف از سطر قوا و حرف متناظر با عدد به دست آمده از ۴ حرفی در مرحله قبل را انتخاب می‌کنیم. سپس این ۴

حرف به ایقع آحاد برده شده، طرح ۲۸ می‌شود و به حروف متناظر در توالی ابجد وضعی تبدیل شده و حرف حاصل به دست می‌آید. به همین ترتیب برای سایر حروف در طول سطر اساس محاسبه انجام می‌شود.

در مثال ارائه شده، ۴ حرفی «نستو» به‌عنوان ورودی انتخاب شده است. این ۴ حرفی به ایقع آحاد می‌شود ۲۱ و ۲۱ به ابجد وضعی «ش». حرف «ش» به ایقع آحاد و سپس طرح ۲۸، می‌شود ۳؛ از عدد ۳ در مرحله بعد استفاده می‌شود. حرف اول از سطر اساس «ط»، حرف اول از سطر نظیره «ث»، حرف اول از سطر قوا «ظ» و حرف متناظر با عدد ۳ (که در مرحله قبل به دست آمد) «ج». این ۴ حرف «ط ث ظ ج» به ایقع آحاد می‌شود ۲۶ و حرف متناظر آن در توالی ابجد وضعی «ض» که به‌عنوان حرف حاصل انتخاب می‌شود.

سطر ۱۳: برای محاسبه سطر مستحصله لازم است یک سلسله عملیات محاسباتی با توجه به شروط مدنظر فرد جفار انجام پذیرد. برای به دست آوردن حروف مستحصله به حروف منسوب الیه نیاز داریم که البته منسوب الیه جز سطرها محسوب نمی‌شود. در ادامه روش اجرای محاسبات جهت به دست آوردن منسوب الیه و مستحصله گام‌به‌گام تشریح می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، دو روش برای مستحصله معرفی می‌شود، ابتدا روش ارومیه‌ای (عنصری) و سپس روش عطاری.

مستحصله ارومیه‌ای (عنصری)

محاسبه بعد ابجدی: اولین گام محاسبه، به دست آوردن بعد ابجدی است. برای این منظور طبع حروف ۴ حرفی ورودی استخراج شده و سطر اساس و نظیره تشکیل می‌شود (منظور از سطر اساس نظیره، جمع سطر اساس و نظیره پشت سر هم است). اولین حرف از سطر حاصل یا همان سطر ۱۲ انتخاب می‌شود، شروط ذیل بررسی شده و متناسب با آن محاسبه انجام شود. اگر حرف حاصل در سطر اساس و نظیره باشد و طبع آن نیز جزو طبع حروف ۴ حرفی باشد و درعین‌حال اولین بار محاسبه باشد (چنانچه بعداً خواهید دید لازم خواهد بود به دفعات، محاسبه بعد ابجدی برای یک حرف انجام شود. در حال حاضر کافی است به یاد داشته باشید گرفتن بعد ابجدی هر حرف یک عمل تکرارشونده است) حرف انتخاب شده از سطر حاصل به‌عنوان حرف منسوب الیه نگه داشته می‌شود که بعد ابجدی آن صفر خواهد بود؛ اما چنانچه حرف انتخاب شده از سطر حاصل، در سطر اساس نظیره نباشد و یا طبع آن نیز جزو طبع حروف ۴ حرفی نباشد و

یا دفعه اول محاسبه نباشد، با استفاده از روشی که در ادامه آماده است، حرف منسوب الیه را به دست می‌آوریم.

با استفاده از جدول ۹-۸ حروف متناظر حرف حاصل را استخراج می‌کنیم. از نقطه شروع (که بار اول، همان اولین حرف است) یک‌به‌یک جلو می‌رویم، یعنی یک حرف انتخاب می‌کنیم و بررسی می‌کنیم. اگر آن حرف در سطر اساس نظیره بود، طبع آن را بررسی می‌کنیم. اگر طبع آن جز طبایع حروف ۴ حرفی بود، آن حرف را به‌عنوان کاندید حرف منسوب الیه انتخاب کرده (ازآنجایی‌که تا رسیدن به منسوب الیه نهایی برای یک حرف حاصل، بارها امکان تغییر حرفی که به‌عنوان منسوب الیه انتخاب شده وجود دارد، کلمه کاندید استفاده شده است) و بعد ابجدی آن را مطابق جدول ۹-۹ استخراج می‌کنیم. همچنین شروع بعد ابجدی را نیز یادداشت می‌کنیم. به این معنا که در محاسبات بعدی، بررسی حروف از بعد از حرف انتخاب شده آغاز خواهد شد. به‌عنوان مثال اگر حرف سوم از دسته حروف متناظر، مطابق شروط گفته شده به‌عنوان منسوب الیه قابل‌قبول بود، بعد ابجدی آن ۶ خواهد بود و محاسبه بعد ابجدی برای دفعه بعد، از حرف چهارم آغاز خواهد شد. به‌طور خلاصه یک‌به‌یک جلو می‌رویم و بررسی می‌کنیم، هرکدام از حروف که شروط را داشته باشند کاندید حرف منسوب الیه شده و بقیه محاسبات در مراحل بعد بر مبنای آن ادامه می‌یابد، در غیر این صورت به سراغ حرف مجاز بعدی می‌رویم.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
جهزطذثبد	دوحعضخاج	هزطاظذدو	وحیدبغهز	زطکهجاح	حیلدبغهزط	طکمهجاح	یلنودبزطکم	کمسزهحی	لنعحودزط	مسفطزهلن	نعصیحوکم	سنقکطزغ	عصرلیحم
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
فقشمکطع	صرتنلیسف	قششسمک	رتخعنلفق	شثذفسمر	تخضصعنق	ثذظقفستخ	خضغرصع	ذظاشقفخ	ضغبترصثذ	ظاجثشقض	غبدخترذظا	اجهذثشغبد	بدوضخنطا

جدول ۹-۸

حرف اول	حرف دوم	حرف سوم	حرف چهارم	حرف پنجم	حرف ششم	حرف هفتم	حرف هشتم	حرف نهم	حرف دهم	حرف یازدهم	حرف دوازدهم	حرف سیزدهم	حرف چهاردهم
۲	۴	۶	۲	۴	۶	۱	۳	۵	۷	۱	۳	۵	۷

جدول ۹-۹

در محاسبه بعد ابجدی، به اولین بار محاسبه و محاسبات بعدی اشاره شد؛ اما منظور از محاسبات بعدی چیست؟

دقت داشته باشید وقتی یک حرف به‌عنوان منسوب الیه انتخاب می‌شود، مسیر عملیات را ادامه می‌دهیم یعنی با استفاده از آن به سراغ محاسبه بعد جدولی و ... می‌رویم، اما چنانچه در هرکدام از مراحل، محاسبه با آن پیش نرود و مطابق شروط مناسب نباشد، مجدد به مرحله اخذ بعد ابجدی برمی‌گردیم و مطابق روشی که در بالا شرح داده شد حرف دیگری را کاندید منسوب الیه می‌کنیم. توجه داشته باشید، اگر کلیه حرف‌های مجاز امتحان شد و امکان اخذ بعد ابجدی نبود، به جای منسوب الیه ❋ گذاشته می‌شود.

در مثال ما، اولین حرف حاصل، حرف «ض» می‌باشد، با این حرف شروع می‌کنیم و بررسی می‌کنیم که آیا این حرف شرایط لازم را داراست یا خیر. حرف «ض» در اساس نظیره وجود دارد، حالا بایستی هماهنگی آن با طبایع ۴ حرفی بررسی شود. طبع حروف ۴ حرفی همان‌طور که در تصویر ۹-۸ نشان داده شده است، آبی و بادی است و طبع حرف «ض» نیز بادی است، همچنین اولین بار محاسبه است، بنابراین حرف «ض» کاندید منسوب الیه می‌شود و به سراغ محاسبه بعد جدولی می‌رویم.



تصویر ۹-۸

محاسبه بعد جدولی: پس‌ازاینکه یک حرف به‌عنوان منسوب الیه انتخاب شد بایستی بعد جدولی را محاسبه کنیم. به این ترتیب که سطر اساس را بررسی می‌کنیم (برای بار اول از ابتدای سطر آغاز می‌کنیم)، اگر حرف کاندید منسوب الیه در سطر اساس (نظیره- مطابق با شرط موردنظر جفار) پیدا شد، بعد جدولی، فاصله حرف حاصل با حرف کاندید منسوب الیه در سطر اساس (نظیره) خواهد بود که بایستی طرح ۲۸ نیز بشود (تا در محدوده ۲۸ حرف قرار گیرد). به‌عنوان مثال اگر حرف اول از حاصل را انتخاب کرده‌ایم و حرف منسوب الیه به دست آمده، پنجمین حرف سطر اساس باشد، بعد جدولی آن می‌شود ۴.

در مثال ما، حرف «ض» به‌عنوان کاندید منسوب الیه انتخاب شد و می‌خواهیم بعد جدولی این حرف را محاسبه کنیم، این حرف در سطر اساس نیست، اما در سطر نظیره چهاردهمین حرف است. پس بعد جدولی آن می‌شود ۱۳.

برای تمرین بیشتر در این بخش، فرض کنیم حرف «ض» در سطر نظیره هم نبود و بنابراین امکان محاسبه بعد جدولی وجود نداشت، در این صورت لازم است بعد ابجدی دیگری را برای «ض» محاسبه کنیم.

مطابق با جدول ۹-۸، حروف متناظر برای حرف «ض»، «غبدخترذظاجثشقف» می‌باشد. اولین حرف را بررسی می‌کنیم، «غ»، این حرف در سطر اساس نظیره وجود دارد، اما طبع آن خاکی است و جزو طبایع حروف ۴ حرفی نیست (ن ت و= بادی، س= آب)؛ بنابراین نمی‌توان آن را انتخاب کرد. به سراغ حرف بعدی «ب» می‌رویم. به همین ترتیب ادامه می‌دهیم تا به حرفی

برسیم که هم در سطر اساس نظیره باشد و هم‌طبع آن جز طبایع ۴ حرفی. آن را به‌عنوان کاندید منسوب الیه انتخاب می‌کنیم و وارد مرحله محاسبه بعد جدولی برای آن می‌شویم.

در ادامه خواهید دید، لازم خواهد بود، تمام بعدهای جدولی یک حرف را استخراج کنید به این معنا که ممکن است، حرف کاندید منسوب الیه چندین بار در سطر اساس (نظیره) تکرار شده باشد و بدیهی است که به این ترتیب چندین فاصله یا بعد جدولی خواهد داشت.

محاسبه بعد ابجدی جدولی: پس از محاسبه بعد جدولی، بایستی بعد ابجدی جدولی محاسبه شود. برای محاسبه به دایره انسغ نیاز داریم:

دایره انسغ: ا ن س غ ب م ع ظ ج ل ف ض د ک ص ذ ه ی ق خ و ط ر ث ز ح ش ت

ابتدا بررسی می‌کنیم که حرف حاصل چندمین حرف در دایره انسغ است (شمارش حروف در دایره از صفر آغاز می‌شود). سپس بعد ابجدی (به دست آمده از مرحله ۱) را، با بعد جدولی (به دست آمده از مرحله ۲) جمع می‌کنیم. ازآنجایی‌که دایره ۲۸ حرفی است برای محدود کردن فاصله به دست آمده به ۲۸ حرف، مقدار حاصل جمع بعد ابجدی و جدولی طرح ۲۸ می‌شود و سپس به مقدار آن به جلو (به سمت انتهای توالی) و یا به سمت عقب (به سمت ابتدای توالی) حرکت می‌کنیم و به حرفی که رسیدیم آن را انتخاب می‌کنیم. سپس با استفاده از جدول ۹-۱۰ بررسی می‌کنیم که آیا حرف انتخاب شده در میان حروف دور کبیر حرف کاندید منسوب الیه می‌باشد یا خیر. چنانچه با استفاده از حاصل جمع بعد ابجدی و جدولی به نتیجه نرسید، بایستی بر مبنای حاصل تفریق به جلو یا عقب حرکت کنیم، اگر به این ترتیب هم به حرفی رسید که جز حروف مجاز نبود، مطابق با نظر جفار، می‌توان تنها از بعد ابجدی استفاده کرده و به مقدار آن در دایره به جلو یا عقب حرکت کرده و یک حرف انتخاب و بررسی شود. اگر به این ترتیب هم امکان انتخاب حرف مجاز نباشد، باز هم مطابق نظر جفار، این بار تنها از بعد جدولی استفاده‌شده و به مقدار آن در دایره انسغ به جلو یا عقب حرکت کرده و یک حرف انتخاب و بررسی می‌شود.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
عقیباسضنج	ارجکبعطخد	بشدلجفغذا	جتهمدصکضب	دثونهقشظز	هخزسورسقح	وذحعزشنکه	رضطفحتفلو	حظیصطثبمک	طقکایخصتل	یرلبکذدزط	کشمجاضذحی	لتندمظرطس	مثسهنغزاع
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
نخعوساوغم	سذفزعبشرن	عضصحفجحشق	فظقطصدیتر	صغریاقهخوف	قکشبرومعص	رلتجشزهفث	شمثدتحظصخ	تنخهثطعیش	ثسذوخیقبت	حعضرذکلجط	دفظحضلادغ	ضصغظطمتهذ	ظقایغنجسض

جدول ۹-۱۰ دور کبیر

دقت داشته باشید که استفاده از حاصل تفریق، یا بعد ابجدی و جدولی به‌تنهایی، جزو شروطی است که به‌طور پیش‌فرض در نرم‌افزار قرار دارد؛ و چنانچه این شروط مد نظر جفار نباشد، با علامت زدن گزینه‌های مربوطه می‌تواند از آن‌ها صرف‌نظر کند (تصویر ۹-۹).

تصویر ۹-۹

چنانچه با طی مراحل فوق به حرف مجاز نرسد، به مرحله قبل بازگشته و بعد جدولی دیگری را حساب می‌کنیم و بدیهی است که چنانچه امکان محاسبه بعد جدولی دیگر وجود نداشته باشد، باز یک مرحله عقب‌تر بازگشته و بعد ابجدی دیگری را برای حرف حاصل محاسبه می‌کنیم. توجه داشته باشید طبق نظر جفار شمارش از نفس حرف یا حرف پس از آن در دایره امکان‌پذیر است.

در مثال ما، اولین حرف حاصل، «ض»، یازدهمین حرف در دایره انسغ است و همان‌طور که در قسمت‌های قبل دیدید، بعد ابجدی آن صفر و بعد جدولی نیز ۱۳ باشد، ۱۳=۰+۱۳، بنابراین مطابق با شروط موردنظر فوق، به تعداد ۱۳ حرکت کرده و یک حرف را انتخاب می‌کنیم. از نفس حرف حاصل ۱۳ حرف به جلو حرکت می‌کنیم که می‌شود حرف «ث»، مطابق با جدول ۹-۱۰، حرف «ث»، در میان حروف مجاز نیست (ض، ذفظحضلادغ). این بار شمارش را به سمت عقب انجام می‌دهیم، به حرف «ت» می‌رسیم که باز هم جزو حروف مجاز نیست. چون با حاصل جمع به نتیجه نرسیدیم از حاصل تفریق استفاده می‌کنیم که باز هم عدد ۱۳ خواهد بود، ما را به نتیجه نخواهند رساند و بنابراین امکان محاسبه بعد ابجدی جدولی نیست. پس بایستی یک مرحله به عقب بازگردیم و بعد جدولی دیگری را محاسبه کنیم. در مثال ما حرف «ض» برای دومین بار به‌عنوان آخرین حرف سطر نظیره که ۲۸ امین حرف می‌باشد، آمده است؛ بنابراین بعد جدولی جدید، فاصله این حرف و حرف حاصل خواهد بود که می‌شود ۲۷. حالا محاسبه بعد ابجدی جدولی بایستی با استفاده از این مقدار طبق روشی که شرح داده شد مجدد انجام شود.

بعد ابجدی حرف کاندید منسوب الیه «ض» صفر و بعد جدولی ۲۷ می‌باشد، ۲۷=۰+۲۷، به سمت جلو حرکت می‌کنیم که می‌شود حرف «ل»، مطابق با جدول ۹-۱۰، حرف «ل»، در میان حروف مجاز است (ض، ذفظحضلادغ)؛ بنابراین حرف «ل» به‌عنوان پیش مستحصله انتخاب می‌شود.

- *در مثال ما تا به اینجا، حرف کاندید منسوب الیه، حرف «ض» و حرف پیش مستحصله «ل» می‌باشد.*

آزمون مستحصله ارومیه‌ای

تا این مرحله، حرف منسوب الیه، حرف پیش مستحصله، حرف حاصل، حروف متناظر در سطر اساس و نظیره، بعد ابجدی، بعد جدولی و بعد ابجدی جدولی را به‌عنوان ورودی‌های موردنیاز در اختیار داریم.

ابتدا شروط زیر را بررسی می‌کنیم و چنانچه هرکدام از آن‌ها برقرار بود. حرف پیش مستحصله موردقبول خواهد بود.

- اگر حرف حاصل با حرف اساس (حرف متناظر در سطر اساس) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است.
- اگر حرف حاصل با حرف نظیره (حرف متناظر در سطر نظیره) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است.
- اگر بعد ابجدی یا بعد جدولی صفر بود؛ پیش مستحصله موردقبول است.
- اگر به مقدار بعد ابجدی جدولی از حرف حاصل در انسغ شمرده شود (به سمت جلو یا خلاف توالی) و به حرف منسوب رسید، پیش مستحصله موردقبول است.

در مثال ما، شرط سوم برقرار است (بعد ابجدی صفر است) و حرف پیش مستحصله «ل» به‌عنوان مستحصله موردقبول است؛ بنابراین، برای اولین حرف حاصل «ض»، اولین حرف منسوب الیه «ض» و اولین حرف مستحصله «ل» خواهد بود (تصویر ۹-۱۰).

سوال سطر 1	ی	ا	ا	ل	ل	ه	ن	ر	م	ا	ف	ز	ا	ر	ا	ب	ج	د	ب	ن	ج	د	ر	ج	ه	ب	ا	
	ب	ا	س	ت																								
1ـ اساس	ط	ا	ص	ا	د	ش	ی	ن	غ	ی	ن	د	ا	ل	ص	ا	د	ح	ا	م	ی	م	ق	ا	ف	د	ا	ل
2ـ نظیره	ث	س	د	س	ص	ز	خ	غ	ن	خ	غ	ص	س	ض	د	س	ص	ت	س	ظ	خ	ظ	ه	س	چ	ص	س	ض
3ـ نسبت اساس	9	9	9	4	12	3	5	5	1	5	20	4	3	3	9	4	4	8	4	4	4	4	1	8	4	4	3	3
4ـ نسبت نظیره	30	6	6	6	63	42	6	5	30	6	9	6	12	4	6	6	36	6	6	6	6	45	30	3	3	6	12	40
5 ـ تتمه اولی	21	3	3	2	51	39	1	10	29	1	11	2	9	1	3	2	32	2	2	2	2	41	29	5	1	2	9	37
6ـ حاصل اساس و نظیره	45	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24
7ـ حاصل دوم اساس و نظیره	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24	45
8 ـ تتمه ثانی	39	30	30	30	15	15	1	10	1	1	31	30	18	12	30	30	32	2	30	30	30	31	1	18	12	30	18	21
9 ـ تتمه تتمین	18	27	27	28	36	24	2	20	28	2	20	28	9	11	27	28	64	4	28	28	28	10	28	13	11	28	9	16
10ـ حاصل اعداد	ص	ظ	ظ	غ	ح	خ	ب	ر	غ	ب	ر	غ	ط	ک	ظ	غ	ح	د	غ	غ	غ	ی	غ	م	ک	غ	ط	ع
11ـ قوا	ظ	غ	ص	ا	ض	ذ	ک	ق	ظ	ک	ق	ق	ی	ی	ص	ا	ض	م	ا	ظ	ی	ط	ق	ن	ر	ق	ی	س
وقت سوال																												
4 حرفی	ن	س	ت	و																								
12 ـ حاصل	ض	ک	ذ	ک	خ	ر	ل	ی	ص	ل	ی	ف	ک	س	ذ	ک	خ	ق	ک	ذ	ک	ذ	ی	س	ع	ف	ک	ر
منسوب الیه	ض	س	ظ	س	ض	ت	ن	ی	ص	ن	ی	ق	س	س	ظ	س	ض	ق	س	ظ	س	ظ	ی	س	ص	س	س	ت
	ت	س	ظ	س	ض	ص	ص	ی	ص	ص	ی	س	س	س	ظ	س	ض	س	س	چ	س	چ	ن	س	ص	س	س	ص
	ظ	س	چ	س	ت	ص	ص	ن	ص	ص	ن	س	س	س	چ	س	ت	س	س	ق	س	ق	ن	س	ص	س	س	ص
	ظ	س	ق	س	ص	ص	ص	چ	ت	ص	ن	س	س	س	ق	س	ص	س	س	ض	ز	ض	ن	س	ت	س	س	ن
	ق	ز	ض	ز	ص	ن	ص	ظ	ن	ص	ز	س	ز	ق	ض	س	ص	س	ز	ض	ن	ض	ز	ص	ن	س	س	ن
	ض	ن	ض	ن	ص	ن	ص	ی	س	ی	چ	س	ن	ص	ض	ز	ص	س	ن	ت	ن	ت	چ	ص	ن	ص	ز	ق
	ض	ن	ت	ص	ص	س	ی	ض	س	ی	ظ	ص	ص	ص	ت	ن	ص	ض	ن	ص	ن	ص	ظ	ص	ن	ص	ن	س
	ن	ص	ص	ص	س	س	ت	س	س	ض	ص	ص	ص	ص	ص	ن	س	ض	ص	ص	ص	ص	ی	ص	ی	ت	ن	س
13 ـ مستحصله	ل	خ	م	ن	ح	ظ	ع	ی	ی	ع	ص	ق	خ	خ	ط	س	ذ	ر	م	ه	خ	ه	ق	و	ت	غ	م	م
	خ	س	ظ	ا	ذ	ق	ق	ق	د	ط	ی	غ	ن	س	ظ	ا	غ	ن	غ	ذ	م	ف	غ	ع	ی	م	غ	ق
	ط	م	ا	غ	م	ص	ر	ث	ط	ت	ث	خ	غ	غ	ا	خ	خ	غ	خ	ی	س	خ	س	ن	ق	و	س	ص
	ه	ع	ق	خ	د	ت	ص	چ	ش	ص	ه	م	س	ع	ه	و	ف	خ	س	ل	ه	ظ	ع	ا	د	خ	خ	ه
	ق	و	ذ	ه	ر	ن	ت	ظ	ه	ق	و	س	ه	ص	ذ	غ	د	و	ن	ظ	ا	ل	ن	ظ	ز	س	و	ع
	ذ	ز	د	ع	ص	س	ط	ل	خ	ک	ذ	ن	ع	ی	غ	ش	ص	س	ا	خ	ن	د	ذ	ف	ث	ی	ن	ی
	ظ	ه	ش	ق	ظ	ا	ک	د	و	ی	ت	ی	ظ	ت	ص	ث	ط	د	ث	ف	ز	ط	ص	ی	م	ط	ع	ا
	غ	ق	ط	ظ	ی	و	ا	ش	ع	م	ظ	ظ	ص	ظ	ت	ع	م	ل	ظ	ط	ظ	ت	ث	ر	ص	ش	ث	و
14ـ نظیره ابجدی	ض	ی	ظ	غ	ت	م	ب	خ	خ	ب	د	ه	ی	ی	ث	ا	ک	و	ظ	ق	ی	ق	ه	ر	ح	ن	ظ	ظ
	ی	ا	م	س	ک	ه	ه	ه	ص	ث	خ	ن	غ	ا	م	س	ن	غ	ن	ک	ظ	چ	ن	ب	خ	ظ	ن	ه
	ث	ظ	س	ن	ظ	د	و	ط	ث	ح	ط	ی	ن	ن	س	ی	ی	ن	ی	خ	ا	ی	ا	غ	ه	ر	ا	د
	ق	ب	ه	ی	ص	ح	د	ف	ز	د	ق	ظ	ا	ب	ق	ر	چ	ی	ا	ض	ق	م	ب	س	ص	ی	ی	ق
	ه	ر	ک	ق	و	غ	ح	م	ق	ه	ر	ا	ق	د	ک	ن	ص	ر	غ	م	س	ض	غ	م	ش	ا	ر	ب
	ک	ش	ص	ب	د	ا	ث	ض	ی	ذ	ک	غ	ب	خ	ن	ز	د	ا	س	ی	غ	ص	ک	چ	ط	خ	غ	خ
	م	ق	ز	ه	م	س	ذ	ص	ر	خ	ح	خ	م	ح	د	ط	ث	ص	ط	چ	ش	ث	د	خ	ظ	ث	ب	س
	ن	ه	ث	م	خ	ر	س	ز	ب	ظ	م	م	د	م	ح	ب	ظ	ض	م	ث	م	ح	ط	و	د	ز	ط	ر
15ـ موخر و صدر	ظ	ض	ظ	ی	ن	ظ	ح	غ	ر	ت	ه	م	ق	ب	ی	خ	ق	خ	ظ	ب	و	د	ک	ه	ا	ی	ث	ی
	ه	ی	ن	ا	ظ	م	خ	س	ب	ک	ن	ه	چ	ه	ظ	ه	ک	ص	ن	ث	غ	خ	ن	ن	س	غ	م	ا
	د	ث	ا	ظ	ر	س	ه	ن	غ	ظ	ا	د	ی	و	ا	ط	خ	ث	ی	ح	ن	ط	ی	ی	ی	ن	س	ن
	ق	ق	ی	ب	ی	ه	ص	ی	س	ص	ب	ح	م	د	ق	ف	ض	ز	ا	د	ی	ق	چ	ظ	ر	ا	ق	ب
	ب	ه	ر	ر	ا	ک	ش	ق	م	و	غ	غ	ض	ح	س	م	م	ق	غ	ه	ر	ر	ص	ا	ن	ق	ک	د
	خ	ک	غ	ش	خ	ص	ط	ب	چ	د	ک	ا	ص	ث	غ	ض	ی	ی	س	ذ	ا	ک	د	غ	ز	ب	ن	خ
	س	م	ب	ق	ث	ز	ظ	ه	خ	م	د	س	ث	ذ	ش	ص	چ	ر	ط	خ	ص	ح	ث	خ	ط	م	د	ح
	ر	ن	ط	ه	ز	ث	د	م	و	خ	ط	ر	ح	س	م	ز	ث	ب	م	ظ	ض	م	ظ	م	ب	د	ح	م

تصویر ۹–۱۰

اما چنانچه هیچ‌کدام از شروط بالا برقرار نباشد، بایستی وارد مرحله تست شد که در جای خود به آن اشاره می‌شود. البته این امکان وجود دارد که طبق نظر جفار، از امتحان پیش مستحصله صرف‌نظر شود و حرف موردنظر بدون تست به‌عنوان مستحصله انتخاب شود. (تصویر ۹-۱۱).

تصویر ۹-۱۱

تا به اینجا، یک منسوب الیه و یک مستحصله انتخاب شد، حالا بایستی برای بعد جدولی بعدی، منسوب الیه و پیش مستحصله محاسبه شود؛ یعنی در هر مرحله، حرف منسوب الیه و مستحصله ذخیره شده و سپس برای همان حرف حاصل و آخرین منسوب الیهی که مشخص شده بود، دوباره محاسبه انجام می‌شود تا یک پیش مستحصله دیگر انتخاب شود. این تکرار به تعداد سطرهای مدنظر ما در خروجی مستحصله بستگی دارد، پیشنهاد ما همان‌طور که از خروجی نرم‌افزار نیز مشخص است، ۸ بار است. به این ترتیب ۸ سطر منسوب الیه و ۸ سطر مستحصله خواهیم داشت.

با مثالمان ادامه می‌دهیم. حرف کاندید منسوب الیه ما، حرف «ض» بود. بایستی بعد جدولی بعدی را برای این حرف حساب کنیم. حرف «ض»، برای بار دوم ۲۸ امین حرف سطر نظیره است؛ بنابراین بعد جدولی آن ۲۷ خواهد بود؛ که پیش‌ازاین مورد استفاده قرار گرفته است.

با توجه به اینکه حرف «ض» فقط ۲ بار تکرار شده که بعد جدولی آن‌ها قبلاً محاسبه شده است و حرف «ض» دیگری در سطر اساس و نظیره وجود ندارد، پس امکان محاسبه بعد جدولی دیگر نیست و بنابراین یک مرحله دیگر بایستی به عقب بازگردیم و این بار بعد ابجدی جدیدی را حساب کنیم.

همان‌طور که قبلاً هم توضیح داده شد، با توجه به اینکه بار اولی نیست که می‌خواهیم بعد ابجدی برای حرف «ض» حساب کنیم، بنابراین بایستی مطابق با روشی که در بخش محاسبه ابجدی گفته شد و با استفاده از حروف متناظر در جدول ۹-۸ این کار را انجام دهیم.

مطابق با جدول، حروف متناظر حرف «ض»، «غبدخترذظاجششقف» می‌باشد. اولین حرف را انتخاب می‌کنیم، حرف «غ» در سطر اساس نظیره وجود دارد. بایستی هماهنگی طبع آن با ۴ حرفی بررسی شود. طبع حروف ۴ حرفی آبی و بادی است و طبع حرف «غ» خاکی می‌باشد؛ بنابراین این حرف قابل‌قبول نیست و به سراغ دومین حرف در حروف متناظر «غبدخترذظاجششقف» یعنی حرف «ب» می‌رویم. حرف «ب» در سطر اساس نظیره وجود ندارد. به سومین حرف می‌رسیم، حرف «د» در سطر اساس نظیره وجود دارد. بایستی هماهنگی طبع آن با ۴ حرفی بررسی شود. طبع حروف ۴ حرفی آبی و بادی است و طبع حرف «د» خاکی می‌باشد، بنابراین این حرف قابل‌قبول نیست و به سراغ چهارمین حرف یعنی حرف «خ» می‌رویم. این حرف در سطر اساس نیست اما در سطر نظیره وجود دارد ولی ازآنجایی‌که طبع آن خاکی است موردقبول نمی‌باشد. به حرف پنجم می‌رسیم، «ت»، در سطر اساس نظیره وجود دارد و طبع آن بادی است که جزو طبایع حروف ۴ حرفی است؛ بنابراین حرف «ت» به‌عنوان کاندید منسوب الیه انتخاب می‌شود.

- حرف کاندید منسوب الیه از حرف «ض» به «ت» تغییر یافت و مطابق جدول ۹-۹، بعد ابجدی ۴ خواهد بود.
- با توجه به اینکه حرف کاندید منسوب الیه ما تغییر یافت، حالا بایستی محاسبه بعد جدولی و بعد ابجدی جدولی بر مبنای آن انجام شود.

برای محاسبه بعد جدولی بررسی می‌کنیم که حرف کاندید منسوب الیه «ت» در سطر اساس (نظیره) چندمین حرف است. حرف «ت» ۱۸ امین حرف در نظیره است؛ بنابراین بعد جدولی ۱۷ خواهد بود.

در این مرحله بعد ابجدی جدولی را محاسبه می‌کنیم، به مقدار حاصل جمع بعد ابجدی و جدولی (۲۱=۱۷+۴) از نفس حرف حاصل «ض» در دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «غ» می‌رسیم. با توجه به جدول ۹-۱۰، این حرف، در بین حروف مجاز نیست (ت،

شمشدتحظطصخ)؛ بنابراین به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «خ» می‌رسیم که جزو حروف مجاز است؛ بنابراین این حرف را به‌عنوان پیش مستحصله انتخاب می‌کنیم.

همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، چنانچه از حاصل جمع به حرف مجاز نرسد، از حاصل تفریق استفاده می‌شود و اگر به این ترتیب هم امکان انتخاب حرف وجود نداشت، مطابق با نظر جفار، امکان استفاده از مقدار بعد ابجدی یا جدولی به‌تنهایی وجود دارد.

- *در مثال ما تا به اینجا، حرف کاندید منسوب الیه، حرف «ت» و حرف پیش مستحصله «خ» می‌باشد.*

حالا مطابق با شروطی که ذکر شد بررسی می‌کنیم که آیا این پیش مستحصله قبول است یا خیر.

- اگر حرف حاصل با حرف اساس (حرف متناظر در سطر اساس) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است؛ در مثال، یکسان نیست.
- اگر حرف حاصل با حرف نظیره (حرف متناظر در سطر نظیره) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است؛ در مثال، یکسان نیست.
- اگر بعد ابجدی یا بعد جدولی صفر بود؛ پیش مستحصله موردقبول است؛ هیچ‌کدام صفر نیست (در مثال، بعد ابجدی: ۴، بعد جدولی: ۱۷)
- اگر به مقدار بعد ابجدی جدولی از حرف حاصل در انسغ شمرده شود (به سمت جلو یا خلاف توالی) و به حرف منسوب الیه رسید، پیش مستحصله موردقبول است.

با توجه به اینکه هیچ‌یک از شروط فوق برقرار نیست همان‌طور که اشاره شد بایستی تست انجام دهیم. برای انجام تست مستحصله ارومیه‌ای (عنصری)، موارد زیر را در نظر بگیرید:

۱. طبع حرف منسوب الیه مشخص می‌شود (در مثال ما حرف «ت» که باد است).
۲. طبایع حروف ۴ حرفی ورودی نیز مشخص می‌شود (که قبلاً مشخص شده، «ن ت و»=باد، «س» = آب).
۳. حروفی که هم‌طبع حرف منسوب الیه هستند انتخاب می‌شود (حرف هم‌طبع «ن ت و» است).
۴. حرف حاصل به مقدار متناظرش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (ض=۲۶).

۵. اولین حرفی (از حروف هم‌طبع ۴ حرفی) که با حرف حاصل (ض) یکی نیست (ن) را انتخاب کرده و به مقدار متناظرش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (ن =۱۴).

۶. فاصله حرف حاصل در دایره ابجد وضعی با حرف هم‌طبع انتخاب شده از ۴ حرفی محاسبه می‌شود. به این ترتیب که از نفس حرف کوچک‌تر (حرفی که مقدار ابجد وضعی آن کوچک‌تر است) حرکت کرده تا به حرف بزرگ‌تر برسد؛۱+ ۱۲=۱۴-۲۶. دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود.

۷. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود (۳۴=۲۱+۱۳) و سپس طرح ۲۸ می‌شود تا محدود به دایره حروف شود (۶=۲۸-۳۴).

۸. به مقدار به دست آمده از طرح ۲۸ در مرحله قبل، در دایره انسغ حرکت کرده و ۲ شرط بررسی می‌شود:

- اگر حرفی که با شمارش به آن رسیدیم با حرف پیش مستحصله یکسان باشد، آن را به‌عنوان مستحصله قبول می‌کنیم.
- اگر به حرفی رسیدیم که با حرف پیش مستحصله یکسان نیست، اما در دور کبیر پیش مستحصله و هم در دور کبیر منسوب الیه قرار دارد، حرف پیش مستحصله را به‌عنوان مستحصله قبول می‌کنیم.

شمارش و حرکت در دایره مطابق با نظر جفار می‌تواند، از الف انسغ یا حرف حاصل و از نفس حرف یا غیر نفس انجام شود. به این ترتیب که ابتدا مطابق شروط موردنظر به سمت جلو حرکت کرده و حرف انتخاب شده را بررسی می‌کند، سپس به عقب حرکت کرده و حرف به دست آمده را بررسی می‌کند. چنانچه هر یک از ۲ شرط گفته‌شده برقرار باشد، حرف پیش مستحصله به‌عنوان مستحصله انتخاب می‌شود. دقت داشته باشید اگر از حاصل جمع فاصله و بعد ابجدی جدولی به نتیجه نرسد، حاصل تفریق آن‌ها جهت تست استفاده می‌شود.

در نرم‌افزار به‌طور پیش‌فرض شمارش از الف انسغ و مستحصله فقط از نفس انتخاب شده است. طبق صلاحدید جفار امکان تغییر پیش‌فرض و شمارش از حرف منسوب الیه در دایره انسغ وجود دارد (تصویر ۹-۱۲).

تصویر ۹-۱۲

همان‌طور که ذکر شد، پیش‌فرض شمارش از الف انسغ است، بنابراین از ابتدای دایره به مقدار ۶ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «م» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «خ» نیست و همچنین مطابق جدول ۹-۱۰ فقط در دور کبیر حرف منسوب الیه (ت: ش م ث د ت ح ظ ص خ) قرار دارد و در دور کبیر پیش مستحصله (خ: ث س ذ و خ ی ق ب ت) نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ث»، می‌رسیم که با حرف پیش مستحصله یکسان نیست اما هم در دور کبیر حرف منسوب الیه و هم در دور کبیر حرف پیش مستحصله قرار دارد؛ بنابراین حرف پیش مستحصله به‌عنوان مستحصله قبول می‌شود. به این ترتیب برای اولین حرف حاصل «ض»، دومین حرف منسوب الیه «ت» و دومین حرف مستحصله «خ» خواهد بود (تصویر ۹-۱۳).

سوال سطر 1	ی	ا	ا	ل	ل	ه	ن	ر	م	ا	ف	ز	ا	ر	ا	ب	ج	د	ب	ن	ج	د	ر	ج	ه	ب	ا	
	ب	ا	س	ت																								
1ـ اساس	ط	ا	ص	ا	د	ش	ی	ن	غ	ی	ن	د	ا	ل	ص	ا	د	ح	ا	م	ی	م	ق	ا	ف	د	ا	ل
2ـ نظیره	ث	س	د	س	ص	ز	خ	غ	ن	خ	غ	ص	س	ض	د	س	ص	ت	س	ظ	خ	ظ	ه	س	چ	ص	س	ض
3ـ نسبت اساس	9	9	9	4	12	3	5	5	1	5	20	4	3	3	9	4	4	8	4	4	4	4	1	8	4	4	3	3
4ـ نسبت نظیره	30	6	6	6	63	42	6	5	30	6	9	6	12	4	6	6	36	6	6	6	6	45	30	3	3	6	12	40
5 ـ تتمه اولی	21	3	3	2	51	39	1	10	29	1	11	2	9	1	3	2	32	2	2	2	2	41	29	5	1	2	9	37
6ـ حاصل اساس و نظیره	45	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24
7ـ حاصل دوم اساس و نظیره	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24	45
8 ـ تتمه ثانی	39	30	30	30	15	15	1	10	1	1	31	30	18	12	30	30	32	2	30	30	30	31	1	18	12	30	18	21
9 ـ تتمه تتمین	18	27	27	28	36	24	2	20	28	2	20	28	9	11	27	28	64	4	28	28	28	10	28	13	11	28	9	16
10ـ حاصل اعداد	ص	ظ	ظ	غ	ح	خ	ب	ر	غ	ب	ر	غ	ط	ک	ظ	غ	ح	د	غ	غ	غ	ی	غ	م	ک	غ	ط	ع
11ـ قوا	ظ	غ	ص	ا	ض	ذ	ک	ق	ظ	ک	ق	ق	ی	ی	ص	ا	ض	م	ا	ظ	ی	ط	ق	ن	ر	ق	ی	س
وقت سوال																												
4 حرفی	ن	س	ت	و																								
12 ـ حاصل	ض	ک	ذ	ک	خ	ر	ل	ی	ص	ل	ی	ف	ک	س	ذ	ک	خ	ق	ک	ذ	ک	ذ	ی	س	ع	ف	ک	ر
منسوب الیه	ض	س	ظ	س	ض	ت	ن	ی	ص	ن	ی	ق	س	س	ظ	س	ض	ق	س	ظ	س	ظ	ی	س	ص	س	س	ت
	ت	س	ظ	س	ض	ص	ص	ی	ص	ص	ی	س	س	س	ظ	س	ض	س	س	چ	س	چ	ن	س	ص	س	س	ص
	ظ	س	چ	س	ت	ص	ص	ن	ص	ص	ن	س	س	س	چ	س	ت	س	س	ق	س	ق	ن	س	ص	س	س	ص
	ظ	س	ق	س	ص	ص	ص	چ	ت	ص	ن	س	س	س	ق	س	ص	س	س	ض	ز	ض	ن	س	ت	س	س	ن
	ق	ز	ض	ز	ص	ن	ص	ظ	ن	ص	ز	س	ز	ق	ض	س	ص	س	ز	ض	ن	ض	ز	ص	ن	س	س	ن
	ض	ن	ض	ن	ص	ن	ص	ی	س	ی	چ	س	ن	ص	ض	ز	ص	س	ن	ت	ن	ت	چ	ص	ن	ص	ز	ق
	ض	ن	ت	ص	ص	س	ی	ض	س	ی	ظ	ص	ص	ص	ت	ن	ص	ض	ن	ص	ن	ص	ظ	ص	ن	ص	ن	س
	ن	ص	ص	ص	ص	س	س	ت	س	س	ض	ص	ص	ص	ص	ن	س	ض	ص	ص	ص	ص	ی	ص	ی	ت	ن	س
13 ـ مستحصله	ل	خ	م	ن	ح	ظ	ع	ی	ی	ع	ص	ق	خ	خ	ط	س	ذ	ر	م	ه	خ	ه	ق	و	ت	غ	م	م
	خ	س	ظ	ا	ذ	ق	ق	ق	د	ط	ی	غ	ن	س	ظ	ا	غ	ن	غ	ذ	م	ف	غ	ع	ی	م	غ	ق
	ط	م	ا	غ	م	ص	ر	ث	ط	ت	ث	خ	غ	غ	ا	خ	خ	غ	خ	ی	س	خ	س	ن	ق	و	س	ص
	ه	ع	ق	خ	د	ت	ص	چ	ش	ص	ه	م	س	ع	ه	و	ف	خ	س	ل	ه	ظ	ع	ا	د	خ	خ	ه
	ق	و	ذ	ه	ر	ن	ت	ظ	ه	ق	و	س	ه	ص	ذ	غ	د	و	ن	ظ	ا	ل	ن	ظ	ز	س	و	ع
	ذ	ز	د	ع	ص	س	ط	ل	خ	ک	ذ	ن	ع	ی	غ	ش	ص	س	ا	خ	ن	د	ذ	ف	ث	ی	ن	ی
	ظ	ه	ش	ق	ظ	ا	ک	د	و	ی	ت	ی	ظ	ت	ص	ث	ط	د	ث	ف	ز	ط	ص	ی	م	ط	ع	ا
	غ	ق	ط	ظ	ی	و	ا	ش	ع	م	ظ	ظ	ص	ظ	ت	ع	م	ل	ظ	ط	ظ	ت	ث	ر	ص	ش	ث	و
14ـ نظیره ابجدی	ض	ی	ظ	غ	ت	م	ب	خ	خ	ب	د	ه	ی	ی	ث	ا	ک	و	ظ	ق	ی	ق	ه	ر	ح	ن	ظ	ظ
	ی	ا	م	س	ک	ه	ه	ه	ص	ث	خ	ن	غ	ا	م	س	ن	غ	ن	ک	ظ	چ	ن	ب	خ	ظ	ن	ه
	ث	ظ	س	ن	ظ	د	و	ط	ث	ح	ط	ی	ن	ن	س	ی	ی	ن	ی	خ	ا	ی	ا	غ	ه	ر	ا	د
	ق	ب	ه	ی	ص	ح	د	ف	ز	د	ق	ظ	ا	ب	ق	ر	چ	ی	ا	ض	ق	م	ب	س	ص	ی	ی	ق
	ه	ر	ک	ق	و	غ	ح	م	ق	ه	ر	ا	ق	د	ک	ن	ص	ر	غ	م	س	ض	غ	م	ش	ا	ر	ب
	ک	ش	ص	ب	د	ا	ث	ض	ی	ذ	ک	غ	ب	خ	ن	ز	د	ا	س	ی	غ	ص	ک	چ	ط	خ	غ	خ
	م	ق	ز	ه	م	س	ذ	ص	ر	خ	ح	خ	م	ح	د	ط	ث	ص	ط	چ	ش	ث	د	خ	ظ	ث	ب	س
	ن	ه	ث	م	خ	ر	س	ز	ب	ظ	م	م	د	م	ح	ب	ظ	ض	م	ث	م	ح	ط	و	د	ز	ط	ر
15ـ موخر و صدر	ظ	ض	ظ	ی	ن	ظ	ح	غ	ر	ت	ه	م	ق	ب	ی	خ	ق	خ	ظ	ب	و	د	ک	ه	ا	ی	ث	ی
	ه	ی	ن	ا	ظ	م	خ	س	ب	ک	ن	ه	چ	ه	ظ	ه	ک	ص	ن	ث	غ	خ	ن	ن	س	غ	م	ا
	د	ث	ا	ظ	ر	س	ه	ن	غ	ظ	ا	د	ی	و	ا	ط	خ	ث	ی	ح	ن	ط	ی	ی	ی	ن	س	ن
	ق	ق	ی	ب	ی	ه	ص	ی	س	ص	ب	ح	م	د	ق	ف	ض	ز	ا	د	ی	ق	چ	ظ	ر	ا	ق	ب
	ب	ه	ر	ر	ا	ک	ش	ق	م	و	غ	غ	ض	ح	س	م	م	ق	غ	ه	ر	ر	ص	ا	ن	ق	ک	د
	خ	ک	غ	ش	خ	ص	ط	ب	چ	د	ک	ا	ص	ث	غ	ض	ی	ی	س	ذ	ا	ک	د	غ	ز	ب	ن	خ
	س	م	ب	ق	ث	ز	ظ	ه	خ	م	د	س	ث	ذ	ش	ص	چ	ر	ط	خ	ص	ح	ث	خ	ط	م	د	ح
	ر	ن	ط	ه	ز	ث	د	م	و	خ	ط	ر	ح	س	م	ز	ث	ب	م	ظ	ض	م	ظ	م	ب	د	ح	م

تصویر ۹-۱۳

دقت داشته باشید چنانچه با اولین حرف هم‌طبع به نتیجه نرسد، به سراغ حرف هم‌طبع بعدی می‌رود و کلیه محاسبات را با آن انجام می‌دهد. چنانچه با هیچ‌یک از حروف هم‌طبع به مستحصله نرسد، به‌جای حرف حاصل از حرف منسوب الیه برای تست استفاده شده و کلیه مراحل با استفاده

از حرف منسوب الیه انجام می‌شود. چنانچه در هرکدام از مراحل به حرف مستحصله رسید موردقبول است.

تا به اینجا، دو منسوب الیه و دو مستحصله انتخاب شد، حالا بایستی برای بعد جدولی بعدی، منسوب الیه و پیش مستحصله محاسبه شود؛ یعنی همان‌طور که قبلاً هم توضیح داده شد، در هر مرحله، حرف منسوب الیه و مستحصله ذخیره شده و سپس برای همان حرف حاصل و آخرین منسوب الیهی که مشخص شده بود، دوباره محاسبه انجام می‌شود تا یک پیش مستحصله دیگر انتخاب شود. این تکرار به تعداد سطرهای مدنظر ما در خروجی مستحصله بستگی دارد، پیشنهاد ما همان‌طور که از خروجی نرم‌افزار نیز مشخص است، ۸ بار است. به این ترتیب ۸ سطر منسوب الیه و ۸ سطر مستحصله خواهیم داشت.

حرف کاندید منسوب الیه ما حرف «ت» بود. بایستی بعد جدولی بعدی را برای این حرف حساب کنیم. با توجه به اینکه این حرف فقط یک‌بار در سطر اساس و نظیره آمده است، پس امکان محاسبه بعد جدولی دیگری نیست؛ بنابراین بایستی یک مرحله به عقب بازگردیم و این بار بعد ابجدی جدیدی را برای حرف «ض» محاسبه کنیم.

مطابق با جدول ۹-۸، حروف مجاز متناظر حرف «ض»، «غبدخترذظاجششقف» می‌باشد. پیش‌تر تا حرف «ت» پیش رفتیم که به‌عنوان منسوب الیه انتخاب شد؛ بنابراین از حرف ششم «ر» شروع کرده و بررسی می‌کنیم. این حرف در سطر اساس نظیره وجود ندارد. حرف بعدی، «ذ» که باز هم در سطر اساس نظیره وجود ندارد. به سراغ حرف بعدی می‌رویم؛ «ظ». این حرف در سطر اساس نظیره وجود دارد و طبع آن آبی می‌باشد که هماهنگ با طبع‌های ۴ حرفی است؛ بنابراین حرف «ظ» به‌عنوان کاندید منسوب الیه انتخاب می‌شود.

- پس حرف کاندید منسوب الیه از حرف «ت» به «ظ» تغییر یافت و مطابق جدول ۹-۹، بعد ابجدی آن که هشتمین حرف است ۳ خواهد بود.
- با توجه به اینکه حرف کاندید منسوب الیه ما تغییر یافت، حالا بایستی محاسبه بعد جدولی و بعد ابجدی جدولی بر مبنای آن انجام شود.

سطر اساس و نظیره را بررسی می‌کنیم، حرف کاندید منسوب الیه «ظ» برای اولین بار به‌عنوان ۲۰ امین حرف در سطر نظیره آمده است، بنابراین بعد جدولی آن ۱۹ خواهد بود.

در این مرحله بعد ابجدی جدولی را محاسبه می‌کنیم، به مقدار حاصل جمع بعد ابجدی و جدولی (۲۲=۱۹+۳) از نفس حرف حاصل «ض» در دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ب» می‌رسیم. با توجه به جدول ۹-۱۰، این حرف، در بین حروف مجاز نیست (ظ، ضصغطظمتهذ)؛ بنابراین به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ق»، می‌رسیم که باز هم جزو حروف مجاز نیست. این بار از حاصل تفریق استفاده می‌کنیم (۱۶=۳-۱۹)، به مقدار ۱۶ از حرف حاصل به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ش» می‌رسیم که مجاز نیست. به مقدار ۱۶ به سمت خلاف عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ز» می‌رسیم که مجاز نیست.

با توجه به اینکه به‌طور پیش‌فرض، امکان استفاده از بعد ابجدی یا جدولی در این بخش وجود دارد و مثال ما هم مطابق با شرایط پیش‌فرض نرم‌افزار است، از مقدار بعد ابجدی (۳) استفاده کرده و به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ک» می‌رسیم که در بین حروف مجاز نیست (ظ، ضصغطظمتهذ). به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ل» می‌رسیم که باز هم مجاز نیست.

از بعد جدولی استفاده کرده و به مقدار ۱۹ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ن» می‌رسیم که در بین حروف مجاز نیست؛ بنابراین به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ط»، می‌رسیم که در میان حروف مجاز قرار دارد؛ بنابراین این حرف را به‌عنوان پیش مستحصله انتخاب می‌کنیم.

- در مثال ما تا به اینجا، حرف کاندید منسوب الیه، حرف «ظ» و حرف پیش مستحصله «ط» می‌باشد.

حالا مطابق با شروطی که ذکر شد بررسی می‌کنیم که آیا این پیش مستحصله قبول است یا خیر.

- اگر حرف حاصل با حرف اساس (حرف متناظر در سطر اساس) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است؛ در مثال، یکسان نیست.
- اگر حرف حاصل با حرف نظیره (حرف متناظر در سطر نظیره) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است؛ در مثال، یکسان نیست.
- اگر بعد ابجدی یا بعد جدولی صفر بود؛ پیش مستحصله موردقبول است؛ هیچ‌کدام صفر نیست (در مثال، بعد ابجدی: ۳، بعد جدولی: ۱۹)

- اگر به مقدار بعد ابجدی جدولی از حرف حاصل در انسغ شمرده شود (به سمت جلو یا خلاف توالی) و به حرف منسوب الیه رسید، پیش مستحصله موردقبول است. در دایره انسغ به مقدار ۲۲ (بعد ابجدی جدولی) از حرف حاصل به سمت جلو به حرف «ب» می‌رسد و به سمت خلاف توالی به حرف «ق» می‌رسد که هیچ‌کدام حرف منسوب الیه نیستند.

با توجه به اینکه هیچ‌یک از شروط فوق برقرار نیست همان‌طور که اشاره شد بایستی تست انجام دهیم. برای انجام تست مستحصله ارومیه‌ای (عنصری)، موارد زیر را در نظر بگیرید:

۱. طبع حرف منسوب الیه مشخص می‌شود (در مثال ما حرف «ظ» که آب است).
۲. طبایع حروف ۴ حرفی ورودی نیز مشخص می‌شود (که قبلاً مشخص شده، «ن ت و»=باد، «س» =آب).
۳. حروفی که هم‌طبع حرف منسوب الیه هستند انتخاب می‌شود (حرف هم‌طبع «س» است).
۴. حرف حاصل به مقدار متناظرش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (ض=۲۶).
۵. اولین حرفی (از حروف هم‌طبع ۴ حرفی) که با حرف حاصل (ض) یکی نیست (س) را انتخاب کرده و به مقدار متناظرش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (س =۱۵).
۶. فاصله حرف حاصل در دایره ابجد وضعی با حرف هم‌طبع انتخاب شده از ۴ حرفی محاسبه می‌شود. به این ترتیب که از نفس حرف کوچک‌تر (حرفی که مقدار ابجد وضعی آن کوچک‌تر است) حرکت کرده تا به حرف بزرگ‌تر برسد؛۱+۱۱=۱۵-۲۶. دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود.
۷. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود (۳۱=۱۹+۱۲) و سپس طرح ۲۸ می‌شود تا محدود به دایره حروف شود (۳=۲۸-۳۱). همان‌طور که در صفحه قبل آورده شد، در محاسبه بعد ابجدی جدولی، پس از طی کلیه مراحل استفاده از مقدار بعد جدولی ۱۹، مطابق با پیش‌فرض، منجر به انتخاب حرف مجاز گردید، بنابراین بعد ابجدی جدولی ۱۹ می‌باشد.
۸. به مقدار به دست آمده از طرح ۲۸ در مرحله قبل، در دایره انسغ حرکت کرده و ۲ شرط بررسی می‌شود:

- اگر حرفی که با شمارش به آن رسیدیم با حرف پیش مستحصله یکسان باشد، آن را به‌عنوان مستحصله قبول می‌کنیم.
- اگر به حرفی رسیدیم که با حرف پیش مستحصله یکسان نیست، اما در دور کبیر پیش مستحصله و هم در دور کبیر منسوب الیه قرار دارد، حرف پیش مستحصله را به‌عنوان مستحصله قبول می‌کنیم.

شمارش و حرکت در دایره مطابق با نظر جفار می‌تواند، از الف انسغ یا حرف حاصل و از نفس حرف یا غیر نفس انجام شود. به این ترتیب که ابتدا مطابق شروط موردنظر به سمت جلو حرکت کرده و حرف انتخاب شده را بررسی می‌کند، سپس به عقب حرکت کرده و حرف به دست آمده را بررسی می‌کند. چنانچه هر یک از ۲ شرط گفته شده برقرار باشد، حرف پیش مستحصله به‌عنوان مستحصله انتخاب می‌شود. در نرم‌افزار به‌طور پیش‌فرض شمارش از الف انسغ و مستحصله فقط از نفس انتخاب شده است.

همان‌طور که ذکر شد، پیش‌فرض شمارش از الف انسغ است، بنابراین از ابتدای دایره به مقدار ۳ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «س» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست و همچنین مطابق جدول ۹-۱۰ در دور کبیر حرف منسوب الیه (ظ: ض ص غ ط ظ م ت ه ذ) و پیش مستحصله (ط: ح ظ ی ص ط ث ب م ک) قرار ندارد. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ش»، می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست و در دور کبیر حرف منسوب الیه و پیش مستحصله قرار ندارد.

۹. اگر در مرحله ۸ به مستحصله نرسد، روند کار از مرحله ۷ شروع می‌شود با این تفاوت که به‌جای استفاده از حاصل جمع مقدار فاصله و بعد ابجدی جدولی، این بار از حاصل تفریق آن‌ها برای پیدا کردن حرف استفاده می‌شود ۷=۱۲-۱۹. به مقدار ۷ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم به حرف «ع» می‌رسد که حرف پیش مستحصله نیست و در دور کبیر حرف منسوب الیه و پیش مستحصله قرار ندارد. با حرکت به عقب به حرف «ر» می‌رسد که باز هم مطابق با شروط ذکر شده نیست.

چنانچه در مرحله ۹ هم حرف مستحصله پیدا نشود، به‌جای حرف حاصل از حرف منسوب الیه برای تست استفاده شده و کلیه مراحل با استفاده از حرف منسوب الیه انجام می‌شود. دقت داشته باشید ممکن است چندین حرف هم‌طبع در ۴ حرفی وجود داشته باشد و تست با استفاده از اولین حرف طبع آغاز می‌شود. اگر با این حرف به نتیجه نرسد به سراغ حرف هم‌طبع بعدی

می‌رویم. اگر با هیچ‌کدام به نتیجه نرسد، از حرف منسوب الیه به‌جای حرف حاصل استفاده خواهد شد. در مثال ما حرف منسوب الیه «ظ» می‌باشد که مبنای محاسبات قرار می‌گیرد؛ ظ=۲۷. فاصله حرف ظ و س، ۱+ ۱۲=۲۷-۱۵، این فاصله با بعد جدولی جمع می‌شود، ۳۲=۱۹+۱۳ و طرح می‌شود ۴=۲۸-۳۲. به مقدار ۴ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «غ» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست و فقط در دور کبیر حرف منسوب الیه قرار دارد. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ح»، می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست و فقط در دور کبیر حرف پیش مستحصله قرار دارد. این بار از حاصل تفریق فاصله محاسبه شده و بعد جدولی استفاده می‌کنیم ۶=۱۳-۱۹. به مقدار ۶ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «م» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست اما هم در دور کبیر حرف منسوب الیه قرار دارد و هم در دور کبیر حرف پیش مستحصله؛ بنابراین می‌توانیم حرف پیش مستحصله «ط» را به‌عنوان مستحصله بپذیریم. برای اولین حرف حاصل «ض»، سومین حرف منسوب الیه «ظ» و سومین حرف مستحصله «ط» خواهد بود (تصویر ۹-۱۴).

سوال سطر 1	ی	ا	ا	ل	ل	ه	ن	ر	م	ا	ف	ز	ا	ر	ا	ب	ج	د	ب	ن	ج	د	ر	ج	ه	ب	ا	
	ب	ا	س	ت																								
1ـ اساس	ط	ا	ص	ا	د	ش	ی	ن	غ	ی	ن	د	ا	ل	ص	ا	د	ح	ا	م	ی	م	ق	ا	ف	د	ا	ل
2ـ نظیره	ث	س	د	س	ص	ز	خ	غ	ن	خ	غ	ص	س	ض	د	س	ص	ت	س	ظ	خ	ظ	ه	س	چ	ص	س	ض
3ـ نسبت اساس	9	9	9	4	12	3	5	5	1	5	20	4	3	3	9	4	4	8	4	4	4	4	1	8	4	4	3	3
4ـ نسبت نظیره	30	6	6	6	63	42	6	5	30	6	9	6	12	4	6	6	36	6	6	6	6	45	30	3	3	6	12	40
5 ـ تتمه اولی	21	3	3	2	51	39	1	10	29	1	11	2	9	1	3	2	32	2	2	2	2	41	29	5	1	2	9	37
6ـ حاصل اساس و نظیره	45	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24
7ـ حاصل دوم اساس و نظیره	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24	45
8 ـ تتمه ثانی	39	30	30	30	15	15	1	10	1	1	31	30	18	12	30	30	32	2	30	30	30	31	1	18	12	30	18	21
9 ـ تتمه تتمین	18	27	27	28	36	24	2	20	28	2	20	28	9	11	27	28	64	4	28	28	28	10	28	13	11	28	9	16
10ـ حاصل اعداد	ص	ظ	ظ	غ	ح	خ	ب	ر	غ	ب	ر	غ	ط	ک	ظ	غ	ح	د	غ	غ	غ	ی	غ	م	ک	غ	ط	ع
11ـ قوا	ظ	غ	ص	ا	ض	ذ	ک	ق	ظ	ک	ق	ق	ی	ی	ص	ا	ض	م	ا	ظ	ی	ط	ق	ن	ر	ق	ی	س
وقت سوال																												
4 حرفی	ن	س	ت	و																								
12 ـ حاصل	ض	ک	ذ	ک	خ	ر	ل	ی	ص	ل	ی	ف	ک	س	ذ	ک	خ	ق	ک	ذ	ک	ذ	ی	س	ع	ف	ک	ر
منسوب الیه	ض	س	ظ	س	ض	ت	ن	ی	ن	ص	ی	ق	س	س	ظ	س	ض	ق	س	ظ	س	ظ	ی	س	ص	س	س	ت
	ت	س	ظ	س	ض	ص	ص	ی	ص	ص	ی	س	س	س	ظ	س	ض	س	س	چ	س	چ	ن	س	ص	س	س	ص
	ظ	س	چ	س	ت	ص	ص	ن	ص	ص	ن	س	س	س	چ	س	ت	س	س	ق	س	ق	ن	س	ص	س	س	ص
	ظ	س	ق	س	ص	ص	ص	چ	ت	ص	ن	س	س	س	ق	س	ص	س	س	ض	ز	ض	ن	س	ت	س	س	ن
	ق	ز	ض	ز	ص	ن	ص	ظ	ن	ص	ز	س	ز	ق	ض	س	ص	س	ز	ض	ن	ض	ز	ص	ن	س	س	ن
	ض	ن	ض	ن	ص	ن	ص	ی	س	ی	چ	س	ن	ص	ض	ز	ص	س	ن	ت	ن	ت	چ	ص	ن	ص	ز	ق
	ض	ن	ت	ص	ص	س	ی	ض	س	ی	ظ	ص	ص	ص	ت	ن	ص	ض	ن	ص	ن	ص	ظ	ص	ن	ص	ن	س
	ن	ص	ص	ص	ص	س	س	ت	س	س	ض	ص	ص	ص	ص	ن	س	ض	ص	ص	ص	ص	ی	ص	ی	ت	ن	س
13 ـ مستحصله	ل	خ	م	ن	ح	ظ	ع	ی	ی	ع	ص	ق	خ	خ	ط	س	ذ	ر	م	ه	خ	ه	ق	و	ت	غ	م	م
	خ	س	ظ	ا	ذ	ق	ق	ق	د	ط	ی	غ	ن	س	ظ	ا	غ	ن	غ	ذ	م	ف	غ	ع	ی	م	غ	ق
	ط	م	ا	غ	م	ص	ر	ث	ط	ت	ث	خ	غ	غ	ا	خ	خ	غ	خ	ی	س	خ	س	ن	ق	و	س	ص
	ه	ع	ق	خ	د	ت	ص	چ	ش	ص	ه	م	س	ع	ه	و	ف	خ	س	ل	ه	ظ	ع	ا	د	خ	خ	ه
	ق	و	ذ	ه	ر	ن	ت	ظ	ه	ق	و	س	ه	ص	ذ	غ	د	و	ن	ظ	ا	ل	ن	ظ	ز	س	و	ع
	ذ	ز	د	ع	ص	س	ط	ل	خ	ک	ذ	ن	ع	ی	غ	ش	ص	س	ا	خ	ن	د	ذ	ف	ث	ی	ن	ی
	ظ	ه	ش	ق	ظ	ا	ک	د	و	ی	ت	ی	ظ	ت	ص	ث	ط	د	ث	ف	ز	ط	ص	ی	م	ط	ع	ا
	غ	ق	ط	ظ	ی	و	ا	ش	ع	م	ظ	ظ	ص	ظ	ت	ع	م	ل	ظ	ط	ظ	ت	ث	ر	ص	ش	ث	و
14ـ نظیره ابجدی	ض	ی	ظ	غ	ت	م	ب	خ	خ	ب	د	ه	ی	ی	ث	ا	ک	و	ظ	ق	ی	ق	ه	ر	ح	ن	ظ	ظ
	ی	ا	م	س	ک	ه	ه	ه	ص	ث	خ	ن	غ	ا	م	س	ن	غ	ن	ک	ظ	چ	ن	ب	خ	ظ	ن	ه
	ث	ظ	س	ن	ظ	د	و	ط	ث	ح	ط	ی	ن	ن	س	ی	ی	ن	ی	خ	ا	ی	ا	غ	ه	ر	ا	د
	ق	ب	ه	ی	ص	ح	د	ف	ز	د	ق	ظ	ا	ب	ق	ر	چ	ی	ا	ض	ق	م	ب	س	ص	ی	ی	ق
	ه	ر	ک	ق	و	غ	ح	م	ق	ه	ر	ا	ق	د	ک	ن	ص	ر	غ	م	س	ض	غ	م	ش	ا	ر	ب
	ک	ش	ص	ب	د	ا	ث	ض	ی	ذ	ک	غ	ب	خ	ن	ز	د	ا	س	ی	غ	ص	ک	چ	ط	خ	غ	خ
	م	ق	ز	ه	م	س	ذ	ص	ر	خ	ح	خ	م	ح	د	ط	ث	ص	ط	چ	ش	ث	د	خ	ظ	ث	ب	س
	ن	ه	ث	م	خ	ر	س	ز	ب	ظ	م	م	د	م	ح	ب	ظ	ض	م	ث	م	ح	ط	و	د	ز	ط	ر
15ـ موخر و صدر	ظ	ض	ظ	ی	ن	ظ	ح	غ	ر	ت	ه	م	ق	ب	ی	خ	ق	خ	ظ	ب	و	د	ک	ه	ا	ی	ث	ی
	ه	ی	ن	ا	ظ	م	خ	س	ب	ک	ن	ه	چ	ه	ظ	ه	ک	ص	ن	ث	غ	خ	ن	ن	س	غ	م	ا
	د	ث	ا	ظ	ر	س	ه	ن	غ	ظ	ا	د	ی	و	ا	ط	خ	ث	ی	ح	ن	ط	ی	ی	ی	ن	س	ن
	ق	ق	ی	ب	ی	ه	ص	ی	س	ص	ب	ح	م	د	ق	ف	ض	ز	ا	د	ی	ق	چ	ظ	ر	ا	ق	ب
	ب	ه	ر	ر	ا	ک	ش	ق	م	و	غ	غ	ض	ح	س	م	م	ق	غ	ه	ر	ر	ص	ا	ن	ق	ک	د
	خ	ک	غ	ش	خ	ص	ط	ب	چ	د	ک	ا	ص	ث	غ	ض	ی	ی	س	ذ	ا	ک	د	غ	ز	ب	ن	خ
	س	م	ب	ق	ث	ز	ظ	ه	خ	م	د	س	ث	ذ	ش	ص	چ	ر	ط	خ	ص	ح	ث	خ	ط	م	د	ح
	ر	ن	ط	ه	ز	ث	د	م	و	خ	ط	ر	ح	س	م	ز	ث	ب	م	ظ	ض	م	ظ	م	ب	د	ح	م

تصویر ۹-۱۴

اگر پس از طی کلیه مراحل فوق به حرف مستحصله نرسد، بایستی به قسمت محاسبه بعد جدولی بازگردد و یک بعد جدولی دیگر محاسبه کند و سپس مراحل را ادامه دهد؛ و این کار تا جایی که هیچ بعد جدولی دیگری برای آن حرف پیدا نکند ادامه می‌یابد. چنانچه به این ترتیب هم به حرف پیش مستحصله نرسید و هیچ بعد جدولی دیگری نبود به یک مرحله قبل بازگشته

و بعد ابجدی جدیدی را محاسبه می‌کند و مراحل را طی می‌کند. اگر به این ترتیب نیز به حرف پیش مستحصله نرسید، * انتخاب می‌شود.

همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، در هر مرحله به حرف پیش مستحصله برسد، حرف منسوب الیه و حرف پیش مستحصله ذخیره می‌شود و سپس یک بعد جدولی دیگر گرفته می-شود- یعنی برای همان حرف حاصل و آخرین منسوبی که مشخص شده بود دوباره محاسبه می‌شود تا یک پیش مستحصله دیگر انتخاب شود. این تکرار به تعداد سطرهای مدنظر ما در خروجی مستحصله بستگی دارد، ما پیشنهاد نهایت ۸ سطر را می‌کنیم. با توجه به تعداد تکرارهای پیشنهاد شده در مرحله قبل، ۸ سطر منسوب و ۸ سطر مستحصله شکل می‌گیرد به‌طوری‌که حروف منسوب و مستحصله مربوط به هر حرف حاصل، در ستون همان حرف و زیر آن قرار می‌گیرد. در مثالی که ارائه شد، ۳ بار این محاسبه انجام شد.

پس از مستحصله، دو سطر پایانی به شرح ذیل انجام می‌شود.

سطر ۱۴: در این مرحله از هر یک از سطرهای مستحصله، نظیره ابجدی گرفته می‌شود و به این ترتیب ۸ سطر نیز نظیره خواهیم داشت.

سطر ۱۵: در آخرین مرحله، هر یک از سطرهای نظیره ابجدی، تکسیر مؤخر و صدر می‌شود.

مستحصله عطاری

محاسبه بعد ابجدی: اولین گام محاسبه، به دست آوردن بعد ابجدی است. برای این منظور طبع حروف ۴ حرفی ورودی استخراج شده و سطر اساس و نظیره تشکیل می‌شود (منظور از سطر اساس نظیره، جمع سطر اساس و نظیره پشت سر هم است). اولین حرف از سطر حاصل یا همان سطر ۱۲ انتخاب می‌شود، شروط ذیل بررسی شده و متناسب با آن محاسبه انجام شود. اگر حرف حاصل در سطر اساس و نظیره باشد و طبع آن نیز جزو طبع حروف ۴ حرفی باشد و درعین‌حال اولین بار محاسبه باشد (چنانچه بعداً خواهید دید لازم خواهد بود به‌دفعات، محاسبه بعد ابجدی برای یک حرف انجام شود. در حال حاضر کافی است به یاد داشته باشید گرفتن بعد ابجدی هر حرف یک عمل تکرارشونده است) حرف انتخاب شده از سطر حاصل به‌عنوان حرف منسوب الیه نگه داشته می‌شود که بعد ابجدی آن صفر خواهد بود؛ اما چنانچه حرف انتخاب شده از سطر حاصل، در سطر اساس نظیره نباشد و یا طبع آن نیز جزو طبع حروف ۴ حرفی نباشد و

یا دفعه اول محاسبه نباشد، با استفاده از روشی که در ادامه آماده است، حرف منسوب الیه را به دست می‌آوریم.

با استفاده از جدول ۹-۱۱ حروف متناظر حرف حاصل را استخراج می‌کنیم. از نقطه شروع (که بار اول، همان اولین حرف است) یک‌به‌یک جلو می‌رویم، یعنی یک حرف انتخاب می‌کنیم و بررسی می‌کنیم. اگر آن حرف در سطر اساس نظیره بود، طبع آن را بررسی می‌کنیم. اگر طبع آن جز طبایع حروف ۴ حرفی بود، آن حرف را به‌عنوان کاندید حرف منسوب الیه انتخاب کرده (ازآنجایی‌که تا رسیدن به منسوب الیه نهایی برای یک حرف حاصل، بارها امکان تغییر حرفی که به‌عنوان منسوب الیه انتخاب شده وجود دارد، کلمه کاندید استفاده شده است) و بعد ابجدی آن را مطابق جدول ۹-۱۲ استخراج می‌کنیم. همچنین شروع بعد ابجدی را نیز یادداشت می‌کنیم. به این معنا که در محاسبات بعدی، بررسی حروف از بعد از حرف انتخاب شده آغاز خواهد شد. به‌عنوان مثال اگر حرف سوم از دسته حروف متناظر، مطابق شروط گفته شده به‌عنوان منسوب الیه قابل‌قبول بود، بعد ابجدی آن ۶ خواهد بود و محاسبه بعد ابجدی برای دفعه بعد، از حرف چهارم آغاز خواهد شد. به‌طور خلاصه یک‌به‌یک جلو می‌رویم و بررسی می‌کنیم، هرکدام از حروف که شروط را داشته باشند کاندید حرف منسوب الیه شده و بقیه محاسبات در مراحل بعد بر مبنای آن ادامه می‌یابد، در غیر این صورت به سراغ حرف مجاز بعدی می‌رویم.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
جهزطذثبدوحعضحت	دوحعضخاجهزطذثش	هزطاظذدوحیبغضخ	وحیدبغهزطکجاطذ	زطکهجاحیلنودبغ	حیلدبغهزطکجاطذ	طکمهجاحیلنودبغ	یلنودبزطکمهجاظ	کمسزهجیلنعحوددب	لنعحودزطکمهجاظ	مسفطزهلنعصیحود	نعصیحوکمسفطزهج	سنفکطزنعصرلیحو	عصرلیحمسفقکطزه
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
فقشمکطعصرتنلیح	صرتنلیسفقشمکطز	قشتسمکصرتخعنلی	رتخعنلفقشتسمکط	شتذفسمرتخضصعنل	تخضصعنقشتذفسمک	تذطقفستحضعرصعن	حضغرصعشتذطقفسم	ذظاشقفحضغبترصع	ضغبترصثذظاشقفس	ظاجثشقضغبدخترص	غبدخرذظاجثشقف	اجهذثشغبدوضخر	بدوضحخطاجهذثشق

جدول ۹–۱۱

حرف اول	حرف دوم	حرف سوم	حرف چهارم	حرف پنجم	حرف ششم	حرف هفتم	حرف هشتم	حرف نهم	حرف دهم	حرف یازدهم	حرف دوازدهم	حرف سیزدهم	حرف چهاردهم
۲	۴	۶	۲	۴	۶	۱	۳	۵	۷	۱	۳	۵	۷

جدول ۹–۱۲

در محاسبه بعد ابجدی، به اولین بار محاسبه و محاسبات بعدی اشاره شد؛ اما منظور از محاسبات بعدی چیست؟

دقت داشته باشید وقتی یک حرف به‌عنوان منسوب الیه انتخاب می‌شود، مسیر عملیات را ادامه می‌دهیم یعنی با استفاده از آن به سراغ محاسبه بعد جدولی و ... می‌رویم، اما چنانچه در هرکدام از مراحل، محاسبه با آن پیش نرود و مطابق شروط مناسب نباشد، مجدد به مرحله اخذ بعد ابجدی برمی‌گردیم و مطابق روشی که در بالا شرح داده شد حرف دیگری را کاندید منسوب الیه می‌کنیم. توجه داشته باشید، اگر کلیه حرف‌های مجاز امتحان شد و امکان اخذ بعد ابجدی نبود، به‌جای منسوب الیه * گذاشته می‌شود.

در مثال ما (تصویر ۹-۱۵)، اولین حرف حاصل، حرف «ض» می‌باشد، با این حرف شروع می‌کنیم و بررسی می‌کنیم که آیا این حرف شرایط لازم را داراست یا خیر. حرف «ض» در اساس نظیره وجود دارد، حالا بایستی هماهنگی آن با طبایع ۴ حرفی بررسی شود. طبع حروف ۴ حرفی همان‌طور که در تصویر ۹-۱۶ نشان داده شده است، آبی و بادی است و طبع حرف «ض» نیز بادی است، همچنین اولین بار محاسبه است، بنابراین حرف «ض» کاندید منسوب الیه می‌شود و به سراغ محاسبه بعد جدولی می‌رویم.

تصویر ۹-۱۵

تصویر ۹-۱۶

محاسبه بعد جدولی: پس‌ازاینکه یک حرف به‌عنوان منسوب الیه انتخاب شد بایستی بعد جدولی را محاسبه کنیم. به این ترتیب که سطر اساس را بررسی می‌کنیم (برای بار اول از ابتدای سطر آغاز می‌کنیم)، اگر حرف کاندید منسوب الیه در سطر اساس (نظیره- مطابق با شرط موردنظر جفار) پیدا شد، بعد جدولی، فاصله حرف حاصل با حرف کاندید منسوب الیه در سطر اساس (نظیره) خواهد بود که بایستی طرح ۲۸ نیز بشود (تا در محدوده ۲۸ حرف قرار گیرد). به‌عنوان مثال اگر حرف اول از حاصل را انتخاب کرده‌ایم و حرف منسوب الیه به دست آمده، پنجمین حرف سطر اساس باشد، بعد جدولی آن می‌شود ۴.

چنانچه حرف کاندید منسوب الیه در سطر اساس نبود، طبق شرطی که جفار مشخص کرده سطر نظیره بررسی می‌شود و چنانچه در سطر نظیره هم نبود، یعنی امکان محاسبه بعد جدولی برای حرف کاندید منسوب الیه نبوده پس به مرحله قبل بازمی‌گردد تا یک بعد ابجدی دیگر گرفته شده و حرف دیگری کاندید منسوب الیه شود. در اینجاست که مطابقی روشی که شرح داده شد به سراغ استفاده از جدول ۹-۱۱ و حروف متناظر می‌رویم.

در مثال ما، حرف «غ» به‌عنوان کاندید منسوب الیه انتخاب شد و می‌خواهیم بعد جدولی این حرف را محاسبه کنیم، این حرف برای اولین بار، در سطر اساس نهمین حرف است. پس بعد جدولی آن می‌شود ۸.

در ادامه خواهید دید، لازم خواهد بود، تمام بعدهای جدولی یک حرف را استخراج کنید به این معنا که ممکن است، حرف کاندید منسوب الیه چندین بار در سطر اساس (نظیره) تکرار شده باشد و بدیهی است که به این ترتیب چندین فاصله یا بعد جدولی خواهد داشت.

محاسبه بعد ابجدی جدولی: پس از محاسبه بعد جدولی، بایستی بعد ابجدی جدولی محاسبه شود. برای محاسبه به دایره انسغ نیاز داریم:

دایره انسغ: ا ن س غ ب م ع ظ ج ل ف ض د ک ص ذ ه ی ق خ و ط ر ث ز ح ش ت

ابتدا بررسی می‌کنیم که حرف حاصل چندمین حرف در دایره انسغ است (شمارش حروف در دایره از صفر آغاز می‌شود). سپس بعد ابجدی (به دست آمده از مرحله ۱) را، با بعد جدولی (به دست آمده از مرحله ۲) جمع می‌کنیم. ازآنجایی‌که دایره ۲۸ حرفی است برای محدود کردن فاصله به دست آمده به ۲۸ حرف، مقدار حاصل جمع بعد ابجدی و جدولی طرح ۲۸ می‌شود و سپس به مقدار آن به جلو (به سمت انتهای توالی) و یا به سمت عقب (به سمت ابتدای توالی)

حرکت می‌کنیم و به حرفی که رسیدیم آن را انتخاب می‌کنیم. سپس با استفاده از جدول ۹-۱۳ بررسی می‌کنیم که آیا حرف انتخاب شده در میان حروف دور کبیر حرف کاندید منسوب الیه می‌باشد یا خیر. چنانچه با استفاده از حاصل جمع بعد ابجدی و جدولی به نتیجه نرسید، بایستی بر مبنای حاصل تفریق به جلو یا عقب حرکت کنیم، اگر به این ترتیب هم به حرفی رسید که جز حروف مجاز نبود، مطابق با نظر جفار، می‌توان تنها از بعد ابجدی استفاده کرده و به مقدار آن در دایره به جلو یا عقب حرکت کرده و یک حرف انتخاب و بررسی شود. اگر به این ترتیب هم امکان انتخاب حرف مجاز نباشد، باز هم مطابق نظر جفار، این بار تنها از بعد جدولی استفاده شده و به مقدار آن در دایره انسغ به جلو یا عقب حرکت کرده و یک حرف انتخاب و بررسی می‌شود.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
عقیاسضنج	ارجکبعطخد	بشدلجغفذا	جتهمدصکضب	دثونهقشظز	هخزسورسقح	وذحعزشنکه	زضطفحتقلو	حظیصطثبمک	طقکایخصتل	یرلبکذدزط	کشمجلضذحی	لتندمظرطس	مثسهغزاع
س	**ع**	**ف**	**ص**	**ق**	**ر**	**ش**	**ت**	**ث**	**خ**	**ذ**	**ض**	**ظ**	**غ**
نخعوساوغم	سذفزعبثرن	عضصجفجحشق	فظلقطصدیتر	صغریاقهخوف	قکشبرومعص	رلتجشزهفث	شمثدتحظصخ	تنخهثطعیش	ثسذوخیقبت	خعضزذکلجط	ذفظحضلادغ	ضصغطظمتهذ	ظقایغنجسض

جدول ۹-۱۳ دور کبیر

دقت داشته باشید که استفاده از حاصل تفریق، یا بعد ابجدی و جدولی به‌تنهایی، جزو شروطی است که به‌طور پیش‌فرض در نرم‌افزار قرار دارد؛ و چنانچه این شروط مدنظر جفار نباشد، با علامت زدن گزینه‌های مربوطه می‌تواند از آن‌ها صرف‌نظر کند (تصویر ۹-۱۷).

اطلاعات نرم افزار | پرسش و پاسخ

سوال: یا الله نرم افزار ابجد پنج در چه باب است — 31 — محاسبه
روش: نسبت عطاری — مستحصله: ارومیه ای — عدم کسر بعدین
4 حرفی قرآنی: — 4 حرفی: نستو — 4 — عدم بعد ابجدی
100% — جستجو: — جستجو

ترکیب عناصر
تفکیک حروف
تنزلات حرفی
جفر پانزده سطری
روش ایقغ
روش حلاج
روش حلاج 2
طرح غالب
طریق امتزاج سوال سائل طالع
طریق جفر جامع
مستحصله ایقغیه
منبری
نادعلی
هفت بطن

سوال سطر 1	ی	ا	ا	ل	ل	ه	ن	ر	م	ا	ف	ز	ا	ر	ا	ب	ج	د	ب	ن
	ب	ا	س	ت																
1ـ اساس	ط	ا	ص	ا	د	ش	ی	ن	غ	ی	ن	د	ا	ل	ص	ا	د	ح	ا	م
2ـ نظیره	ث	س	د	س	ص	ز	خ	غ	ن	خ	غ	ص	س	ض	د	س	ص	ت	س	ظ
3ـ نسبت اساس	9	9	9	4	12	3	5	5	1	5	20	4	3	3	9	4	4	8	4	4
4ـ نسبت نظیره	30	6	6	6	63	42	6	5	30	6	9	6	12	4	6	6	36	6	6	6
5ـ تتمه اولی	21	3	3	2	51	39	1	10	29	1	11	2	9	1	3	2	32	2	2	2
6ـ حاصل اساس و نظیره	45	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	6

تصویر ۹–۱۷

چنانچه با طی مراحل فوق به حرف مجاز نرسد، به مرحله قبل بازگشته و بعد جدولی دیگری را حساب می‌کنیم و بدیهی است که چنانچه امکان محاسبه بعد جدولی دیگر وجود نداشته باشد، باز یک مرحله عقب‌تر بازگشته و بعد ابجدی دیگری را برای حرف حاصل محاسبه می‌کنیم. توجه داشته باشید طبق نظر جفار شمارش از نفس حرف یا حرف پس از آن در دایره امکان‌پذیر است.

در مثال ما، اولین حرف حاصل، «ض»، یازدهمین حرف در دایره انسغ است و همان‌طور که در قسمت‌های قبل دیدید، بعد ابجدی آن صفر و بعد جدولی نیز ۱۳ باشد، ۱۳=۰+۱۳، بنابراین مطابق با شروط موردنظر فوق، به تعداد ۱۳ حرکت کرده و یک حرف را انتخاب می‌کنیم. از نفس حرف حاصل ۱۳ حرف به جلو حرکت می‌کنیم که می‌شود حرف «ث»، مطابق با جدول ۹-۱۳، حرف «ث»، در میان حروف مجاز نیست (ض، ذفظخضلادغ). این بار شمارش را به سمت عقب انجام می‌دهیم، به حرف «ت» می‌رسیم که باز هم جزو حروف مجاز نیست. چون با حاصل جمع به نتیجه نرسیدیم از حاصل تفریق استفاده می‌کنیم که باز هم عدد ۱۳ خواهد بود، ما را به نتیجه نخواهند رساند و بنابراین امکان محاسبه بعد ابجدی جدولی نیست. پس بایستی یک مرحله به عقب بازگردیم و بعد جدولی دیگری را محاسبه کنیم. در مثال ما حرف «ض» برای دومین بار به‌عنوان آخرین حرف سطر نظیره که ۲۸ امین حرف می‌باشد، آمده است؛ بنابراین بعد جدولی جدید، فاصله این حرف و حرف حاصل خواهد بود که می‌شود ۲۷. حالا محاسبه بعد ابجدی جدولی بایستی با استفاده از این مقدار طبق روشی که شرح داده شد مجدد انجام شود.

بعد ابجدی حرف کاندید منسوب الیه «ض» صفر و بعد جدولی ۲۷ می‌باشد، ۲۷=۰+۲۷، به سمت جلو حرکت می‌کنیم که می‌شود حرف «ل»، مطابق با جدول ۹-۱۳، حرف «ل»، در میان حروف مجاز است (ض، ذفظحضلادغ)؛ بنابراین حرف «ل» به‌عنوان پیش مستحصله انتخاب می‌شود.

در مثال ما تا به اینجا، حرف کاندید منسوب الیه، حرف «ض» و حرف پیش مستحصله «ل» می‌باشد.

آزمون مستحصله عطاری

تا این مرحله، حرف منسوب الیه، حرف پیش مستحصله، حرف حاصل، حروف متناظر در سطر اساس و نظیره، بعد ابجدی، بعد جدولی و بعد ابجدی جدولی را به‌عنوان ورودی‌های موردنیاز در اختیار داریم.

ابتدا شروط زیر را بررسی می‌کنیم و چنانچه هرکدام از آن‌ها برقرار بود. حرف پیش مستحصله موردقبول خواهد بود.

- اگر حرف حاصل با حرف اساس (حرف متناظر در سطر اساس) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است.
- اگر حرف حاصل با حرف نظیره (حرف متناظر در سطر نظیره) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است.
- اگر بعد ابجدی یا بعد جدولی صفر بود؛ پیش مستحصله موردقبول است.
- اگر به مقدار بعد ابجدی جدولی از حرف حاصل در انسغ شمرده شود (به سمت جلو یا خلاف توالی) و به حرف منسوب رسید، پیش مستحصله موردقبول است.

در مثال ما، شرط سوم برقرار است (بعد ابجدی صفر است) و حرف پیش مستحصله «ل» به‌عنوان مستحصله موردقبول است؛ بنابراین، برای اولین حرف حاصل «ض»، اولین حرف منسوب الیه «ض» و اولین حرف مستحصله «ل» خواهد بود (تصویر ۹-۱۸).

سوال سطر 1	ی	ا	ا	ل	ل	ه	ن	ر	م	ا	ف	ز	ا	ر	ا	ب	ج	د	ب	ن	ج	د	ر	ج	ه	ب	ا	
	ب	ا	س	ت																								
1ـ اساس	ط	ا	ص	ا	د	ش	ی	ن	غ	ی	ن	د	ا	ل	ص	ا	د	ح	ا	م	ی	م	ق	ا	ف	د	ا	ل
2ـ نظیره	ث	س	د	س	ص	ز	خ	غ	ن	خ	غ	ص	س	ض	د	س	ص	ت	س	ظ	خ	ظ	ه	س	چ	ص	س	ض
3ـ نسبت اساس	9	9	9	4	12	3	5	5	1	5	20	4	3	3	9	4	4	8	4	4	4	4	1	8	4	4	3	3
4ـ نسبت نظیره	30	6	6	6	63	42	6	5	30	6	9	6	12	4	6	6	36	6	6	6	6	45	30	3	3	6	12	40
5 ـ تتمه اولی	21	3	3	2	51	39	1	10	29	1	11	2	9	1	3	2	32	2	2	2	2	41	29	5	1	2	9	37
6ـ حاصل اساس و نظیره	45	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24
7ـ حاصل دوم اساس و نظیره	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24	45
8 ـ تتمه ثانی	39	30	30	30	15	15	1	10	1	1	31	30	18	12	30	30	32	2	30	30	30	31	1	18	12	30	18	21
9 ـ تتمه تتمین	18	27	27	28	36	24	2	20	28	2	20	28	9	11	27	28	64	4	28	28	28	10	28	13	11	28	9	16
10ـ حاصل اعداد	ص	ظ	ظ	غ	ح	خ	ب	ر	غ	ب	ر	غ	ط	ک	ظ	غ	ح	د	غ	غ	غ	ی	غ	م	ک	غ	ط	ع
11ـ قوا	ظ	غ	ص	ا	ض	ذ	ک	ق	ظ	ک	ق	ق	ی	ی	ص	ا	ض	م	ا	ظ	ی	ط	ق	ن	ر	ق	ی	س
وقت سوال																												
4 حرفی	ن	س	ت	و																								
12 ـ حاصل	ض	ک	ذ	ک	خ	ر	ل	ی	ص	ل	ی	ف	ک	س	ذ	ک	خ	ق	ک	ذ	ک	ذ	ی	س	ع	ف	ک	ر
منسوب الیه	ض	س	ظ	س	ض	ص	ن	ی	ص	ن	ی	ق	س	س	ظ	س	ض	ق	س	ظ	س	ظ	ی	س	ت	س	س	ص
	ت	س	ظ	ز	ض	ن	ص	ی	ص	ص	ی	س	س	س	ظ	س	ض	س	ز	چ	ز	چ	ن	س	س	س	ز	ق
	ظ	ز	چ	ص	ت	س	ص	ن	ص	ص	ن	س	ز	س	چ	ز	ت	س	ص	ق	ن	ق	ن	س	س	ص	ن	س
	ق	ن	ق	ص	ص	س	ص	چ	ت	ص	ز	ص	ص	س	ق	ص	ص	ض	ص	ض	ن	ض	چ	س	چ	ص	ص	س
	ض	ص	ض	ص	ص	س	ص	ظ	س	ص	چ	ص	ص	ق	ض	ص	ص	ص	ص	ض	ص	ض	ی	ص	*	ص	ص	س
	ض	ص	ض	ی	ص	س	ص	ی	س	ص	ظ	ص	ص	ص	ض	ی	ص	ص	ص	ص	ص	ت	ض	ص	*	ی	ص	ز
	ن	ص	ت	ی	ص	چ	ص	ض	س	ی	ی	ص	ص	ص	ص	ی	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ت	ص	*	ی	ص	*
	ن	ی	ص	ی	ص	*	ی	ت	س	ی	ت	ن	ی	ص	ص	ی	س	ص	ی	ص	ص	ص	ص	ص	*	ظ	ی	*
13 ـ مستحصله	ل	غ	م	س	ل	ص	ع	ی	ی	ع	ص	ق	غ	خ	ه	س	ذ	ر	س	ه	س	ه	ق	و	د	ن	س	ص
	خ	س	ظ	ه	ذ	ن	ف	ق	د	ط	ی	غ	س	س	ظ	غ	غ	ن	ح	ذ	ه	ف	س	ع	ن	س	ن	ی
	ه	ه	ا	ق	م	ا	ر	ث	ط	ت	ث	س	ه	غ	ا	ه	خ	س	ظ	ی	ا	خ	ع	ن	س	ی	ا	و
	ق	ز	ق	ت	د	و	د	چ	ش	ص	ک	ی	ر	ع	ف	ر	ف	د	ط	ل	ز	ظ	ذ	ا	چ	ط	ق	س
	ذ	ق	ذ	ر	ر	غ	ت	ظ	خ	د	ذ	ظ	ط	ص	ذ	ق	د	ط	د	ظ	ی	ل	ط	ظ	*	ر	ی	خ
	ظ	ر	د	ص	ص	ع	ص	ط	م	ر	ت	ف	ت	ی	غ	ک	ص	ظ	ی	ف	ق	د	ح	ف	*	ک	ت	ش
	غ	ت	ش	ی	ظ	ب	ط	د	ن	ک	خ	ص	ق	ت	ت	ی	ط	ص	ص	ر	ط	ق	خ	ی	*	ل	ر	*
	س	ک	ط	ک	ی	*	ک	ش	س	ی	ح	ه	ی	ظ	د	ل	ن	ی	ک	د	ص	ت	ر	ر	*	ظ	ط	*
14ـ نظیره ابجدی	ض	ن	ظ	ا	ض	د	ب	خ	خ	ب	د	ه	ن	ی	ق	ا	ک	و	ا	ق	ا	ق	ه	ر	ص	غ	ا	د
	ی	ا	م	ق	ک	غ	چ	ه	ص	ث	خ	ن	ا	ا	م	ن	ن	غ	ت	ک	ق	چ	ا	ب	غ	ا	غ	خ
	ق	ق	س	ه	ظ	س	و	ط	ث	ح	ط	ا	ق	ن	س	ق	ی	ا	م	خ	س	ی	ب	غ	ا	خ	س	ر
	ه	ش	ه	ح	ص	ر	ص	ف	ز	د	ذ	خ	و	ب	چ	و	چ	ص	ث	ض	ش	م	ک	س	ف	ث	ه	ا
	ک	ه	ک	و	و	ن	ح	م	ی	ص	ک	م	ث	د	ک	ه	ص	ث	ص	م	خ	ض	ث	م	*	و	خ	ی
	م	و	ص	د	د	ب	د	ث	ظ	و	ح	چ	ح	خ	ن	ذ	د	م	خ	چ	ه	ص	ت	چ	*	ذ	ح	ز
	ن	ح	ز	خ	م	ع	ث	ص	غ	ذ	ی	د	ه	ح	ح	خ	ث	د	د	و	ث	ه	ی	خ	*	ض	و	*
	ا	ذ	ث	ذ	خ	*	ذ	ز	ا	خ	ت	ق	خ	م	ص	ض	غ	خ	ذ	ص	د	ح	و	و	*	م	ث	*
15ـ موخر و صدر	د	ض	ا	ن	غ	ظ	ص	ا	ر	ض	ه	د	ق	ب	ا	خ	ق	خ	ا	ب	و	د	ک	ه	ا	ن	ق	ی
	خ	ی	غ	ا	ا	م	غ	ق	ب	ک	ا	غ	چ	چ	ق	ه	ک	ص	ت	ث	غ	خ	ن	ن	ن	ا	م	ا
	ر	ق	س	ق	خ	س	ا	ه	غ	ظ	ب	س	ی	و	س	ط	خ	ث	م	ح	ا	ط	ی	ا	ق	ق	س	ن
	ا	ه	ه	ش	ث	ه	ف	ح	س	ص	ک	ر	م	ص	ش	ف	ض	ز	ث	د	ص	ذ	چ	خ	و	و	چ	ب
	ی	ک	خ	ه	و	ک	*	و	م	و	ث	ن	ض	ح	خ	م	م	ی	ص	ص	ث	ک	ص	م	ه	ث	ک	د
	ز	م	ح	و	ذ	ص	*	د	چ	د	ت	ب	ص	د	ه	ث	چ	ظ	خ	و	م	ح	د	چ	ذ	ح	ن	خ
	*	ن	و	ح	ض	ز	*	خ	خ	م	ی	ع	ه	ث	ث	ص	و	غ	د	ذ	د	ی	ث	د	خ	ه	ح	ح
	*	ا	ث	ذ	م	ث	*	ذ	و	خ	و	*	ح	ذ	د	ز	ص	ا	ذ	خ	خ	ت	غ	ق	ض	خ	ص	م

تصویر ۹–۱۸

اما چنانچه هیچ‌کدام از شروط بالا برقرار نباشد، بایستی وارد مرحله تست شد که در جای خود به آن اشاره می‌شود. البته این امکان وجود دارد که طبق نظر جفار، از امتحان پیش مستحصله صرف‌نظر شود و حرف موردنظر بدون تست به‌عنوان مستحصله انتخاب شود. (تصویر ۹-۱۹).

تصویر ۹–۱۹

تا به اینجا، یک منسوب الیه و یک مستحصله انتخاب شد، حالا بایستی برای بعد جدولی بعدی، منسوب الیه و پیش مستحصله محاسبه شود؛ یعنی در هر مرحله، حرف منسوب الیه و مستحصله ذخیره شده و سپس برای همان حرف حاصل و آخرین منسوب الیهی که مشخص شده بود، دوباره محاسبه انجام می‌شود تا یک پیش مستحصله دیگر انتخاب شود. این تکرار به تعداد سطرهای مدنظر ما در خروجی مستحصله بستگی دارد، پیشنهاد ما همان‌طور که از خروجی نرم‌افزار نیز مشخص است، ۸ بار است. به این ترتیب ۸ سطر منسوب الیه و ۸ سطر مستحصله خواهیم داشت.

با مثالمان ادامه می‌دهیم. حرف کاندید منسوب الیه ما، حرف «ض» بود. بایستی بعد جدولی بعدی را برای این حرف حساب کنیم. حرف «ض»، برای بار دوم ۲۸ امین حرف سطر نظیره است؛ بنابراین بعد جدولی آن ۲۷ خواهد بود؛ که پیش‌ازاین مورد استفاده قرار گرفته است.

با توجه به اینکه حرف «ض» فقط ۲ بار تکرار شده که بعد جدولی آن‌ها قبلاً محاسبه شده است و حرف «ض» دیگری در سطر اساس و نظیره وجود ندارد، پس امکان محاسبه بعد جدولی دیگر نیست و بنابراین یک مرحله دیگر بایستی به عقب بازگردیم و این بار بعد ابجدی جدیدی را حساب کنیم.

همان‌طور که قبلاً هم توضیح داده شد، با توجه به اینکه بار اولی نیست که می‌خواهیم بعد ابجدی برای حرف «ض» حساب کنیم، بنابراین بایستی مطابق با روشی که در بخش محاسبه ابجدی گفته شد و با استفاده از حروف متناظر در جدول ۹–۱۱ این کار را انجام دهیم.

مطابق با جدول، حروف متناظر حرف «ض»، «غبدخترذظاجثشقف» می‌باشد. اولین حرف را انتخاب می‌کنیم، حرف «غ» در سطر اساس نظیره وجود دارد. بایستی هماهنگی طبع آن با ۴ حرفی بررسی شود. طبع حروف ۴ حرفی آبی و بادی است و طبع حرف «غ» خاکی می‌باشد؛ بنابراین این حرف قابل‌قبول نیست و به سراغ دومین حرف در حروف متناظر «غبدخترذظاجثشقف» یعنی حرف «ب» می‌رویم. حرف «ب» در سطر اساس نظیره وجود ندارد. به سومین حرف می‌رسیم، حرف «د» در سطر اساس نظیره وجود دارد. بایستی هماهنگی طبع آن با ۴ حرفی بررسی شود. طبع حروف ۴ حرفی آبی و بادی است و طبع حرف «د» خاکی می‌باشد، بنابراین این حرف قابل‌قبول نیست و به سراغ چهارمین حرف یعنی حرف «خ» می‌رویم. این حرف در سطر اساس نیست اما در سطر نظیره وجود دارد اما ازآنجایی‌که طبع آن خاکی است موردقبول نمی‌باشد. به حرف پنجم می‌رسیم، «ت»، در سطر اساس نظیره وجود دارد و طبع آن بادی است که جزو طبایع حروف ۴ حرفی است؛ بنابراین حرف «ت» به‌عنوان کاندید منسوب الیه انتخاب می‌شود.

- حرف کاندید منسوب الیه از حرف «ض» به «ت» تغییر یافت و مطابق جدول ۹-۱۲، بعد ابجدی ۴ خواهد بود.
- با توجه به اینکه حرف کاندید منسوب الیه ما تغییر یافت، حالا بایستی محاسبه بعد جدولی و بعد ابجدی جدولی بر مبنای آن انجام شود.

برای محاسبه بعد جدولی بررسی می‌کنیم که حرف کاندید منسوب الیه «ت» در سطر اساس (نظیره) چندمین حرف است. حرف «ت» ۱۸ امین حرف در نظیره است؛ بنابراین بعد جدولی ۱۷ خواهد بود.

در این مرحله بعد ابجدی جدولی را محاسبه می‌کنیم، به مقدار حاصل جمع بعد ابجدی و جدولی (۲۱=۱۷+۴) از نفس حرف حاصل «ض» در دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «غ» می‌رسیم. با توجه به جدول ۹-۱۳، این حرف، در بین حروف مجاز نیست (ت، شمثدتحظطصخ)؛ بنابراین به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «خ» می‌رسیم که جزو حروف مجاز است؛ بنابراین این حرف را به‌عنوان پیش مستحصله انتخاب می‌کنیم.

همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، چنانچه از حاصل جمع به حرف مجاز نرسد، از حاصل تفریق استفاده می‌شود و اگر به این ترتیب هم امکان انتخاب حرف وجود نداشت، مطابق با نظر جفار، امکان استفاده از مقدار بعد ابجدی یا جدولی به‌تنهایی وجود دارد.

- *در مثال ما تا به اینجا، حرف کاندید منسوب الیه، حرف «ت» و حرف پیش مستحصله «خ» می‌باشد.*

حالا مطابق با شروطی که ذکر شد بررسی می‌کنیم که آیا این پیش مستحصله قبول است یا خیر.

- اگر حرف حاصل با حرف اساس (حرف متناظر در سطر اساس) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است؛ در مثال، یکسان نیست.
- اگر حرف حاصل با حرف نظیره (حرف متناظر در سطر نظیره) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است؛ در مثال، یکسان نیست.
- اگر بعد ابجدی یا بعد جدولی صفر بود؛ پیش مستحصله موردقبول است؛ هیچ‌کدام صفر نیست (در مثال، بعد ابجدی: ۴، بعد جدولی: ۱۷)
- اگر به مقدار بعد ابجدی جدولی از حرف حاصل در انسغ شمرده شود (به سمت جلو یا خلاف توالی) و به حرف منسوب الیه رسید، پیش مستحصله موردقبول است.

با توجه به اینکه هیچ‌یک از شروط فوق برقرار نیست همان‌طور که اشاره شد بایستی تست انجام دهیم. برای انجام تست مستحصله عطاری، موارد زیر را در نظر بگیرید:

۱. طبع حرف منسوب الیه مشخص می‌شود (در مثال ما حرف «ت» که باد است).
۲. طبایع حروف ۴ حرفی ورودی نیز مشخص می‌شود (که قبلاً مشخص شده، «ن ت و»=باد، «س» = آب).
۳. حروفی که هم‌طبع حرف منسوب الیه هستند انتخاب می‌شود (حرف هم‌طبع «ن ت و» است).
۴. حرف حاصل به مقدار متناظرش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (ض=۲۶).
۵. اولین حرفی (از حروف هم‌طبع ۴ حرفی) که با حرف حاصل (ض) یکی نیست (ن) را انتخاب کرده و به مقدار متناظرش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (ن =۱۴).

۶. فاصله حرف حاصل در دایره ابجد وضعی با حرف هم‌طبع انتخاب شده از ۴ حرفی محاسبه می‌شود. به این ترتیب که از نفس حرف کوچک‌تر (حرفی که مقدار ابجد وضعی آن کوچک‌تر است) حرکت کرده تا به حرف بزرگ‌تر برسد؛۱+ ۱۲=۱۴-۲۶. دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود.

۷. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود (۳۴=۲۱+۱۳) و سپس طرح ۲۸ می‌شود تا محدود به دایره حروف شود (۶=۲۸-۳۴).

۸. به مقدار به دست آمده از طرح ۲۸ در مرحله قبل، در دایره انسغ حرکت کرده و بررسی می‌شود که آیا حرف به دست آمده با پیش مستحصله یکسان است یا خیر. شمارش و حرکت در دایره مطابق با نظر جفار می‌تواند، از الف انسغ یا حرف حاصل و از نفس حرف یا غیر نفس انجام شود. به این ترتیب که ابتدا مطابق شروط موردنظر به سمت جلو حرکت کرده و بررسی می‌کند که حرف به دست آمده با حرف مستحصله یکی است یا خیر، سپس به عقب حرکت کرده و حرف به دست آمده را بررسی می‌کند. چنانچه در هر یک از موارد ذکر شده به حرف پیش مستحصله رسید، موردقبول است.

در نرم‌افزار به‌طور پیش‌فرض شمارش از الف انسغ و مستحصله فقط از نفس انتخاب شده است. طبق صلاحدید جفار امکان تغییر پیش‌فرض و شمارش از حرف منسوب الیه در دایره انسغ وجود دارد (تصویر ۹–۲۰).

تصویر ۹–۲۰

همان‌طور که ذکر شد، پیش‌فرض شمارش از الف انسغ است، بنابراین از ابتدای دایره به مقدار ۶ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «م» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «خ» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ث» می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست.

۹. اگر در مرحله ۸ به مستحصله نرسد، روند کار از مرحله ۷ شروع می‌شود با این تفاوت که به‌جای استفاده از حاصل جمع مقدار فاصله جایگاهی بعد ابجدی جدولی، این بار از حاصل تفریق آن‌ها برای پیدا کردن حرف استفاده می‌شود ۸=۱۳-۲۱. به مقدار ۸ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم به حرف «ظ» می‌رسد که حرف پیش مستحصله نیست. با حرکت به عقب به حرف «ط» می‌رسد که باز هم حرف پیش مستحصله نیست.

۱۰.اگر تعداد حروف هم‌طبع، بیش از یک باشد، چنانچه با اولین حرف آن به مستحصله نرسد بایستی از حروف هم‌طبع استفاده شده و مراحل تست انجام شود. در مثال ما، سه حرف هم‌طبع «ن ت و» وجود دارد. با استفاده از حرف اول «ن» به مستحصله نرسیدیم، بایستی از حرف هم‌طبع بعدی «ت» استفاده کنیم.

فاصله حرف حاصل (ض) در دایره ابجد وضعی با حرف هم‌طبع انتخاب شده از ۴ حرفی (ت) محاسبه می‌شود. به این ترتیب که از نفس حرف کوچک‌تر (حرفی که مقدار ابجد وضعی آن کوچک‌تر است) حرکت کرده تا به حرف بزرگ‌تر برسد؛۱+ ۴=۲۶-۲۲. دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود (۲۶=۲۱+۵) و در صورت نیاز طرح ۲۸ می‌شود تا محدود به دایره حروف شود. به مقدار به دست آمده از طرح ۲۸، در دایره انسغ حرکت کرده و بررسی می‌شود که آیا حرف به دست آمده با پیش مستحصله یکسان است یا خیر. پیش‌فرض شمارش از الف انسغ است، بنابراین از ابتدای دایره به مقدار ۲۶ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ح» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «خ» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «غ»، می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست. با توجه به اینکه با استفاده از این حرف هم‌طبع هم به نتیجه نرسیدیم از حرف هم‌طبع بعدی استفاده می‌کنیم «و».

فاصله حرف حاصل در دایره ابجد وضعی با حرف هم‌طبع انتخاب شده از ۴ حرفی محاسبه می‌شود. به این ترتیب که از نفس حرف کوچک‌تر (حرفی که مقدار ابجد وضعی آن کوچک‌تر است) حرکت کرده تا به حرف بزرگ‌تر برسد؛۱+ ۲۰=۶-۲۶. دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود (۴۲=۲۱+۲۱) و سپس طرح ۲۸ می‌شود تا محدود به دایره حروف شود (۱۴=۲۸-۴۲). به مقدار به دست آمده از طرح ۲۸، در دایره انسغ حرکت کرده و بررسی می‌شود که آیا حرف به دست آمده با پیش مستحصله یکسان است یا خیر. پیش‌فرض شمارش از الف انسغ است، بنابراین از ابتدای دایره به مقدار ۱۴ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ک» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «خ» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ذ» می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست. با توجه به اینکه با استفاده از این حرف هم‌طبع هم به نتیجه نرسیدیم وارد مرحله بعدی تست می‌شویم.

۱۱. چنانچه در مرحله ۱۰-۹ هم حرف مستحصله پیدا نشود، به‌جای حرف حاصل از حرف منسوب الیه برای تست استفاده شده و کلیه مراحل ۹-۴ با استفاده از حرف منسوب الیه انجام می‌شود. چنانچه در هرکدام از مراحل به حرف مستحصله رسید موردقبول است. در مثال ما حرف منسوب الیه «ت» می‌باشد که مبنای محاسبات قرار می‌گیرد؛ ت= ۲۲. فاصله حرف ت و ن، ۱+ ۸=۲۲-۱۴، دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود (۳۰=۲۱+۹) و در صورت نیاز طرح می‌شود (۲=۲۸-۳۰). به مقدار ۲ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ن» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «خ» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ت» می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست. این بار از حاصل تفریق فاصله محاسبه شده و بعد جدولی استفاده می‌کنیم ۱۲=۹-۲۱. به مقدار ۱۲ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ض» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «خ» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ی» می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست. حرف هم‌طبع بعدی «ت» می‌باشد و چون همان حرف منسوب الیه است، استفاده نمی‌شود. به سراغ حرف هم‌طبع سوم می‌رویم «و». فاصله

حرف «ت» و «و»، ۱+ ۱۶=۶-۲۲، دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می¬شود بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود، ۳۸=۲۱+۱۷ و در صورت نیاز طرح می‌شود ۱۰=۲۸-۳۸. به مقدار ۱۰ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ل» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «خ» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «خ» می‌رسیم که همان حرف پیش مستحصله است؛ بنابراین، حرف پیش مستحصله «خ» را به‌عنوان مستحصله قبول می‌کنیم و به این ترتیب برای اولین حرف حاصل «ض»، دومین حرف منسوب الیه «ت» و دومین حرف مستحصله «خ» خواهد بود (تصویر ۹-۲۱).

سوال سطر 1	ی	ا	ا	ل	ل	ه	ن	ر	م	ا	ف	ز	ا	ر	ا	ب	ج	د	ب	ن	ج	د	ر	ج	ه	ب	ا	
	پ	ا	س	ت																								
1ـ اساس	ط	ا	ص	ا	د	ش	ی	ن	غ	ی	ن	د	ا	ل	ص	ا	د	ح	ا	م	ی	م	ق	ا	ف	د	ا	ل
2ـ نظیره	ث	س	د	س	ص	ز	خ	غ	ن	خ	غ	ص	س	ض	د	س	ص	ت	س	ظ	خ	ظ	ه	س	چ	ص	س	ض
3ـ نسبت اساس	9	9	9	4	12	3	5	5	1	5	20	4	3	3	9	4	4	8	4	4	4	4	1	8	4	4	3	3
4ـ نسبت نظیره	30	6	6	6	63	42	6	5	30	6	9	6	12	4	6	6	36	6	6	6	6	45	30	3	3	6	12	40
5 ـ تتمه اولی	21	3	3	2	51	39	1	10	29	1	11	2	9	1	3	2	32	2	2	2	2	41	29	5	1	2	9	37
6ـ حاصل اساس و نظیره	45	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24
7ـ حاصل دوم اساس و نظیره	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24	45
8 ـ تتمه ثانی	39	30	30	30	15	15	1	10	1	1	31	30	18	12	30	30	32	2	30	30	30	31	1	18	12	30	18	21
9 ـ تتمه تتمین	18	27	27	28	36	24	2	20	28	2	20	28	9	11	27	28	64	4	28	28	28	10	28	13	11	28	9	16
10ـ حاصل اعداد	ص	ظ	ظ	غ	ح	خ	ب	ر	غ	ب	ر	غ	ط	ک	ظ	غ	ح	د	غ	غ	غ	ی	غ	م	ک	غ	ط	ع
11ـ قوا	ظ	غ	ص	ا	ض	ذ	ک	ق	ظ	ک	ق	ق	ی	ی	ص	ا	ض	م	ا	ظ	ی	ط	ق	ن	ر	ق	ی	س
وقت سوال																												
4 حرفی	ن	س	ت	و																								
12 ـ حاصل	ض	ک	ذ	ک	خ	ر	ل	ی	ص	ل	ی	ف	ک	س	ذ	ک	خ	ق	ک	ذ	ک	ذ	ی	س	ع	ف	ک	ر
منسوب الیه	ض	س	ظ	س	ض	ص	ن	ی	ص	ن	ی	ق	س	س	ظ	س	ض	ق	س	ظ	س	ظ	ی	س	ص	س	س	ض
	ت	س	ظ	ز	ض	ص	ص	ی	ص	ص	ی	س	س	س	ظ	س	ض	س	ز	چ	ز	چ	ن	س	ص	س	س	ص
	ظ	س	چ	ن	ت	ص	ص	ن	ص	ص	ن	س	ز	س	چ	س	ت	س	ن	ق	ن	ق	ن	س	ص	س	ز	ص
	ظ	ز	ق	ص	ص	ص	ص	چ	ت	ص	ز	س	ن	س	ق	س	ص	س	ن	ض	ن	ض	ن	س	ص	ص	ن	ص
	ق	ن	ض	ص	ص	ص	ص	ظ	ن	ص	چ	س	ص	ق	ض	ز	ص	ض	ص	ض	ص	ض	ز	ص	ت	ص	ن	ص
	ض	ن	ض	ص	ص	ن	ص	ی	س	ص	ظ	ص	ص	ص	ض	ن	ص	ض	ص	ص	ص	ت	چ	ص	ن	ص	ن	ن
	ض	ص	ت	ص	ص	ن	ص	ض	س	ی	ی	ص	ص	ص	ت	ن	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ظ	ص	ن	ص	ص	ن
	ن	ص	ص	ی	ص	س	ی	ت	س	ی	ض	ص	ص	ص	ص	ص	س	ص	ص	ص	ص	ص	ی	ص	ی	ت	ص	ق
13 ـ مستحصله	ل	غ	م	و	ل	ق	ع	ی	ی	ع	ص	ق	غ	خ	ط	س	ذ	ر	س	ه	س	ه	ق	و	ظ	م	س	غ
	خ	س	ظ	ه	ذ	د	ق	ق	د	ط	ی	غ	س	س	ظ	و	غ	ن	ح	ذ	ه	ف	غ	ع	ی	ن	و	ط
	ط	ع	ا	ع	م	ط	ر	ث	ط	ت	ث	ن	ه	غ	ا	ع	خ	خ	ا	ی	ا	خ	س	ن	ت	س	ن	د
	ه	و	ق	ق	د	ت	د	چ	ش	ص	و	م	ع	ع	ه	غ	ف	س	ث	ل	ز	ظ	ع	ا	ق	ی	ع	ق
	ق	ز	ذ	ظ	ر	ص	ت	ظ	ه	د	ذ	س	ظ	ص	ذ	ش	د	ا	ظ	ظ	ی	ل	ن	ظ	د	ط	ث	ص
	ذ	ه	د	ت	ص	ن	ص	ل	خ	ق	ت	ی	ط	ی	غ	ث	ص	د	ط	ف	ظ	د	ذ	ف	ز	ق	ز	ه
	ظ	ق	ش	ر	ظ	س	ط	د	و	ک	خ	ظ	ت	ت	ص	ه	ط	ق	د	ط	ط	ق	ص	ی	ث	ر	ظ	ع
	غ	ر	ط	ص	ی	ا	ک	ش	م	ی	ظ	ف	ق	ظ	ت	ر	ا	ط	ی	ر	ص	ط	ث	ر	ص	ش	ی	ی
14ـ نظیره ابجدی	ض	ن	ظ	ر	ض	ه	ب	خ	خ	ب	د	ه	ن	ی	ث	ا	ک	و	ا	ق	ا	ق	ه	ر	م	ظ	ا	ن
	ی	ا	م	ق	ک	ص	ه	ه	ص	ث	خ	ن	ا	ا	م	ر	ن	غ	ت	ک	ق	چ	ن	ب	خ	غ	ر	ث
	ث	ب	س	ب	ظ	ث	و	ط	ث	ح	ط	غ	ق	ن	س	ب	ی	ی	س	خ	س	ی	ا	غ	ح	ا	غ	ص
	ق	ر	ه	ه	ص	ح	ص	ف	ز	د	ر	ظ	ب	ب	ق	ن	چ	ا	ط	ض	ش	م	ب	س	ه	خ	ب	ه
	ه	ش	ک	م	و	د	ح	م	ق	ص	ک	ا	م	د	ک	ز	ص	س	م	م	خ	ض	غ	م	ص	ث	ط	د
	ک	ق	ص	ح	د	غ	د	ض	ی	ه	ح	خ	ث	خ	ن	ط	د	ص	ث	چ	م	ص	ک	چ	ش	ه	ش	ق
	م	ه	ز	و	م	ا	ث	ص	ر	ذ	ی	م	ح	ح	د	ق	ث	ه	ص	ث	ث	ه	د	خ	ط	و	م	ب
	ن	و	ث	د	خ	س	ذ	ز	ظ	خ	م	چ	ه	م	ح	و	س	ث	خ	و	د	ث	ط	و	د	ز	خ	خ
15ـ موخر و صدر	ن	ض	ا	ن	ظ	ظ	م	ر	ر	ض	ه	ه	ق	ب	ا	خ	ق	خ	ا	ب	و	د	ک	ه	ا	ن	ث	ی
	ث	ی	ر	ا	غ	م	خ	ق	ب	ک	ن	ص	چ	ه	ق	ه	ک	ص	ت	ث	غ	خ	ن	ن	ر	ا	م	ا
	ص	ث	غ	ب	ا	س	ح	ب	غ	ظ	ا	ث	ی	و	س	ط	خ	ث	س	ح	ی	ط	ی	غ	ب	ق	س	ن
	ه	ق	ب	ر	خ	ه	ه	ه	س	ص	ب	ح	م	ص	ش	ف	ض	ز	ط	د	ا	ر	چ	ظ	ن	ب	ق	ب
	د	ه	ط	ش	ث	ک	ص	م	م	و	غ	د	ض	ح	خ	م	م	ق	م	ص	س	ک	ص	ا	ز	م	ک	د
	ق	ک	ش	ق	ه	ص	ش	ح	چ	د	ک	غ	ص	د	م	ض	چ	ی	ث	ه	ص	ح	د	خ	ط	ث	ن	خ
	ب	م	م	ه	و	ز	ط	و	خ	م	د	ا	ه	ث	ث	ص	ث	ر	ص	ذ	ه	ی	ث	م	ق	ح	د	ح
	خ	ن	خ	و	ز	ث	د	د	و	خ	ط	س	ث	ذ	د	ز	و	ظ	خ	خ	ث	م	س	چ	و	ه	ح	م

تصویر ۹–۲۱

چنانچه طی مراحل تست به حرف مستحصله نرسیم، بایستی به قسمت محاسبه بعد جدولی بازگردد و یک بعد جدولی دیگر محاسبه گردد و سپس باقی مراحل انجام شود. این کار تا جایی که هیچ بعد جدولی دیگری برای آن حرف پیدا نشود ادامه می‌یابد. چنانچه به این ترتیب هم به حرف پیش مستحصله نرسید و هیچ بعد جدولی دیگری نبود به یک مرحله قبل بازگشته و بعد ابجدی جدیدی را محاسبه می‌کند و مراحل را طی می‌کند. اگر به این ترتیب نیز به حرف پیش مستحصله نرسید، * انتخاب می‌شود.

تا به اینجا، دو منسوب الیه و دو مستحصله انتخاب شد، حالا بایستی برای بعد جدولی بعدی، منسوب الیه و پیش مستحصله محاسبه شود؛ یعنی همان‌طور که قبلاً هم توضیح داده شد، در هر مرحله، حرف منسوب الیه و مستحصله ذخیره شده و سپس برای همان حرف حاصل و آخرین منسوب الیهی که مشخص شده بود، دوباره محاسبه انجام می‌شود تا یک پیش مستحصله دیگر انتخاب شود. این تکرار به تعداد سطرهای مدنظر ما در خروجی مستحصله بستگی دارد، پیشنهاد ما همان‌طور که از خروجی نرم‌افزار نیز مشخص است، ۸ بار است. به این ترتیب ۸ سطر منسوب الیه و ۸ سطر مستحصله خواهیم داشت.

حرف کاندید منسوب الیه ما حرف «ت» بود. بایستی بعد جدولی بعدی را برای این حرف حساب کنیم. با توجه به اینکه این حرف فقط یک‌بار در سطر اساس و نظیره آمده است، پس امکان محاسبه بعد جدولی دیگری نیست؛ بنابراین بایستی یک مرحله به عقب بازگردیم و این بار بعد ابجدی جدیدی را برای حرف «ض» محاسبه کنیم.

مطابق با جدول ۹-۱۱، حروف مجاز متناظر حرف «ض»، «غبدخترذظاجثشقف» می‌باشد. پیش‌تر تا حرف «ت» پیش رفتیم که به‌عنوان منسوب الیه انتخاب شد؛ بنابراین از حرف ششم «ر» شروع کرده و بررسی می‌کنیم. این حرف در سطر اساس نظیره وجود ندارد. حرف بعدی «ذ» که باز هم در سطر اساس نظیره وجود ندارد. به سراغ حرف بعدی می‌رویم؛ «ظ». این حرف در سطر اساس نظیره وجود دارد و طبع آن آبی می‌باشد که هماهنگ با طبع‌های ۴ حرفی است؛ بنابراین حرف «ظ» به‌عنوان کاندید منسوب الیه انتخاب می‌شود.

- پس حرف کاندید منسوب الیه از حرف «ت» به «ظ» تغییر یافت و مطابق جدول ۹-۱۲، بعد ابجدی آن‌که هشتمین حرف است ۳ خواهد بود.

- با توجه به اینکه حرف کاندید منسوب الیه ما تغییر یافت، حالا بایستی محاسبه بعد جدولی و بعد ابجدی جدولی بر مبنای آن انجام شود.

سطر اساس و نظیره را بررسی می‌کنیم، حرف کاندید منسوب الیه «ظ» برای اولین بار به‌عنوان ۲۰ امین حرف در سطر نظیره آمده است، بنابراین بعد جدولی آن ۱۹ خواهد بود.

در این مرحله بعد ابجدی جدولی را محاسبه می‌کنیم، به مقدار حاصل جمع بعد ابجدی و جدولی (۲۲=۱۹+۳) از نفس حرف حاصل «ض» در دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ب» می‌رسیم. با توجه به جدول ۹-۱۳، این حرف، در بین حروف مجاز نیست (ظ، ضصغطظمتهذ)؛ بنابراین به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ق»، می‌رسیم که باز هم جزو حروف مجاز نیست. این بار از حاصل تفریق استفاده می‌کنیم (۱۶=۳-۱۹)، به مقدار ۱۶ از حرف حاصل به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ش» می‌رسیم که مجاز نیست. به مقدار ۱۶ به سمت خلاف عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ز» می‌رسیم که مجاز نیست.

با توجه به اینکه به‌طور پیش‌فرض، امکان استفاده از بعد ابجدی یا جدولی در این بخش وجود دارد و مثال ما هم مطابق با شرایط پیش‌فرض نرم‌افزار است، از مقدار بعد ابجدی (۳) استفاده کرده و به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ک» می‌رسیم که در بین حروف مجاز نیست (ظ، ضصغطظمتهذ). به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ل» می‌رسیم که باز هم مجاز نیست.

از بعد جدولی استفاده کرده و به مقدار ۱۹ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ن» می‌رسیم که در بین حروف مجاز نیست؛ بنابراین به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ط» می‌رسیم که در میان حروف مجاز قرار دارد؛ بنابراین این حرف را به‌عنوان پیش مستحصله انتخاب می‌کنیم.

- در مثال ما تا به اینجا، حرف کاندید منسوب الیه، حرف «ظ» و حرف پیش مستحصله «ط» می‌باشد.

حالا مطابق با شروطی که ذکر شد بررسی می‌کنیم که آیا این پیش مستحصله قبول است یا خیر.

- اگر حرف حاصل با حرف اساس (حرف متناظر در سطر اساس) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است؛ در مثال، یکسان نیست.

- اگر حرف حاصل با حرف نظیره (حرف متناظر در سطر نظیره) یکی بود، پیش مستحصله موردقبول است؛ در مثال، یکسان نیست.
- اگر بعد ابجدی یا بعد جدولی صفر بود؛ پیش مستحصله موردقبول است؛ هیچ‌کدام صفر نیست (در مثال، بعد ابجدی: ۳، بعد جدولی: ۱۹)
- اگر به مقدار بعد ابجدی جدولی از حرف حاصل در انسغ شمرده شود (به سمت جلو یا خلاف توالی) و به حرف منسوب الیه رسید، پیش مستحصله موردقبول است. در دایره انسغ به مقدار ۲۲ (بعد ابجدی جدولی) از حرف حاصل به سمت جلو به حرف
- «ب» می‌رسد و به سمت خلاف توالی به حرف «ق» می‌رسد که هیچ‌کدام حرف منسوب الیه نیستند.

با توجه به اینکه هیچ‌یک از شروط فوق برقرار نیست همان‌طور که اشاره شد بایستی تست انجام دهیم. برای انجام تست مستحصله عطاری، مشابه آنچه در صفحات قبل هم به‌طور کامل توضیح داده شد، مراحل زیر را در نظر بگیرید:

۱. طبع حرف منسوب الیه مشخص می‌شود (در مثال ما حرف «ظ» که آب است).
۲. طبایع حروف ۴ حرفی ورودی نیز مشخص می‌شود (که قبلاً مشخص شده، «ن ت و»=باد، «س» = آب).
۳. حروفی که هم‌طبع حرف منسوب الیه هستند انتخاب می‌شود (حرف هم‌طبع «س» است).
۴. حرف حاصل به مقدار متناظرش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (ض=۲۶).
۵. اولین حرفی (از حروف هم‌طبع ۴ حرفی) که با حرف حاصل (ض) یکی نیست (س) را انتخاب کرده و به مقدار متناظرش در توالی ابجد وضعی تبدیل می‌شود (س =۱۵).
۶. فاصله حرف حاصل در دایره ابجد وضعی با حرف هم‌طبع انتخاب شده از ۴ حرفی محاسبه می‌شود. به این ترتیب که از نفس حرف کوچک‌تر (حرفی که مقدار ابجد وضعی آن کوچک‌تر است) حرکت کرده تا به حرف بزرگ‌تر برسد؛۱+ ۱۱=۱۵-۲۶. دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود.
۷. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود (۳۱=۱۹+۱۲) و سپس طرح ۲۸ می‌شود تا محدود به دایره حروف شود (۳=۲۸-۳۱). همان‌طور که در صفحه قبل آورده شد، در

محاسبه بعد ابجدی جدولی، پس از طی کلیه مراحل استفاده از مقدار بعد جدولی ۱۹، مطابق با پیش‌فرض، منجر به انتخاب حرف مجاز گردید، بنابراین بعد ابجدی جدولی ۱۹ می‌باشد.

۸. به مقدار به دست آمده از طرح ۲۸ در مرحله قبل، در دایره انسغ حرکت کرده و بررسی می‌شود که آیا حرف به دست آمده با پیش مستحصله یکسان است یا خیر. شمارش و حرکت در دایره مطابق با نظر جفار می‌تواند، از الف انسغ یا حرف حاصل و از نفس حرف یا غیر نفس انجام شود. به این ترتیب که ابتدا مطابق شروط موردنظر به سمت جلو حرکت کرده و بررسی می‌کند که حرف به دست آمده با حرف مستحصله یکی است یا خیر، سپس به عقب حرکت کرده و حرف به دست آمده را بررسی می‌کند. چنانچه در هر یک از موارد ذکر شده به حرف پیش مستحصله رسید، موردقبول است.
همان‌طور که ذکر شد، پیش‌فرض شمارش از الف انسغ است، بنابراین از ابتدای دایره به مقدار ۳ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «س» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ش»، می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست.

۹. اگر در مرحله ۸ به مستحصله نرسد، روند کار از مرحله ۷ شروع می‌شود با این تفاوت که به‌جای استفاده از حاصل جمع مقدار فاصله و بعد ابجدی جدولی، این بار از حاصل تفریق آن‌ها برای پیدا کردن حرف استفاده می‌شود ۷=۱۲-۱۹. به مقدار ۷ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم به حرف «ع» می‌رسد که حرف پیش مستحصله نیست. با حرکت به عقب به حرف «ر» می‌رسد که حرف پیش مستحصله نیست.

۱۰. اگر تعداد حروف هم‌طبع، بیش از یک باشد، چنانچه با اولین حرف آن به مستحصله نرسد بایستی از حروف هم‌طبع استفاده شده و مراحل تست انجام شود. در مثال ما، سه حرف هم‌طبع «ن ت و» وجود دارد. با استفاده از حرف اول «ن» به مستحصله نرسیدیم، بایستی از حرف هم‌طبع بعدی «ت» استفاده کنیم. فاصله حرف حاصل (ض) در دایره ابجد وضعی با حرف هم‌طبع انتخاب شده از ۴ حرفی (ت) محاسبه می‌شود. به این ترتیب که از نفس حرف کوچک‌تر (حرفی که مقدار ابجد وضعی آن کوچک‌تر است) حرکت کرده تا به حرف بزرگ‌تر برسد؛۱+ ۴=۲۶-۲۲. دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود. این فاصله با بعد

ابجدی جدولی جمع می‌شود (۲۴=۱۹+۵) و در صورت نیاز طرح ۲۸ می‌شود تا محدود به دایره حروف شود. به مقدار به دست آمده از طرح ۲۸، در دایره انسغ حرکت کرده و بررسی می‌شود که آیا حرف به دست آمده با پیش مستحصله یکسان است یا خیر. پیش‌فرض شمارش از الف انسغ است، بنابراین از ابتدای دایره به مقدار ۲۴ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ث» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «م»، می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست. این بار از حاصل تفریق فاصله محاسبه شده و بعد جدولی استفاده می‌کنیم ۱۴=۵-۱۹. به مقدار ۱۴ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ک» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ذ» می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست. با توجه به اینکه با استفاده از این حرف هم‌طبع هم به نتیجه نرسیدیم از حرف هم‌طبع بعدی استفاده می‌کنیم «و». فاصله حرف حاصل در دایره ابجد وضعی با حرف هم‌طبع انتخاب شده از ۴ حرفی محاسبه می‌شود. به این ترتیب که از نفس حرف کوچک‌تر (حرفی که مقدار ابجد وضعی آن کوچک‌تر است) حرکت کرده تا به حرف بزرگ‌تر برسد؛۱+ ۲۰=۶-۲۶. دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود (۴۰=۱۹+۲۱) و سپس طرح ۲۸ می‌شود تا محدود به دایره حروف شود (۱۲=۲۸-۴۰). به مقدار به دست آمده از طرح ۲۸، در دایره انسغ حرکت کرده و بررسی می‌شود که آیا حرف به دست آمده با پیش مستحصله یکسان است یا خیر. پیش‌فرض شمارش از الف انسغ است، بنابراین از ابتدای دایره به مقدار ۱۲ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ض» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ی» می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست. با توجه به اینکه با استفاده از این حرف هم‌طبع هم به نتیجه نرسیدیم وارد مرحله بعدی تست می‌شویم.

۱۱. چنانچه در مرحله ۱۰-۹ هم حرف مستحصله پیدا نشود، به‌جای حرف حاصل از حرف منسوب الیه برای تست استفاده شده و کلیه مراحل با استفاده از حرف منسوب الیه انجام می‌شود. چنانچه در هرکدام از مراحل به حرف مستحصله رسید موردقبول است. در مثال ما حرف منسوب الیه «ظ» می‌باشد که مبنای محاسبات قرار می‌گیرد؛ ظ= ۲۷.

فاصله حرف ظ و ن، ۱+ ۱۳=۲۷-۱۴، دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود، بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود (۳۳=۱۹+۱۴) و در صورت نیاز طرح می‌شود (۵=۲۸-۳۳). به مقدار ۵ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ب» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ز» می-رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست. این بار از حاصل تفریق فاصله محاسبه شده و بعد ابجدی جدولی استفاده می‌کنیم ۵=۱۴-۱۹. به مقدار ۵ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ب» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ز» می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست. حرف هم‌طبع بعدی «ت» می‌باشد.

فاصله حرف ظ و ت، ۱+ ۵=۲۲-۲۷، دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود، بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود (۲۵=۱۹+۶) و در صورت نیاز طرح می‌شود. به مقدار ۲۵ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ز» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ب» می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست. این بار از حاصل تفریق فاصله محاسبه شده و بعد ابجدی جدولی استفاده می‌کنیم ۱۳=۶-۱۹. به مقدار ۱۳ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «د» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ه» می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست.

به سراغ حرف هم‌طبع سوم می‌رویم «و». فاصله حرف «ظ» و «و»، ۱+ ۲۱=۶-۲۷، دقت داشته باشید که شمارش از خود حرف کوچک‌تر شروع می‌شود بنابراین حاصل تفریق با عدد ۱ جمع می‌شود. این فاصله با بعد ابجدی جدولی جمع می‌شود،۴۲=۲۲+۱۹ و در صورت نیاز طرح می‌شود ۱۴=۲۸-۴۲. به مقدار ۱۴ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ک» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ذ» می‌رسیم که پیش مستحصله نیست. این بار از حاصل تفریق فاصله محاسبه شده و بعد ابجدی جدولی استفاده می‌کنیم ۳=۱۹-۲۲.

به مقدار ۳ از ابتدای دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «س» می‌رسد که حرف پیش مستحصله «ط» نیست. به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ش» می‌رسیم که باز هم با حرف پیش مستحصله یکسان نیست.

اگر طی مراحل فوق به حرف مستحصله نرسد، بایستی به قسمت محاسبه بعد جدولی بازگردد و یک بعد جدولی دیگر محاسبه کند و سپس مراحل را ادامه دهد؛ و این کار تا جایی که هیچ بعد جدولی دیگری برای آن حرف پیدا نکند ادامه می‌یابد. چنانچه به این ترتیب هم به حرف پیش مستحصله نرسید و هیچ بعد جدولی دیگری نبود به یک مرحله قبل بازگشته و بعد ابجدی جدیدی را محاسبه می‌کند و مراحل را طی می‌کند. اگر به این ترتیب نیز به حرف پیش مستحصله نرسید، * انتخاب می‌شود.

در مثال ما حرف کاندید منسوب الیه «ظ»، برای بار دوم در سطر نظیره ۲۲ امین حرف است؛ بنابراین بعد جدولی آن ۲۱ خواهد بود؛ فاصله اولین حرف حاصل و ۲۲ امین حرف.

در این مرحله بعد ابجدی جدولی را محاسبه می‌کنیم، به مقدار حاصل جمع بعد ابجدی و جدولی (۲۴=۲۱+۳) از نفس حرف حاصل «ض» در دایره انسغ به جلو حرکت می‌کنیم، به حرف «ع» می‌رسیم. با توجه به جدول ۹-۱۳، این حرف، در بین حروف مجاز نیست (ظ، ضصغطظمتهذ)؛ بنابراین به سمت عقب حرکت می‌کنیم، به حرف «ه» می‌رسیم که جزو حروف مجاز است؛ بنابراین این حرف را به‌عنوان پیش مستحصله انتخاب می‌کنیم.

- *در مثال ما تا به اینجا، حرف کاندید منسوب الیه، حرف «ظ» و حرف پیش مستحصله «ه» می‌باشد.*

برای حرف پیش مستحصله جدید، شروط را بررسی می‌کنیم و چنانچه هرکدام برقرار باشد، آن را می‌پذیریم در غیر این صورت وارد مرحله تست می‌شویم. مطابق شروطی که در صفحه ۲۱۶ آمد، ۳ شرط اول برقرار نیست. شرط ۴ ام را بررسی می‌کنیم. به مقدار بعد ابجدی جدولی (۲۴) از حرف حاصل در دایره انسغ حرکت می‌کنیم، به حرف کاندید منسوب الیه «ظ» می‌رسیم؛ بنابراین، برای اولین حرف حاصل «ض»، سومین حرف منسوب الیه «ظ» و سومین حرف مستحصله «ه» خواهد بود (تصویر ۹-۲۲).

سوال سطر 1	ی	ا	ا	ل	ل	ه	ن	ر	م	ا	ف	ز	ا	ر	ا	ب	ج	د	ب	ن	ج	د	ر	ج	ه	ب	ا	
	ب	ا	س	ت																								
1ـ اساس	ط	ا	ص	ا	د	ش	ی	ن	غ	ی	ن	د	ا	ل	ص	ا	د	ح	ا	م	ی	م	ق	ا	ف	د	ا	ل
2ـ نظیره	ث	س	د	س	ص	ز	خ	غ	ن	خ	غ	ص	س	ض	د	س	ص	ت	س	ظ	خ	ظ	ه	س	چ	ص	س	ض
3ـ نسبت اساس	9	9	9	4	12	3	5	5	1	5	20	4	3	3	9	4	4	8	4	4	4	4	1	8	4	4	3	3
4ـ نسبت نظیره	30	6	6	6	63	42	6	5	30	6	9	6	12	4	6	6	36	6	6	6	6	45	30	3	3	6	12	40
5 ـ تتمه اولی	21	3	3	2	51	39	1	10	29	1	11	2	9	1	3	2	32	2	2	2	2	41	29	5	1	2	9	37
6ـ حاصل اساس و نظیره	45	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24
7ـ حاصل دوم اساس و نظیره	6	36	6	36	21	6	5	5	6	5	36	6	24	36	6	36	4	6	36	6	36	5	6	24	36	6	24	45
8 ـ تتمه ثانی	39	30	30	30	15	15	1	10	1	1	31	30	18	12	30	30	32	2	30	30	30	31	1	18	12	30	18	21
9 ـ تتمه تتمین	18	27	27	28	36	24	2	20	28	2	20	28	9	11	27	28	64	4	28	28	28	10	28	13	11	28	9	16
10ـ حاصل اعداد	ص	ظ	ظ	غ	ح	خ	ب	ر	غ	ب	ر	غ	ط	ک	ظ	غ	ح	د	غ	غ	غ	ی	غ	م	ک	غ	ط	ع
11ـ قوا	ظ	غ	ص	ا	ض	ذ	ک	ق	ظ	ک	ق	ق	ی	ی	ص	ا	ض	م	ا	ظ	ی	ط	ق	ن	ر	ق	ی	س
وقت سوال																												
4 حرفی	ن	س	ت	و																								
12 ـ حاصل	ض	ک	ذ	ک	خ	ر	ل	ی	ص	ل	ی	ف	ک	س	ذ	ک	خ	ق	ک	ذ	ک	ذ	ی	س	ع	ف	ک	ر
منسوب الیه	ض	س	ظ	س	ض	ت	ن	ی	ص	ن	ی	ق	س	س	ظ	س	ض	ق	س	ظ	س	ظ	ی	س	ت	س	س	ت
	ت	س	ظ	س	ض	ص	ص	ی	ص	ص	ی	س	س	س	ظ	س	ض	س	س	چ	س	چ	ن	س	ن	س	س	ص
	ظ	س	چ	س	ت	ن	ص	ن	ص	ص	ن	س	س	س	چ	س	ت	س	س	ق	س	ق	ن	س	ن	س	س	ن
	ق	س	ق	س	ص	ن	س	چ	ت	ی	ن	س	س	س	ق	س	ص	س	س	ض	ز	ض	ن	س	ن	س	س	ن
	ض	ز	ض	ز	ص	س	س	ظ	ن	س	ز	س	ز	ق	ض	س	ص	س	ز	ض	ن	ض	چ	ص	س	س	س	ق
	ن	ن	ض	ن	ص	س	س	ض	س	س	چ	س	ن	ص	ض	ز	ص	س	ن	ت	ن	ت	ض	ص	س	ص	ز	س
	ن	ص	ت	ص	ص	س	س	ت	س	س	ظ	ص	ص	ص	س	ن	ص	ض	ن	ص	ن	س	ت	ص	س	ص	ن	س
	ن	ی	ص	ی	ص	س	س	ص	س	س	ت	ص	ص	ص	س	ن	س	ص	ص	س	ص	س	س	ص	ز	ت	ن	س
13 ـ مستحصله	ل	خ	م	ن	ح	ظ	ع	ی	ی	ع	ص	ق	خ	خ	ه	س	ذ	ر	م	ه	خ	ه	ق	و	د	غ	م	م
	خ	س	ظ	ا	ذ	ص	ص	ق	د	ط	ی	غ	ن	س	ظ	ا	غ	ن	غ	ذ	م	ف	غ	ع	ز	م	غ	ص
	ه	م	ا	غ	م	ن	ط	ث	ط	ص	ث	خ	غ	غ	ا	خ	خ	غ	خ	ی	س	خ	س	ن	ث	و	س	ه
	ق	ع	ق	خ	د	س	ا	چ	ش	ی	ه	م	س	ع	ف	و	د	خ	س	ل	ه	ظ	ع	ا	م	خ	خ	ع
	ظ	ه	ذ	ه	ر	ا	س	ظ	ه	م	ک	س	ه	ص	ذ	غ	ر	و	ن	ظ	ا	ل	ذ	ظ	ن	س	و	ی
	غ	ز	د	ع	ص	و	خ	د	خ	خ	ذ	ن	ع	ی	غ	ه	ص	س	ا	خ	ن	د	ح	ف	ع	ی	ن	ا
	س	ق	ش	ق	ظ	غ	م	ش	و	س	ت	ی	ص	ت	ن	ث	ط	د	ث	ف	ز	و	خ	ی	ا	ط	ع	و
	ع	ی	ط	ی	ط	ع	غ	ص	ع	ن	ح	ظ	ق	ظ	خ	ع	م	ط	د	ا	ق	ا	و	ر	ه	ش	ث	س
14ـ نظیره ابجدی	ض	ی	ظ	غ	ت	م	ب	خ	خ	ب	د	ه	ی	ی	ق	ا	ک	و	ظ	ق	ی	ق	ه	ر	ص	ن	ظ	ظ
	ی	ا	م	س	ک	د	د	ه	ص	ث	خ	ن	غ	ا	م	س	ن	غ	ن	ک	ظ	چ	ن	ب	ش	ظ	ن	د
	ق	ظ	س	ن	ظ	غ	ث	ط	ث	د	ط	ی	ن	ن	س	ی	ی	ن	ی	خ	ا	ی	ا	غ	ط	ر	ا	ق
	ه	ب	ه	ی	ص	ا	س	ف	ز	خ	ق	ظ	ا	ب	چ	ر	ص	ی	ا	ض	ق	م	ب	س	ظ	ی	ی	ب
	م	ق	ک	ق	و	س	ا	م	ق	ظ	ذ	ا	ق	د	ک	ن	و	ر	غ	م	س	ض	ک	م	غ	ا	ر	خ
	ن	ش	ص	ب	د	ر	ی	ص	ی	ی	ک	غ	ب	خ	ن	ق	د	ا	س	ی	غ	ص	ت	چ	ب	خ	غ	س
	ا	ه	ز	ه	م	ن	ظ	ز	ر	ا	ح	خ	د	ح	غ	ط	ث	ص	ط	چ	ش	ر	ی	خ	س	ث	ب	ر
	ب	خ	ث	خ	ث	ب	ن	د	ب	غ	ت	م	ه	م	ی	ب	ظ	ث	ص	س	ه	س	ر	و	ق	ز	ط	ا
15ـ موخر و صدر	ظ	ض	ظ	ی	ن	ظ	ص	غ	ر	ت	ه	م	ق	ب	ی	خ	ق	خ	ظ	ب	و	د	ک	ه	ا	ی	ق	ی
	د	ی	ن	ا	ظ	م	ش	س	ب	ک	ن	د	چ	د	ظ	ه	ک	ص	ن	ث	غ	خ	ن	ن	س	غ	م	ا
	ق	ق	ا	ظ	ر	س	ط	ن	غ	ظ	ا	غ	ی	ث	ا	ط	خ	ث	ی	د	ن	ط	ی	ی	ی	ن	س	ن
	ب	ه	ی	ب	ی	ه	ظ	ی	س	ص	ب	ا	م	س	ق	ف	ض	ز	ا	خ	ی	ق	ص	ظ	ر	ا	چ	ب
	خ	م	ر	ق	ا	ک	غ	ق	م	و	ک	س	ض	ا	س	م	م	ق	غ	ظ	ر	ذ	و	ا	ن	ق	ک	د
	س	ن	غ	ش	خ	ص	ب	ب	چ	د	ت	ر	ص	ی	غ	ص	ی	ی	س	ی	ا	ک	د	غ	ق	ب	ن	خ
	ر	ا	ب	ه	ث	ز	س	ه	خ	م	ی	ن	ر	ظ	ش	ز	چ	ر	ط	ا	ص	ح	ث	خ	ط	د	غ	ح
	ا	ب	ط	خ	ز	ث	ق	خ	و	ث	ر	ب	س	ن	ه	د	س	ب	ص	غ	ث	ت	ظ	م	ب	ه	ی	م

تصویر ۹–۲۲

همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، در هر مرحله به حرف پیش مستحصله برسد، حرف منسوب الیه و حرف پیش مستحصله ذخیره می‌شود و سپس یک بعد جدولی دیگر گرفته می‌شود- یعنی برای همان حرف حاصل و آخرین منسوبی که مشخص شده بود دوباره محاسبه می‌شود تا یک پیش مستحصله دیگر انتخاب شود. این تکرار به تعداد سطرهای مدنظر ما در

خروجی مستحصله بستگی دارد، ما پیشنهاد نهایت ۸ سطر را می‌کنیم. با توجه به تعداد تکرارهای پیشنهاد شده در مرحله قبل، ۸ سطر منسوب و ۸ سطر مستحصله شکل می‌گیرد به‌طوری‌که حروف منسوب و مستحصله مربوط به هر حرف حاصل، در ستون همان حرف و زیر آن قرار می‌گیرد. در مثالی که ارائه شد، ۳ بار این محاسبه انجام شد.

پس از مستحصله، دو سطر پایانی به شرح ذیل انجام می‌شود.

سطر ۱۴: در این مرحله از هر یک از سطرهای مستحصله، نظیره ابجدی گرفته می‌شود و به این ترتیب ۸ سطر نیز نظیره خواهیم داشت.

سطر ۱۵: در آخرین مرحله، هر یک از سطرهای نظیره ابجدی، تکسیر مؤخر و صدر می‌شود.

در ادامه چند نمونه سؤال دیگر که به روش پانزده سطری پاسخ داده شده‌اند آورده شده است. دقت داشته باشید که در مثال مطرح‌شده در بالا، جهت حفظ یکدستی از یک ۴ حرفی ثابت استفاده گردید و همچنین مطابق با شرایط پیش‌فرض نرم‌افزار محاسبات انجام شد. در نمونه‌های ذیل، مطابق صلاحدید جفار، از گزینه‌های مختلف موجود در نرم‌افزار جهت به دست آوردن پاسخ استفاده شده است. در سؤال اول، برای آزمون مستحصله، شمارش در دایره انسغ از حرف منسوب الیه آغاز شده است. در سؤال دوم، حروف به دست آمده بدون آزمون به‌عنوان مستحصله پذیرفته شده‌اند.

تصویر ۹–۲۳

تصویر ۹–۲۴

منابع

۱. فرهنگ معارف اسلامی تالیف دکتر سید جعفر سجادی استاد دانشگاه تهران
۲. لوح محفوظ سید ابوالحسن حافظیان
۳. الجفر سیدنا علی ابن ابیطالب اسرار الهاء فی الجفر
٤. الجفر و سر اسم الله الاعظم لامام علی ابن ابیطالب
۵. کشکول حبیب بن موسی الرضا افشاری ارومیه ای
٦. خزائن الاسرار تالیف حاج میرزا ایوب صادقی نژاد
۷. مجمع العلوم و الحروف سید محمد تقی مقدم
۸. بحر الغرائب ثقة الاسلام شیخ محمد هروی
۹. رساله جفر اسد الله زنجانی
۱۰.رساله حروفیه خواجه صابر الدین
۱۱.جفر کبیر اقا مروجی کرمانی
۱۲.الکواکب الدریه در جفر و نجوم
۱۳.علم حروف حایری یزدی
۱٤.جفر زنجانی
۱۵.جواهر الاسرار محمود دهدار
۱٦.مصباح الاستخراج اکبر ابادی در سوال و جواب
۱۷.نفائس الفنون املی
۱۸.هزار یک کلمه حسن زاده املی
۱۹.ذخیره سید حسین اخلاطی
۲۰.رساله جفر حاج محمد کریم خان کرمانی
۲۱.استخراج جفری منظوم خواجه نصیر
۲۲.جفر الاسود الامام الصادق
۲۳.جفر سالم ابن احمد

۲٤.سجنجل الاسما محمود دهدار
۲٥.کنز الرموز
۲٦.مفتاح الاستخراج
۲۷.ذخائر الاسمااخلاطی
۲۸.رموز الغرائب اخلاطی
۲۹.کشکول محمد عطاری
۳۰.کلیات جفر محمد عطاری
۳۱.جواهر مکنونه محمد عطاری
۳۲.اختیار الایام مجلسی محمد باقر بن محمد تقی
۳۳.شرح اجمالی علم جفر نصر بروجردی
۳٤.سفر جفر سید حسین اخلاطی به تصحیح زهیر طیب
۳٥.بحر العلوم جفریه شیخ بهایی محمد ابن حسین
۳٦.جفر منسوب به علی ابن ابیطالب
۳۷.جفر جامع محمد باقر ابن ابوالحسن ملقب به معجزا
۳۸.دایره خواجه نصیر الدین طوسی
۳۹.رساله در جفر بهاء الدین محمد بن حسین عاملی مشهور به شیخ بهایی
٤۰.مجمع النظایر شیخ بهایی
٤۱.شجرة النعمانیه فی الدولة العثمانیه محی الدین عربی
٤۲.رساله فی العمل بنصف الدایره العمل فی المیقات سید عبدالعزیز محمد وفایی
٤۳.رساله فی بیان معرفة الدایره الهندیه سید ملکان
٤٤.مداخل در علم جفر محی الدین عربی
٤٥.جفر الجامع و النور اللامع مفتاح الاستخراج به خط جواد بن عبد الغنی جهرمی مولف محمود دهدار
٤٦.زبد اللواح دهدار
٤۷.حافظ الاسرار سید ابوالحسن حافظیان
٤۸.رساله در علم حروف بونی
٤۹.رموز الغرائب سید حسین اخلاطی

٥٠.اسرار الرموز شیخ عطار بن شیخ احمد بخاری
٥١.اسرار الجفر ابو صالح معین الدین محمد منعم
٥٢.جفر مرتضوی
٥٣.جفر صدیقی
٥٤.جفر میر جهانی

از زمانهای قدیم، علما و دانشمندان مشتاق زیادی سعی بر رمزگشایی از این علم کرده‌اند، و ماحصل تلاش های آنان جزوات و کتابهای اغلب خطی با متونی ثقیل و رمزگونه است که هم اکنون در بسیاری از کتابخانه های مهم ایران و جهان نگهداری میگردد. ماهیت پیچیده و رمزالود این علم شریف از یک سو، سختی و پیچیدگی متون تحقیقاتی این حوزه از سوی دیگر، و همچنین مشکلات ناشی از اشتباهات سهوی و گاه عمدی در نسخه برداری این متون، همواره مانع بزرگی برای محققان این حوزه بوده است. ما در این کتاب سعی کردیم، تا حد ممکن این اشتباهات را یافته و با نثری روان و امروزی، قواعد و فرمولهای به جا مانده را ثبت و در دسترس شما خوانندگان گرامی قرار دهیم؛ به امید اینکه راه را برای محققان واقعی و علاقه مندان این علم شریف هموار کرده باشیم.

جفرنس

آموزش اصول جفر

مبتدی تا پیشرفته

تالیف و گردآوری

امید مریدی

سید حمید درخشان